استاد و تصویر اروپائیان از ایران
از اوائل قرون وسطی تا آخر قرن هیجدهم
دکتر غلامعلی همایون
جلد دوم

انتشارات دانشگاه تهران

شمارهٔ ۱۲۲۲/۲

گنجینهٔ تحقیقات ایرانی

شماره ۵۵-۲

تهران ۱۳۴۸

کتابخانه تخصصی
تاریخ اسلام و ایران

اسناد مصوّر از رُوپائیان از ایران

از اوائل قرون وسطی تا اواخر قرن هیجدهم

جلد دوم

تألیف

غلامعلی همایون

استادیار دانشگاه تهران

شمارهٔ مسلسل ۱۴۵۴

چاپ وصحافی این کتاب در یکهزار و پانصد نسخه در اسفند ماه ۱۳۴۸
درچاپخانهٔ سازمان چاپ دانشگاه تهران خاتمه پذیرفت

حق طبع این کتاب تا سه سال در انحصاردانشگاه است
و مسئولیت صحت مطالب آن با مؤلف میباشد

بها : ۱۲۰ ریال

فهرست مندرجات

قسمت اول

تجزیه وتحلیل علمی تصاویر

خصوصیات تصاویر	۱ تا ۱۰
مناظر شهرها	۱۱ تا ۳۰
بناهای هنری شهری	۳۱ تا ۸۳
مناظر	۸٤ تا ۹۸
پرتره‌ها	۹۹ تا ۱۱۵
سفرای اروپائی در دربار ایران	۱۱٦تا ۱۲٤
مراسم	۱۲۵تا ۱۳۵
مجازات و غیره	۱۳٦تا ۱۳۹

قسمت دوم

سفرنامه‌ها وکتبی که درباره ایران اوائل قرون وسطی تا اواخرقرن هیجدهم اطلاعات جامعی دربردارد ۱٤۳تا ۱۹۰

شرح تصاویر	۱۹۱تا۲۰۱
فهرست اسامی درمتن توضیحات	۲۰۲تا ۲۰۵
تصاویر	۲۰٦تا ۲۱۱

قسمت اول

تجزیه و تحلیل علمی تصاویر

خصوصیات تصاویر

بطور کلی مصور نمودن کتب ، در قرن ۱۵ میلادی ، در تمام اروپا پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نمود زیرا که اختراع فن چاپ با یک ضربت، تمام محدودیت‌های قرون وسطائی را درهم شکست و دروازه‌ای بزرگ از سرعت عمل به‌روی کارهای علمی گشود.

کتابهای خطی را علما از زیر تودهٔ خاك بیرون کشیدند و ثمرهٔ اندیشه‌های تابناك بشری و تمدنهای تغییر یافته را که در آنان منعکس بود ، به‌بشریت نشان داده چشمها را خیره و مبهوت ساختند.

کشف گوتنبرگ تنها برای تاریخ تمدن مهم نبود بلکه یکی از اساسی علل پیشرفت تاریخ هنر نیز بود. چاپ کتاب بخصوص برای هستی هنر کنده کاری بسیار مهم بود.

چند دهه بیشتر طول نکشید که صنعت چاپ هنر کنده کاری را از صورت بسیار ابتدائی بسوی تکامل بسط و توسعه داد و آن را قادر ساخت که کتابها را باتصویر زنده ، گویا و باارزش سازد تا پژوهندگان وادی دانش و هنر وتحقیق را راهنمای مفید واقع شده چون چراغ فراراه آنان قرار گیرد .

ابتدا اغلب هنرمندان بزرگ از مصور نمودن کتب ، کناره ـ گیری کرده و آنرا به هنرمندان معمولی واگذار نمودند ، بدین مناسبت کنده کاری اولیه بسیار ساده بود. بعدها درحدود اوائل قرن شانزدهم بود که درآلمان هنرمندان بزرگی مانند آلبرشت دورر (Albrecht Dürer)،

بورکمایر(Burckmeir) وکرناخ (Cranach) به هنرکنده کاری پرداختند وآنرا بسط وتوسعه فراوانی دادند.

مصور ساختن کتب بتدریج از دست صنعتگران خارج شده تحت نظر هنرمندان حقیقی انجام شد و بعکس قرن پانزده درقرن شانزدهم ملاحظه میکنیم که بطورکلی اغلب کتب بدست هنرمندان نامی مصور شده است(۱).

درقرن شانزدهم نمایش پیکرها نقش بزرگی را بعهده داشت.

دراین موقع که صنعت چاپ بسط و توسعه می‌یافت ، تصاویر کتابهای گوناگونی که راجع به ایران نگاشته شده بود ، وسیلهٔ اصلی آگاهی اروپائیان راجع به مسائل مربوط به‌ایران بود چون که تصاویر گویا و مبین، حتی برای افراد کاملاً بیسواد ، مسئله را روشن و آشکار مینماید.

هرقدر کتبی تألیف میگردید که تصاویر آن بیشترجنبه آموختنی داشت ، تا تزئینی ، بهمان اندازه بیشتر مورد توجه واقع میشد.

مصور نمودن کتب دوهدف داشت یکی هدف آموختنی دیگری هدف تزئینی. آن دسته از تصاویرتزئینی بود که موضوعی را بطورعموم نمایش میداد(۲).

اما باآوردن ردیفی از تصاویر منظور مؤلفین آن بود که نه‌تنها موضوعی را بیان کنند ، بلکه آن را نیز نمایش دهند(۳) زیرا آنچه که هنر ایلوستراتیو (Illustrative) را از هنر آزاد متمایز میسازد ، تبعیت آن از متن است. این تبعیت ازمتن خصوصیت اصلی تمام تصاویر ایلوستراتیوی را تشکیل میدهد(٤).

کارهای علمی نه تنها می‌بایستی از لحاظ متن از انواع دیگری همچون رمان متمایز باشد بلکه از نظر تصویر نیز این چنین تفاوتی لازم است.

در هرصورت مصور کردن کتب بتدریج جای تزئین کتب یا ایلومیناسیون(Illumination) را گرفت، درصورتیکه دراوائل کار بسختی مابین مصور کردن کتب که مقصود از آن واضح نمودن متن است و ایلومیناسیون که فقط زیبائی کتاب را در نظر میگیرد ، فرقی گذارده میشد(۵).

اما باوجود تمام اینها ایلومیناسیون نقش خودرا درسفرنامه هائی که مربوط به‌دورهٔ ماست از دست‌نداده است و ما میتوانیم‌آن را بشرح ذیل تنظیم نمائیم :

الف ـ اینی‌سیال (Initiale) (اولین حرف اولین کلمه هرفصلی که بصورت گالیگرافی یا صور تزئینی دیگری مزین شده باشد) ، حاشیه های تزئینی و ویگنت (Vignette) (تصویر کوچک تزئینی در ابتدا و یا آخر هرسرفصلی) بمنزلهٔ دکوراسیون برای کتب محسوب شده مانند یک‌پدیدهٔ تزئینی‌ازسبک دورهٔ مربوط بخودتبعیت میکند. اربسکه Arabeske (تزئین گل و بته‌ای طبیعی) اوائل رنسانس ایتالیا ، مورسکه (ماورسکه)Maureske(طرح های‌اسلیمی‌ـ‌تزئینات گل وبته‌ای که استیلیزه شده‌است)و گروتسکه Groteske (صورتزئینی که ازانواع واقسام نباتات، حیوانات ، جمادات وانسان تشکیل‌شده است‌برای‌اولین‌بار بعد از زمان

کهن گروتسکه بوسیله رافائل در یکی از اطاق های واتیکان بکار برده شد) رنسانس تکامل یافته ایتالیا ، رول ورك Rollwerk (طرح های تزئینی مختلف که آخر یا کنار آن برگشته و بصورت نواری که بداخل پیچ خورده باشد درآمده است) وسط قرن شانزدهم ملل اروپای مرکزی، بشلاگ ورك Beschlagwerk (تقریباً شبیه رول ورك ولی در اینجا در ترکیب اجزاء تزئینی باهم قرینه سازی کاملاً رعایت گردیده و اجزاء هندسی نیز اضافه شده است) حدود سال ۱۶۰۰ ، کنورپل ورك Knorpelwerk (طرحهای تزئینی غضروفی شکل که از ترکیب آن صور خیالی بوجود آمده است) قرن هفدهم و بالاخره باندل ورك Bandelwerk (پیچك تزئینی که استیلیزه شده و بصورت نوار درآمده است) و روکای Rocaille (طرح تزئینی بشکل صدف) دورهٔ باروك و روکوکو را معرفی میکنند .

ب - سرلوح های سفرنامه که کمی آموختنی نیز هست غالباً گراورهای مجللی است با موضوع های سمبلیك که اغلب بشیوه اکلکتیویسم (از هرکجا یك موتیف) نمایش داده میشود :

پرترهٔ های حکمرانان یا مؤلفین ، الگوریهائی Allegoric(رمزی - تمثیلی) که معانی زیادی دربردارد ، موتیف های شرقی ، موتیف های کلاسیك یونان ، عروسکها ، حیوانات افسانه‌ای ، علامات اقوام و سمبول ها از هرجهت موضوع های این سرلوح ها را تشکیل میدهد .

همانطورکه در بالا ذکر گردید در قرن شانزدهم مصور نمودن کتب درکنار ایلومیناسیون وارد مرحله‌ای جدید گردید ودرقرن هفدهم تقریباً فقط مصور نمودن کتب مطرح بود نه ایلومیناسیون زیرا که سلیقهٔ

اروپای قرن هفدهم درمصور کردن کتب بحد اعلای خود رسیده بود. بدین جهت تکنیک بسیار نیز قوی از ایجاد کنندگان آن یعنی هنرمندان خواسته میشد. در اینجا باید ذکر کرد قرن هیجدهم یک عصر بسیار تکامل یافته و بخصوص برای مصور ساختن کتب بود که متأسفانه کمتر مربوط بایران میگردد.

کاراکتر واساس این تصاویررا میتوان بشرح ذیل خلاصه کرد:

۱ـ تصاویر فانتزی:

شرح و تفصیل مسافرت‌های افسانه‌ای است که هرگز اتفاق نیافتاد، اما در کتب مصور بچاپ رسیده است مانند فورتوناتوس Fortunatus که دارای ٤٤ کنده کاری از هنرمند معروف یورگ ـ بروی Jörg Breu پدر بوده و یکی ازآنها «سفر بایران» نام دارد(٦).

ازطرف دیگربعضی از سفرنامه‌ها که واقعاًشرح سفری را میداده بدون طرح و مدل‌قبلی‌مصور شده است. اینگونه تصاویر یا بکلی‌بدون طرح قبلی‌بوده وهنرمند از روی متن کتاب تصویری‌تهیه کرده یا اینکه اصولاً توجهی بطرح‌ننموده‌است.

نتیجهٔ این کاراینست که‌تصاویری‌بوجودآمد که نه‌نمونه‌اروپائی است و نه شرقی، بلکه تصویری است تقریباً خیالی از یک پدیده.

۲ـ تصاویر تغییر کرده:

بعضی از سیاحان درمحل شیئی را ملاحظه کرده‌اند ولی چون بدنیای شرق عادت نداشته ویا وارد نبوده‌اند نتوانستند آن را آن طور که بوده طرح نمایند بدین‌جهت هنگام نمایش تغییراتی در آن حاصل شده است.

علاوه برآن ، بعضی از سیاحان در همان محل که اثر تاریخی قرار گرفته است طرح را تمام نمیکردند ، بلکه فقط چند خطی میکشیدند، بطوریکه شکل بطور مبهم روی کاغذ می‌آمد . بعداً در محل دیگر از روی تصورات خود طرح را کامل میکردند . تازه این طرحهای نیمه تصوری در اروپا بدست گراورساز می‌افتاد و او نیز کمی از تخیلات خویش را برآن می‌افزود و بالنتیجه تصویری بوجود میآمد که کمتر با واقع مطابقت داشت و تغییرات بسیاری یافته بود .

عده‌ای از گراورسازان نیز از دیگران کپی میکردند و این خود موجب تغییراتی دیگر درتصاویر مورد بحث بود .

اما خود آثار تاریخی نیز در اثر تاخت و تازها و دیگرعلل تغییر میکرد بالنتیجه تصویری که فرضاً یک سیاح از اثری تاریخی تهیه کرده بود باطرحهای دیگری که در زمانی دیرتر از آن اثر برداشته شده بود متمایز بود .

علاوه برآن خود هنرمندان نیز تغییراتی در آثار تاریخی بوجود میآوردند مثلاً برون برای اینکه بعضی از مجسمه های گرانبهای تخت جمشید را با خود به‌هلند به‌برد باتبر مقدار زیادی از آنها را شکسته و از حیز انتفاع انداخته است(۷) .

۳ ـ تصاویری که باآثار وپدیده‌های ایرانی مطابقت مینماید :

دراینجا آن دسته از تصاویر تجزیه و تحلیل گردیده که حقیقةً واقع را نمایانده است . چنین تصاویری را عدهٔ معدودی از سیاحان تهیه

نموده‌اند. آنها میبایستی یا مانند هربرت قدرت طراحی خوبی داشته باشند و یا اینکه چون شاردن هنرمندی همراه داشته باشند و یا اینکه همانند برون خود هنرمند باشند. این سیاحان اسناد تصویری حقیقی تهیه نموده‌اند که تجزیه و تحلیل آنها موضوع اساسی این مجلد را تشکیل میدهد.

اما قبل ازاینکه این بحث را شروع کنیم، یک مسئله نیز باید گفته شود و آن اینکه بوسیلهٔ این تصاویر بآسانی میشود از لحاظ توپوگرافی خط سیر سیاحان را معلوم کرد ونتیجه میگیریم که سیاحان بطور کلی از شمال غربی ویا جنوب بطرف پایتخت (اصفهان) روی آورده و هرچه را که سرراه خود دیده‌اند طرح کرده‌اند.

از این جهت غالباً این سیاحان فقط آن دسته از آثار تاریخی را نمایانده‌اند که روی این جادهٔ اصلی شمالی جنوبی قرار داشته است. بنابراین، این تصاویر فقط نمایندهٔ یک قسمت از آثار تاریخی کشور ماست و قسمتهای دیگر ایران تاریک مانده است. اگر این سیاحان بدیگرنقاط ایران مسافرت نموده، وآثار تاریخی‌ما را که مسلماً در قرن هفدهم و هیجدهم میلادی هنوز پای‌برجا بوده و اکنون دیگر آثاری ازآنها نیست، برروی کاغذ میآوردند، در بسیاری جهات راه باستان‌شناسان و علمای تاریخ هنر برای تحقیق این آثار همواره بوده و آنها به مواد اولیه بیشتری مجهز بودند.

(۱) مراجعه شود به‌صفحهٔ ۱۹ کتاب :

Helmut Presser, *Tausend Jahre Buchillustration*, Main 1950.

(۲) مراجعه شود به مقدمه کتاب :

Richard Muther, *Die deutsche Bücherillustration der Gothik und Frührenaissance (1460-1530)*, München, 1884.

(۳) مراجعه شود به صفحه ۵ کتاب :

Wilhelm Plünnecke, *Grundformen der Illustration*, Leipzig, 1940.

(٤) مراجعه شود به کتاب :

Wilhelm Worringer, *Die Altdeutsche Buchillustration*, München, 1921.

(۵)مراجعه شود به کتاب :

David Dringer, *The illuminated book, its history and production*. London, 1958.

(٦) مراجعه شود به‌تصویر ۲٦۵ کتاب :

Max Geisberg, *Die deutsche Buchillustration in der ersten Hälfte des 16. Jahrhundert*. München, 1929.

مناظر شهرها

قدیمترین منظره‌ای که بوسیلهٔ اروپائیان از یک شهر ایرانی گرفته
شده‌است منظره‌ایست از شهر هرمز که درسال ۱۵۷۲ در شهر کلن منتشر ۱
گردیده است[1]. این گراور را هوگن برگ Hogenberg ساخته است.
معلوم نیست که او از روی چه طرحی این تصویر را بوجود آورده ولی
آنچه که مسلم است اینست که او از طرحها و نوشتجات پرتقالیها که
سالیان دراز در هرمز بودند استفاده کرده است.

تقریباً بیش از نیم قرن بعد، طرحی از یکی ازسیاحان انگلیسی بنام
دیویددیویس David Davis رسم شده که درحقیقت ازلحاظ هنری چندان ۲
ارزشی ندارد، اما از لحاظ توپوگرافی یکی از اسناد مهمی است که
تابحال بدست ما رسیده‌است: در انتهای چپ این تصویر قلعه‌ای با برج
و باروی مستحکمی استوار شده که بوسیلهٔ پلی به‌مرکز اصلی شهروصل
گردیده است. از این قلعه که پرتقالی‌ها در هرمز ساخته‌اند تصویری
از مندلسلو موجود است (تصویر ۷ ج ۱) ساختمان این قلعه در اکتبر
سال ۱۵۰۷ شروع شد و در ژانویه ۱۵۰۸ باتمام رسید[2].

در مرکز شهر برجی ستاره مانند وجود دارد که در اطراف آن
منازل چند طبقهٔ زیادی ملاحظه میگردد. خود شهر تا مرکز تصویر
گسترش داده‌شده است وبعد ازآن ساختمان‌هائی دیده میشود که ازآنها
بمنزلهٔ مخازن آب (آب انبار) استفاده میکردند پشت این آب‌انبارها،

تپه‌ای ملاحظه میگردد و راهی مارپیچی بقله این تپه منتهی میگردد. برفراز این تپه کلوستری (دیر) دیده میشود که پرتقالیان آن را ساخته بودند[۳].

شهرهرمز که توماس هربرت آن را چنین وصف میکند : « اگر همهٔ جهان حلقهٔ انگشتری باشد ، شهر هرمز نگین الماس آن انگشتر است»[٤]، تا اوائل قرن هفدهم میلادی یکی از شهرهای بزرگ تجاری جهان محسوب میگردید بطوریکه میلتون آنرا «بهشت گمشده» نامیده و منظورش این بوده است که شهر هرمز سمبل شکوه و جلال و عظمت بی‌سابقه ایست[٥].

قدیمی‌ترین منظره ، از شهر بندرعباس را اشریوس هلندی در سال ۱٦۷۰ میلادی(۱۰۸۱ هجری) ازخود بیادگار گذارده‌است(تصویر ۳۲ ج ۱) این‌طرح عیناً مانند خود بندرعباس آن زمان نیست ونمیتوان بآن اعتماد کرد چون که بسیاری از موتیف‌های معماری اروپائی دربناهای قابل ملاحظهٔ شهر مشاهده میگردد . اما منظره‌ای که درسال ۱٦۸٥ میلادی (۱۰۹۷ هجری) بوسیلهٔ کمپفر تهیه شده‌برای شهرمعرف خوبی است. ۳

کشتی‌های بادی در زمینهٔ جلوئی عکس در حقیقت، لنگرگاه را نشان میدهد و کوههای مرتفع زمینهٔ عقبی آن ، از شمال و جنوب، شهر را محاصره کرده وآنرا از ابهت انداخته‌است ، بطوریکه شهر بندرعباس دراینجا بسیار کوچک جلوه میکند. شهر در کنار ساحل بصورت خط باریکی کشیده شده که از دو طرف بوسیلهٔ نخلستانهائی محصور گردیده است.

خود شهر از طرف شمال بوسیلهٔ دیواری محدود گردیده که در تصویر دیده نمیشود و از جنوب نیز ساختمانهای بلند آنرا مشخص مینماید.

در دوانتهای شهر دوقلعهٔ مستحکم نظامی دیده میشود. این نوع قلاع در اروپا بخصوص در اسپانیا نیز نظایری دارد که تحت تأثیر این نوع معماری قرار گرفته است.

گرلو نیز تصویری از بندرعباس طرح نموده که آنهم سند مهمی ٤
محسوب میگردد چون این طرح ازمسافتی دور تهیه شده لهذا تشخیص ساختمانهای مهم آن از لحاظ توپوگرافی مشکل است ولی تصویری که برون از بندرعباس تهیه کرده ، بهتر میتواند از این لحاظ مورد مداقه ٥
قرار گیرد.

اولین و بهترین تصویری که از شهر اصفهان باقیست طرحی است ٦
که آدام اولئاریوس در سال ۱۶۳۷ میلادی (۱۰٤۷ هجری) تهیه کرده است . این منظره بخصوص از لحاظ توپوگرافی دارای اهمیت است زیرا هرکسی که شهرحالیهٔ اصفهان را میشناسد بدون توضیحاتی که در بالا طرف چپ طرح آورده شده ، میتواند بناهای عمده شهر را شناخته و محل آنها را تعیین و بایکدیگر مقایسه نماید.

این منظره از جانب شرق گرفته شده است و این کار را آیندگان دیگر ، هرگز انجام ندادند. از جانب شرق منظرهٔ شهر باشکوه‌تر جلوه میکند چون که تمامی آنرا از نزدیک میتوان مطالعه نموده وطرح کرد. اگر شهر را ازجانب غرب ویا شمال‌وجنوب ملاحظه میکردند، چنانکه

همهٔ سیاحان باستثناء اولئاریوس اینکار راکرده‌اند ، برجهای بلند و باغهای بسیار اطراف شهر مانع از این میشد که طراح بتواند تمامی شهر را ببینند و رسم نماید . این مسئله برای اولئاریوس روشن بود و از این جهت او بهترین نقطه را برای طراحی شهر درنظر گرفت

این امر کاملاً واضح است که این منظره را اولئاریوس بطور ایستاده برروی یک تپه‌ای برداشته است . قسمتی از شیب این تپه که با درختان پر شاخ و برگی پوشیده شده ، در زمینهٔ جلوئی تصویر هویدا است .

برفراز این تپه درطرف چپ، چهارپیکرملاحظه میگردد کمی پائین تر بناهای باشکوهی دیده میشود که میبایستی امامزاده‌ها ویا آرامگاههای شیوخ باشد .

خود شهر بوسیلهٔ دیواری که «قسمت پائین آن شش الن (Ellen) و در بالا فقط یک پا ضخامت داشت»[٦] و در تصویر بطور وضوح دیده میشود ، محاط شده است .

این دیوار با برج و با روی زیادی مستحکم و در بعضی نقاط آن سنگ و بعضی جاهای دیگرخشت بکار برده شده است .

بناهای شهرعموماً بلند وچند طبقه‌است. یکی از موتیف‌های بسیار جالب توجه بناها ، بازار است که در طرف راست تصویر یعنی شمال شهر لااقل درهشت نقطه بچشم میخورد و باسقف‌های خمره‌ای پوشانده شده است .

اولئاریوس حداکثر کوشش را بکار برده که باغها را در تصویر نیاورد تا بناهای تاریخی آن بوضوح مشاهده گردد.

درست در مرکز شهر، میدان نقش جهان اصفهان بطور راستگوشه (مربع مستطیل) دیده میشود. محور شمالی- جنوبی میدان ازبازار اصلی شروع شده واز دو بازار دیگر گذشته درشمال شهرمحو میشود. در وسط میدان شاخص یا میلهٔ هدف گیری بخوبی ملاحظه میگردد.

مناره‌های متعددی در شهر ملاحظه میگردد، از آنجمله کله - منارکه بفاصلهٔ کمی در قسمت جنوب غربی میدان روی تصویر (یعنی در حقیقت در شمال غربی) ملاحظه میگردد.

این تصویر با کمی تغییر وتحول و اضافه نمودن کاروانی درجنوب آن در کمپیلاسیون فان درآ Van der Aa نیز منتشر گردیده است.

مناظرمختلف دیگری از اصفهان را شاردن، دولیه دلاند و برون آورده‌اند که شهر را بطورعمومی نشان داده‌اند(ج ۱ تصاویر ۹۸، ۹۷ و ۱۰۱)تصویر اشترویس از اصفهان خیلی بی‌اهمیت جلوه میکند چون که دراین تصویر بغیر از کوههای قسمت عقبی آن که شباهتی به کوه صفهٔ اصفهان را دارد، هیچ پدیده دیگری از شهر اصفهان در آن نیست زیرا که بناهای آن اغلب بشیوه معماری اروپائی است (تصویر ۳۴ ج ۱). اما بعکس آن، تصویری است که کمپفر از یک قسمت ازشهر اصفهان ودر حقیقت ناحیهٔ بناهای درباری گرفته یکی از اسناد مهم بشمارمیرود (تصویر ۱۰۵ ج ۱).

از شهر شیراز نیز مناظر مختلف تهیه شده که از همه مهمتر

تصاویر متعلق به‌سفرنامه های شاردن ، دولیه‌ده‌لاند وبرون است .

۷ و ۸ و ۹ از برون چهار منظره از شهر شیراز باقی مانده که آنرا از جهات مختلف نشان داده است (و تصویر ۹ . ۱ ج ۱) .

۷ و ۸ دو عدد از این مناظر از بالای دره گرفته شده و بالنتیجه دروازهٔ قرآن شیراز رابخوبی‌نشان داده است . راجع به‌این‌دره فرانکلین‌مینویسد « انسان نمیتواند به‌هیچ چیز جذاب و دلربائی دیگر فکر بکند بجز این دره که درآن شهرشیراز قراردارد و آنقدرثروتمند است ازهرآن‌چیزی که زندگی را مطبوع و دلپذیر میسازد . گلهای فراوان و گوناگون آن ، با رنگهای زنده و جان‌پذیر ، گیاه‌های معطر ، گل سرخها ، کلم های شیرین ، همه چیز دراینجا باهوای لطیف جمع شده و عظمت و شکوه و جلال زیبائی طبیعت را چندین برابر نموده است»(۷) .

۱۰ در سفرنامهٔ شاردن‌تصویری‌از شیراز آورده شده‌که واقعاً باغهای مصفا و معروف شیراز در آن منعکس گردیده است . بخصوص سروهای آن‌که دردنیا بی‌نظیر بوده‌است در اینجاباید متذکرشد که ورودبعضی از این طرح ها باروپا هنرباغ سازی آن دیار را تا اندازه‌ای تحت تأثیر قرار داده است .

۱۱ از ویمار (شهری در آلمان که اغلب آنرا با شیراز مقایسه کرده‌اند) ایران منظرهٔ دیگری از کارستن نیبور در دست است که شیراز را درسال ۱۷۶۵ میلادی(۱۱۷۹ هجری)نشان میدهد . اگرچه شیراز از آن عظمت سابق افتاده و کوچکتر بنظر میرسد ، بااین‌حال هنوز آن ابهت را حفظ نموده و گنبدهای بیشمار آن نظریهٔ سلمون Salmon

را که میگوید : در هیچ شهری باندازه شهر شیراز مسجد وجود ندارد[۸] ، تائید میکند.

۱۲ برون از شهر لار منظرهٔ جالبی تهیه نموده است که آن را میتوان
۱۳ بامنظرهٔ شهر جهرم مقایسه نمود.

آنتونیوتنی ریروکه درسال ۱۶۰۱ میلادی (۱۰۱۰ هجری) این شهریعنی لار را مشاهده کرده مینویسد که این شهر یکی از مراکز بزرگ تجارت در ایران است.

شهر لار در اوائل قرن هفدهم یکی از شهرهای بسیار مهم وآباد ایران بوده است و آنطوریکه اغلب سیاحان اروپائی معتقدند میبایست شهری بسیار قدیمی باشد ، ولی جغرافیادانان شرقی برای اولین بار آنرا در اوائل قرن چهاردهم میلادی ذکرمیکنند ، یعنی در حقیقت نخستین بار مستوفی از این شهر نام میبرد. ابن بطوطه درسال ۱۳۳ میلادی (۷۳۱ هجری) آنرا یک شهر بزرگ باباغها و بازارهای فراوان میداند فیگوئروا ، سفیر اسپانیائی که لار را در اکتبر ۱۶۱۷ میلادی (۱۰۲۷ هجری) مشاهده کرده بود ، مینویسد که این شهر مرکزرفت و آمدتمام کاروانهای جنوبی ایران است. علاوه برتجار مسلمان، یهودیها ودیگران نیز در آنجا تجارت مینمایند و ازاین لحاظ دارای کاروانسراهای بسیار است.

دربارهٔ بازار لار مینویسد که آن یکی از بزرگترین بناهای آسیا است که بدستور الله‌وردیخان ساخته شده است او میگوید که حتی بزرگترین ساختمان‌های اروپا نیز نمیتواند بااین بازارمقایسه گردد. و

آن را اینطور شرح میدهد که چهار دالان طویل با گنبد سرپوشیده ، از چهار محل مختلف ، باسردرهای بزرگ شروع شده یکدیگر را در چهار راهی قطع مینماید . برروی این چهار راه گنبد بسیار بزرگی ساخته شده که دارای روزنه های متعدد برای آمدن روشنائی است . کف همهٔ بازار ازکاشی بسیار اعلی پوشیده شده بود .

همین نویسنده ، درموقع مراجعت باروپا در سال ۱۶۱۹ میلادی (۱۰۲۹ هجری) از جهرم دیدن کرده است و دربارهٔ تنوع خرماهای آن صحبت میدارد . او مینویسد که درختان خرما در جهرم باندازه‌ای بلند است که بزرگترین برجهای کلیساهای اروپا به بلندی آنها نمیرسد .

او ضمناً مینویسد که در شهر جهرم اشخاص نابینا بسیار میباشند این مسئله را Fryer نیز تائید مینماید . هربرت در بارهٔ جهرم مینویسد که اغلب ساکنین آن یهودی هستند .

۱۴ ازشهر قمشه یا شهرضا دو منظره در دست است . اولی از شاردن که همهٔ شهر را ازکنار رودخانه نشان میدهد . بطوریکه این منظره میرساند در آنجا برجهای کبوتر (کبوترخان) بسیاری یافت میشده وشهر وسعت و دامنه‌ای داشته‌است .

۱۵ منظره دیگرآن از برون است که معلوم میداردشهر دارای باغهای زیبا و بناهای خوب بوده ویکی ازشهرهای مهم دورهٔ صفویه بشمار میرفته‌است .

سه تصویر از قم قرن هفدهم میلادی در دست است که تقریباً از روی آنها میتوان ترقی وتوسعهٔ شهر را دراین قرن تعیین کرد .

۱۶ در تصویر اولی که در سال ۱۶۳۷ میلادی (۱۰۴۷ هجری)

بوسیلهٔ اولئاریوس رسم شده است کاملاً هویداست که مرکز ثقل شهر قبل از بنای مقبره‌های شاه صفی اول و شاه عباس دوم ، در محوطهٔ مرقد حضرت معصومه در شرق شهر بوده است و فقط گنبد مقبرهٔ حضرت معصومه که بفرمان شاه عباس کبیر ساخته شده‌است در کنار رودخانه مشاهده میگردد .

رودخانه‌ها دراینجا از لحاظ توپوگرافی صحیح ترسیم گردیده‌است رودخانهٔ قراسو که از مغرب بمشرق جاری است در تصویر اولئاریوس از زاویهٔ شمال شرقی بطرف پائین آمده به رودخانهٔ اناربار که آنهم از مغرب به مشرق جاریست قبل از ورود بشهر ملحق گردیده ، سپس از وسط شهر بطرف شرق گذشته ، پس از طی قریب یکسوم شهر ، بطرف جنوب جاری میشود .

۱۷ قریب به سی‌سال بعد گرلو از این‌شهر تصویری تهیه کرده است که نشان میدهد که پس از ساخته شدن مقبره‌های شاهان صفوی در قم ، به چه طریق مرکز شهر بطرف مغرب یعنی بجانب مقبرهٔ حضرت معصومه کشیده شده است . در تمامی‌محورافقی این تصویر ، آن قسمتی از رودخانه‌ملاحظه میگردد که ازمغرب به مشرق‌جاریست ونیز کاملاً هویداست که در منتهی‌الیه شرق تصویر ، بعد از یک پل ، رودخانه بطرف جنوب سرازیر میشود . مقبرهٔ حضرت معصومه با گنبد زیبای خود تقریباً در وسط تصویر کاملاً هویداست .

بطوریکه از تصویر اولئاریوس برمیآید شهر قم به هیأت مربع مستطیل بوده است و اما تصویر گرلو باغهای مصفای آنرا در قسمت

جلوئی خود نمودار میسازد. در یکی از این باغها مقبرهٔ رستم‌خان پادشاه گرجستان ملاحظه میگردد.

۱۸ تصویر دیگری که تقریباً ۳۵ سال بعد بوسیلهٔ برون از شهر قم تهیه گردیده بناهای عمده، از جمله کاروانسراها و مساجد آنرا بهتر نمودار میسازد. دراین تصویرمقبرهٔ حضرت معصومه درمنتهی‌الیه‌جانب راست آن قرار دارد.

۱۹ برون تصویری از خود بجای گذارده بنام خرابه‌های شهر مویر Muyr این شهر که مابین قم و کاشان قرارگرفته بود گویا بکلی از بین رفته است شاید اکنون دهی باین‌نام وجود داشته باشد که پذیرش‌آن نیز برای نگارنده مشکل است، ولی‌چنانکه از قلاع مستحکم این شهر که در تصویر آمده معلوم است که این شهر در قرون وسطی عظمت بسزائی‌داشته است. درهرحال این‌تصویر سندی‌است مهم از یک شهر که گویا بکلی نابود و فراموش شده و مهمتر ازآن، سندی است برای مطالعهٔ قلاع نظامی قرون وسطائی ایران.

از پایتخت ایران در قرن چهاردهم میلادی یعنی‌شهرسلطانیه نیز مناظری‌درکتب مختلف سیاحان باقی مانده است که برای رستوراسیون (بازسازی کردن بناهای تاریخی) بناهای این شهر ازبین رفته بسیار مهم است.

از همهٔ بناهای معروف سلطانیه فقط مقبرهٔ سلطان محمد خدابنده باقی‌مانده است.

سلطانیه در دامنهٔ کوهستانی برروی دشتی بنا گردیده بود.

بعضی از مورخین بنای این شهر را به‌اشکانیان نسبت میدهند،

ولی آنچه که مسلم‌است اینست که سلطانیه در اواخر قرن ۱۳ میلادی وسعت یافت ودر اوائل قرن چهاردهم پایتخت یکی‌از ایلخانیان یعنی سلطان اولجایتو گردید.

دراین زمان شهر چنان وسعتی‌یافته ، و چنان ابهتی بخود گرفته بود که تجار سراسر عالم آنجا را مرکزتجارت خود قرار دادند. بناهای عظیم این شهر مشهور عام و خاص گردید بطوریکه اولئاریوس مینویسد :

«این‌شهر بمناسبت ساختمانهای بلند ، برج‌ها و ستونهای بسیار، از خارج زیبا بنظر میرسد»(۹).

تصویری که او تهیه کرده این ساختمانهای بلند را بسیار واضح ۲۰
نشان میدهد ، و از طرف راست به‌چپ بناهای ذیل‌ملاحظه میگردد :

مسجدی که دو منارهٔ آن دو طرف سر در آن واقع گردیده و برهمهٔ شهرمسلط است ، سپس یک مقبرهٔ استوانه‌ای که برفراز آن گنبدی بیضی شکل هویداست ، درکنار آن دروازه‌ای ملاحظه میگردد که برروی برجی با گنبدی مخروطی شکل تعبیه شده است . نزدیک این دروازه مسجدی با گنبد بسیار زیبا مشاهده میشود.

در وسط تصویر زیگوراتی عظیم ملاحظه میگردد و درکنار آن برجی‌استوانه‌ای که از آن بلندتر است ازابهت ارتفاعی‌آن کاسته‌است. بعد از یک ردیف ویلا و ساختمانهای ییلاقی ، مقبرهٔ سلطان محمد خدابنده باتمام ابهت خود نمودار میگردد.

مقبرهٔ سلطان محمد خدابنده که برروی مناظر برون و شاردن نیز

باابهت تمام و شکوه وجلال خاصی خود هویداست ، بتصدیق تمام علمای تاریخ هنرعالم ، مهمترین بنای تاریخی ایران بعد از ساسانیان است . اولین کسی که پی به اهمیت این بنای باشکوه برد آدام اولئاریوس بود که درست ۳۳۰ سال قبل، برای اولین بار ازنظر تاریخ هنر این بنا را بشرح ذیل تجزیه و تحلیل کرد :

«زیباترین عمارت یاساختمان، مسجدی بود که درآن سلطان محمد خدابنده مدفون است . همهٔ آن ظریف ساخته شده و دارای سه در بسیار بزرگ بود که از درهای کلیسای سنت مارك مرتفع تر میباشد . اما این درها آنطور که دیگران نوشته اند از سنگ معدن نیست، بلکه از فولاد و آهن صیقلی ساخته و موتیف بندی شده است .

طاق آن باسنگهای لعابی سفید وآبی (کاشی) که درآن کتیبه های زیبا نقش شده ، وهمه گونه زینت گردیده ، ساخته شده است . این طاق بسیار مرتفع ساخته شده و در وسط مانند برجی گرد بهم آمده است . در قسمت بالا ، در داخل آن ، نردهٔ فلزی دیده میشود . اطراف خود مقبرهٔ سلطان محمد خدابنده را نیزیک نردهٔ فلزی گرفته است . این نردهٔ فلزی از بهترین کارهای هنری محسوب میگردد . چون که آن باندازهٔ یک بازو ضخامت دارد و از فولاد خالص هندی چنان استادانه درهم و بهم آمیخته، ساخته شده که نمیتوان درآن بندی پیدا کرد . برجی که برروی این ساختمان است هشت گوش بوده و در بالا بوسیلهٔ راهروئی احاطه شده بود .

برروی آن برج هشت برج کوچک مانند ستون تعبیه شده بود که هر کدام دارای پلکان مارپیچی بوده‌است»(۱۰).

در قسمت جلوئی تصویر اولئاریوس ، در دو طرف ، بطور قرینه چهار پیکر ملاحظه میگردد . دوتای آنها در لباس ایرانی و دوتای دیگر در طرف چپ بالباس فرنگی دیده میشود ، که گویا خود آدام ـ اولئاریوس و رئیس هیئت نمایندگی آلمان نیزجزء آنها هستند .

۲۱ و ۲۲ مقایسه‌ای مابین تصاویر اولئاریوس و شاردن و برون این مسئله را روشن مینماید که اولئاریوس و برون شهر را از یک جهت و شاردن آنرا از جهت دیگر نشان داده است . این مسئله را میتوان از روی مقبرهٔ سلطان محمد خدابنده از یک طرف و مناره‌های طرف راست تصویر اولئاریوس از طرف دیگر تعیین کرد .

۲۳ تصویر سفرنامهٔ شاردن از شهر یزد خواست منظرهٔ دل فریبی از شهر را نشان میدهد . قسمت جلوئی عکس در وسط یک کاروانسرای بسیار زیبائی را نشان میدهد . در طرف چپ عکس بالای تپه‌ای قلعه‌ای استوانه‌ای شکل و مستحکم و در پائین آن محتملاً مزارع کردبندی شده ملاحظه میگردد . طرف راست نیز محل استراحت احشام است .

در زمینهٔ وسطی تصویر ، رودخانه‌ای از چپ براست در جریان است که درضمن محور افقی عکس را تشکیل میدهد . برروی این رودخانه پلی نیمدایره شکل ملاحظه میگردد . بلافاصله عقب این پل سیل بندشهر شروع میگردد که بصورت یک نیمدایره کاملاً مشخص است . سپس بطرف چپ باغهای اطراف شهر، و بعد خود شهر که برروی ناحیه‌ای ناهموار

ساخته شده است دیده میشود .

ابن بطوطه یزد خواست را اینطور شرح میدهد « شهر کوچک و زیبائی است و بازارهای خوب و مسجد جامعی زیبا دارد . این مسجد از سنگ ساخته شده و سقف آن نیز از سنگ است . شهر بر کنار خندقی قرار گرفته و آبها و باغها در داخل آن خندق واقع است . در خارج شهر رباطی هست که مسافرین در آن منزل میکنند (زمینهٔ جلوئی تصویر شاردن) و دری آهنین دارد . این رباط بسیار مستحکم ساخته شده و در داخل آن دکانهائی وجود دارد که کلیهٔ مایحتاج مسافرین در آن فروخته میشود. ساختمان رباط از آثار امیرمحمود شاه اینجو پدرسلطان ابواسحق پادشاه شیراز است[۱۱] .

۲٤ سه سال بعد از شاردن ، این منظره را برون از شهر گرفته است که بوسیلهٔ پل روی رودخانه میتوان هردو را مقایسه کرد ونتیجه گرفت که برروی مزارع در سمت چپ ، جلوی تصویر شاردن ، اکنون ساختمانهائی شده که در سمت چپ پل برروی تصویر هویداست . برون ۲۵ منظرهٔ دیگری هم از یزد خواست نشان داده که در آن خوب هویدا است که ساختمانهای شهر چند طبقه بوده و برفراز تپه‌ای قرار گرفته بوده است .

از کاشان نیز سه تصویر در دست است که مناظر مختلفی ازاین ۲۶ ، ۲۷ و ۲۸ شهر را در بردارد که در سفرنامه های اولئاریوس ، شاردن و برون آورده شده . طرف چپ پائین تصویر، اولئاریوس عقرب را بمنزلهٔ سمبل شهر کاشان نقش کرده است . از روی هرسه منظره هویداست که شهر در جهت درازا گسترده شده است .

اما بنظر میرسد که تصویر شاردن کمی شهر را جمع و جورتر و کوچکتر نشان داده است وعلت آن نیز کامل نبودن این نقشه است ، بطوریکه خود او مینویسد « تصویری که از نظر قارئین میگذرد چون مطابق چشم‌انداز رسم نشده است ، لذا چنانکه باید و شاید عظمت و صورت‌آنرا نشان نمیدهد . اینکه بترسیم‌شایستهٔ آن مثل بلاد وشهرهای دیگر توفیق نیافتیم ، معلول خستگی‌خارق‌العادهٔ نقاش‌من (گرلو) در این ایام بوده است ، بطوریکه او نیروی خارج شدن از کاروانسرای مورد توقف ما را درخود نداشت . پس‌از اینکه کمال مجاهدت را بکار برد ، به‌پشت بام کاروانسرا رفته تصویر مربوطه را بساخت»[۱۲] . ۲۷

سپس‌شاردن کاشان را چنین شرح میدهد :

« شهر کاشان در یک دشت بسیار وسیعی در نزدیکی کوهستان مرتفعی واقع شده است . درازای آن یک فرسنگ و پهنایش ربع‌فرسنگ میباشد ، و بطور کلی از طرف مشرق‌بسوی مغرب گسترده شده است . . . باروی شهردارای دیوار مضاعفی‌است که مجهز به‌برجهای مدورقدیمی میباشد وپنج دروازه دارد که یکی‌درجانب مشرق‌است و دروازهٔ شاهی خوانده میشود زیرا در جوار کاخ همایونی که در خارج از دیوارهای شهر میباشد واقع‌شده است ، دومی در طرف مغرب‌است که بنام دروازه فیو (فین) نامیده میشود . . . .

سومی در جبههٔ شمالغرب میباشد ، ونظر باینکه در نزدیکی‌باغ مخصوص تفریح یکی ازاعیان‌بنام ملک واقع شده لذا دروازهٔ قصرملک نام دارد .

دو دروازهٔ دیگر روبروی هم در طرف شمالشرق و جنوبشرق بنا شده است. که یکی دروازه قم و دیگری دروازهٔ اصفهان خوانده میشود... . در خود شهر و حومهٔ آن که زیباتر از خود شهر است از قرار اظهارات موثق مردم مجموعاً شش هزار و پانصد باب‌خانه، باغچه و چهل باب مسجد ، سه باب مدرسه و بیش از دویست باب امامزاده وجود دارد. مسجد بزرگ (جامع) کاشان که درست در مقابل بازار آن واقع شده است ، دارای مناره‌ایست که از سنگهای قطوری بنا گشته و مخصوص مؤذنین است. این معبد معظم و منارهٔ آن یادگاردورهٔ عظمت مجاهدین اولیهٔ اسلامی است که ایران را ویران کردند»(۱۳).

طرف چپ زمینه جلوئی تصویر اولئاریوس و میانهٔ زمینه جلوئی تصویر شاردن هردو یک موتیف را نشان میدهد و آن در حقیقت بنائی است با گنبدی مخروطی شکل . در طرف چپ هردو تصویر ، میدان اسب دوانی مستطیل‌شکلی بچشم میخورد که میلهٔ هدف‌گیری نیز در آن هویداست.

در طرف چپ‌تصویرشاردن باغهای مصفائی‌ملاحظه میگردد که ویلای ییلاقی‌شاه نیز که بقول اولئاریوس. . . ۱عدد در و پنجره دارد
۲۹ و او بوسیلهٔ تصویری آن قصر را جاویدان نموده است ، قرار گرفته است(۱۴).

۳۱ و ۳۰ اولئاریوس و برون دو تصویر از شهر ساوه نیز طرح کرده‌اند. قبلاً مارکوپولو نیزازاین‌شهر دیدن کرده بود ودر یادداشتهای خود یاد آور میشود که قبور سه پادشاه مقدس (سه مغ) شرق

که به‌عیسی‌مسیح ایمان آورده بودند در آنجا موجود است و این خود موجب شهرت ساوه در کشورهای اروپائی بود(۱۵).

در قسمت جلوئی هردو تصویر دو شتر با ساربان‌های آنها طرح شده است . وجود این تصاویر این مطلب را میرساند که در شهر ساوه شترهای خوبی پیدا میشده و از نژاد عالی بوده است.

چند مناره‌ای نیز در هردو تصویر هویداست ، که میبایستی از دورهٔ سلجوقیان باشد.

درباره شهر ساوه شاردن مینویسد :

« ساوه شهر بزرگی است که در یک صحرای شن‌زار و خشک واقع شده و از الوند کوه مشهود و مرئی میباشد. محیط این بلده بالغ بردو میل است و دورتادور آنرا دیواری کشیده‌اند.... (این دیوار در اواخر سدهٔ چهارم هجری ساخته شده و با سنگ و آجر سرخ مفروش است) .... خواجه شمس‌الدین ، مسجد بزرگی در جانب غربی بلده بنا کرده و در ایجاد این معبد طرح مسجد سید اسحاق پسر امام موسی کاظم را که‌قرنها پیش‌درآن حدود ساخته شده بوده تقلید کرد. درست در جوار همین مسجد ، یک مقبره بسیار باشکوه وعالی وجود دارد که مدفن برخورداربیک، خداوند توپخانهٔ ایران‌است این‌مردبزرگ ده سال پیش از بیماری استسقا درگذشت»(۱۶).

از شهر اردبیل دو منظره در دست‌است که یکی‌از آن اولئاریوس است که راجع به‌آن بحث کرده‌ایم(ج ۱ تصویر ۸۳) ودیگری متعلق به برون است مقایسهٔ مابین دو تصویر میرساند که درعرض کمتر از ۳۲

۷۵ سال یکباره شهر ویران گردیده و از آن همه بناهای بزرگ فقط عده‌ای معدود باقی‌مانده‌است. علاوه برآن، رودخانه‌ای در زمینهٔ جلوئی عکس، بطور افقی قرار گرفته، حدود شهر را معین مینماید که بچه‌اندازه کوچک شده است.

علاوه براین مناظر که درفوق اشاره شد مناظر دیگری از شهرهای تبریز (تصویر ۹۱ ج ۱)، انزلی، ماسوله ورشت (تصاویر ۱۲۵، ۱۲۶ و ۱۲۴ ج ۱) نیز وجود دارد که راجع به‌اغلب آنها بحث شده است.

بطور کلی این مناظر برای نمایش معماری شهرهای ایران گنجینه‌ای بس عظیم است. آنها شهرهای ایران را در قرون مختلف جاویدان نموده‌اند. ما اطلاع داریم که دربعضی از این شهرها تغییرات اساسی داده شده ویا اصولاً آنها محو ونابود گردیده‌اند. ازطرف دیگر بعضی از آنها نیز «مدرنیزه» شده و بدینوسیله بناهای تاریخی آن نابوده گردیده‌است.

اکنون این مناظر و تصاویر است که بما فرصت میدهد که این شهرهارا یک بیک عمیقاً مطالعه کرده بناهای تاریخی و کهن آنهارا باموقع کنونی هر کدام مقایسه کرده به‌تجدید بنا طبق خصوصیات گذشتهٔ آن اقدام کنیم.

---

(۱) مراجعه شود به‌اطلس:

Braun-Hogenberg, *Beschreibung der Uornembsten Städte der Welt.* Köln, 1572.

(۲) مراجعه شود به کتاب:

The Comentaries of the great *Afonso Dalbuqurque second Vicerory*

of India. London 1875-84.

(۳) مراجعه شود به مقاله :

William Foster, *A View of Ormus in 1627.*

(٤)

« Jf all the World were but a Ring, Ormuz the Diamond should bring.»

مراجعه شود به‌صفحه ٤٦ سفرنامه توماس هربرت بنام:

A discription of the Persian Monarchy now being:... the terrotoires of the Persian Monarchie.... London, 1634.

(٥) مراجعه شودبه صفحه ١٤٦ کتاب :

Alfonso Gabriel, *Marco Polo in Persien.* Wien, 1963.

(٦) الن Ellen یک مقیاس طول آلمانی در زمان قدیم است اندازهٔ آن در شهرهای مختلف‌آلمان متغیربوده است. آنچه که مسلم‌است از ٥٥سانتیمتر کمتر نبوده و از ٨٠ سانتیمتر تجاوز نمیکرده است .

برای مقایسهٔ نقل‌قول‌مراجعه شودبه‌صفحه ٣٨٢ سفرنامه آدام اولئاریوس:

Moskowitische und Persische Reise. Berlin, 1959

(٧) مراجعه شود به‌صفحه ١٢٤ کتاب‌آلفونس گابریل بنام:

Die Erforschung Persiens. Wien, 1952.

(٨) مراجعه شود به‌صفحه ٢٧ کتاب :

H. Salmon, *Heutige Historie, Oder der gegenwartige Staat von Persien, nach dem Englischen und Holländischen.* Altona, Flensburg, 1739.

(٩) مراجعه شود به صفحه ٣١٤ سفرنامه آدام‌اولئاریوس بنام:

Moskowitische und Persische Reise. Berlin. 1959.

(۱۰) مراجعه شود به‌صفحات ۳۱۵ و ۳۱۶ سفرنامه آدام اولئاریوس بنام:
Moskowitische und Persische Reise. Berlin, 1959.

(۱۱) مراجعه شود به صفحه ۱۹۳ سفرنامه ابن‌بطوطه . ترجمه محمدعلی موحد تهران ، ۱۳۳۷ .

(۱۲) مراجعه شود به‌صفحه ۸۲ جلد سوم دائرة‌المعارف تمدن ایران سیاحتنامه شاردن ، ترجمه محمد عباسی ، تهران ، ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۸ .

(۱۳) مراجعه شود به صفحات ۸۲ و ۸۳ جلد سوم سیاحتنامه شاردن ترجمه محمد عباسی .

(۱۴) مراجعه شود به صفحه ۳۲۹ سفرنامه اولئاریوس بنام:
Moskowitische und Persische Reise. Berlin, 1959.

(۱۵) تصویری از ساوه شبیه به‌تصویر آدام اولئاریوس با کمی تغییر و تبدیل درکتب فان درآ Van der Aa و داپر Dapper نیز رسم گردیده است .

(۱۶) مراجعه شود به صفحات ۵۱ تا ۵۳ جلد سوم سفرنامه شاردن ترجمهٔ محمد عباسی .

بناهای هنری شهری

نظری به تصاویری که از بناهای هنری شهرها گرفته شده اثبات مینماید که این گونه تصاویر به مراتب محدودتر از تصاویر مناظر شهرها است. تصویرهائی که از مناظر شهرها موجود است، لااقل متعلق به شهرهای مسیر راه سیاحان نیز بوده ، درصورتیکه میتوان گفت تصاویر بناهای هنری شهری، تقریباً فقط از شهر اصفهان گرفته شده است. تازه در شهر اصفهان از بناهای عظیمی چون مسجد جامع که از آن میتوان بسط و توسعه معماری ایران را بعد از فتح اعراب را بخوبی دریافت ، حتی یک تصویر نیز دیده نشده و سیاحان همه هم خود را به مشاهده و تحقیق در امور مربوط به دوران صفویه مصروف داشته‌اند.

شهر اصفهان در کتابهای بطلمیوس تحت عنوان Aspadana ذکر شده و قدمت آن به زمان هخامنشیان میرسد[۱].

اصفهان در زمان عمر خلیفهٔ دوم در سال ۶۴۱ میلادی (۲۲-۲۱ هجری) فتح گردید و در زمان عباسیان بمنزلهٔ یکی از شهرهای مهم بشمار میآمد. در اوائل قرن دهم میلادی این شهر مدور و ۶۰۰۰ الن (۳ الی ۳/۵ کیلومتر) قطر داشت . در آن زمان اصفهان بوسیله دیواری که آنرا حسن رکن‌الدوله ساخته و یکصد برج و چهار دروازه داشت ، محاط شده بود[۲].

در اوائل قرن یازدهم میلادی این شهر زیر نظر سلطان محمود غزنوی اداره میشد و سپس شهر ایده آل ملک شاه سلجوقی گردید[۳].

در زمان این پادشاه است که در مسجد جامع که در سال ۷۶۰ میلادی بنا شده بود ، بطور اساسی تغییراتی حاصل گردید .

اصفهان بوسیلهٔ سپاه چنگیزخان غارت و بوسیلهٔ تیمور در سال ۱۳۸۷ میلادی (۷۸۹ هجری) ویران گردید . در زمان صفویان بود که این شهر بپایتختی برگزیده شد . چون که شاه‌عباس کبیر اراده کرده بود در شهری حکومت کند که از لحاظ جغرافیائی مرکز ایران باشد . او میخواست بدینوسیله حکومت مرکزی سیاسی بوجود آورد که بیشتر برمبنای ادارات مختلف دولتی تکیه داشته باشد نه برفئودالیسم[۴] .

باانتخاب اصفهان بمنزلهٔ پایتخت ، و طرز ادارهٔ حکومت بوسیله بوجود آوردن دولت ، از قدرت قزلباشها کاسته شد و بیشتر فارسی زبانان یعنی افرادی غیر از قزلباش های ترك زبان حکومت را اداره میکردند .

بدینوسیله اصفهان طبق یک برنامهٔ منظم چنان بسط و توسعهٔ روزافزونی یافت که درنوع خود ازحیث سرعت عمل وعظمت کار دربسط و توسعهٔ یک شهر ، بی‌نظیر است[۵] .

شاه عباس بزرگ باساختن بناهای عظیم و جالب در اصفهان ، چنان شهری بنا نمود که هنوزهم یگانه شهری است در تمام شرق که صورت تاریخی خود را بمنزلهٔ یکی از مهم‌ترین نوآوریها در حیطهٔ شهر سازی از دست نداده است[۶] .

جانشینان شاه عباس بخصوص شاه عباس‌دوم نیز در زیبا کردن شهربسیار کوشیدند[۷] بطوریکه در زمان شاه سلیمان سوم اصفهان دارای ۳۸۲۰۰ بنا بوده و ۴۸ کیلومترمحیط و جمعیتی درحدود ۶۰۰۰۰۰ الی

یک سلیون و یکصدهزار نفر داشته است.

هجوم و تاخت و تاز وحشیانه قبایل افغانی درسال ۱۷۲۲ میلادی (۱۱۳۵ هجری) شهر را تقریباً ویران کرد، بعدها در زمان قاجاریه نیز اصفهان صدمات فراوان دید و بناهای تاریخی آن بخصوص بوسیله ظل السلطان شاهزادهٔ ناقابل قاجار، از حیز انتفاع افتاد.

نگاهی به نوشتجات سیاحان خارجی محقق را باین نتیجه میرساند که هیچ شهری در آسیا و حتی در اروپا چون اصفهان در عصر صفویه این چنین بسط و توسعه نیافته است.

شهر اصفهان در قرن هفدهم دارای ۱۶۲ مسجد، ۴۸ مدرسه، ۱۸۰۲ کاروانسرا، ۲۷۳ حمام و ۱۲ قبرستان بوده است[۸]. مضافاً به اینکه اصفهان دارای دوازده دروازه بود که هشت عدد آنها همیشه باز بوده است.

شهر بطور کلی بدو محلهٔ بزرگ یکی جوباره (نعمت‌اللهی) واقع در شرق و دیگری در دشت (حیدری) در مغرب تقسیم گردیده بود.

نوع بناهائی که برای زندگی روزمرهٔ مردم البته باستثنای بناهای Representative (بناهائی مانند شهرداری، مجلس و یا کاخهای سلطنتی و غیره) بکار میرفت، در ایران متنوع تر از اروپا بود.

هنگامی که در اروپا انواع بناهای اصلی فقط به منزل و کلیسا محدود شده بود، ایرانیها هفت نوع بنا میشناختند.

این هفت نوع بنا عبارت بود ازخانه، حمام، بازار، قهوه خانه،

کاروانسرا ، مدرسه و مسجد که دراغلب نقاط و حتی دهات کم‌جمعیت نیز موجود بود.

در هرمحلهٔ شهر اصفهان ، همانند یک شهر کاملاً ایرانی، این نوع بناها باتمام جلال و شکوه خود ، وجود داشت . علاوه براین بناها ، انواع بناهای دیگر نیز که Representative بود دراصفهان‌جای اصلی‌خود را محفوظ داشته است.

تقریباً در مرکزشهر بلوك بزرگ ساختمانهای تاریخی ، باغها، پاویون‌ها و قصور باتمام شکوه و جلال خود جلوه میکند.

این ناحیه از طرف چپ محدود به میدان نقش جهان است این میدان درازایش از شمال به‌جنوب و پهنایش از شرق به غرب گسترده شده است.

در ناحیهٔ جنوب شرقی میدان شاه ارگ قرارگرفته ودرطرف‌غرب ناحیهٔ قصور شاهی ، خیابان چهارباغ تا به‌پل‌الله‌وردی خان امتداد یافته بود . بطورکلی ۳ پل‌و یک Aquädukt قسمت جنوبی‌شهر را که در جنوب زاینده رود قرار دارد ، به‌قسمت اصلی‌شهر یعنی به طرف شمال وصل میکرده است.

شمال شهر خود به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم میگردید. قسمت شمالی‌قسمت قدیمی شهر بود و قسمت جنوبی جدید. این‌قسمت جنوبی بیشتر توسط شاه عباس ساخته شده بود.

درست در مرکزشهر یعنی مرز شمال و جنوب اصفهان ، بناهای شاه عباسی‌قرارگرفته‌است در مرحلهٔ اول‌میدان‌نقش‌جهان بچشم‌میخورد

که ۵۱۰ متر درازا و بیش از ۱۶۰ متر پهنا دارد ، یعنی بزرگترین میدان جهان که هنوز صورت تاریخی خود را حفظ نموده است[۹].

قدیمترین تصویری که از این میدان در دست داریم طرحی است (تصویر ۷۵ ج ۱) که در سال ۱۶۲۸ توسط توماس هربرت از آن گرفته شده است[۱۰].

۳۳ اولئاریوس میدان شاه را بمنزلهٔ قسمت عقبی تصویر « اعدام ساعت ساز سویسی رودولف استادلر» آورده است.

شاردن و برون بهترین طرح ها را از میدان مزبور ترسیم کرده‌اند ، در صورتیکه دولیه دلاند (تصویر ۹۹ ج ۱) و پل لوکاس (تصویر ۵۵ ج ۱)[۱۱] آنرا تقریباً مربع وار نشان داده‌اند ودر سفرنامه تهونوبناهای آن از روی خیال طرح گردیده است (تصویر ۱۰۲ ج ۱).

میدان شاه بمنزلهٔ قلب شهرمحسوب میشده و از جهت اقتصادی و تشریفاتی جایگاه اساسی شهر و کانون معاملات بوده است و آنطور که طرحهای برون نشان میدهد (تصاویر ۱۱۶ و ۱۱۷ ج ۱) جایگاه مبادلات ونقطه گداز زندگی عامه ومرکز اعیاد وجشن ها نیز بحساب می‌آمده‌است.

این میدان هم از لحاظ وسعت وهم از لحاظ ترکیب معماری آن، از مهمترین مجموعهٔ معماری جهان بوده و این مسئله را تمام سیاحان بالاتفاق تأکید کرده‌اند.

این میدان درخواست های عملی و ایده‌آلی را توأماً اجرا میکرد یعنی هم عامه پسند بود وهم نمایشی (میدان بازی چوگان) درهرحال از هرنظر به شاه و ملت هردو خدمت میکرد.

بنا های اساسی میدان بغیر از قسمت شمالی آن ، که از بین رفته ، هنوز با کمی تغییر بصورت اولیهٔ خود باقی مانده است .

دراطراف میدان بعد از پیاده‌رو یک ردیف درخت های چنار وجود داشت و بفاصلهٔ ۱۰ متر عقب آنها طاقنما های دو طبقه اطراف میدان را فرا گرفته سپس پشت آنها نیز گالرهائی وجود داشته است .

در طرف چپ میدان، این گالری ها قسمت جنوبی شهر را به‌قسمت شمالی وصل میکرد بطریقی که یک سوار میتوانست تمام شهر را از جنوب به‌شمال از داخل خیابان سرپوشیده‌ای عبور کند(۱۲) .

بطوریکه شاردن مینویسد : این میدان بشکل مربع مستطیل و بطول ۴۰۰ و عرض ۱۶۰ قدم بوده است . اطراف آنرا نهری فرا گرفته که شش پا عرض دارد وهزاره های اطراف این نهر از سنگ سیاه ساخته شده ویک پا از پیاده‌رو بلندتراست ولی عرض این سنگ ها باندازه‌ایست که چهار نفر بآسانی میتوانند از روی آنها پهلوی یکدیگر راه بروند .

مابین این نهر واطاق های اطراف میدان ، فضائی بعرض بیست پا وجود دارد ، اطراف میدان شامل ۲۰۰ اطاق است که همه بیک اندازه و دو طبقه ساخته شده است . اطاق های طبقهٔ زیرین عبارتست از دو مغازه که یکی بطرف میدان و دیگری بطرف بازار باز میشود . طبقهٔ بالائی دارای چهار اطاق است که دوتای آنها بطرف میدان دارای چشم‌انداز خوبی است و دوتای دیگر در عقب واقع است . هریک از اطاق های رو بمیدان ایوانی دارد که جلوی آن طارمی ایست که باآجر وگچ و برنگ سبز و قرمز ساخته شده و بی‌اندازه بچشم زیبا میآید .

میدان دارای دوازده مدخل عمده و چند مدخل کوچک است(۱۳).

در دو طرف عالی‌قاپوبفاصلهٔ صد وده قدم طارمی‌چوبی‌تعبیه شده بوده که در داخل‌آن صد و ده توپ چدنی سبز رنگ میبوده است. این طارمی‌و توپها را بخوبی‌میتوان در تصاویر اولئاریوس وشاردن مشاهده نمود. اغلب آنها کوچک‌است باستثنای دوتوپ‌بزرگ که خمپاره‌انداز بوده و سابقاً بآنها بقول شاردن شتر میگفتند. این توپها ساخت اسپانیا بوده است که ایرانیان هنگام فتح هرمز بدست آورده‌اند.

شاردن ادامه میدهد که درگوشه‌ای درحرمسرا درمغرب میدان دو پایه ستون مرمر بسیار زیبا از تخت جمشید آورده و نصب نموده بودند.

دراین‌میدان بطوریکه از تصاویر برون هویداست(تصاویر ۱۱۶ و ۱۱۷ ج ۱)باستثنای روزهای رسمی‌و اعیاد که قرق‌بوده، بساط دست فروشان، پیشه‌وران، خوراك‌فروشان و کسبهٔ‌مختلف گسترده می‌شده‌است. و پیشه‌وران مذکور کالای خود را روی یک حصیر و یا قالی گسترده بالای‌آن چادر وسایبانی که از حصیر یاپشم‌بافته شده بود برپا میکردند.

بطوریکه از نوشتجات شاردن‌برمیآید مردم کالاهای‌خود را شب هنگام در میدان رها نموده بدون آنکه مستحفظی برآن بگمارند بخانهٔ میرفتند و معذالك هیچ حادثه‌ای رخ نمیداده است.

مسئله‌ای که جالب است آنست که شاه عباس کبیرمحل فروش هر کالا واجتماع اصناف مختلف را دراین‌میدان در صبح ویا عصر تعیین کرده بود.

۳۴ شمال میدان که مدخل بازار بزرگ را تشکیل میداد ، بسیار زیبا آراسته شده بود . در معماری این قسمت حداکثر مهارت بکار رفته بود جلو خان نیمدایره‌ای راکه مدخل بازار شاهی را تشکیل میداد بوسیله دو بلوك بنای ۳ طبقه محدود کرده بودند . طبقهٔ بالائی این دو بلوك را نقاره‌خانه تشکیل میداد ، بطوریکه درتصویرهویداست عده‌ای درآن درحال نواختن موزیك هستند . این موزیك در ساعاتی مخصوص در روز ویا بمناسبت جشن نواخته میگردید .

شاه عباس کبیر به‌این مدخل قیصریه نام نهاده بود . قوس سر در قیصریه جناقی و با کاشی مستور بوده است .

در اطراف این بنا دو سکو بوده که بارتفاع سه یا چهار پا وعرض پانزده یا شانزده پا بوده است و روی آنها را از سنگهای یشم و سماق تا چند متر بالاتر مفروش کرده بودند . این سکوها محل تجارت جواهر فروشان و زرگرها وهمچنین تجارالبسهٔ گرانبها وغیره بوده است .

دراین سردر دو فرسك دیده میشده که یکی جنگهای شاه عباس کبیر باازبکان و دیگری مجلس بزم اروپائیان را نشان میداده است .

چنانکه در تصویر نیز هویدا است ، بالای سر در جای ساعت بزرگی بوده که مساحت پایهٔ آن تقریباً یك متر مربع بوده است ولی در داخل آن بجای ساعت ناقوسی تعبیه شده بود که درکنار آن بطوریکه شاردن نگاشته است کلماتی لاتین باین مضمون ملاحظه میگردیده

Santa Maria ora pro nobis mulieribus

که ترجمهٔ آن چنین است : « ای مریم مقدس برای ما بیچارگان دعا کن ».

این ناقوس را از جزیرهٔ هرمز پس از بیرون نمودن پرتقالی‌ها آورده بودند.

۳۵ در طرف شرق میدان شاه مسجد شیخ لطف‌الله با گنبد بی نظیرش مشاهده میگردد.

جلوخان این مسجد بعرض بیست و طول پانزده پا برده و از دو طرف ببازاری وصل میشده است. ازاره‌های بنا بارتفاع هفت یا هشت‌پا در داخل وخارج ، از قطعات سنگ یشم پوشیده بوده و قسمت بالای آن شامل رواق هائی بوده که مقرنس های کاشی کاری آن بهزاران شکل و رنگ دیده میشده است.

راه ورود مسجد شیخ لطف‌الله پله کانی است که دارای ۱۲ پله بوده و از دالان مسقفی میگذرد. این مسجد در زمان شاه عباس به‌مسجد صد ریا مسجد مجتهد بزرگ موسوم بوده است.

مغرب میدان را علاوه بربنای زیبای عالی قاپو دروازهٔ دیگری
۳۶ فراگرفته که به بازار آهنگرها منتهی میگردد. صحنهٔ بسیار جالبی که دراین تصویرملاحظه میگرددا ینست که اطراف ایوان بزرگ عالی‌قاپو را باپرده‌ای بزرگ میپوشاندند که ازگزند آفتاب وغیره مصون بماند.

در جنوب میدان شاه سردر بزرگ مسجد شاه باتمام ابهت خود
۳۷ ملاحظه میگردد. دروسط میدان نیز میلهٔ هدف. ٤ متری وجود دارد که قبلاً راجع بآن سخن رفته است.

بدین ترتیب آنچه که از لحاظ معماری، جزو لاینفک یک مقر حکومتی ایرانی محسوب میشده و معمول بوده در این میدان تنظیم شده است.

هریک از این بناها ضمن اینکه برای خود مستقل بوده و عملاً برای منظوری ساخته شده بود باهم نیز ارتباط داشته و بطورکلی یک پارچه معماری متحد بوجود آمده است.

تصاویر دیگری راکه مربوط به‌بناهای‌هنری شهری‌است میتوان به‌شرح ذیل تقسیم‌بندی نمود.

بناهای مذهبی، بناهای یادگاوی، کاخها و بناهای مفید.

آنچه که مربوط به‌بناهای مذهبی‌است باید گفته شود که‌با کمال تعجب با وجود اینکه در هرنقطه‌ای از ایران مساجد بیشماری یافت میگردید و در خود اصفهان بیش از ۱۶۲ مسجد وجود داشته فقط تصاویر دو مسجد یعنی‌شیخ‌لطف‌الله و مسجد شاه در دست است، آنهم بعلت ارتباط بامیدان شاه.

۳۷ از مسجد شاه تصویری در دست است که از روی‌طرح گرلوگرفته و در اطلس شاردن آورده شده است. در زمینهٔ جلوئی تصویر دو ستون کوچک وضخیم از مرمر ملاحظه میگردد بارتفاع $۲\frac{۱}{۲}$ متر که درفاصلهٔ ۱۸ متر از یکدیگر قرارگرفته است. این‌ستونها برای بازی چوگان‌تعبیه شده است. در زمینهٔ وسطی تصویر یعنی در حقیقت در محور افقی آن استخری مستطیل‌ملاحظه میگردد که برروی آن در ناحیهٔ وسط درست روبروی سر در مسجد، یک محوطهٔ تقریباً مربع شکلی شده که بصورت

پلی‌است برروی استخر قرارگرفته ودر وسط آن‌حوضچه‌ای هشت ضلعی‌نیز ساخته شده است.

سردر بلند مسجد که ده متر پهنا دارد ، از دو طرف و پائین به گالریهائی محدود بوده که ببازار ارتباط داشته است این سردر دارای قوسی جناقی وتزئینات آن در دورهٔ صفویه بطوری شگفت‌انگیز بوده که شاردن آنرا درمقام مقایسه بابناهای اروپائی بی‌نظیرمیداند.

این تزئینات مقرنس‌هائی بوده بسیار زیبا و بهزاران شکل مختلف که درآنها طلای ناب و لاجورد بمقدار زیادی بکار رفته بوده است.

پشت سر در ، ایوانی ساخته شده که اطراف در ورودی آن از سنگ یشم بوده است. این‌در دو لنگه داشته که از قطعات نقرهٔ قلمزدهٔ زرکوب پوشیده شده بوده است.

برفراز این سردر عظیم ، دو منارهٔ بلندبآسمان کشیده شده است.

پشت این سردر یعنی درحقیقت طرف راست تصویرگنبد بزرگ و مناره‌های اصلی‌مسجد ملاحظه میگردد. این مسجد ۲۰ درجه بطرف راست چرخیده شده و دلیل آن این بوده است که میدان شمالی جنوبی بوده ، اما مسجد چون محرابش باید رو بقبله ساخته شود ، بالنتیجه میبایست بسوی جنوب غربی‌چرخانده شود ، اما برای اینکه هردو نظر تأمین شود یعنی‌هم مسجد درطرف جنوبی‌میدان قرارگرفته و هم‌جهت قبله حفظ شده باشد، میبایستی که درمحور اصلی‌مسجد، یک شکستگی ایجاد شود . این شکل را آرشیتکت مسجد شاه ، بامهارت و بصیرت

بوسیلهٔ چرخاندن محور اصلی بسیار استادانه حل کرده است.

از بناهای یادگاری نیز سیاحان باندازهٔ کافی طرحهائی از خود بجای نگذارده‌اند، چون که از چندین نوع بنای یادگاری فقط یکنوع یعنی گنبد برروی چارطاقی نمایش داده شده است، مانند تصویر مقبره
۳۹ و ۳۸ شیخ صفی‌الدین از برون ویا مقبرهٔ حضرت معصومه از گرلو. مقبرهٔ اخیر کنار رود اناربار بقسمی قرار گرفته که چهار حیات پشت سرهم بوسیلهٔ سه درگاه بهم وصل‌شده است.

حیاط اول که بوسیلهٔ باغچه های منظم تزئین شده نسبت به‌جریان رودخانه بطرف چپ تمایل پیدا کرده است. سردر معظم این حیاط همان سردریست که بوسیلهٔ شاه عباس ثانی ساخته شده است.

شاردن دربارهٔ این حیاط چنین مینویسد:

«خیابان وسطی سنگفرش‌شده و باطاربی‌ونرده از باغچه و گلستان مجزا گشته است و دو منطقهٔ مرتفع آجرفرش بارتفاع سه پا در دو طرف خیابان مشاهده میشود که در طول حیاط امتداد یافته است. برسطح هریک از این مناطق بیست باب اطاق دیده میشود که هریک دارای طاقی بوسعت نه پای مربع و یک بخاری ویک ایوان است. در قسمت ورودی این محوطه، در جانب چپ، سرداب عمیقی از نوع چشمه های سابق‌الذکر دیده میشود ودر قسمت راست قفسی مشاهده میگردد. بطور کلی این قسمت از بنا فرحبخش است.

جوی آب زلالی از حوضی که درمدخل محوطه‌است خارج میشود و بحوض دیگری که درمنتهی‌الیه حیاط واقع میباشد، روان میگردد و

بطور کلی سرتاسر محوطه را چرخ میزند(۱۳).

سه حیاط دیگر بطوری پشت سرهم برروی یک محور قرار گرفته که تمام خطوط پرسپکتیوی آن در محلی که گنبداست یکدیگر را تلاقی مینماید.

حیاط دومی تقریباً ساده است ولی حیاط سومی با عمارات دواشکوبه‌ای که اطراف آن را فرا گرفته دارای ابهت خاصی است. کنار این عمارات دو طبقه ایوان و مهتابی نیز ملاحظه میگردد. در وسط حیاط استخری مستطیلی دیده میشود که چهار درخت بزرگ دو چهار گوشهٔ آن کاشته شده است پله کانی با ۱۲ پله در انتهای حیاط مارا به‌سردر بسیارمرتفع و باشکوهی میرساند که حدفاصل مابین حیاط سوم و چهارم است،شاردن دربارهٔ این سردر مینویسد:

«قسمت سفلای آن با مرمرهای سپید شفافی که همچون عقیق و سنگ سماق میدرخشد مستور شده است. قسمت علیای سردر که نیمه گنبد عظیمی میباشد با قطعات لاجوردی و زرین ضخیمی مزین گشته است»(۱۴).

حیاط آخری که مقبرهٔ حضرت معصومه در آن قرار گرفته تقریباً ساده است، چون که اطراف آن یک ردیف منازل طلاب قرار گرفته ولی عمارت آستانه که در مقابل این حیاط قرار دارد دارای عظمت مخصوصی است. آنطور که در تصویر پیداست در این قسمت سه بارگاه باعظمت در کنار یکدیگر واقع بوده است.

دوبارگاه طرفین مقبره حضرت معصومه متعلق به شاه صفی اول و

شاه عباس ثانی بوده که محو گردیده است.

شاردن مینویسد:

« مدخل بارگاه وسطی که بعمق هیجده پا میباشد، فوق‌العاده معظم و با شکوه است. سردر آن از سنگ مرمر شفاف عقیق مانند بنا شده است.

سطح خارجی بالای سردر که نیمه گنبد عظیمی میباشد، با کاشیهای بسیار زیبائی پوشیده شده و سطح داخلی آن کاملاً زرین و لاجوردی میباشد. خود در که بارتفاع دوازده پا و به‌پهنای شش پا میباشد، از مرمر بلورین حاکی ماورایی تعبیه گشته است. سطوح تخته‌های در، باصفحات سیمین مستور، و باتزئینات طلایی و قلمکاری و صیقلی خاتم‌کاری فوق‌العاده نفیسی بوجود آمده است. بارگاه هشت ضلعی میباشد و گنبد مرتفعی آسمانهٔ آنرا پوشانیده است. قسمت سفلای بارگاه باندازهٔ شش پا باصفحات سنگهای سماق مواج منقش بازهار زرین و رنگین که از فرط تلالؤ چشم تماشائیان را خیره میسازد پوشیده شده است. قسمت علیای آن باصفحات زرین و لاجوردی فوق‌العاده درخشانی که عبارات و کلمات مذهبی و دینی برروی آنها مسطور میباشد، مستور گشته است.

متن سطح داخلی گنبد نیزبعینه همینطور میباشد. این گنبد بسیار عظیم و بی‌نهایت عالی است و سطح خارجی آن مثل سردر خاتم کاری شده است در بالای گنبد رأس مناره‌ای افراشته شده است که برسر آن هلالی تعبیه گشته و در تصویر مربوط ملاحظه میشود.

این دستگاه که عظمت آن بخصوص قابل توجه میباشد، از

گلوله هائی باندازه‌های مختلف که برروبهم قرار گرفته است ، درست شده و بارتفاع بیست پا بنظر میآید و تمام آن از طلای ناب است . ایرانیان مدعی هستند که کلیهٔ کرات مزبور توپر میباشد و بدین ترتیب درصورت صحت این ادعا قیمت آن سر به‌میلیونها میزند»(۱۵) .

شاردن بعنوان اولین مسیحی قدم بداخل مقبرهٔ حضرت معصومه گذارده آن را چنین توصیف میکند :

«در وسط بارگاه مقبرهٔ مبارکهٔ حضرت فاطمه علیهاالسلام واقع شده است ..... درازای این مزار مبارك هشت پا ، پهنایش پنج پا و بلندی آن شش پا است و با کاشی‌های بسیار عالی پوشیده شده ، و باروپوش زربفت مستور گشته است . در اطراف مزار نردهٔ سیمین توپری بارتفاع شش پا تعبیه شده که فاصلهٔ آن باخود مقبره نیم پا میباشد ودر گوشه های آن چهار سیب بزرگ طلا نصب گشته‌است .... پرده‌های مخملی مابین نرده ومزار تعبیه گشته که مانع دیدار خود مقبره است ... کف بارگاه بافرشهای پشمین بسیارعالی مفروش میباشد معمولاً در اعیاد بزرگ فرشهای زربفت وابریشمی گسترده میشود .

درآستانهٔ مزار ، بارتفاع ده پا ، قندیلهای نقرهٔ متعددی آویزان است . وزن هریك ازاین چراغها بالغ برشصت مارك (هرمارك در حدود ۲۵۰ گرم) میباشد(۱۶)» .

سردر مزار شاهنشاهان صفوی نیز بزرگ است اما بپایهٔ سردر ۳۹
مقبرهٔ حضرت معصومه نمیرسد . تمام سطوح تخته های در آن از صفحات سیمین پوشیده شده بود . وسعت و مساحت این دو بارگاه کاملاً باهم

مساوی بوده وهردو در منتهی‌الیه دالانی به‌پهنای دوازده پا وبه‌درازای سی و پنج پا واقع شده است.

شاردن ادامه میدهد :

«بارگاه مزار عباس (شاه عباس دوم) دوازده ضلعی غیرمنظمی است ولی مال صفی (شاه صفی اول) مربع میباشد ، اما بازهم غیرمنظم است. مخازن و دالان و بارگاه مزار مستور از فرشهای نفیس و گرانبها میباشد ولی قالی‌های خود بارگاه زربفت و ابریشمی است. ظرافت و ابهت این مقبره‌ها را حد و حصری نمیتوان شناخت و جلال وشکوه اینها درحقیقت
٤٠ عدیم‌النظیر میباشد . قسمت سفلی را (مقبرهٔ شاه عباس دوم) صفحات سنگهای سماق اعلای طلا نشان و لاجورد اندود مستور ساخته است. طاقها بینهایت عالی و نفیس و خوش ساخت و هنرمندانه و آراسته بصفحات و قطعات رنگین و رخشنده و خیره کننده میباشد. طلا ولاجورد گرانبها در ساختمان آنها بقدری زیاد مصرف شده‌است که انسان گمان میکند فی‌الواقع این آثار از زرناب و لاجورد خالص میباشد.

در قسمت پائین گنبد بارگاه دو ردیف پنجره که شمارهٔ آنها بالغ برهشتاد میباشد تعبیه شده است. یکی‌از پنجره‌ها بسیار بزرگ وبطرف باغی باز میشود و در مقابل آن یکی دیگر که کوچکتر است بسوی بارگاه بزرگ ناظر میباشد. تمام این پنجره‌ها باشیشه‌های بلورین طلا نشان و لاجورد اندودی که در چارچوبه‌های سیمین توپری قرار گرفته‌اند ، شیشه‌بندی شده است . عبارات وکلمات شایان توجهی بنظم و نثر در در زیر هلال طاق دیده میشود که با آب طلا و خطوط رنگین زیبائی

نگاشته شده است و اینک برای نمونه قسمتی از آنها درج میگردد:

پادشاهی که در عدالت گستری اهتمام نورزد ، همچون سحاب بی‌باران است.

ثروتی که دیگران ازآن منتفع نشوند بمثابهٔ شاخه خشک درختان بی‌برگ و بار است.

ارتفاع مزار عباس (شاه عباس ثانی) چهار پا پهنایش چهار و درازای آن هشت است. سه شعله قندیلی که دربالای مزار معلق میباشد از طلای ناب و توپر است و بزرگترین آنها هشتاد مارك (بیست کیلو گرم) ولی دو دیگرهریک دوازده مارك (سه کیلوگرم) وزن دارد.

این قنادیل را با مفتولهای قطور نقره‌ای از گنبد بارگاه مزار آویخته‌اند مزار با کاشی عالی و مستور با پارچه‌های زربفت گرانبهای ایرانی پوشیده شده است. یک ذراع از این منسوجات نفیس هشتصد تا نهصد لیره ارزش دارد عالی‌ترین زربفت مرقد قطعه‌ایست از سقرلاط ارغوانی که روپوش مزار بشمار میرود و با منگله‌های طلایی برروی مقبره تعبیه شده است. روپوشهای زربفت مزار بانوارهای ابریشمین که از حلقه‌های زرین و زین متصل بفرشهای زمین میگذرد ، بند شده است. تمام قلابها وچنگالهای گوشه‌ها نیزطلا میباشد»(۱۷).

مقبرهٔ شاه صفی اول نیزکه در طرف دیگرمقبرهٔ حضرت معصومه قرار داشته ، از لحاظ ابهت وعظمت دست کمی از مقبرهٔ شاه عباس دوم نداشته است.

دراین باره نیز شاردن مینویسد :

«قندیلی که بربالای مزارآویخته شده‌است ازطلای ناب وتوپرمیباشد. ۴۱

ساختمان وهیأت و حجم مزار که کاملاً شبیه مرقد عباس (شاه عباس دوم) است آیتی از عجایب ونو در عالم بشمار میرود. درساختمان آن عاج و آبنوس و شجز برزیل و صبر زرد و کافور ودیگر اشجار معطر و خوشبوی بکار رفته‌است. اینهمه مصالح گرانبها را بطرز خاتم کاری در یک متن طلایی برسطح زربفتی تعبیه کرده‌اند. تطعات مختلف را باپرچین های زرین نفیس و عالی بهم متصل و محکم نموده‌اند.

تمام پیچ ومهره ولو لاوپرچین و میله وکلیهٔ ابزارو مصالح فرعیه که برای اتصال قسمتهای اصلیه بکار رفته از طلای ناب و توپر تهیه شده است.

در مقبرهٔ شاه صفی اول نیز مثل مزار شاه عباس ثانی یک قطعه روپوش زربفت بسیار عالی ایرانی مشاهده میشود که گرانبهاترین منسوج عالم بشمار میرود. یک قطعه سقرلاط ارغوانی عالی بارشته های ابریشمی که ازحلقه های زرین متصل بفرشهای مزار میگذرد، بند گشته است و عیناً مثل مرقد شاه عباس ثانی میباشد.

یکنوع میزهائی در روبرو قرار دارد که قابل انعطاف میباشد و از چوب و اشجار معطر ساخته شده است در جوار آنها طاقچه هایی تعبیه گشته که مقادیر زیادی از کتب شرایع اسلامی را درمحفظه های زربفت مخصوصی جایداده درآنها گذاشته‌اند در حقیقت ابهت و زیبائی وظرافت تمام این آثار نفیسه خیره کننده و عدیم النظیر است. بطور کلی نفاست و نظافت و یکنوع خضوع و خشوع آمیخته بشکوه و جلال تمکن وثروت

دراین بارگاه مشاهده میشود. من در سرتاسر ایران چنین دستگاه نفیس وعالی ندیده‌ام»[۱۸].

از برون طرح نوع دیگری مقبره در دست است که مقبرهٔ شخصی بنام عبدالله‌را نشان میدهد. این مقبره که بسیار عظیم و مونومنتال ساخته شده شبیه ساختمانهای دورهٔ سلجوقی است و نزدیک کاشان سر راه اصفهان در دهی بنام Kaladoen واقع بوده است. ۴۲

کمپفر از مقبرهٔ حافظ نیز طرحی تهیه کرده که لانگله هم از روی آن طرحی دیگر کشیده است. تصویر کمپفر برای تجدید بنای مقبرهٔ حافظ بسبک قدیمی خود بسیار مهم است، چون که این تصویر مقبرهٔ حافظ را قبل از بنای جدید کریم خان زند نشان میدهد که آنهم نیز متأسفانه خراب شده است بنابراین عنوان قویاً حدس زد که این طرح که درسال ۱۶۸۵ میلادی (۱۰۹۷ هجری) گرفته شده همان بنای اصلی مقبرهٔ حافظ را نشان میدهد که بلافاصله بعد از فوت او ساخته شده بوده است. ۴۳ و ۴۴

کاخهای صفویه تصویری از بناهای فوق‌العاده لوکس جهان بشمار میرود و در حقیقت پدیده‌ایست که درهیچ نقطه‌ای ازجهان بغیر از اسپانیا (الحمراء) و الجزیره (خرابه‌های قلعه بینی‌حمد) و تا اندازه‌ای پالرمو نظیر آن دیده نشده است.

یکی از تصاویری که داخل یک قصری را در اصفهان نشان میدهد تصویری است که در سفرنامهٔ اولئاریوس آمده است. این سالن شاید تالار آئینه نام داشته‌است. در قسمت جلوی این تصویر حوضچه‌ای بافواره‌های متعدد تعبیه شده‌است وشش‌ستون شش گوشهٔ چوبی، در دو ۴۵

ردیف سه ستونی سقف چوبی سالن را نگهداشته است. بطوریکه اولئاریوس خود می‌نویسد این تالار تماماً آئینه کاری شده و با تابلوهای نقاشی اروپائی مزین گردیده است[۱۹].

۳۶ از عالی‌قاپو یکی از مجلل‌ترین و تیپیک‌ترین قصور صفویه، شاردن و سان سن (تصویر ۳۰ ج ۱) دو تصویر بجای نهاده‌اند.

از ایوان عالی قاپو که شاردن باشتباه آنرا پاویون مینامد[۲۰]،

۴۶ ژوزف گرلو یک تصویر بسیار عالی کشیده است. برروی کف شطرنجی ایوان در این تصویر دوازده ستون شش گوش در سه ردیف بالا رفته و سقف چوبی آنرا که باموتیف‌های مستطیل شکل مزین گردیده بود، نگهداری میکرده است.

چهار ستون در ردیف جلو را گرلو از قصد قطع کرده است که از لحاظ اپتیکی جلوی دورنمای ایوان سد نشود وهمهٔ ایوان مشاهده گردد.

در وسط تالار حوضی از سنگ یشم مشاهده میگردد که دارای سه فواره میباشد. در دو طرف تصویر پشت ستونها قسمتی از پرده‌ای که گاهی اوقات برای حفاظت سالن انداخته میشده ملاحظه میگردد.

پشت عالی قاپو پارك بزرگی با قصور و پاویون‌های متعددی گسترده شده بوده که شاردن وسعت آنرا ۶ کیلومتر تخمین میزند ودربارهٔ یکی ازمعروف‌ترین قصور آن یعنی چهل ستون میگوید: «یکی ازشاعرانه‌ترین بناهای جهان، تمام مانند یک غزل وکامل مانند یک افسانه»[۲۱].

چهل ستون محل بتخت نشستن شاه عباس اول است که متأسفانه از هیأت قدیمی آن تصویری در دست نیست این نوع قصور و پارك ها باید

تحت عنوان معماری پارکی طبقه بندی گردد. نمونهٔ عالی معماری پارکی یا صنعت باغ سازی همان پارك هزار جریب است که ژوزف گرلوآنرا در تصویری ۴۷
جاویدان ساخته است.

این پارك درانتهای بلوار چهارباغ قرار داشت و دارای یک میل مربع وسعت بود.

شاردن دراین باره مینویسد که :

این باغ از دوازده طبقهٔ مسطح یاتراس تشکیل یافته که هریک شش یا هفت پا بالاتر از دیگری بنا شده است. هزار جریب دارای ۱۰ خیابان بوده که ۱۲ تای آنها عریض بوده و شکل بلوار را داشته است. این تصویر یکی از ۱۲ خیابان عریض این باغ را نشان میدهد. عظمت و جلال این خیابان در استخرها، کانالها، درختان دوطرف آن و معجرهای آنست که بطریق حساب شده‌ای تمام خطوط پرسپکتیوی را در نقطه‌ای درآخر خیابان که درآن پاویون بسیار زیبائی قرار دارد، جمع نموده و تلاقی داده است.

این بلوار دارای نهری سنگی بعمق هشت انگشت و عرض سه پاست خود خیابان باشیب کمی دارای طبقات مختلف است. پائین هرطبقه و محل آبشارها که نشیب ملایمی دارد استخری است. این استخرها باشکال مختلف مربع و چند ضلعی است.

شاردن ادامه میدهد که :

در اغلب طبقات این باغ پاویون های کوچک و بزرگ بسیار زیبائی قرار دارد حتی در طبقهٔ ششم عمارت کلاه فرنگی ملاحظه میگردد

وباندازه ی وسیع است که . . ۲ نفرمیتوانند در آنجا زندگی کنند. هنگام بهار این باغ منظرهٔ عجیب و دلفریبی دارد مخصوصاً در اطراف جویها و کنار استخرها گلهای فراوانی کاشته اند که عطر وبوی خوش آنها انسان را سرمست میکند. از این نوع معماری مربوط به پارك سازی ، منظره‌ای
۴۸ از برون از نجف آباد حوالی شیراز در دست است. این تصویر از لحاظ
۴۹ پرسپکتیو بسیار جالب تهیه گردیده است. برون تصویر دیگری ازمعماری پارك سازی آورده است که باغهای اطراف مقرکمپانی شرقی هلندی در شیراز و پاویون های زیبای آنرا نشان میدهد.

۵۰ نمونهٔ بسیار جالب معماری پارك سازی سعادت‌آباد اصفهان است که شاردن از آن درسفرنامهٔ خود از روی نقاشی یک ایرانی طرحی آورده است این طرح در حقیقت اندرون شاهی باساختمانهای متعدد آنرا نشان میدهد که بدون در نظر گرفتن قوانین پرسپکتیو تهیه گردیده است.

شاردن دربارهٔ این بارك مینویسد :

« آنچه را شاه ساخته از حیث وسعت شگرف است ، زیرا محیط بناها و باغها باندازهٔ یک فرسخ و رودخانه از وسط آن میگذرد محلهٔ مردانه در یک سمت و محل زنانه در سمت دیگر است وبوسیلهٔ یک پل چوبی باهم ارتباط دارد . . . . هنگامی که آب از فواره‌ها میریزد انسان خودرا در یک محیط نشاط انگیزی می‌بیند زیرا تاچشم کار میکندفواره دیده میشود . در میان بناهای متعدد این محل ، عمارت کلاه فرنگی مثمن دو طبقه است که آب ازمهتابی آن سرازیر است ، بطوری که اگر دست را از پنجره‌ها بیرون کنند فوراً خیس میشود . . . . برای اینکه از

بزرگی وعظمت این کاخ چیزی دستگیر شود کافی‌است که بگویم طول حوض آن ربع فرسخ و عرض آن نصف طول و عمق آن ده تواز میباشد (هرتواز مساوی با ۶۴۶/۱ متر است) لبه‌ها و دوره‌های آن از سنگ‌مرمر است و رودخانه از آن عبور میکند .... خیابانهای باغهای این کاخ باشکوه پر از درخت و باغچه‌های آن مملو از گل است. برای فهم اینکه چقدر این باغها زیبا و شعف‌انگیز و لذت‌آور است ، باید بخاطر آورد که هوای ایران خشک و رنگ گل در آن رخشان و تابان است و در این باغها آب فراوان میباشد. شاه عباس‌دوم این کاخ را بنانهاد.... و اغلب برای تفریح بساط حشمت خویش را درآن میگسترد. سبب آن بود که شاه آتش‌بازی را از دور دست ، دوست میداشت و امر میکرد که آنطرف دریاچه آتشبازی کنند و تالارها را چراغانی میکردند این مناظر با آبشارها و فواره‌ها منظرهٔ خیره کنندهٔ شگفت‌آوری بوجود میآورد»(۲۲).

پل چوبی که درطرف چپ تصویر قرار گرفته برروی پایه‌های سنگی قرار داشته و دارای ۲۱ چشمه بوده و مابین پل‌الله‌وردی‌خان و خواجو واقع شده بوده است. این پل را که شاه عباس دوم در سالهای ۱۶۵۴-۵۵ میلادی (۱۰۶۶-۱۰۶۵ هجری) ساخته بود(۲۳) دو طرف پارك را بهم متصل مینمود . درطرف دیگر زاینده رود در سعادت آباد علاوه بربناهای دیگر ، دوکاخ بسیار زیبا فراگرفته بود که برون از هریك از آنها یك تصویر باقی گذارده است.

۵۱ اول عمارت آئینه‌خانه در ساحل جنوبی زاینده رود مابین پل خواجو و پل چوبی میباشد که دارای هیجده ستون بوده است. این ستون‌ها آئینه کاری بوده و طاق مجلل آئینه‌ئی این کاخ را نگاه میداشته است. دیوارها و سقف آن نیز از آئینه های یکپارچهٔ بزرگ تزئین گردیده بود این عمارت شبیه به چهل ستون بوده و انعکاس ستونهای آن در آب همچون انعکاس رودخانه در آئینه های این قصر منظره‌ای دلگشا بوجود میآورده است.

۵۲ تصویر دیگری برون ازعمارت هفت دستگاه، که متصل به آئینه‌خانه بوده، آورده که بسیار جالب است. این عمارت باباغهایش در حدود بیست هزار متر مربع وسعت داشته و دارای اطاقهای تودرتوئی بوده است که باگچ بریهای بسیار زیبا و زراندود مزین گردیده بود. کف اطاق ها و سالنهای قصر سنگ مرمر شفاف و حوضهای آن از سنگ مرمر و سماق بوده است تخت شاه عباس دوم دراین کاخ برروی سنگ مرمر بزرگی بطول هفت وعرض سه متر قرار داشته است. عمارت هفت دستگاه بوسیلهٔ دالان طویلی به‌عمارت آئینه‌خانه متصل بوده است.

این عمارات بدستورشاه عباس دوم ساخته شده ودر حقیقت عشرت سرای او بوده است.

از همین نوع پارکها و عمارات ییلاقی در زمان شاه سلیمان نیز
۵۳ ساخته شده است از آن جمله است عمارتی که شاه سلیمان برروی کوه
۵۴ صفه در جنوب اصفهان بنا نهاده و کمپفر و برون از آن دو تصویر در سفرنامه های خود آورده‌اند. نام این قصر را تخت سلیمان نهاده‌اند.

این دو تصویر که بفاصلهٔ ۱۶ سال ازهم گرفته شده است کاملاً نشان میدهد که بچه سرعت قسمت باغ و تراس های این پارك از بین رفته است. درتصویر برون که بعداً از آن گرفته شده فقط پاویونی برپای مانده است. این پاویون که تقریباً درمرکز تصویر برون دیده میشود، همان پاویونی است که درکنارهٔ طرف راست تصویر کمپفر نمایش داده شده است. این دو تصویر نیز اسناد مهمی برای تجدید بنای تخت سلیمان بشمار میرود.

نمونهٔ بسیار عالی آرشیتکتورپارکی، کاخ هشت بهشت است که شاردن تصویری از نمای داخل این کاخ در سفرنامهٔ خود آورده است. ۵۵

قسمت جلوئی این تصویر جلوی تالاری را نشان میدهد که در دو طرف آن طاقچه ها ، رف ها و پنجره هائی قرینه سازی و دیوارهای این تالار جلوئی بافرسکهای تاریخی پوشانده شده است. در وسط این تالار حوضچه‌ای مربع با یک فواره ملاحظه میگردد . بعد از این تالار جلوئی سالنی کریدور وار ساخته شده که درابتدا وانتهای سقف آن قوس جناقی بسیار زیبائی تعبیه گردیده‌است. دیوارهای این سالن نیز باپیکرهای زیبائی نقاشی شده و بربالای آن از دو طرف غرفه های زیبائی وجوددارد. بنظرمیرسد که برروی همهٔ اینها و بخصوص در مرکز برروی حوضچه‌ای شش ضلعی گنبدی که از داخل مقرنس کاری بوده بنا گردیده‌است قسمت عقبی تصویر نیز عیناً مانند قسمت جلوئی آنست. مرکز این تصویرمحل تلاقی چهار بلوار است که از لحاظ معماری پارك سازی نهایت استادی در آن انجام شده و کمتر نظیرش پیدا میشود.

در اینجا شایسته است که چند نقل قولی از آن عده از سیاحانی که این کاخ را در زمان اوج زیبائیش دیده‌اند بیاوریم : فریر در سال ۱۶۷۷ میلادی (۱۰۸۸ هجری) این کاخ را مشاهده نموده و مینویسد:

«خانهٔ ییلاقی در وسط دو کانال قرار گرفته که یکدیگر را تلاقی میکند در این کانال کشتی ها و قایق های کوچکی دیده میشود که برای بازیهای جنگی دریائی تعبیه شده‌است. در این کانال ها بمقدار معتنابهی قو و پلیکان (مرغ دریائی) مشاهده میگردد . خانهٔ ییلاقی که تمامی از مرمر صیقلی ساخته شده ، گنبد آن باطلا تزئین گردیده، برروی دیوار آن معروفترین علمیات حکمرانان آنان نقش گردیده و حوضچهٔ زیر گنبد که تماماً از نقره است»(۲۴).

دربارهٔ تزئین هشت بهشت کمپفر مینویسد:

«هرجزئی از جزئیات این کاخ سندی است از مهارت بی‌اندازه‌ای که هنرمند بکار برده . مرمرهای رنگی متنوع و انواع مختلف دیگر سنگها ، حوضچه بادقت و مهارت ساخته شده ، آئینه هائی بزرگ باقاب از جنس شاخ حیوانات ، تزئین دیوارها باموزائیک وطلا کاری و خیلی چیزهای فوق العادهٔ دیگر درهرحال انسان نمیتواند بگوید که کدام یک از اینها شگفت‌انگیزتر است . ... درها از یک نوع چوب بخصوصی ساخته شده است که از داخل آن‌ها الیاف و رشته های طلا کشیده ، و برروی آنها روغن جلاداری زده شده که درخشش فراوانی دارد .... بطور خلاصه انسان باید دارای یکصد چشم باشد که بتواند تنوع توصیف نشدنی قیمتی های این پارك را بطور اساسی دریافته و شرح دهد»(۲۵).

هرآنچه که طبیب انگلیسی فریر ودانشمندآلمانی کمپفرنوشته‌اند بوسیلهٔ شاردن فرانسوی تائید میگردد که مینویسد :

« این تالار را عمارت بهشت مینامند زیرا عمارت بمعنی خانهٔ تفریح و خوشی است و بهشت طبقهٔ دهم آسمان راگویند از این جهت میتوان آن را تالار فردوس‌نامید طول تالار شصت پا وغیرمنظم ساخته شده‌است‌هفت زاویه یا ضلع دارد که آخری‌از همه پهن‌تر است ومیانی بشکل گنبدی است که سی یا سی‌وپنج متر ارتفاع آنست که روی‌جرزها و طاق‌های قوسی‌شکل که عدهٔ آنها برابر عدهٔ زوایا و اضلاع است قرار دارد تمام سقف‌ها موزائیک بسیارعالی‌است . دیوارها و جرزها دوطبقه و دالانها وغلام گردشهائی در اطراف آنها است . دراین دالانها صدها مکان است که دلکش‌ترین و فرح‌انگیزترین نقاط دنیا محسوب میگردد وهریک بوسیلهٔ منفذی که بدان نور میتابد روشن میشود این روشنائی متناسب با تفریحاتی است که این امکنه ویژهٔ آنها ساخته شده است هیچیک از این نقاط ازحیث شکل‌و ساختمان وتزئینات وآرایش بدیگری شبیه نیست . در هرجائی چیز تازه وگوناگون است چنانکه در بعضی بخاریهای متنوع و در برخی حوض‌ها و فواره‌ها است که از لوله‌هائی که در داخل دیوارها است آب میگیرند . این تالار عجیب درحقیقت لابیرنتی است ، زیرا انسان در قسمت فوقانی‌آن هرجا گم میشود وپله‌ها چنان مخفی است که بآسانی پیدا نمیشود .

قسمت پائین تا ده پا از سطح زمین از سنگ یشم و نرده‌ها از چوب زرنگار و قابها و چهارچوبها از نقره و جامها از بلور و آلت‌ها از

شیشه های رنگارنگ ظریف ساخته شده است.

اما راجع به تزئینات نمیتوان این اندازه شکوه وعظمت و دلربائی و فریبندگی را که درهم آمیخته است تصور کرد. میان نقاشی های این بنا تصاویر برهنه وفرح انگیز بسیار زیبا وجود دارد ودرهمه جا آئینه های بلورین در دیوارها بکار رفته است.

دراین تالار اطاق های آئینه کاری کاملی است که اثاثهٔ هراطاق از باشکوه ترین و شهوت انگیزترین نوع خود در دنیاست. نمیتوانم از بیان این نکته خودداری کنم که بهنگام گردش دراین محل که مخصوص لذت و حظ وعشق ساخته شده است، ودرحال عبور از اطاق ها و شاه نشین ها، آدم چنان تحت تأثیرقرار میگیرد که بگاه بیرون شدن از خود بی خود میگردد. بی شک هوای این تالار اثر مهمی دراین حالت عاشقانه که بانسان دست میدهد دارد.

اگرچه این بنا چندان بادوام و استوار نیست ولی فرح انگیزتر از مجلل ترین کاخ های ممالک اروپائی است.»[۲۶].

تاریخ ساختمان هشت بهشت مشکلی ایجاد کرده است.

خانم کاترینا اتودورن Kathrina Otto-Dorn تاریخ آنرا سال سال. ۱۶۱۰ میلادی (۱۰۱۹ هجری) میگذارد[۲۷] در صورتیکه پروفسور گلوك و دیتز آنرا برروی. ۱۶۷۰ میلادی (۱۰۸۱ هجری) تاریخ گذاری کرده[۲۸] وتأکید میکنند که هشت بهشت در زمان شاه سلیمان ساخته شده است.

تاریخ. ۱۶۱۰ میلادی (۱۰۱۹ هجری) خانم دورن نمیتواند صحیح

باشد چون که اصولاً درهیچ کتاب شرقی ویاغربی حتی یک کلمه راجع به ساختمان هشت بهشت در نیمهٔ اول قرن هفدهم چیزی بیان نگردیده است.

تاریخ ۱۶۷۰ میلادی (۱۰۸۱ هجری) پروفسور گلوك و پروفسور دیتز نیز نمیتواند صحیح باشد چون که ژوزف گرلو در سال ۱۶۶۵ یا ۱۶۶۶ میلادی (۱۰۷۷-۱۰۷۶ هجری) هشت بهشت را بازدید نموده و این طرح را تهیه کرده است، یعنی قبل از ۱۶۷۰ میلادی (۱۰۸۱ هجری) و اگر باز ما این موضوع را در نظر بگیریم که در هرحال بنای این ساختمان باعظمت سالها وقت لازم داشت تا بشکلی که ژوزف گرلو طرح کرده برسد، میتوانیم بطور قطع بگوئیم که این ساختمان بدستور شاه سلیمان ساخته نشده بلکه بدستور شاه عباس دوم که اشتیاق عجیبی باین نوع ساختمانها داشته بنا گردیده است. درهرحال تاریخ بنای هشت بهشت را میتوانیم در حدود سال ۱۶۶۰ میلادی (۱۰۷۱ هجری) و یا قدری زودتر بدانیم.

۵۶ بنای دیگری که منزل یک کلیمی را نشان میدهد وبنام میخانه معروف بوده از لحاظ ترکیب معماری شبیه به هشت بهشت است ولی در ساختمان آن بیشتر برروی خطوط عمودی تکیه شده و دکوراسیون زیبای داخلیش تقریباً بی‌نظیر است.

موزائیک کاری مجلل کف این سالن، مانندیک قالی بنظرمیرسد. دیوارها وهمهٔ سقف این بنا منبت کاری شده است.

در این منبت کاریها حفره‌هائی بشکل ظرف‌های مختلف تعبیه شده که برای جا دادن ظروف مختلف‌الشکل بوده است. این سالن را

شاردن میخانه نام نهاد و اینطور وصف نمود :

« میخانه تقریباً شبیه تالاری است، که ارتفاع آن شش یا هفت تواز و از کف زمین باندازهٔ دو پا بلندتر است. این بنا وسط باغی واقع و مدخل آن تنگ و جلوی آن بفاصلهٔ دو پا دیواری ساخته‌اند.... از در که وارد شویم طرف چپ مخازن و اطاق ها و طرف راست تالار بزرگی است این تالار بشکل مربع مستطیل و یا مانند یک صلیب یونانی است.

سقف آن گنبدی شکل و در دو طرف دو شاه‌نشین دارد. وسط این تالار حوض بزرگی است که سنگهای کنارهٔ آن از سنگ سماق است و دیوارهای آن تا ارتفاع هشت پا از سنگ یشم مستور و بقیهٔ آن باسقف مقرنس ها ورقه هائی است که بهزاران اشکال و الوان مختلف و در آن انواع و اقسام ظروف و لوازم دیگر است.

کف این تالار از فرش های زرین و ابریشمین مفروش است هیچ چیز فرح انگیزتر و شگفت آورتر از این عدهٔ بشمار ظروف و قدح ها و ساغرهای می نیست که از مینا و عقیق و یشم و طلا ونقره وچینی وغیره ساخته شده است. و چنین بنظر میآید که در دیوارها جای گرفته و از سقف آویزان است که گوئی هم اکنون از آن فرو میریزد»[۲۹].

نظایر تزئینات این میخانه برای محل نصب ظروف از قدیم در ایران معمول بوده، چنانکه ابن بطوطه در سال ۱۳۳۳ میلادی (۷۳۴ هجری) هنگام شرح و وصف یکی از منازل شهر خیوه این موضوع را نیز گوشزد میکند.

همین تزئینات و منبت کاری‌ها برای محل ظروف هنوز هم در بعضی بناهای ایران مانند چینی خانهٔ اردبیل و عالی‌قاپو ملاحظه میگردد.

در زمینهٔ بناهای مفید سیاحان تصاویر زیادتری از خود بجای گذارده‌اند بدلیل اینکه نظایر این نوع ساختمان‌ها مانند کاروانسرا، حمام، آب انبار، یخچال و غیره، در اروپا پیدا نمیشده و برای آنها جالب توجه بوده است.

ساختن کاروانسرا در ایران از قدیم معمول بوده واز آنها بمنزلهٔ محل استراحت و هتل برای تجار استفاده میگردید. تاورنیه مینویسد «کاروانسراها مهمانخانه مشرق زمین است»(۳۰).

کاروانسرا درضمن محلی بود برای تجارت یعنی تجار در آنجا دربارهٔ وضع بازار و مبادلات تجارتی نیز کارهائی انجام میدادند. کاروانسرا محلی فرهنگی نیز بوده چون تجار از نقاط دور دست دراین نقاط باهم ملاقات و طبیعةً تبادل افکارمیکردند(۳۱).

شاردن تعریف جامعی ازکاروانسراهای ایران نموده مینویسد:

کاروانسرا عبارت از عمارت معظم وبزرگی‌میباشد که طرح بنای آن غالب اوقات بشکل‌مربع و بارتفاع تقریباً بیست گام است. اطاقهای آن در یک ردیف بدرازا بنا شده و شبیه اطاق خواب راهبین میباشد، سقف منازل راگنبدی به‌بلندی چهار تا پنج گام تشکیل میدهد و بطور کلی مساحت هر اطاقی بیشتر از هشت قدم مربع نمیباشد، هیچگونه پنجره‌ای نیز ندارد چنانکه نور فقط از در داخل‌منزل میشود.

هراطاقی دارای دهلیز کوچکی بعرض خود منزل و چهار یا پنج گام طول آن میباشد(صندوق‌خانه) و یک بخاری کوچکی نیز در پهلو دارد که نیمکرهٔ مجوفی سقف آنرا پوشانیده است . علاوه بردو قسمت مذکور دالان مشترکی بارتفاع منازل درطول و مقابل تمام حجرات وجود دارد که ایرانیان آنها را مهتابی‌مینامند .

درپشت منازل مسکونی ، طویله هائی‌برای چهارپایان تهیه شده است که همچون راهروی در جوار عمارت کاروانسرا واقع گشته است ، دراین محل یکنوع رواقهای بلند و عریض دیده میشود که از هرحیث بزرگتر از دهلیز اطاقها است و بفواصل ده گام ازهمدیگر درست شده ، و دارای اجاقهای کوچکی میباشد که در دیوار تعبیه شده است . این جایگاهها را برای استراحت خدمتکاران درست کرده‌اند . و در موقع باد و باران طبخ غذا در این اجاقها بعمل میآید .... وسط محوطه یا حیاط کاروانسرا ، معمولاً عبارت از محلی‌است ، که‌برای حوض‌بزرگی لبریز از آب جاری ، تخصیص‌داده شده است .

.... کاروانسراها عموماً مسقف ساخته شده و در هردو طرف مدخل آنها رواقهائی‌وجود دارد که‌به‌دکانهای‌خواربار فروشی‌تخصیص یافته است .

مدخل این عمارات بارتفاع خود ساختمان است که با درهای مرتفع و بزرگی که از الوار تخته تهیه شده است ، باز و بسته میشود . حجرات بعضی از کاروانسراها فقط دارای یک اتاق گنبددار ، و

و یک مهتابی ساده است و فاقد بخش‌های مفصل دیگر سابق‌الذکر میباشد»(۳۲).

۵۷ توماس هربرت در سال ۱۶۲۸ میلادی (۱۰۳۸ هجری) اولین طرح از یک کاروانسرای را تهیه کرده است که جبههٔ یک بنای چند طبقه و بسته‌ای را نشان میدهد.

۵۸ گرلو عمارت پنج طبقه‌ای در صفی‌آباد، در شمال آذربایجان را نمایش میدهد که قسمت مرکزی حیاط کاروانسرا را شامل شده و بمنزلهٔ آسمان‌خراشی بشمار میرود.

نمای خارجی بعضی از کاروانسراهائی هم که دارای طبقات کمتری است در تصاویر شاردن و برون آورده شده است. در بنای اینگونه کاروانسراها از لحاظ افقی تأکید شده و چنین معلوم میشود که درحقیقت محل نگاهداری احشام را نیز شامل میشده و این تصاویر مؤید این نمودار است. ۵۹، ۶۰ و ۶۱

از نمای داخلی کاروانسراها نیز برون طرحهای مختلفی آورده، از آن جمله است حیاط کاروانسرای ماژار Majaer که سر در معظم آن در تصویر دیگر نقش گردیده است. ۶۲، ۶۳

۶۴ حیاط کاروانسراها اغلب چهارگوش و در اطراف آن اطاقهائی که محل استراحت تجار و مسافرین بوده، قرار داشته است. در وسط بعضی از آنها مهتابی قرار گرفته همانند این کاروانسرا که نزدیک شیراز واقع شده و برون از آن تصویری آورده است.

۶۵ طرحی که ژوزف گرلو از کاروانسرای شاهی کاشان کشیده نوع

عالی آنرا نشان میدهد.

شاردن درباره این بنا مینویسد:

«کاروانسرای شاهی که درخارج کاشان، در جوار دروازهٔ شرقی ساخته شده است، عالی‌ترین مهمانخانه شهرو بهترین کاروانسرای تمام ایران بشمار میرود . . . . این بنا چهارگوش است، ضلع آن از طرف داخل بطول دویست گام هندسی و دارای دو طبقه عمارت میباشد. محوطهٔ دهلیز مانندی در پائین وجود دارد که در طول تمام ساختمان امتداد یافته است، و از جانب حیاط بارتفاع قد آدمی و از سطح اطاقها بقدرچهار شست(۰/۲۷ متر) مرتفع است، ضخامت آن هشت پا میباشد وسطحش باسنگهای مرمرسفید نفیسی که مثل سنگ سماق شفاف میباشد، پوشیده شده است.

طبقه اول در دو طرف دارای پانزده باب منزل متحدالشکل است ولی در دو طرف دیگر فقط ده باب منزل دیده میشود، باضافه یکدستگاه منزل پنج اطاقی مرتفع طاق‌دار بمساحت پانزده پا طول وعرض، دارای یک بخاری در وسط، و یک محوطهٔ ایوان مربع در جلو، بوسعت ده پا دارای سقف نیمه طاقی، که درهرطرف آن یک دستگاه بخاری تعبیه شده و مخصوص اقامت خدمه است. طبقات دوم نیزمثل اشکوبه های پائین میباشد و نرده‌ای تقریباً بارتفاع چهار پا در سرتاسر آن تعبیه شده است....

در بالای مدخل، یک سردر بسیار عالی و بلندی ساخته شده که مثل تمام قسمتهای ساختمان تخته پوش است، و در هردو طرف دالان

سر پوشیده‌ای وجود دارد که قابل‌سکونت میباشد و مثل منازل داخل کاروانسرا دارای روشنائی‌مناسب و حتی‌راحت‌تر است .

حوض آب وسط حیاط بارتفاع پنج پا میباشد ، دیواره‌های‌حوض برای انجام وضو و ادای نماز ، عریض تعبیه شده و به پهنای چهارپا است(۳۳) .

عقب این بنای باشکوه نیز که در تصویر چیزی از آن منعکس نشده بسیار جالب است و شامل طویله‌ها و منازل خدمتگاران و غیره میشود .

این بنای معظم به فرمان شاه عباس کبیر ساخته و در سرلوحهٔ آن چنین نوشته شده است : « دنیا کاروانسرا و مردم کاروانیانند . در کاروانسرا ، ساختن‌سرای ، کاروانیان را روا نیست»(۳۴) .

یکی از فنومن‌های ساختمانی که در اغلب سفرنامه‌های مصور بنمایش آمده است پل میباشد که جزء لاینفک معماری قدیمی ایران است(۳۵) ، پلها در ایران دارای مشخصات ترکیبی است ، یعنی‌انواع بناها از قبیل سد ، برج ، پاویون و کاروانسرا در ساختمان یک پل‌نیز بکار برده میشد ، و در عین‌حال صورت واحد خود را بمنزله یک پل از دست نمیداد . این پلها چنان ساخته میشد که‌بنظر کاروان‌ها هنگام عبورازآن‌چنان‌میآمد که‌آنهاازیک ساختمانی باقلاعی‌عظیم‌میگذرند(۳۶) .

از این‌نوع پلها دو تصویر در دست است که اولی را اولئاریوس بسال ۶۶ ۱۶۳۷ تهیه کرده است . در میان دره‌ای تنگ که اولئاریوس آن را دروازهٔ گیلان نام‌نهاده است(۳۷) . این پل که بطور افقی‌در زمینهٔ وسطی

تصویر کشیده شده برروی رودخانهٔ قزل‌اوزن قراردارد. برروی‌آن کاروان هیئت نمایندگی آلمان مشاهده میگردد که از طرف راست بچپ پل را طی‌میکنند. اولئاریوس خود مینویسد که سفید رود «پلی بزرگ، محکم و برروی ۹ چشمه خوابیده است، زیر اغلب چشمه‌های پل اطاقهای کوچک و قشنگ وهمچنین یک آشپزخانه ساخته شده بطوریکه انسان میتواند ازکنار این اطاقها بوسیلهٔ پلکانی‌پائین آمده تا به‌آب رودخانه برسد. درهمین پل یک کاروانسرای خوبی ساخته شده که مسافرین میتوانند در آن شبی را بسر ببرند»[۳۸].

۶۷ نمونهٔ دیگر این نوع پلها پل‌شهرستان دراصفهان است. بطوریکه از قسمت راست این پل نمایان است یک بنای چند طبقه که گویا کاروانسرائی باشد باآن ترکیب شده است. پل شهرستان قدیمی‌ترین پل‌اصفهان است وبظن قوی در دوره ساسانیان ساخته شد ولی در زمان دیالمه و سلجوقیان در آن تعمیرات وتغییراتی‌حاصل گردید این پل در سه کیلومتری مشرق پل‌خواجو واقع شده است.

شاردن و برون بهترین تصاویر را از پلهای معروف اصفهان در

۶۸ دسترس ما گذارده‌اند. شاردن پل‌الله‌وردیخان را از جهت نمای شرقی آن یعنی در جهت مخالف رودخانه بنمایش گذارده است. پل چنان سرتاسر محور افقی‌تصویر را گرفته که تمام ۳۳ چشمه (البته هنگام بنا ۴۰ چشمه)[۳۹] که هرکدام ۵/۷ متر عرض دارد، باتمامی برجهای آن و قسمتی که خیابان چهارباغ را از طرف چپ به‌پل وصل مینماید، در تصویر کاملاً هویدا است. چشمه‌ها از سنگ خاکستری سختی بنا

شده است. این چشمه‌ها روی پایه‌هائی قرار گرفته که باندازهٔ ده پا از طرفین پیشرفته، روزنه و راههائی (چشمه) دراطراف ومیان آن میباشد، که آب از آنها عبور میکند. برروی پل دیواری بنا شده که آنهم دارای دهانه‌های بسیاریست. خود پل ۲۹۵ متر طول دارد با حاشیه‌های دو طرف که سابقاً پل را بخیابان چهار باغ وصل میکرده، که اگر آنها را نیز حساب کنیم طول آن. ۳۶ متر میشود.

۶۹ برون دو تصویر از این پل باقی گذارده که اولی از نزدیک و
۷۰ دومی از دور برداشته شده‌است. درتصویر دوم پاویونها و ساختمانهای زیبای پل نیز بنمایش درآمده است.

تصویر دیگرشاردن از پل‌الله‌وردیخان که در سال ۱۰۱۱ هجری
۷۱ قمری ساخته شده، قدرت تکنیکی و هنری معمار این پل را ظاهرمیسازد که بابنای دوگالری طویل، در دو طرف رودخانه، تأثیر نمای پل را از لحاظ پرسپکتیوهدف قرار داده است. دیوار این گالریها هریک دارای ۶ پا قطر و ۱۵ پا ارتفاع است ودر تمام طول دارای دهانه وغرفه‌هائی است. علاوه برآن، درهرفاصلهٔ نه متری این دیوارها، یک غرفهٔ بازی است چنانکه مردم برای هواخوری و خنک شدن از آن داخل وخارج میشده و بدون مزاحمت سوارانی از روی آن عبور و مرور میکردند.

هریک از دیوارهای پل از آجر ساخته شده و دارای چهار برج سنگی است. در داخل این برجها پلکانی تعبیه شده که میتوان از آنها بالا رفت و برفراز گالری عبور کرد. بالنتیجه شاهکاری بوجود آمده

مرکب از پدیده‌های مفید و مطبوع در معماری یعنی ساختمان پل بابنای تفریحی.

تمام سیاحان جلال و شکوه این پل را گوشزد نموده و و آن را ستوده‌اند. کرزن که این پل‌را در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم یعنی‌زمانیکه ازجلال و شکوه اصلی بنابمقدار زیادی کاسته شده بود ، مشاهده کرده مینویسد که تنها بخاطر ارزش دیدار این ساختمان زیبا که بنظر من بهترین‌پل‌جهان است ، مسافرت بایران از جمله واجبات است(۴۰).

حتی تاورینه که از هرجهت از ایران انتقادات نابجا و نادرستی مینموده مینویسد : « یگانه چیزی که انسان در ایران میتواند زیبا بنامد »(۴۱)همانا پل‌الله‌وردیخان است.

« در جهان هیچ پل دیگری پیدا نمیشود که از لحاظ عظمت و شکوه و جلال به‌پایهٔ آن برسد»(۴۲) به‌غیر از پل‌خواجو که چند کیلومتر پائین‌تر از آن بطرف جریان آب قرارگرفته است. اگرچه ازلحاظ وسعت با ۱۲۶ متر طول و ۱۱/۷۰ متر عرض ، از پل اللهوردیخان کوچکتر است ولی در عوض از لحاظ تکنیک معماری بسیار ممتازتر میباشد.

در ضمن متذکر میگردد که دولیه ده لاند وکمپفر نیز از پل
۷۲ اللهوردیخان مناظری برداشته‌اند. آنچه که مربوط به‌دولیه‌ده‌لاند است
۷۳ باحقیقت وفق نمیدهد ، ولی‌تصویر کمپفر ، بااینکه از لحاظ هنری‌دقت زیادی درآن نشده ، سند مهمی بشمار میرود. کمپفر دراین تصویر پل اللهوردی‌خان را در وسط نمایانیده و برای اولین‌بار ، تصویر پل‌مارنان را آورده است. اصولاً این یگانه سندی است که ما از پل مارنان در

دست داریم. این پل درناحیهٔ غربی‌ترین محلهٔ اصفهان، برروی زاینده‌رود زده شده است. در قسمت پائین این تصویر، پل خواجو نمایش درآمده است. در حدود بیست سال قبل از کمپفر، ژزف گرلو تصویری از پل خواجو کشیده که آنرا درجهت عکس جریان آب نشان داده‌است. ۷۴ ۷۵

۱۶ سال بعد از کمپفر نیز برون تصویری از پل خواجو ترسیم کرده است. پل خواجو بهمان ترتیب که دراین سه تصویر ملاحظه میگردد با سد خود که به عرض ۲۶ متراست، یک بنای ترکیبی سه اشکوبه‌ای را تشکیل میدهد. تصاویر شاردن و برون پل را در فصل تابستان نشان میدهد که آب کم بوده وبالنتیجه سدباتمام شکوه وجلال و پلکان‌های عریض و طویل خود که با تخته سنگهای بزرگ پوشیده شده، بمنزلهٔ طبقه اول این بنا بنمایش درآمده است.

دومین طبقهٔ پل که قسمت اصلی آنرا تشکیل میدهد شامل ۲۴ چشمه است.

طبقهٔ آخر آن عبارت است از دو گالری که در دو طرف جاده قرار گرفته و هریک از دو طرف بدو پاویون محدود است. اکنون از این پاویونها اثری باقی نیست. قسمت وسطی هر گالری را نیز پاویونی اشغال کرده است. این پاویون باطبقهٔ وسطی یعنی قسمت زیرین خود یک بنای علیحده برای خود بشمار رفته و ضمن اینکه قسمت وسطی پل را گرفته استقلال خود را نیزحفظ نموده است. طول این پل ۱۳۲/۵ و عرض آن ۱۲ متر است. این بنا را شاه عباس دوم درسال ۱۰۶۰ هجری قمری

ساخته واینطور که شایع است اساس و شالودهٔ آن در زمان یکی از امرای تیمور بنا گردیده است .

این پل از لحاظ تزئینات نیز بر پل للهوردی خان ارجحیت دارد ، چه غرفه های بالا ، پشت وبغل های چشمه های پائین و نمای غرفه های طرفین آن با کاشی های الوان تزئین گردیده و از داخل نیز نقاشی های مختلف آنرا زینت داده است . از داخل یکی از گالریهای آن شاردن تصویری تهیه نموده است . این منظره محور طولی پل را بطرز باشکوهی ۷۲
از داخل نشان میدهد . ساختن یک همچون گالری قصد معمار آن را از نشان دادن پرسپکتیوی عمیق در معماری این پل آشکار میسازد وحقیقةً دراین تصویر بسیار استادانه به نمایش آمده است . همهٔ جرزها ، کمانها ، نیم طاقها وطاقها مانند یک نمای عظیم هویدا میگردد . هرطاقی برروی چهار جرز چهار گوش خوابیده و هردو جرزی که یک کمان را نگهداری میکند برروی یک سکوئی قرار گرفته است آنها بوسیلهٔ پلکانی نیز بیکدیگر وصل است . دو طرف این کمانها را نیز دالانهای کوچکتری فرا گرفته است . این گالریها بطور کلی برای گردشگاه درنظر گرفته شده ، بطوریکه معروف است خود شاه عباس دوم در این گالریها گردش میکرده است . از پاویون هائی که درمرکز و دو طرف گالری قرار گرفته است ، بمنزلهٔ کافه و رستوران استفاده میشده . مقایسهٔ این بنا با بناهای اروپائی نشان میدهد که تازه اروپائی ها در اوایل قرن بیستم متوجه این امر شده اند که میتوان از یک بنا که بمناسبت استفادهٔ عام ساخته شده ، استفادهٔ تفریحی نیز بعمل آورد . بطوریکه بورمن Borrman متوجه نقص پلهای

پایتخت و شهرهای مهم اروپا شده مینویسد که در شهرهائی مانند بوداپست و پراك و درسدن پلهائی ساخته شده که از لحاظ معماری منظره‌ای یک پانوراما‌ی (منظره بدیع مدور) بسیار زیبائی بوجود آورده ، ولی در هیچ نقطه‌ای از آنها محلی برای استراحت وجود ندارد وهرگز بفکر معمار نرسیده است که ازاین موقع برای ساختن کافه و یا رستورانی استفاده شود(۴۳).

از پل اللهوردیخان نیز این استفادهٔ تفریحی بعمل میآمده است. درهردو پل بزرگ اصفهان این دو منظور یعنی استفادهٔ عملی وتفریحی در نظر گرفته شده وآن‌ها را بمنزلهٔ یک معماری ترکیبی تاریخی درآورده که نظیر آن تا اوایل قرن بیستم در هیچ کجای دنیا وجود نداشته است. بقول پروفسور پوپ پل خواجو محصول تیپیک فکر ایرانی یعنی سودمندی ، لوکسی وجنبهٔ شاعرانه آنست(۴۴).

در خاتمه از دو تصویر دیگر نیز نام میبریم که ازلحاظ سندیت بی‌نظیر است و آنها را نیز برون تهیه کرده است.

۷۷ اولی تصویری است از پل پنج چشمه‌ای نزدیک اردبیل که
۷۸ چشمه‌های‌آن دارای کمانهای هلالی‌است و دومی‌تصویری است از پل خان در حوالی‌شیراز که دو چشمهٔ بزرگ آن با کمانهای جناقی ساخته شده است.

از بناهای مفید مختلف دیگر که میتواند دراین‌دسته طبقه‌بندی
۷۹ شود و از آنها تصاویری نیز تهیه شده ، یکی بادگیر شاردن است.

باد گیر بطوریکه در تصویر پیداست برجی مستطیل شکل است که برای خنک کردن منزل هنگام تابستان از آن استفاده میشود. این برجها هوای اطاق را بالا میکشد و بالنتیجه هوای اطاق خنک میشود.

از جمله بناهای مفید دیگر برجهای کبوترخان است که شاردن ۳ عدد از آنها را در تصویری جاویدان نموده و هنوز نیز خرابه‌های بعضی از آنها در اطراف اصفهان مشاهده میگردد. ۸۱

در زمان صفویه اطراف شهراصفهان راپیش‌از ۳۰۰ برج کبوتر فرا گرفته بود(۴۵).

این برجها بدو صورت قرار گرفته بود یا بصورت مستقل مانند برج یاقلعهٔ جنگی سر بآسمان کشیده، ویا اینکه زوایای باغی‌را تشکیل میداده است این برجهارا بدین‌مناسبت ساخته بودند که کبوترها درآن لانه بگذراند و ازکود این کبوترهابرای مزارع استفاده نمایندهربرجی معمولاً ۱۱ الی ۱۲ متر ارتفاع داشته و دارای ۷۰۰ لانه بوده که در هرلانه ۲ کبوتر زندگی میکرده است(۴۶) این برجها سالی یک بار باز می‌شده است تا کودهای آن را بیرون آورده آنها را تمیز کنند. اولئاریوس‌مینویسد که ازاین برجها برای شکارکبوتر نیزاستفاده میشده و در سفرنامهٔ خود شرح شکار رفتن شاه صفی با هیئت نمایندگی آلمان بطرف یکی ازاین برجها را آورده‌است(۴۷).

نمای خارجی این برجها از دور بسیار زیبا بوده است چون که بدنهٔ اصلی‌آنهارا سفید میکردند وطبقات بالای آنهارا بطور الوان باگچ

میپوشاندند. برروی تصویر شاردن سه برج آورده شده که بشکل مثلثی خودنمائی میکند برجی که در زمینهٔ جلوئی تصویر قرار دارد ، رأس این مثلث را تشکیل میدهد . و مانند قلعه‌ای عظیم و استوانه‌ای بآسمان کشیده شده است و حاشیهٔ بالائی این برج بوسیلهٔ نیمدایره‌هائی زینت داده شده‌است. پشت‌حره برفراز برج چهارگابل Gable (فرونتون Fronton) [عنصرمثلثی‌شکل معماری که شکل اولیهٔ آنرا در معابد یونانی می‌یابیم فرونتون در حقیقت در معابد آسوری نیزوجود داشته است] دیده میشود که هریک دارای سه روزنهٔ چهارگوش است. برفراز و مرکزبرج، برج کوچک و قشنگ دیگری بالا رفته کـه آنهم تقریباً از لحاظ فرم مانند خود برج بزرگ است و برفراز آن نیز برج کوچکتری با کلاهک قیفی شکل قرار گرفته است.

آن دو برج دیگر نیز که در زمینهٔ عقبی تصویر قرارگرفته است ، تقریباً از لحاظ ساختمان شبیه بهمین برج جلوئی است.

از تصاویر دیگری کـه آنها را نیز میتوان تحت عنوان معماری سودمند طبقه‌بندی کرد ، یکی تصویری است از برون که یک قنات را نشان میدهد و این خود معلوم میدارد که در آن دوره از قناتها به چه شکل استفاده میکردند و دیگری تصویری است که از کمپفر که یک
۸۲ مزرعه‌را نشان میدهدباتمام تشکیلات آن ، ازقبیل خرمن کوبی،آبیاری ، چاه آب باماشینها و دستگاههای مختلف که برای زراعت و غیره بکار برده میشده و همچنین منازل روستائیان و باغهای اطراف آن . این
۸۳ تصویرازکمپفر حمام و انواع آنرا نمایش میدهد.

از کله‌منار یا قلم‌منار اصفهان نیز سیاحان تصاویر مختلف بجای نهاده‌اند علت بنای این مناره را که تقریباً دروسط شهر اصفهان قرار گرفته بود ، سیاحان بطور مختلف گزارش کرده‌اند . بطوریکه توماس هربرت معتقد است ، این منار از سرهای شورشیان بنا گردیده[٤٨] و تصویری را که آورده ستونی ساده است که برروی آن سرهای انسانی نقش گردیده . این‌ستون برروی سکوئی‌قرار گرفته‌است(تصویر ۷۷ ج ۱) اما بعکس ، پیترودلاواله ، کمپفر و سان سن و شاردن معتقد بودند که این منار از شاخ و سرو استخوانهای حیوانات ساخته شده است . عقیدهٔ دومی‌صحیح تر بنظرمیرسد، هرچند که درآن دوره‌ها از سر انسانی‌منارها بوجود آوردن کار بسیار شگفت‌انگیزی نبوده است ، بطوریکه قبل از آن زمان و حتی بعد از دورهٔ صفویه یعنی در عصر نادرشاه نیز تاریخ شاهد آن بوده است .

درهرحال علت بوجود آوردن این منار پیروزی بوده است . این منار مانند ستونهای پیروزی دراروپا که از زمان رمی‌ها باستون تراژان در رم معمول شده است ، بعنوان سمبل (نشانهٔ) پیروزی بنا گردیده گردیده است .

تاریخ بنای آن را نیزسیاحان مختلف گزارش کرده‌اند . سان سن و هربرت[٤٩] آنرا به شاه عباس و کمپفر و اولئاریوس به شاه طهاسب اول[٥٠] نسبت داده‌اند . بهترین تصویر از این منار را شاردن آورده مینویسد که « این‌منار بیادبود شکار بزرگی‌است که یکی از پادشاهان اخیر که بعضی او را شاه اسمعیل و برخی شاه طهماسب میدانند و

بمناسبت مهمانی باشکوهی که برای عدهٔ زیادی از سفرا داده شده بود ، بنا شده‌است. شکارگاه قرب اصفهان در (هزار دره) بود. شکارها را از بیست فرسخ بجلو رانده بودند و در آنروز آنقدر شکار شد که شاه بهوس افتاد مناری بخاطر آن روز بسازد.

میگویند این منار در طول مدت ضیافت که هفت یا هشت ساعت طول کشید، ساخته شد. معمار بحضور شاه آمده گفت : منار باتمام رسید و سرشکارها همه بکار رفت فقط کله شکار بزرگی برای سرمنار لازم است ؛ شاه که از باده ناب سرمست بود گفت : تو میگوئی که اکنون دوباره بشکار برویم و کله شکار بزرگی را که میخواهی بیاوریم. حیوانی ازتو بزرگتر سراغ ندارم باید سرتو روی منار گذارده شود وهماندم فرمان داد سر او را بریده بالای منار نصب کردند»(۵۱).

این منار در محلهٔ در دشت قرار گرفته بود. اطراف آن بطوریکه
در تصویر ملاحظه میگردد دکانهائی مشاهده میشود . در وسط این ۸۴
محوطه بنائی دو طبقه وهشت گوش قرار داشته که برفراز آن ، این منار که ٤ متر ارتفاع داشته(۵۲) ساخته گردیده است. این منار بشکل دوك هرچه بطرف بالا میرفت نازك‌تر میگردید . بهنهٔ آن بصورت حلقه‌های استوانه‌ای برروی یکدیگر قرار گرفته بود که پائین و بالای هراستوانه از استخوان ران حیوانات که بزرگتر از همه است تشکیل یافته بود. مابین این حلقه‌ها را با سر و استخوانهای قسمتهای دیگر بدن حیوانات پر نموده بودند. ضمناً در ساختمان آن از نظر استحکام آجر و آهك نیز بکار برده بودند.

در بالای منار تقریباً بفاصله سه چهارم از ته خود منار ، غلام گردشی از شاخ های بلند حیوانات بوجود آمده بود که بآن اهمیت مخصوصی می داده است و معمار میخواسته با این غلام گردش آنرا بشکل مناره های معمولی درآورد .

بطور کلی تصاویری که سیاحان اروپائی از فرم های مختلف معماری ایران کشیده اند، اغلب باواقع وفق داده اسناد بسیار گرانبهائی بشمار میرود . این تصاویر در حقیقت بمنزلهٔ سند مالکیت آن بناهائی محسوب میشود ، که دیگر اثری از آنها باقی نمانده است . آنها برای تاریخ معماری ایران نقش عمده ای را بعهده دارد و ضمناً مدرك ذیقیمتی برای تجدید بنای آثار تاریخی مخروبه بشمار میآید .

---

(۱) مراجعه شود به صفحه ۲۰ جلد دوم کتاب :

George Curzon, *Persia ond the persian question*. London, 1892.

(۲) مراجعه شود به صفحات مابین ۱۳۹۵ و ۱۳۹۹ جلد سوم کتاب پوپ :

A survey of Persian ar from Prehistoric times to the Present, Tokio 1966.

(۳) ناصر خسرو سیاح معروف شرقی که اصفهان را در سال ۱۰۵۲ میلادی (٤٤٤ هجری) بازدید کرده بود ، مینویسد که شهر اصفهان دارای دیواری است بطول $3\frac{1}{2}$ فرسخ .

(٤) مراجعه شود به صفحه ۱٤۱ کتاب :

Alessandro Bausani, *Die Perser*. Stuttgart, 1965.

(٥) مراجعه شود به صفحه ۲۲۷ جلد سوم کتاب :

Wasmuth Lexikon der Baukunst. Berlin, 1931.

(۶) شاردن مینویسد که اصفهان در وسط قرن هفدهم میلادی بیش از ۹۰۰ هزار جمعیت داشته و در آسیا چنان مهم بود که لندن در اروپا.

مراجعه شود به حسین نور صادقی، اصفهان، تهران ۱۳۱۶.

(۷) میگویند که شاه عباس دوم بیش از ۱۳۷ قصر داشته است.

(۸) مراجعه شود به‌صفحات ۲۲ و ۲۳ جلد دوم کتاب:

George Curzon, *Persia and the Persian question.* London, 1892.

(۹) مراجعه شود به ص ۲۱۰ کتاب:

Kathrina Otto-Dorn, *Kunst des Islam.* Baden-Baden, 1964.

(۱۰) توماس هربرت‌برای اولین بار شرح مفصلی از میدان شاه اصفهان‌برجای نهاده است.

مراجعه شود به صفحات ۱۵۶ و ۱۵۷ سفرنامه او بنام:

Some years travels into Divers parts of Asia and Afrique. London 1638.

(۱۱) پل‌لوکاس اشتباهاً دومناره به‌مسجد شیخ لطف‌الله افزوده است.

(۱۲) مراجعه شود به‌صفحه۱۴۰۷ جلد سوم کتاب پوپ:

A survey of Persian art from Prehistoric times to the Present. Tokio 1966.

(۱۳) مراجعه شودبه‌صفحه ۶۲جلد سوم«دائرةالمعارف تمدن ایران سیاحتنامه شاردن» ترجمه محمد عباسی، تهران، ۱۳۳۵تا ۱۳۳۸.

(۱۴) مراجعه شود به‌صفحه ۶۵جلد سوم «دائرةالمعارف تمدن ایران‌سیاحتنامه شاردن» ترجمه‌محمد عباسی.

(۱۵) مراجعه شود به صفحات ۶۶ و ۶۷ جلد سوم « دائرةالمعارف شاردن » ترجمهٔ محمد عباسی.

(۱۶) مراجعه شود به صفحه ۶۸ جلد سوم « دائرة المعارف .... شاردن » ترجمه محمد عباسی.

(۱۷) مراجعه شود به‌صفحات ۷۳ و ۷۴ جلد سوم « دائرة المعارف . . . شاردن» ترجمه محمد عباسی .

(۱۸) مراجعه شود به‌صفحات ۷۳ و ۷۴ جلد سوم « دائرة المعارف . . . شاردن» ترجمه محمد عباسی .

(۱۹) مراجعه شود به‌صفحه ۵۳۱ سفرنامه آدام‌اولئاریوس بنام:

Ausführliche Beschreibung der Reise nach Muscowie und Persien.

Schleswig 1663.

(۲۰) به‌همین‌علت نیز اینجانب در کتاب آلمانی‌خود بنام :

Iran in europäischen Bildzeugnissen seit Ausgang des Mittelalters bis ins 18. Jahrhunderts, Köln, 1967.

در صفحه ۱۱۶ اشتباهاً بجای ایوان عالی‌قاپو راجع به‌ایوان عمارت چهل ستون بحث کرده‌ام.

(۲۱)

«One of the most poetical building in the world. Complet(e) as a sonnet and perfect as a fairy tale»

مراجعه شود به‌صفحه ۷۴ کتاب :

Donald wilber, *Iran Past and Present.* Princeton, 1955.

(۲۲) مراجعه شود به صفحات ۱۵۲ و ۱۵۳ کتاب « سفرنامه شوالیه شاردن فرانسوی- قسمت شهر اصفهان» ترجمهٔ حسین‌عریضی، تهران ۱۳۳۰.

(۲۳) مراجعه شود به جلد دوم :

Enzykl. d. Islam 1927.

(۲٤) مراجعه شود به صفحه ٦۰ کتاب :

Heinrich Glück-Ernst Diez. *Die Kunst des Islam.* Berlin. 1925.

(۲۵) مراجعه شود به‌صفحات ۱۷۳ و ۱۷٤ کتاب:

Walter Hinz. *Am Hofe des Persischen Großkönings.* Leipzig, 1940.

(۲٦) مراجعه شود به صفحات مابین ۱۲۳ تا ۱۲۵ کتاب « سفرنامه شوالیه شاردن فرانسوی ـ قسمت شهر اصفهان » ترجمه حسین عریضی تهران ، ۱۳۳۰.

(۲۷) مراجعه شود به‌صفحه ۲۰۲ کتاب :

Kathrina Otto-Dorn, *Kunst des Islam.* Baden-Baden, 1964.

(۲۸) مراجعه شود به کتاب:

Heinrich Glück - Ernst Dilz, *Die Kuust des Islam.* Berlin, 1925

(۲۹) مراجعه شود به صفحات ٤۸ و ٤۹ کتاب « سفرنامه شوالیه شاردن فرانسوی ـ قسمت شهر اصفهان » ترجمه حسین‌عریضی ، تهران ۱۳۳۰

(۳۰) بعداً تاورنیه راجع به کاروانسراها اینطور ادامه میدهد « بنای آنها مربع است ، تقریباً مثل محوطهٔ دیرها و معمولاً یک طبقه است بنای دوطبقه خیلی بندرت دیده میشود (تاورنیه در اینجا اشتباه مینمایدچون بطوریکه از طرحهای‌ژوزف گرلو وبرون برمیاید در ایران کاروانسراهای چند طبقه نیز بسیار وجود داشته است) یکدرب بزرگ مدخل آنست و در سه ضلع دیگر وسط یک تالار یا یک اطاق بزرگی ساخته شده که مخصوص است برای منزل محترمین که شاید آنجا منزل کنند. در جنبین تالارهای وسط اطاقها و حجرات کوچک است که هرکس یکی‌از آنها را اختیارمیکند این حجرات در طول اضلاع دو سه پا از زمین حیاط مرتفع‌تر دریک خط بنا شده‌اند وطویله‌ها درعقب وپشت اطاق‌ها واقع

هستند گاهی طویله ها هم برای منزل کردن براحتی اطاقها میشوند اغلب مسافرین در زمستان بیشتر میل باقامت در طویله میکنند بجهت اینکه گرم است طویله ها هم مثل طالارها و حجرات همه طاق پوشش هستند و از حجرات کاروانسرا یک پنجرهٔ کوچک بطرف آخور طویله باز میشود که شخص میتواند از آنجا نگاه کند و به بیند اسبش را خوب پرستاری میکنند اخیراً در پشت آخورهای طویله یک سکوئی بسته شده که سه چهار نفر میتوانند قطار بخوابند و اغلب نوکرها روی آن سکو طبخ میکنند. »

مراجعه شود به صفحات ۱۹۹ و ۲۰۰ «کتاب تاورنیه» ترجمه نظم الدوله ابوتراب نوری، مطبعهٔ باقراف، محرم ۱۳۳۱.

(۳۱) مراجعه شود به کتاب:

Karl Müller, *Die Karawanserai im Vorderen Orient.* Berlin, 1920.

(۳۲) مراجعه شود به صفحات ۲۶۹ و ۲۷۰ جلد دوم « دائرة المعارف تمدن ایران سیاحتنامه شاردن » ترجمه محمد عباسی، تهران از ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۸.

(۳۳) مراجعه شود به صفحات ۸۴ و ۸۵ جلد سوم «دائرة المعارف تمدن ایران سیاحتنامه شاردن»، ترجمه محمد عباسی، تهران ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۸.

(۳۴) مراجعه شود به یادداشت شماره ۳۳).

(۳۵) قدیمی ترین پل در شهر نینوا در زمان سناخریب (۶۸۱-۷۰۵ ق. م) ساخته شده است. در بابل نیز آثار پلی پیدا شده که از آجر و سنگ بوده و تاریخ آن در حدود ۶۰۰ ق. م است.

مراجعه شود به صفحه ۶۳۰ جلد اول:

Wasmuth Lexikon der Baukunst. Berlin, 1931.

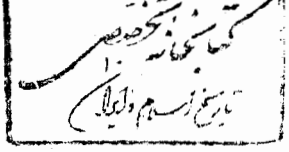

در خود ایران امروزی بقایای پلی پیدا شده که در حدود ۶۰۰ ق. م ساخته شده است.

مراجعهٔ شود به‌صفحه ۱۲۲۶ جلد سوم کتاب پوپ بنام :

A survey of Persian art..... Tokio, 1966

از پل شوشتر که در سال ۲۶۰ میلادی بفرمان شاهپور دوم ساخته شده هنوز قسمتهای زیادی باقی‌مانده است. این پل ۱۴ چشمه دارد و برروی سدی بنا شده که در حدود ۵۰۰ متر طول دارد.

در دورهٔ ساسانیان پلهای متعددی در ایران ساخته شده بطوریکه تاریخ نویسان میگویند هنگامی که هراکلیوس سردار بیزانس برتیسفون حمله می‌برد ، میبایستی از روی چهار پل که برروی رود زاب ساخته شده بود ، بگذرد.

مراجعه شود به‌صفحه ۱۴ رساله دکتری :

Ernst Gerland, *Die persischen Feldzüge des Kaiser Herakleios.* Jena, 1894.

(۳۶) مراجعه شود،به‌صفحه ۱۲۲۶ جلد سوم کتاب پوپ بنام:

A survey of Persian art.... Tokio, 1966.

(۳۷) مراجعه شود به‌صفحه ۶۹۶ سفرنامه آدام اولئاریوس:

Ausführliche Beschreibung der Reise nach Muscowie und Persien Schleswig, 1663.

(۳۸) مراجعه شود به‌یادداشت شماره ۳۷.

(۳۹) مراجعه شود به‌صفحه ۱۲۳۶ جلد سوم کتاب پوپ بنام :

A survey of Persian art. Tokio, 1966.

(۴۰) مراجعه شود به‌صفحه ۴۵ جلد دوم کتاب :

George Curzon, *Persia and the persian question.* London, 1892.

(٤١) مراجعه شود به‌صفحه ٥٣ ترجمه آلمانی سفرنامه تاورنیه بنام :

Beschreibung der sechs Reisen, Welche Johan Baptiste Tavernier .....

in Turkey, Persien und Indien innerhalb 40 Jahren.... versichtet.

Genf 1681.

(٤٢) مراجعه شود به‌مقاله :

Ernst Diez, Isfahan.

(٤٣) مراجعه شود به‌مقاله :

Richard Borrmann, *Vom Städtebau im islamischen Osten*, Berlin 1914.

(٤٤) مراجعه شود به‌صفحه ١٢٤٠ جلدسوم کتاب پوپ بنام:

A survey of Persian art.... Tokio, 1966.

(٤٥) مراجعه شود به ص ١٨ جلد دوم کتاب :

George Curzon, *Persia and the persian question.* London, 1892.

(٤٦) مراجعه شود به‌یادداشت شماره ٤٥.

(٤٧) مراجعه شود به‌صفحه٥٢٨ سفرنامه آدام اولئاریوس بنام :

Ausführliche Beschreibung der Reise nach Muscowie und Persien.

Schleswig, 1663.

(٤٨) توماس هربرت می‌نویسد :

«Commanded forth with a pillar to be reared of all the rebels heads, as a memorial of his Justice and their disloyalty.»

مراجعه شود به‌صفحه ١٣٦ :

Travels in Persia 1627-29. London, 1928.

(٤٩) مراجعه شود به‌صفحه ١٨ ترجمه آلمانی‌سفرنامه سانسن بنام:

Der Jβigeu Staat des Königsreiche Persien, Hamburg, 1696.

(۵۰) مراجعه شود به‌صفحه ۵۶۱ سفرنامه آدام اولئاریوس بنام :

Ausführliche Beschreibung der Reise nach Muscowie und Persien. Schleswig, 1663.

(۵۱) مراجعه شود به صفحه ۹۳ « سفرنامه شاردن فرانسوی - قسمت شهر اصفهان » ، ترجمهٔ حسین عریضی، تهران ۱۳۳۰ .

(۵۲) مراجعه شود به‌صفحه ۳۰ کتاب :

Karl Meier, *Seltsames Asien (Amoenitates exotiacae)*. Detmold, 1933.

مناظر

اگر همهٔ تصاویر اروپائیان راکه از ایران برداشته‌اند از نظر بگذرانیم ، باین نتیجه میرسیم که آنها به تصویر مناظر کمتر اهمیت داده و بدین سبب اینگونه تصاویر در درجهٔ پائین تری واقع شده است دربارهٔ خصوصیات مناظر مختلف ایران درخود سفرنامه ها بحث های زیادی شده ولی برای مصور کردن صحیح آنچه نوشته شده گام مهمی برداشته نشده است و از این جهت تصاویر ، کاملاً گویای واقعیت مناظر نیست و اگر هم که باشد ناقص یا اساساً معدود است .

منظره یا چشم‌اندازی که مقصود ماست عبارت است از یک محیط تقریباً بسته که خود آن، از قسمتهای مختلف تشکیل شده و معهذا ظاهر آن بطور مجموع دارای وحدتی است ، و این وحدت کاراکتر اصلی آن منظره را تشکیل میدهد .

ما در اینجا از مناظری که دست انسانی در آن تغییرات زیادی ایجاد کرده ، کمترصحبت بمیان میاوریم . این گونه مناظر را ، « مناظر فرهنگی» نامند[1] .

مقصود ما قبل از همه چیز اینستکه آن قسمت از کشور که بکر مانده و بشر کمتر در آن تغییراتی ایجاد کرده است ، یعنی در حقیقت مناظر آن کاملاً طبیعی است مورد مداقه قرار گیرد .

مناظر ایران در اغلب سفرنامه ها بعنوان موضوع ثانوی مصور

شده که مجبور بوده است خود را درخدمت موضوع اصلی قرار دهد. این نوع مناظر کمترمیتواند در این بحث کشانده شود ، چون که مقصود از بوجود آوردن آنها ، تزئین موضوع اصلی ، ویا پر کردن محل خالی در تصویر بوده است و ازاین جهت از نظر مناظر طبیعی اهمیت ندارد.

اما از طرف دیگر ، منظرهٔ مطلق طبیعت ایران ، در تصاویر اروپائیان بندرت پیدا میشود . لهذا ما مجبوریم برای مشاهدات خود تقریباً مخلوطی از مناظر فرهنگی و مناظر طبیعی را برگزینیم ، باتکیه براینکه مقصود ازآن ، نشان دادن مناظرطبیعی ایران از دریچهٔ چشم اروپائیان است.

یگانه نقاشی که ازمناظر ایران بآن گونه که دربالا ذکر کردیم، تصاویری برداشته کرنلیس برون هلندی است. حتی نقاش شاردن نیز با وجود اینکه خود شاردن مناظر طبیعی ایران را ، استادانه شرح داده ، نتوانسته است مناظر طبیعی نقاط مختلف ایران را برروی تصویر بیاورد.

لذا کرنلیس برون را باید دراین مورد بعنوان اولین نقاش منظره‌ساز معرفی نمود.

هیچکدام ازسیاحان اروپائی نتوانسته‌اند ، مناظر ایران را باین طریق مانند او مشتاقانه جلوه دهند بطوریکه ما میتوانیم خط سیر سفر او را از روی مناظری که مابین راه از قسمتهای مختلف خاك ایران برداشته است ازلحاظ توپوگرافی تعیین نمائیم.

این مناظر باتصویر آب شروع و باهمان نیزختم میگردد. یعنی اینکه برون کار خودرا (البته‌آنچه مربوط بایران امروزی‌است)بانمایش

رود ارس بعنوان شمالی‌ترین نقطهٔ سرحدی ایران در سه تصویر شروع کرده (تصاویر۱۱۲، ۱۱۳ و ۱۱۴، ج۱) وکشور را بطور دیاگونال (مورب) بابرداشتن تصاویری مانند ده «چارگبرند» در حوالی‌سفیدرود، ۸۵
۸۷ و ۸۶ ده «سامگائل» و «گی‌هارا» در حوالی‌سلطانیهٔ ، دهی‌درسر راه سلطانیه
۸۹ و ۸۸ به ساوه نزدیک «گی‌هارا» ، ده «قر» یا «کر» در حوالی کاشان ، ده
۹۱ و ۹۰ حسن‌آباد در جنوب اصفهان و تنگه «الله‌اکبر» در سر راه شیراز به لار
۹۲ طی‌نموده وبالاخره بآبهای‌جنوب رسیده وبانمایش‌منظرهٔ «ساحل هرمز» ،
۹۴ و ۹۳ «جزایر هرمز، لارك و قشم» و «ساحل‌قشم» نمایش مناظر ایران را به پایان رسانده است.

برون بهرکجا که دست یافته ، منظره‌ای را به تصویر کشیده است. او سعی کرده که نمایش‌انسان را نیز بانمایش‌مناظرتطبیق دهد. بنابراین او خوب توانسته است تباینی راکه در تصویر وجود دارد از میان بردارد. مثلاً مابین فضای منظره و پیکری که در جلوی تصویر قرارگرفته است.

حتی‌در تصاویری که اصولاً احتیاجی به منظره‌ای نیست ، مانند پرترهٔ یک شخص، ملاحظه میشود که برون منظره را بااستادی برتری و استقلال خاصی بخشیده است . در اغلب تصاویر برون منظره جزء لاینفک آنها محسوب میشود ، اما این مناظر اغلب مناظری است که باغی ویا مزرعه‌ای نشان داده که جزء مناظر فرهنگی محسوب میشود ولی‌همینطوریکه در فوق ذکر گردید ماميخواهیم ازاین‌موضوع صرفنظر کرده ، به‌آنجا تکیه کنیم ،که طبیعت باتمام حرارت وقوای نامساوی

خود ، با تمام زیبائی‌ها و جلوه‌هایش و بالاخره باتمام نمود و نشانه و اشاره‌اش ، بنمایش درآمده‌است. مسئله‌ای که برون‌در بوجودآوردن آن سعی بسیار نموده ، همانا رابطهٔ بشر با طبیعت است ، که بالنتیجه مناظر مخلوط ایجاد شده است یعنی نه منظرهٔ فرهنگی و نه منظرهٔ طبیعی.

۹۰ دهقانانی که در زمینهٔ جلوئی تصویر « حسن‌آباد » را اشتغال کرده‌اند، وماهیگیران رودخانهٔ ارس بدون خاك،آب ومحیط پدیده‌هائی مرده و بی‌روح‌اند و خود این آب و خاك و محیط بدون ، این مردم چیزهای مجرد و ناقصی است. به کاروانی که در زمینهٔ جلوئی تصویر « ده ساکساوا» قرارگرفته ، ساربانان و دهقانان آن که مردمانی‌جدی، فقیر و ساکت اما گرم و مهمان نوازنند تعلق دارد.

به‌تصاویر « ساحل‌قشم» و «جزایرهرمز وغیره» کشتی‌هائی‌تعلق دارد و باین کشتی‌ها کارکنان آن ، یعنی انسانها ، بطورکلی میتوان گفت که برون مناظر را بدون بشر وهمچنین بالعکس نمیتوانست تصور نماید. در بعضی دیگر ازکارهای او مانند مناظرشیراز میتوان از مناظر ۷، ۸، ۹ بدیع‌و مواج که‌تمام صفحهٔ تصویر را پرنموده ، وهمچنین‌از ریتم منظره سخن راند. دراین‌تصاویر تکامل‌تدریجی محیط وفضا بچشم میخورد. در اثر راههای راست و یا پرپیچ و خم و نیمرخ های تپه‌ها که یکدیگر را قطع مینماید عمق وحجم و درنتیجه فضای زیادتری درتصویرهویدا گشته است ، ولی‌هنگامی که ماهمهٔ‌جوانب را درنظر بگیریم،مشاهده میکنیم که باهمهٔ این احوال ، جهان‌بینی او در ابراز این دنیای وسیع

پرعظمت که همان مناظر طبیعی پهلوانی و باشکوه ایران برروی تصویر باشد ، تقریباً محدود ویکنواخت بوده است .

برروی خط سیری که برون مسافرت میکرد ، موقع مشاهدهٔ همه گونه مناظر ، برای او پیش آمده بود . فلات و زمینهای پست و کم ارتفاع ، کوه و دره ، واحه و کویر و همچنین آب و هوای متغیرسرد ، خنک ، ملایم ، گرم و داغ و هوای سالم و غیرسالم ، جنگلهای انبوه و بیابان بی‌آب وعلف وتمام انواع مناظر طبیعی ملایم وافراطی . اما آیا همهٔ این مناظر و بالاتر از آنها این تضادها و یا مقداری کافی از آنها ، بنمایش آمده است ؟

این سئوالی است که جواب بآن مستلزم مداقه مطالعه بیشتری است . قبل از اینکه ما بتوانیم این سئوال را مطرح نمائیم میبایستی اشارهٔ کوچکی باین موضوع کنیم که چه پدیده هائی مشخصات اصلی مناظر ایران را تشکیل میدهد ، و اصولاً این سئوال مطرح میشود که مناظر ایران چیست ؟

تعریف جامعی از مناظر ایران که همهٔ ایران را شامل شود و آنرا طبقه‌بندی کند ، و در ضمن مشخصات اصلی آن را بدست دهد ، هنوز بدست نیامده و علمای جغرافی نیزتوجه زیادی بآن نکرده‌اند[۲] . این نیز از حوصله این کتاب خارج است ولی برای تفهیم موضوع لازم است چند جمله‌ای دراین باره تحریر گردد ، چون که تعریفی از تصویر کلی مناظر ایران ، راه تحقیق را بازترمینماید .

بطورکلی مناظر ایران ، بطور اعم تابع دو مسئله است : یکی

اینکه تحت تأثیرخاك و آب وهوا ، یعنی مسائل جغرافیائی قرار گرفته و دیگر اینکه تحت تأثیر خصوصیات اقوامی که قرن هاست بروی آن زندگی میکنند واقع شده است .

باوجودیکه این مناظر بعناوین مختلف تحت تأثیر اقوام مختلف قرار گرفته ، معهذا ما فقط به مسائل جغرافیائی آن میپردازیم که بعنوان عنصر اصلی مطرح است .

صخره های باابهت فلات ایران ، مانند یک قلعهٔ بی نهایت عظیم در فضائی وسیع و باز ، مابین دره های شمال هند و شیب های دو طرف بحرخزر از یک طرف و دره بین النهرین از طرف دیگر استوار ایستاده است . موجهای عظیمی از کوه مانند پلکانی اطراف فلات را بسته است و به پستی های بزرگی در داخل ختم میشود .

برای داخل شدن باین فلات میبایست بردیوارهای کوهها ، دره ها و گردنه ها پیروز شد . این تقریباً مثلثی را تشکیل میدهد که بواسطهٔ پستی و بلندی های بسیارش شبیه به یک رلیف میباشد . از طرف دیگر بعضی از نواحی داخلهٔ فلات مانند تراسهائی طبقه بندی گردیده که هرچه بمشرق نزدیک میشود بیشتر به سمت پائین متمایل می گردد کوههای ایران اغلب بشکل زنجیر بهم پیوسته و موازی بایکدیگر کشیده شده است .

این کوهها بطور متوسط از ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ متر ارتفاع دارد و بعضی نقاط به ۵۰۰۰ متر نیز میرسد . کوه هائی که در شمال غربی حاشیهٔ فلات قرار گرفته و حدود شمالی فلات را تشکیل میدهد ، دنبالهٔ کوههای

مرتفع قفقاز میباشد که بطرف جنوب کشیده شده و از کنار شیب های غرب بحرخزر گذشته بطرف شرق متمایل گشته، پس از گذشتن از جنوب دریای مازندران و شمال خراسان ، به افغانستان حالیه یعنی سلسلهٔ جبال هندو کش منتهی میگردد .

کوههای البرز مانند دیواری عظیم سرتاسر قسمت جنوب دریاچهٔ خزر را در برگرفته و با کوهها و دره های خویش ، زنجیرهای موازی تشکیل داده است که در طرف دریا دارای شیبی ملایم میباشد. برروی آن و نیز در اندرون و بربالای دره های آن ، جنگلهای فراوان قرار دارد این دره ها بیش از یکصد رودخانهٔ کوچک وبزرگ را در خودجای داده است. این نواحی باریزش نسبةً فراوان باران و جنگلهای انبوه خود دارای مشخصات آب وهوای شمالی است(۳).

این کوهها در کناره ها ، وسواحل دریای مازندران باعلف زارها، جنگلها ، بیشه ها و مزارع پرمحصول زیبا خود را از جنوب پرگرد و خاك جدا میکند. کوههای مرکزی نیز از شمال غربی دیاگونال بطرف مرکز فلات و سپس بجنوب شرقی منتهی میشود . در شرق ایران به پستی هائی برخورد میکنیم که فقط ۶۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد ودر نواحی کویر ودشت لوت خیلی کمتر میشود . بطور کلی هرچه بطرف شرق میرویم ارتفاع فلات کمتر میشود .

ارتفاع باران دراین نواحی مانند خلیج فارس بسیار کم وبالنتیجه این نواحی دارای آب وهوای ناسالم است. اما نواحی غرب فلات ایران

در اثر کوههای مرتفع زاگرس و جنگلهای لرستان دارای آب و هوای بسیار سالم ومطبوع است.

بطورکلی مناظر زائیدهٔ محیط یعنی کوه ، دره ، دشت ، کویر ، واحه ، بیابان ، جنگل وغیره است از آنجائی که ضد و نقیض عجیبی در محیط جغرافیائی فلات ایران حکمفرماست ، بالنتیجه مناظر ایران نیزدر نقاط مختلف باهم اختلاف فاحشی دارد و مشخصات این مناظر در اثر تابش آفتاب قوی‌تر میگردد و بطورکلی تضاد بزرگی درمناظر ایران مشاهده میشود ، که کاراکتر اصلی منظرهٔ ایرانی را تشکیل میدهد. این تضاد در هنرهای تصویری ایران نیز مشاهده میشود . مناظر ایران بوسیله عوامل تنوع ، تغییر واریاسیون ، پلاستیسیته و قابل ارتجاعیت داشتن و بخصوص تضاد در ذات خود مشخص میشود .

این تضاد در مناظر ایران حتی در محیطی کوچک نیز تشخیص داده میشود . مثال را از کتاب اوزونگ (اوزن حسن) اثر هالر Haller میآوریم(٤) . نویسنده در آن دو کاراکتر مخالف یعنی اوزن‌حسن وخانم او را درمقابل هم قرار داده است این داستان عمداً درمحلی اتفاق میافتد که دارای آب وهوائی کاملاضد ونقیض بوده و مقصودنویسنده مقایسهٔ کاراکتر این آب وهوا باکاراکتر اوزون حسن و خانمش بوده است. او مینویسد :

درجنوب ایران واحه‌ای باآب وهوای ملایم، نخلستان های زیبا که در دامنهٔ کوه قرار داشته باهوای سالم، نهرهای آب زلال وبالاخره یک منظرهٔ بهارجاویدان مشاهده میشود ولی در مقابل همان نزدیکی،

محلی را شرح میدهد که بیابانی برهوت با خشونت تمام ، کوههای وحشی ، تنگه های هراسناک، بادهای مسموم ، هوائی سنگین و آبی تلخ دارد(۵) . مشاهده میشود که حتی نویسندگان اروپائی قرن هیجدهم نیز، این مسئله را دریافته بودند که تضاد عجیبی در محیط جغرافیائی ایران و بالنتیجه مناظر این آب وخاك وجود دارد و این تضاد کاراکتر اصلی مناظر ایران را تشکیل میدهد . این تضاد را بعضی از نقاشی های ایران مابین قرن ۱۵ و ۱۷ با رنگ آمیزی های فوق العادهٔ خود بخوبی نشان میدهد .

آیا این تضاد مناظر ایران در تصاویر برون نیز بچشم میآید ؟ این سئوال مشکلی است .

برون بمنزلهٔ یک نقاش هلندی ، در مکتبی تربیت یافته بود که در آن خست زیادی بکار برده میشد ، در صورتیکه سبک هنری مسلط آن زمان باروك بوده که در آن اسراف زیادی دیده میشد .

سبک باروك بی اندازه سوبژکتیو ، باشکوه و جلال و فوق العاده دکوراتیو بود . اما جهان بینی هلندیها درست در همین دوره بعکس ابژکتیو و صبورانه بود و نقاشان آن بسیار قانع بنظر میرسیدند(۶) .

هلندیها اصول نظری نقاشی را بخوبی میدانستند و اطلاعات آنها دربارهٔ فرهنگ نقاشی شگفت انگیز بود . آنها میخواستند که مناظر را آنطور که واقعیت داشت جلوه دهند . برای بوجود آوردن یک منظره کافی بود که آنها یک بار این منظره را مشاهده بنمایند ، واز آنجائی که

اطلاعات زیادی راجع به تئوری نقاشی داشتند بعداً در آتلیه نشسته و تابلو را بوجود می‌آوردند.

این کار که یک حافظهٔ عینی مطمئنی لازم داشت، در اروپای شمالی برای نقاشان هلندی که مناظر طبیعی خود را خوب میشناختند بسیار آسان بود چون که دراین مناظر طبیعی، تضادی وجود نداشت و فقط آبی بود که روی ساحل میآمد و بالنتیجه منظره‌ای یکنواخت بوجود میآورد.

اما این طریقه نمیتوانست در ایران بکار برده شود.

برون تکنیک نقاشی هنرمندان هلندی را نمیتوانست درایران بکار ببرد چون او در این کشور با فنومن های کاملاً جدیدی برخورد کرده بود. او نمیتوانست مثلاً چند خطی از یک منظره کشیده، بعداً در منزل نشسته آنرا تکمیل نماید. فلات ایران بخصوص برای او بمنزلهٔ یک خارجی، یک سرزمین دیگر، باساکنین دیگر، باتراس ها و دشتهائی که دارای فرم مواجی است وخلاصه یک صحنه‌ای پر از مسائل نو، پر از ایده‌آل وفانتزی پر از ضد ونقیض های گوناگون که اصولاً باسرزمین یکنواخت و مسطح هلند قابل‌مقایسه نیست، بود. برای نقاش هلندی بسیار مشکل بود این سرزمین را به تصویر بکشد. او باین سرزمین آشنائی نداشت و با آن مأنوس نبود. او با این تصور که شرق فقط از بیابان، کویر، دشت خالی از سکنه تشکیل یافته وفقط بعضی از نقاط آن بوسیلهٔ دست بشر آباد گردیده و دارای باغهای مصفائی شده است، بایران مسافرت کرد. بدیهی است که این تصور اشتباه قبلی او از مناظر ایران

از یک طرف و تکنیک کار او ـ یعنی نظری به موضوع کردن و پس از برداشتن چند خطی آنرا درآتلیه تکمیل کردن ـ از طرف دیگر و درضمن آشنائی نداشتن و مأنوس نبودن او باین سرزمین ، تأثیر مستقیم روی تصاویر منظره‌ای نموده است .

برون نمیتوانست بخصوص تکنیک نقاشی وطن خود را دراین امر بکار ببرد و مانند همقطار نقاش خود آرت فان درنر Art van der Neer راحت و آسوده در آتلیه نشسته « صبح تا شام مهتاب را نقاشی کند ، بدون اینکه باد و باران و ابر وبطور کلی تغییر آب وهوا مزاحتمی برای او ایجاد کند»(۷) . برای برون در ایران یک بار نگریستن به منظره‌ای کافی نبود تا نمودار زنده وگویا برای آن پدید آورد . اطلاعات عمیق او نیز راجع به تئوری نقاشی نمیتوانست ازهرحیث باو کمکی نماید. مناظر بستهٔ ایران آنقدر وسعت و حجم دارد که با اندازه و متر نمیتوان آن را مقیاس نمود . ازاین جهت تصاویر منظره‌ای برون بخصوص از لحاظ فرم بسیار فقیر بنظرمیآید . درختان آنطوریکه در سرزمین ایران معمول است سر بآسمان نکشیده است ، بلکه اغلب خط های افقی تصویر را شامل میشود . برای مثال ، دراین مورد درختان زمینهٔ وسطی « چشم‌اندازی ۹۵
در نزدیکی ساما گائل » و یا زمینهٔ آخری « تخت رستم » را در نظر ۹۶
میگیریم .

نظری بهمهٔ تصاویرمنظره‌ای او اثبات مینماید که اوعادت داشت که از فاصلهٔ بسیار دوری منظره‌ای نقاشی کند و این نقصی دربرداشت و آن اینکه چون مناظر بستهٔ ایران وسعت زیادی داشت ، فنومن های

مختلف یا اصلاً درتصویر نمی‌آمد ، ویا اینکه باندازه‌ای کوچک میشد که فرم اصلی‌خود را از دست می‌داد . درهرحال بااین‌طریق نمایش ، منظره سنگینی، وزن، ریتم‌ورنگ خودرا از دست میدادمثلاً درمنظره‌ای
۹۷ که او از ده «ساکساوا» کشیده چون منظره از دورتهیه شده کوههائی که در زمینهٔ عقبی تصویر قرار دارد فرم اصلی خود را از دست داده
۹۸ و فقط بصورت شمائی‌ظاهر گردیده است ولی‌بعکس «منظرهٔ غریب یک کوه » او کاملاً طبیعی‌تهیه شده و آن حرارت ، وزن ، ریتم، هراسناك و وحشی بودن بعضی ازکوههای ایران راکاملاً هویدا میسازد . بنظر میرسد که برون هرگز بخاطر تهیه کردن تصویری جز در این مورد از کوهی بالا نرفته است . خیلی ساده است که از دور منظره‌ای عظیم را نقاشی کردن احساسی در بیننده بوجود نمیآورد .

چرن برروی فنومن هائی که در فاصلهٔ دور قرار دارد چادری از هوا کشیده شده، بالنتیجه ماده صورت اولیهٔ خود را از دست داده کمتر بدست میآید . مانند اینکه از پشت پرده‌ای نازك صورت شخصی در فاصلهٔ مثلاً ده متری‌را بخواهند نقاشی نمایند . یک چنین‌تصاویری ، زیبائی وهمچنین اصل‌مطلب یعنی ماتریال (موضوع = ماده) را بدست نمیدهد . فقط کوههائی که از فاصلهٔ دور مشاهده شده و بصورت تل درآمده و درختانی که بکوچکی یک اتم است نمیتواند نمایندهٔ مناظر باعظمت ایران باشد .

در هرحال برون کمتر توانسته است مناظرایران را بصحنه‌بکشد

فقط چند تصویری از او میتواند برای این منظور کمی قانع کننده باشد و آنها عبارتست از :

تصاویری که از رودخانهٔ ارس گرفته شده است، این تصاویر چون از نزدیک گرفته شده احساسی در بیننده بوجود میآورد . ولی آنها نیز مناظر خالص طبیعی را نشان نداده بلکه با محصولات کار انسانی توأم است .

مسئلهٔ دیگر رنگ است که البته برون باموقع آنروزی نمیتوانسته است همراه خود داشته باشد . واضح است که با رنگ بهتر میتوان مناظر را نشان داد .

۹۹ در خاتمهٔ این فصل منظره‌ای از دو طرف خلیج فارس را نشان میدهیم که آنرا در سال ۱۶۲۸ میلادی (۱۰۳۸ هجری) توماس هربرت گرفته است . این تصویر کوهها و صخره‌های سرسخت خلیج فارس را بخوبی نشان میدهد ، و از لحاظ توپوگرافی ، احتیاج بمطالعه بیشتری دارد .

این مسئله نیز بدیهی است که برای یک غربی بسیار مشکل بوده که مناظر ایران را نقاشی نماید این مسئله را اشتف Stapf که در اواخر قرن نوزدهم بشمال ایران مسافرت کرده ، و مناظر باشکوه آن سامان را مشاهده نموده بود اذعان میکند .

او مینویسد :

«در حقیقت آن کسی این مشکلات را درک میکند که یکبار سعی نموده باشد تصاویری از آن مناظر با قلم مو برروی بوم ، جاویدان نماید»(۸) .

درحقیقت این وظیفهٔ نقاشان ایران بوده که مناظر خودمان را بنمایش درآورند. چون آنها مال این سرزمین بودند و آنرا از نزدیک میشناختند و در ضمن در رنگ‌آمیزی استادان بنامی بشمار میرفته‌اند ولی متأسفانه آنها فقط به رنگ و تزئین توجه نموده منظرهٔ بخصوصی را در نظر نمی گرفتند که از لحاظ توپوگرافی بشود آنها را تجزیه و تحلیل نمود.

---

(۱) «Kulturlandschaft» مراجعه شود به :

Der Groβe Brockhaus. جلد هفتم ، صفحه ۱۵

(۲) چند مقاله‌ای در شرق و غرب راجع به مناظر ایران نوشته شده که فقط یک ناحیهٔ بخصوصی را شامل میشود. این مقالات نتوانسته است مطلب را خوب ادا نماید. ولی در سال ۱۸۸۸ میلادی (۱۳۰۶ هجری قمری) اشتف وپولاك دو دانشمند آلمانی که به‌شمال ایران مسافرت نموده بودند مقالهٔ بسیار جالب و جامعی بخصوص دربارهٔ مناظر شمال ایران یعنی نواحی جنوب بحرخزر منتشر کرده‌اند که بمنزلهٔ یگانه تحقیق صحیح واقعی بشمار میرود.

مراجعه شود به :

O. Staff-J.E. Polak, *Der Landschaftscharacter der Persischen Steppen und Wüsten.* 1888

(۳) مراجعه شود به مقاله :

Staff-Polak, *Der Landschafscharacter der Persischen Steppen und Wüsten,* 1888.

(٤) مراجعه شود به کتاب :

Albert von Haller. *Usong. Eine morgenländische Geschichte in vier Büchern.* Karlsruhe, 1778.

(۵) مراجعه شودبه صفحه ۱۵۷ کتاب Haller

(۶) مراجعه شود به‌صفحه ۱۲۹ کتاب :

Max Friedländer, *Essay über die Landschaftsmalerei und andere Bildgattungen.* Den Haag, 1947.

(۷) مراجعه شود به‌صفحه ۱۱۰ کتاب :

Max Friedländer, *Essay über die Landschaftsmalerei und andere Bildgatungen.* Den Haag, 1947.

(۸) مراجعه شود به‌مقاله :

O. Stapf و J. E. Polak, *Der Landschaftscharater der Persischen Steppen und Wüsten.* 1888

پرتره‌ها

تا بحال به گروه پرتره‌ها به هیچ وجه توجهی از طرف مورخین معطوف نگردیده است . هنوز بیشتر این تصاویر ، نه بوسیلهٔ مورخین اروپائی و نه بوسیلهٔ مورخین ایرانی محل شایستهٔ تاریخی خودرا بمنزلهٔ نمایش تصویری اشخاصی که درتاریخ نامشان ضبط گردیده[۱]، در کتب تاریخی و یا کتب درسی بدست نیاورده است.

بیوگرافی ها و کتب تاریخی مختلف دربارهٔ شخصیت های تاریخی، چه بزبان فارسی و چه بزبانهای اروپائی برشتهٔ تحریر درآمده بدون اینکه تصویری ازشخصیت اصلی منتشر کنند[۲].

ارزش پرتره‌هائی که دراین فصل جمع آوری گردید زمانی کاملاً هویدا میگردد ، که ما آنها را با نقاشی‌های ایرانی‌ها از بزرگان و شاهنشاهان مقایسه نمائیم.

در نقاشی های ایرانی بطور کلی اندیوید و آلیسم (خصوصیات فردی) اصلاً نقشی را ندارد. خطوط صورت شخصیت تاریخی مورد نظر بااطرافیان او فرقی ندارد و فقط از محل قرار گرفتن شخص مورد نظر در تصویر میتوان درك نمود که مثلاً این یک امیر یا پادشاهی است[۳].

درصورتیکه اغلب تصاویری که اروپائیان ازشاهنشان ایران ویا شخصیت های دیگرتاریخی گرفته‌اند تصاویر واقعی بوده از لحاظ تاریخی

سندیت دارد. زیرا که خطوط چهره فرد مورد نظر کاملاً درنظر گرفته شده است.

قدیمترین تصویری که بوسیلهٔ اروپائیان از یک شخصیت ایرانی گرفته شده پرترهٔ سفیر ایران بنام اسمعیل است، که از طرف شاه طهماسب بجانب استانبول مرکز حکومت عثمانیها فرستاده شده بود. البته شرح این سفارت در روزنامه‌ها و کتب مختلف آنزمان اروپا بتفصیل آمده است که اسمعیل ایلچی ایران، بایکصد سوار مجهز و خدم و حشم بسیار وارد استانبول شده‌است چنانکه چشم‌های اروپائیان ساکن دربار سلطان سلیمان را خیره کرده بود.

در دربار عثمانیان عدهٔ زیادی از هنرمندان اروپائی میزیسته‌اند.

برای مثال کافیست ما فقط نام جنتیل بلینی Centile Bellini نقاش بزرگ قرن ۱۵ ایتالیا را ببریم که سالها در دربار عثمانیها میزیسته و در تابلوهای او موتیف‌های شرقی فراوان یافت میشود.

یکی از هنرمندان مشهور آلمانی بنام ملشارلوریش ـ Melchior Lorichs که دوبار یعنی در بین سالهای ۱۵۵۵ - ۵۷ و ۱۵۶۲ - ۶۴ میلادی (۹۶۳-۹۶۵ و ۹۷۰-۹۷۲ هجری) در شهر استانبول در دربار سلطان سلیمان خان زندگی میکرده پرتره‌ای از سفیر ایران اسمعیل در دربار عثمانها برداشته که یکی از مدارك بزرگ تاریخی ما محسوب میگردد.

پرترهٔ نیم‌تنهٔ اسمعیل ایلچی، کمی بطرف چپ متمایل است. شانه‌ها و سینهٔ او تماماً قسمت تحتانی تصویر را از لحاظ افقی دربر گرفته

است. از لحاظ عمودی تقریباً دو سوم تصویر شامل سر و گردن و کلاه او میباشد.

سر و گردن او بنظرمیرسد که کمی بیشتر ازبدن بطرف چپ متمایل است. صورت قوی و مردانهٔ او بوسیلهٔ ریش و سبیلی بسیار مرتب پوشانده شده، موهای صورت او مواج است و بطوریکه از طرف چپ صورت هویداست گوئی استاد سلمانی ماهری آنرا فرزده و در همدیگر پیچیده‌است. در قسمت بالای بینی نسبتاً بلند وعمودی‌او کمی برآمدگی مشاهده میگردد. گونه‌اش کمی تورفته و استخوانی‌است. اطراف حلقهٔ چشم، چروك هائی‌بطور افقی‌نظر را جلب مینمایند چشمان نافذ درشت وگیرای او بچهره‌اش ابهت بخصوصی داده و حاکی از اصل و نسب نجیب صاحب آن میباشد.

دو لبند(عمامه) بزرگ و مدور او، که معمولاً از دوازده پیچ (بمناسبت دوازده امام)بهم پیوسته و دنبالهٔ آن از پشت گردن آویزان است، چنان عمیق برسر او نشسته که از پیشانی او جز یک حاشیهٔ کوتاه چیز دیگری‌هویدا نیست. برروی دو لبند، بطور افقی‌و عمودی دو نوار زنجیره‌ای از مستطیل های مزین به نگین های قیمتی مشاهده میگردد. درهمان نقطه‌ای که دو نوار یکدیگر را قطع‌میکند دو سنجاق بسیار زیبا نصب گشته که هریک از آنها در ناحیهٔ کمر و بالا دارای برآمدگی دایره شکلی است. برفراز آنها پرهائی بطرف راست متمایل شده که بآنها زیبائی‌مخصوصی‌میبخشد. نظیراین‌سنجاق ها که باسنگهای قیمتی مزین بود درطرف راست دولبند نیز با فرم های مختلف ملاحظه

میگردد. تعداد این سنجاق‌ها برروی دولبند بستگی بشخصیت شخص مورد نظر داشته است. درست در وسط و انتهای فوقانی دولبند، چوب مخصوص کلاههای دورهٔ صفویه نصب گردیده که فقط قسمت تحتانی آن در تصویر ملاحظه میگردد.

از طرف راست اشعه‌ای بر سرتاسر محور عمودی تصویر چنان تابیده که قسمتی از دولبند را دایره‌وار روشن نموده است همان اشعه قسمتی از صورت وسینهٔ اسمعیل را نیز فراگرفته است. لباس شیک سفیر عبارت است از یک پیراهن و یک نیم‌تنه. پیراهن او بوسیلهٔ دکمه‌ای درشت که بانگینی قیمتی مزین است، در زیر گلو بسته شده است برروی آن گل و بته‌های بسیار زیبا نقش گردیده بخصوص گل و بتهٔ درشت و بیضی شکلی که درسپ در وسط زمینهٔ جلوئی تصویر قرارگرفته است. این موتیف در نقاشی‌های اروپای قرن شانزدهم به کثرت ملاحظه میگردد.

برروی این پیراهن، نیم تنه‌ای ملاحظه میگردد که قسمتی از جلوی روی سینهٔ آن برگردانده شده و بالنتیجه دارای چین‌های عمودی در طرف راست گردیده است.

این نیم تنه یا کردی از پارچهٔ قیمتی که برروی آن موتیف‌های بسیار زیبا مشاهده میگردد، تهیه شده است.

در قسمت تحتانی تصویر سطری بزبان فارسی و ترجمهٔ لاتین آن نقش گردیده که سندیت این پرتره و واقعیت تاریخی آنرا اثبات میکند و معلوم میدارد که این پرتره با موافقت خود شاه سلیمان ازسفیر ایران

که خود بصورت مدل حقیقی قرار گرفته بود برداشته شده است. آنجا چنین نوشته شده است :

این شخص را اسمه اسمعیل‌ش‌طهماس از خاك عراق بجانب پادشاه اسلام سلطان سلیمان خان ابن‌السلطان سلیم‌ش ببعض هدیه را و بطریق ایلچی‌فرستاد در تاریخ سنه ۹۶۳ . که‌بزبان فارسی‌امروزی چنین مستفاد میگردد :

این شخص را که نامش‌اسمعیل‌میباشد ، شاه طهماسب از خاك خاك ایران بعنوان سفیر با هدایائی چند بجانب سلطان سلیمان خان پادشاه عثمانی‌فرستاد بتاریخ ۹۶۳ هجری قمری.

درطرف راست و بالای شانهٔ تصویر ، امضای ملشارلوریش بچشم میخورد F حرف اول کلمهٔ‌لاتین Fecit یعنی‌عمل، ML ترکیب M حرف اول Melchior و L حرف اول Lorich است که برروی‌هم معنی «عمل‌ملشارلوریش» را میدهد. درضمن درسطر سوم لاتین نیز که در قسمت تحتانی‌تصویری بچشم میخورد نوشته شده است که این تصویر را ملشارلوریش انجام داده است.

پرترهٔ شاه عباس کبیر برروی اسب (تصویر ۷۴ ج ۱) بهترین و باارزش‌ترین سندی است که از او باقی‌مانده است این پرتره را توماس هربرت که درسال ۱۶۲۸ میلادی(۱۰۳۸ هجری) شاه عباس‌را درباغ فرح‌آباد ، نزدیک اشرف در مازندران ملاقات نموده برداشته است[٤].

آدام اولئاریوس که چندین‌بار بخدمت شاه صفی اول رسیده بود ۱۰۱
پرتره‌ای از او تهیه کرده است. از روی همین پرتره که درسال۱۶۳۷
میلادی(۱۰۴۷ هجری)دراصفهان طرح‌ریزی گردید، نمونه‌های‌دیگری ۱۰۲

باتغییر و تصرف درسال ۱۶۹۶ میلادی (۱۱۰۸ هجری) در هامبورگ
۱۰۳ و درسال ۱۷۱۹ میلادی (۱۱۳۲ هجری) درلندن و در یک نسخهٔ دیگرهمین سفرنامه در فرانسه چاپ و منتشر شده است پرترهٔ شاه صفی بصورت نیم تنه در یک مدالیون بیضی شکل قرارگرفته است. دربارهٔ شاه صفی‌خود اولئاریوس مینویسد :

« او یک‌آقائی بسن ۲۷ سال بود ، دارای ساختمان بدنی‌خوب، سفید و تر وتازه از لحاظ چهره مانند تقریباً همهٔ ایرانی‌ها دماغی بابرآمدگی‌داشته ودارای یک سبیل کوچک مشکی‌بود که مانند دیگر ایرانی‌ها پائین نیافتاده ، بلکهٔ سربالا (چخماقی) بود . لباس‌های او طلادوزی شده بود.... برروی دولبند او جقه‌ای‌بسیار زیبا قرار داشت که دارای دو پر بود . برروی کردی او که آن را بدون آستین حمل میکرد ، ازگردن به‌پائین ، پوست سمور سیاهی آویزان بود. شمشیر او در پهلویش باطلا و جواهرات قیمتی‌مرصع بود.... »(۵).

انگلبرت کمپفرسه پرتره از شخصیت‌های تاریخی ایران بیادگار
۱۰٤ گذارده است. تصویری از امیرتیمور وشمایلی‌ازشیخ صفی‌الدین اردبیلی و بالاخره پرتره‌ای از شاه سلیمان صفوی.

۱۰۵ شاه سلیمان نیزمانند شاه صفی‌برروی کردی خود سموری آویزان نموده است وبرروی جقهٔ دولبندش بجای دو پر سه پرملاحظه میگردد.

کمپفر دربارهٔ او مینویسد :

« هیکل و رفتار او نجیبانه است ، سلیمان دارای قدی متوسط ، باریک و استخوان‌بندی ظریفی است . در زمان بچگی صورت گردی

داشته ، ولی اکنون چهرهٔ او باریک و لاغر شده است . پوست رنگ پریدهٔ او بسیار ظریف و روشن است . پیشانی بلند او باز بنظر میرسد . سلیمان از مادر چرکسی خود چشمهای بزرگی را بارث برده که با آنها باحرارت و دوستانه نگاه میکند او دارای یک بینی برآمدهٔ ظریف، یک دهان پیچیده با لبان پر ، ابروان کم پشت اما صاف و یک ریش رنگ کردهٔ نوك تیزاست . رفتار شاه سلیمان خوش‌آیند وحتی کمی‌نرم است . او آهسته صحبت میکند ، اما با وجود آن دارای صدای مردانه‌ای است .

او سر را همیشه بالا نگهداشته ، باوقار راه رفته ، آهسته اسب میراند . ضمن‌اسب سواری، او اغلب باطراف نگاه کرده مردم‌را خوب، ولی بدون مزاحمت ورانداز مینماید»(۶) .

در اوائل‌قرن هیجدهم نمایش پرتره‌ها به پیشرفت بزرگی نائل میشود که باتصاویر برون نمایان میگردد. بهترین‌آنها پرترهٔ شاه سلطان ۱۰۶
حسین است که با شکوه و جلال تمام کـه شاید او شایستهٔ آن نبود ، برداشته شده است .

برون قدرت خلاقهٔ خود را دراین تصویر ، بااستادی تمام بکار برده است . این پرتره را میتوان در ردیف بهترین پرتره‌ها محسوب نموده تکنیک و هنری کـه درآن بکار رفته ، واقعاً قدرت شگفت‌انگیز برون‌را درنقاشی‌هویدا میسازد . ازلحاظ ترکیب این‌تصویر مانند رلیفی است گوئی‌هیکل‌سلطان از زمینهٔ اصلی‌تصویر جدا شده وبجلو پریده‌است یعنی اینکه درآن پلاستیسیت Plastizität (قدرت ارتجاعی) بحداکثر

خود بیان گردیده است. نور از جلوتقریباً بهمهٔ تصویر یکنواخت تابیده است بطوریکه‌جلوی کلاه ، صورت ، سینهٔ وشکم ، قسمتی‌از کف دست راست ، شانه و بازو و روی دست چپ را فرا گرفته است.

پرتره بفرم نیم قد گرفته شده و بدن بطرف راست متمایل گردیده است درصورتیکه سر کمی بطرف چپ نقش شده است.

سرسلطان بطوری از لحاظ پرسپکتیوترسیم گردیده که سه بعد آن کاملاً هویداست . صورت او زیبا ولی گویا نیست . در اینجا درست کاراکتر شاه سلطان حسین بیان گردیده است او دارای پیشانی بلند ، بینی کشیده ، گونه های صاف ، چشمان درشت ولی بیحالت ، ابروان نیم کمان ، ریش‌معمولی‌ولبان گوشت آلود وبیرون آمده میباشد. برفراز سر او دولبندی نمایان است که بادولبندهای شاهان‌پیشین‌صفویه فرق اساسی دارد . فرم آن بکلی تغییر نموده ، قسمت فوقانی آن کشیده‌تر و بطرف بالا متمایل است . در قسمت وسطی آن فرورفتگی عمیقی ایجاد شده است و بالنتیجه قسمت پائین آن پهن‌تر از معمول بنظر میرسد. در طرف راست آن جقهٔ شاهی درکمال ابهت و زیبائی خود مشهود است و برفراز آن سه پر باشاخه‌های مواج خود جلوه میکند.

دست راست سلطان تاسچ بطور مایل از تصویر بیرون جسته ودر انگشتهای ظریفش، عصای شاهی‌را نگهداشته است. دست چپ خود را بنوعی به کمر تکیه داده که در ناحیهٔ آرنج ، زاویه‌ای قائم بوجود آورده است. برروی یقهٔ ، لبهٔ کناری پالتو و سر آستین‌آن ، پوست زیبای سمورمشاهده میگردد . دراثرتکیه دادن دست چپ به کمر بناچار پالتو

بطرف شانهٔ عقب رانده شده و در نتیجه چین های عمودی در آن ناحیه هویدا گردیده است. زیر پالتو کردی زیبای اوهویداست که از دوطرف برروی هم آمده است. در ناحیهٔ سینهٔ و قسمتی از شکم گل و بته های تزئینی روی کردی بچشم میخورد که معلوم است ازلحاظ تکنیک هنرفوق‌العاده‌ای در بافت آن بکار رفته است. برروی کردی در ناحیهٔ شکم شالی بسته شده که روی آن نیز نواری که باسنگهای قیمتی مرصع است ملاحظه میگردد.

در ناحیهٔ چپ شال قبضهٔ جواهرنشان شمشیر بطور مایل و در ناحیهٔ راست او، قمهٔ مرصعش تقریباً عمودوار هویداست.

برون نیز در پرتره سازی ید طولائی داشته است. او پرتره‌های
۱۰۷ دیگری نیز از شخصیت‌های برجسته تهیه کرده مانند پرترهٔ یوزباشی دربار شاه سلطان‌حسین که آنرا نیم‌تنه و بطور نیم رخ گرفته است. این پرتره ابهت یوزباشی را باخطوط صورت و سبیل از بناگوش در رفته‌اش که کمی اغراق در آن بکار رفته نشان میدهد.

۱۰۸ پرترهٔ دیگر که تمام قد گرفته شد شخصی را پیاده در حال سفر نشان میدهد این تصویر ازلحاظ مطالعهٔ لباس، بخصوص برای منگوله های زیادی که از شال وناحیهٔ شانه های او آویزان است قابل مطالعه است.

آخرین پرتره‌هائی که از شخصیت‌های مهم تاریخی ما دراواخر قرن هیجدهم و اوائل قرن نوزدهم گرفته شده تصاویری است که درنسخهٔ آلمانی سفرنامه اولیویه آمده است.

۱۰۹ پرترهٔ نادر شاه افشار بطور تمام قد و دارای دینامیسم مخصوصی

میباشد دراینجا خود لباس، چندان تغییری نسبت به دوران صفویه ننموده ولی در کلاه تغییر اساسی داده شده است . عواملی که به تزئینات و یا اسلحه اضافه شده عبارت است از گردن‌بندی مروارید ، بازوبندی که از سه ردیف زنجیر مزین به سنگهای قیمتی تشکیل شده و گرزی که در دست راست نادربطور مایل ملاحظه میگردد .

۱۱۰ پرترهٔ کریم‌خان زند بطور تمام قد برداشته شده . او دارای ژستی مخصوص است و گویا مطلبی را بوسیله دراز نمودن دست راست اظهار میدارد . دست چپ او به‌پر شالش تکیه‌داده شده‌است . اصولاً دست برپر شال تکیه دادن یک نوع ژست ابهت و بزرگی بوده و هم اکنون نیز در اغلب نقاط ایران معمول است .

سر کریم‌خان بطور نیمرخ قرار گرفته وی دارای سبیل نازك و در ناحیه چانه کمی ریش است صورت او استخوانی است که ازهوش و کاردانی آن حکایت دارد . کلاه او هنوز بهمان فرم دولبند و البته باتغییراتی است که آنرا ساده‌تر کرده‌است . جقه‌ای نیز بر کلاه او نصب گردیده که فقط دارای یک پر است .

چیز جالبی که سابقه نداشته گردن و سینه‌بندی است که یکطرف آن از ناحیهٔ هردو شانه پائین آمده و طرف دیگرآن از زیر بغل گذشته یکدیگر را در مرکز روی سینه قطع مینماید . شال او نیز ساده است و فقط دوبار بدور کمر بسته شده است و در طرف چپ آن قمه‌ای ملاحظه میگردد که قبضهٔ آن‌جواهرنشان است برروی هم‌بالا تنهٔ پیکر کریمخان

دراین تصویر تناسبی با پائین آن ندارد چون کوتاه‌تر از آنچه هست بنظر میرسد.

۱۱۱ تصویر محمد شاه قاجار نیز شباهت تامی به آن دو تصویر دیگر دارد، بافرق اینکه کلاه بکلی تغییر داده شده و بصورت استوانه‌ای جواهرنشان درآمده که برای اولین‌بار جقهٔ‌ای در مرکز آن یعنی‌درست بالای پیشانی قرارگرفته و این نوع جقه تا اواخر دورهٔ قاجاریه بهمان ترتیب بوده است مسئلهٔ دیگر، بیلهای اوست که کمی‌درآن مبالغه‌بکار رفته چون سبیل‌نازك دو شاخه تااین‌اندازه نمیتوانست بلند و افقی قرار گیرد که حتی به‌بالای شانه او برسد.

در شال نیزتغییراتی ایجاد شده و آن عبارت از دو سرشال است که بطریق زیبائی در طرف راست او، از روی شال آویزان شده است. قمه نیزدیگر خمیده نبوده بلکه راست است.

بطورکلی این سه پرترهٔ اخیر دریک سبك و بسیار قوی و دقیق رسم شده، ولی گاهی در نشان دادن تناسب اندام، لغزشهائی‌درآنها مشاهده میگردد در پرتره سازی از لحاظ تکنیك، پیشرفت بسیار جالبی ملاحظه میگردد. بطوریکه در اوائل‌فقط سر و نیمی از سینه هویداست و سپس نیم تنه و سپس‌نیم قد و بالاخره تمام قد بنمایش آمده است.

دراینجا مطلب دیگری باید ذکرگردد و آن عبارت ازاین‌است که اروپائیان تنها هیئت ظاهری یك شخصیت‌تاریخی‌را در پرتره‌سازی در نظرنمی‌گرفتند بلکه بدرون او نفوذ نموده کاراکتراو را هم‌درخطوط چهره و اندام ظاهر میکردند(۷).

برای مثال پرترهٔ شاه عباس را در نظرمیگیریم (تصویر ٤٧ ج ۱) در اینجا جثهٔ کوچک ولی قوی و صورت استخوانی او بخوبی قدرت فوق العاده‌اش را در سیاست و مملکت‌دارای نمایان کرده است. درصورتیکه از پرترهٔ شاه سلطان حسین باتمام جلال و شکوه لباس و تزئینات شاهی او هویداست که همه آنها فقط جنبهٔ ظاهری دارد، مضافاً به‌اینکه از چهرهٔ او بمنزلهٔ ویترین وپنجرهٔ پوشیده نشدهٔ بدن انسانی، کاملاً سستی و بی‌لیاقتی او هویداست.

---

(۱) مراجعه به‌صفحه ۱٦ کتاب:

Erich Keyser. *Das Bild als Geschichtsquelle*, Hamburg, 1935

(۲) در بیوگرافی شاه عباس کبیر که لوئی‌بلان فرانسوی نوشته، حتی یک پرتره از شاه عباس دیده نمیشود.

درکتب درسی مدارس ایران مدرك تصویری درستی از شخصیت‌های مختلف تاریخی در دست نیست. برای مثال هنوز یک تصویر از شاه اسمعیل در این کتب مشاهده نمیگردد که سندیت تاریخی داشته باشد حتی در بیوگرافی‌ها مانند بیوگرافی شاه اسمعیل نوشتهٔ آقای رحیم‌زاده صفوی یک تصویر از شاه اسمعیل دیده نمیشود.

درکتب آقای نصرالله فلسفی چند پرتره از شاهنشاهان صفویه ملاحظه میگردد. مؤلف درنظر دارد که درآینده نزدیکی طی مقاله‌ای پرتره‌های شخصیت‌های تاریخی ایران را تجزیه و تحلیل کند.

این پرتره‌ها درکتب تاریخی و جغرافیائی اروپای مابین قرون ۱٦ تا ۱۹ میلادی منتشر گردیده است.

(۳) درباب اینکه پرتره‌سازی چه قدمتی در ایران دارد و آیا اینکه پرتره واقعی نیز ساخته میشد که از روی‌آن بتوان چهره صاحب پرتره را تمیز

داد حکایت زیر را از چهار مقاله عروضی نقل میکنیم :

سلطان محمود غزنوی نامه‌ای بجانب ابوالعباس مأمون خوارزمشاه فرستاد بدین مضمون که : [شنیدم که درمجلس خوارزمشاه چند کس‌اند از اهل فضل که عدیم‌النظیرند چون فلان و فلان ، باید که ایشان را بمجلس ما فرستی ، تا ایشان شرف مجلس ما حاصل کنند ، و ما بعلوم و کفایات ایشان مستظهر شویم ، و آن منت از خوارزمشاه داریم . و رسول وی خواجه حسین بن‌علی‌میکال بود که یکی از افاضل و اماثل عصر و اعجوبه‌ای بود از رجال زمانه ، و کار محمود در اوج دولت ، ملک او رونقی داشت و دولت او علوی ، و ملوك زمانه او را مراعات همی کردند و شب ازو باندیشه همی‌خفتند. خوارزمشاه خواجه‌حسین میکال را بجای نیک فرود آورد و علفهٔ شگرف فرمود ، و پیش از آنکه او را بار داد حکما را بخواند ، و این نامه برایشان عرضه کرد ، و گفت « محمود قوی دست و لشکر بسیار دارد ، و خراسان و هندوستان ضبط کرده است و طمع درعراق بسته ، من نتوانم که مثال او را امتثال ننمایم ، و فرمان او را بنفاذ نپیوندم ، شما دراین‌چه کویید؟ » ابوعلی و ابوسهل گفتند : « ما نرویم » اما ابوالنصر و ابوالخیر و ابوریحان رغبت نمودند که اخبار صلات و هبات سلطان همی‌شنیدند.

پس خوارزمشاه گفت : « شما دو تن را که رغبت نیست پیش از آنکه من این مرد را بار دهم شما سر خویش گیرید »

پس خواجه اسباب ابوعلی و ابوسهل بساخت و دلیلی همراه ایشان کرد ، و از راه گرگان روی بگرگان نهادند . روز دیگر خوارزمشاه حسین‌علی میکال را بار داد و نیکوئی‌ها پیوست ، و گفت : « نامه خواندم و برمضمون نامه و فرمان پادشاه وقوف افتاد ، ابوعلی و ابوسهل برفته‌اند لیکن ابونصر و ابوریحان و ابوالخیر بسیج میکنند که پیش خدمت آیند . »

و باندك روزگار برگ ایشان بساخت و باخواجه حسین‌میکال فرستاد، و ببلخ بخدمت سلطان یمین‌الدوله محمود آمدند و بحضرت اوپیوستند و سلطان را مقصود از ایشان ابوعلی بوده بود :

وابونصر عراقی نقاش بود ، بفرمود تا صورت ابوعلی برکاغذ نگاشت ، و نقاشان را بخواند تابرآن مثال‌چهل‌صورت نگاشتند ، و بامناشیر باطراف فرستادند ، و از اصحاب اطراف درخواست که « مردی‌است بدین‌صورت و او را ابوعلی‌سینا گویند ، طلب کنند و او را بمن فرستند» . . .]

مراجعه شود به‌چهار مقاله عروضی ص۱۵۲-۱۵۰

از این حکایت چنین برمیآید که پرتره سازی از قرن ششم هجری در ایران معمول بوده و از روی آن صاحب چهره را میتوانستند تمیز دهند و این موضوع در دنباله داستان باثبات میرسد .

ابوعلی‌سینا بالاخره بعد از سرگردانی‌های بسیار به گرگان رسید ابوعلی در گرگان بیمارانی‌چند را شفا داد تا اینکه[یکی از اقرباء قابوس‌وشمگیر راکه پادشاه گرگان بود عارضه‌ای پدید آمد ، و اطبا بمعالجت او برخاستند و جهد کردند و چون تمام نمودند ، علت بشفا نپیوست ، و قابوس را عظیم درآن دلبستگی بود ، تا یکی از خدم قابوس‌را گفت که درفلان تیم جوانی آمده است عظیم طبیب و بغایت مبارك دست و چندکس بردست او شفا یافت. قابوس فرمودکه « او را طلب کنید و بسر بیمار برید تا معالجت کند ،که دست از دست مبارك‌تر بود » پس ابوعلی را طلب کردند و بسر بیمار بردند . جوانی دید بغایت خوبروی و متناسب اعضاء خط اثرکرده و زار افتاده ، پس بنشست و نبض او بگرفت و تفسره بخواست و بدید ، پس گفت « مرا مردی‌باید که غرفات و محلات گرگان را همه شناسد . » بیاوردند و گفتند : «اینک»ابوعلی‌دست برنبض بیمار نهاد وگفت : « هرکوی و محلتهای

گرگان را نام‌برده » آن کس آغاز کرد و نام محلتها گفتن گرفت تارسید بمحلتی که نبض بیمار در آن حالت حرکتی غریب کرد. پس ابوعلی گفت : « ازین محلت کویها برده » آن کس برداد تا رسید بنام کویی که آن حرکت غریب معاودت کرد. پس ابوعلی گفت « کسی میباید که دراین کوی همه سرایها را بداند. » بیاوردند و سرایها را برادن گرفت تا رسید بدان سرایی که این حرکت بازآمد. ابوعلی گفت : « اکنون کسی میباید که نامهای اهل سرای بتمام داند و بردهد. » بیاوردند. بردادن گرفت تا آمد بنامی که همان حرکت حادث شد. آنگه ابوعلی گفت : « تمام شد. » پس روی بمعتمدان قابوس کرد و گفت : « این جوان در فلان محلت و در فلان کوی و در فلان سرای بردختری فلان و فلان نام عاشق است ، و داروی او وصال آن دختر است و معالجت او دیدار او باشد. » پس این حال را پیش قابوس رفع کردند. قابوس را عظیم عجب آمد و گفت : «او را بمن آرید» خواجه ابوعلی را پیش بردند ، و قابوس صورت ابوعلی داشت که سلطان یمین‌الدوله فرستاده بود. چون پیش قابوس آمد گفت « انت ابوعلی » (تو ابوعلی هستی؟) گفت « نعم یا ملک معظم » (بلی ای شهریار بزرگ) قابوس از تخت فرود آمد و چند گام ابوعلی را استقبال کرد و درکنارش گرفت... قابوس ازین معالجت شگفتی بسیار نمود ومتعجب بماند، والحق جای تعجب بود. پس گفت «یا اجل افضل اکمل، عاشق ومعشوق هردو خواهرزادگان منند و خاله‌زادگان یکدیگر، اختیاری بکن تا عقد ایشان بکنیم. » پس خواجه ابوعلی اختیاری پسندیده بکرد و آن عقد بکردند ، و عاشق و معشوق را بهم پیوستند...]

مراجعه شود به ص ۱۵٤ تا ۱۵۷

چهار مقاله اثر نظامی عروضی سمرقندی باتصحیح دکتر محمد معین انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۳٤.

از جهت اینکه قابوس بوسیله آن پرتره چهره ابوعلی‌را شناخته است میتوان گفت که در آن زمان هنرمندان ایرانی میتوانستند پرتره‌هائی بسازند که خطوط صورت را مشخص نماید ولی‌متأسفانه حتی‌یکی‌آن از پرتره‌ها نیز در دست است.

(٤) هربرت درباره این ملاقات مینویسد :

« At the upper end sat the Pot-shaw: beloved at home, famous abroad, and formidable to his enemies. His grandeur was this: Circled with such a world of wealth, be Clothed himeslf that day in a plain red Calico quilted with Cotton as if he should have said his dignity Consisted rather in his parts and prudence than furtivis Coloribus, having no need to steal respect by borrowed Colours or embroideries Cross-legged the Pot-shaw sat; his shash (دستار) was white and Large; his waist was girded with a thong of leather; the hilt of his sword was gold, the blade formed like a semicircle, and doubtless weltempered; the scabbard red; and the Countiers, regis ad exemplum, were but meanly attired. »

مراجعه شود به سفرنامه هربرت بنام:

Travels in Persia 1627-29. London, 1928.

(٥) مراجعه شود به صفحه ۳۵۰ سفرنامه آدام‌اولئاریوس بنام:

Moskowitische und Persische Reise. Berlin, 1959

(٦) مراجعه شود به صفحه ٤٧ کتاب والترهینز بنام :

Am Hofe des Persischen Groβkönigs. Leipzig,1940.

(۷) مراجعه شود به کتب ذیل:

1 - Ernst Buscher, *Das Porträt. Bildniswege und Bildnisstufen im 5. Jahrhundert.* München, 1960

2 - H. Deckert, *Zum Begriff des Portraits.* Marburg, 1929

3-Wilhelm Waetzoldt, *Die Kunst des Potrtraits,* Leipzig, 1908.

سفرای اروپائی در دربار ایران

پذیرائی از سفرای اروپائی مستلزم تشریفات و مراسم بسیار مهمی بوده که برای دربار ایران اهمیت بسزائی داشته است.

یک هیئت نمایندگی خارجی بمحض ورود بخاك ایران، بمنزلهٔ مهمان دربار محسوب میشده و تمام مخارج سفیر و همراهانشان از هرجهت بعهدهٔ دولت بوده است، تا اینکه خاك ایران را ترك نمایند.

در مرز، هیئت نمایندگی بوسیلهٔ مأموران مرزی، بااحترام تمام پذیرائی شده بوسیلهٔ عده‌ای سوار تااولین مرکز ایالت بدرقه میگردیدند.

خان و امیر آن شهر برای استقبال آنان تا چند فرسخی به خارج از شهر میرفته‌است. در اینجا بهتر است که این مراسم را از دهان منشی یکی از هیئت‌های نمایندگی یعنی آدام اولئاریوس منشی هیئت نمایندگی آلمان در سال ۱۶۳۷ میلادی (۱۰۴۷ هجری) بشنویم. او ورود هیئت نمایندگی آلمان را بشهر اردبیل اینطور شرح میدهد:

«دو شنبهٔ دهم آوریل بود که از ما در اردبیل بامراسم باشکوهی استقبال بعمل آمد. همانطور که ما درحدود نیم روز باهمان نظم خاص خود آهسته اسب میراندیم، عده‌ای سوار بسیار مرتب و شیك، در مقابل ما آمده دوستانه بما سلام گفته دوباره برگشتند.

(آنها میخواستند ورود هیئت نمایندگی را بحکمران شهر اطلاع دهند)

نیم میل مانده بشهر ، حکمران اردبیل ، بنام خان طالب ، به پیشواز ما آمد . او یک مرد مسن و لاغری بود که بوسیلهٔ عدهٔ زیادی سوار همراهی میشد . او پس از خوش‌آمد گفتن در کنار سفیر ما بطرف شهر براه افتاد . دراین هنگام عده‌ای ازمردم سواره و پیاده در دو طرف جاده اجتماع کرده بودند . سپس خان دیگری (بنام خان کربلائی‌علی) که یک مرد کوتاه ولی شادابی بود ، باهزار سوار باستقبال ما آمده در میان خان طالب و سفیرما قرار گرفت»[۱] .

اولئاریوس ادامه میدهد که عده‌ای ازمردم جشن گرفته بمناسبت ورود ما موزیک مینواختند ، و درجاده علمیات آکروبات و رقص انجام میدادند . در بارهٔ این عملیات آکروباتی و سیرکی مینویسد عده‌ای سوار مجهز به تیر و کمان و غیره که گویا قزلباشان بودند در دو طرف جاده بسیار منظم بصف ایستاده بودند عده‌ای دیگر از افراد نیز دیده میشدند که برسربرهنه و پیشانی خود شاخ پری فرو برده بودند - عده‌ای که قسمت فوقانی بدنشان لخت بود تیغهٔ قمه را در گوشت‌های بازو ویا سینهٔ خود فرونموده و ایستاده بودند . از این مناظر عجیب ما خیال میکردیم که گرفتار سحر وجادو شده‌ایم . بالاخره خان مارا به یک عمارت زیبا که در وسط باغ بسیار بزرگی واقع شده بود هدایت نمود . این عمارت دارای ده پله بود که میبایست ما بالا برویم . پذیرائی ازما با انواع و اقسام غذاهای عالی و میوه جات خوب شروع گردید و باجام‌های طلا بما شراب تعارف شد . ضمن پذیرائی موزیک نیز ترنم مینمود . درکنار عمارت نیزعده‌ای باتیر و کمان عملیات سیرکی انجام

داده مانند باله باموزیک وتاکت میرقصیدند(مقصود رقص های قفقازی و لزگی وغیره است) »[۲].

بدین ترتیب ازهیئت نمایندگی در هرشهری پذیرائی بعمل میآمد. روزی هم که برای حرکت آماده میشدند ، تا براه خود ادامه دهند باعده‌ای سوار ومقدار زیادی آذوقه تامرزایالت بعدی بدرقه میگردیدند بهمین ترتیب از ایالات مختلفی میگذشتند تا اینکه بپایتخت برسند .

دراین باره کمپفر مینویسد :

« در بعضی از ایالات ساکنین آن چنان مهماندوست هستند که خارجی‌ها را اصولاً قبل از اینکه بشهر برسند در راه با نمایشهای موزیکالی ، باگل،شراب و میوه‌جات بسیاری تامحل اقامت آنهاپذیرائی میکنند»[۳].

هنگامی که هیئت نمایندگی باصفهان نزدیک میشد ، دیگر حداکثر استقبال را از آنها بعمل میآوردند . در این استقبال میبایستی تمام اروپائیان مقیم پایتخت شرکت نمایند . این استقبال باموزیک نظامی و سواران دولتی بطور رسمی بعمل میآمد . دربارهٔ این استقبال اولئاریوس مینویسد که قبل از ورود هیئت نمایندگی بشهر ، عده‌ای از سواران مجهز که هریک اسب هائی یدکی بهمراه میآورد،نزد ما آمدند . و دویست تیرانداز دیگر تحت فرمان یک نجیب‌زاده‌ای بنام « عیسی خان بک » نیز آمدند و ما را بسیار دوستانه خوش‌آمد گفتند . او ادامه میدهد که عدهٔ استقبال کنندگان و مردم چنان زیاد بود که درگرد و خاك بسیار سوارکاران ، ما حتی‌جلوی پای خود را نیز نمی‌دیدیم[٤].

پس از ورود هیئت نمایندگی خارجی بپایتخت ، آنها را بمیدان شاه برده پس از زدن گشتی دور میدان به پارکی زیبا راهنمائی میکردند تا مدتی استراحت کنند و خستگی‌شان برطرف گردد . بعد از آن عمارتی را در نظر می گرفتند که آنها را باخدم وحشم خود منزل دهند .

محل اقامت هیئت نمایندگی های اروپائی همیشه درمحلهٔ جلفا بوده است .

ورم Worm آلمانی عضو کمپانی هلندی هند شرقی که بهمراه هیئت نمایندگی هلندی در سال ۱۷۱۷ میلادی (۱۱۳۰ هجری) تحت سرپرستی یوهان کسلر Johann Josua Kessler به اصفهان پایتخت ایران وارد شده تصویری از مراسم استقبال ازاین هیئت نمایندگی برداشته که آن را ۱۱۲
جاودان ساخته است .

این تصویر برای نمایش مراسم استقبال یک هیئت نمایندگی خارجی در پایتخت نمونه و یگانه سندی است که در دست داریم .

گروه مستقبلین و مهمانان در یک ستون منظم از پشت دروازهٔ شهر در طرف چپ تصویر شروع شده ، بطرف راست در زمینهٔ وسطی آن آمده ، سپس دوباره بطرف چپ تا به انتهای زمینهٔ جلوئی تصویر میرسد .

درست پشت دروازهٔ شهر یعنی ابتدای ستون شش فیل در سه ردیف دوتائی ملاحظه میگردد. پشت آنها چهارسوار بالباسهای اروپائی پشت سر یکدیگر قرار دارند که هریک یک اسب در کنار خود به یدک میکشند . آنها اعضای اصلی هیئت نمایندگی هستند . سپس دو سوار

کنارهم در حال نواختن شیپور و بعد از آنها دو ردیف و در هرردیف پنج سوار که جزء هیئت نمایندگی هلند هستند ملاحظه میگردند. بعد از آنها دو نفر ازمحترمین ایرانی و سپس نمایندگان خارجی مقیم دربار ایران و بعد از آنها سواری که در وسط مشخص است و گویا مهماندار باشی باشد و در انتهای ستون، خدم و حشم هیئت نمایندگی بچشم میخورد. درطرف چپ بالای تصویر دروازهٔ باشکوه اصفهان و پشت آن در زمینهٔ عقبی، شهر ملاحظه میگردد. پس از اینکه هیئت‌نمایندگی خارجی‌در منزلی که برای‌آنها تعیین‌شده وارد شدند، بلافاصله‌نگهبانی از طرف حکومت درمنزل آنها قراول‌خواهد داد و ازاین ساعت به بعد آنها تحت حمایت مستقیم‌دربار قرارخواهند گرفت.

سفرا میبایستی مدتی صبر کنند تا اینکه بتوانند شرفیاب بشوند هرسفیری که یک بار شرفیاب شده بود، میبایست در مجلس های‌بعدی نیز که سالی سه چهاربار تشکیل‌میافت شرکت نماید.

ازاین شرفیابی‌ها تصاویر مختلف در دست است. اولین آنها را پیترودلاواله آورده که در فرح‌آباد شمال یعنی نزدیکی اشرف بخدمت شاه رسیده بود(تصویر ٦٤ ج ۱).

بعد شرفیابی‌هیئت نمایندگی انگلیس بسرپرستی دود مرکوتون است که آنهم در فرح‌آباد شمال‌در سال ۱٦۲۸ میلادی(۱۰۳۸ هجری) یعنی اواخر عمرشاه عباس کبیر اتفاق افتاده این البته درنسخهٔ هلندی سفرنامهٔ هربرت بچاپ رسیده وهنرمند نیز این‌صحنه‌را از روی نوشته های هربرت برای‌خود مجسم کرده‌است. ۱۱۳

شرفیابی هیئت نمایندگی آلمان را نیز آدام اولئاریوس در تصویری مجسم نموده که شرح آن نیز آمده است (تصویر ۸٤ ج ۱).

۱۱٤ در سفرنامهٔ شاردن تصویری از شرفیابی هیئت نمایندگی هلند بحضور شاه سلیمان آورده شده که مراسم را در خارج از شهر اصفهان نشان میدهد.

در بالای تصویر چادری ملاحظه میگردد که شاه زیر آن چادر در وسط بطریق چهار زانو نشسته است. در جلوی چادر حوضی چهار گوش با یک فواره بچشم میخورد. در اطراف چادر بفاصله کمی دیرکهائی نصب گردیده است. در دو طرف بطور منظم دو ردیف افرادی ایستاده‌اند که عده‌ای از آنها هریک تبری برروی دوش دارند.

مجموع اینها مستطیلی را بوجود میآورد که نیمی از ضلع جنوبی آن را نوازندگانی که طبل و شیپور میزنند تشکیل میدهد. در وسط این مستطیل دو ردیف پیکر دیده می‌شود که اعضای هیئت نمایندگی هلند را نمایش میدهد. جلوی همهٔ آنها رئیس تشریفات سلطنتی ملاحظه میگردد که اعضاء هیئت نمایندگی را معرفی مینماید.

در طرف چپ قسمت پائین تصویر ۱۲ رأس اسب دریک ردیف منظم ملاحظه میگردد و سه نفر مأمور در مقابل آنها ایستاده‌اند.

طرف راست را نیزنهری پرپیچ وخم فرا گرفته است.

انگلبرت کمپفر که در سال ۱٦۸٤ میلادی (۱۰۹٦ هجری) بهمراهی لودویک فابریتیوس Ludwich Fabritius سفیر سوئد به‌خدمت شاه سلیمان شرفیاب شده بود شرح این شرفیابی را به‌بهترین وجهی در

۱۱۵ کتاب خود آورده است و در ضمن تصویری از ویلائی که این شرفیابی در آنجا صورت گرفته بود کشیده است . این ویلا در سعادت آباد بوده است .

در میان باغی، ساختمانی از چوب که ازسه طرف باز بود بپا شده بود که « دیوارهای داخل آن بسیار ظریف و زیبا نقاشی شده بود . پنجره‌های آن نیز با کنده کاریهای زیبائی تزئین گردیده بود»(۵) .

نظری به زمینهٔ جلوئی تصویر کافی است که عظمت و جلال و شکوه این بارعام را اثبات نماید . از طرف راست به‌چپ در مقابل شاه هدایائی را که سفرای کشورهای مختلف آورده‌اند ، بمعرض تماشا گذارده شده است . از طرف چپ براست روی تصویر ، سرهای بریدهٔ ازبکان که برروی نیزه‌ای قرار گرفته ، سه خان ازبکی که اسیر شده و سرها و دست‌های آنان را در تختهٔ چوبی بطوری قرار داده‌اند که نمیتوانند سر و دست خود را تکان بدهند . سه اسب اصیل عربی ، حیوانات مختلف از قبیل گوزن و غیره ظروفی از طلا و نقره که بوسیلهٔ شترها حمل میگردید ملاحظه میگردد . درست در مقابل تالار ، در دو طرف ، دو دیگ بزرگ در داخل چهار پایه‌ای قرار گرفته که از طلای ناب بوده است . کنار رودخانه حیواناتی از قبیل شیر ، ببر و پلنگ که رام شده بودند ، دیده میشوند که برای نمایش آورده بودند(۶) .

در داخل ، ولی جلوی خود عمارت نیز دو ظرف بزرگ طلائی ملاحظه میگردد ضمناً ظرف بزرگ دیگری که به بزرگی دو برابر قد انسانی است و در طرف راست عمارت قرار دارد بفرم هرمی بوده

برروی ظرف مربعی استوار است.

خود ساختمان که در میان باغ مرتب و منظم شده‌ای قرار گرفته «اغلب نقاطش باطلا و فقط بندرت با کاشی پوشیده»[۷] بود. عمارت دارای ۲۲ ستون در شش ردیف است. این ستونهای باریک چوبی که با «گل و بته هائی از طلا روکش شده است»[۸]، سقف عظیم و زیبای عمارت را که تقریباً به نظر میرسد برفراز رودخانه آمده است نگهداری میکند. این تالار در وسط از طبقات مختلف تشکیل شده، بطوریکه طبقهٔ آخر که شاه در مرکز آن نشسته است از همه مرتفع‌تر میباشد. در اطراف‌شاه خواجه سرایان ونزدیکان او حلقه زده‌اند. در طبقهٔ بعدی اعضای حکومت، خانها و محترمین جای گرفته‌اند. در طرف چپ رئیس تشریفات سلطنتی باچوبی در دست ایستاده وتمام مراسم را زیر نظر دارد در طرف چپ این قسمت رجال و در دو طرف گارد سلطنتی ایستاده‌اند. در قسمت پائین سالن در وسط حوض آبی مشاهده میشود و در سمت چپ و راست آن، هیئت‌های نمایندگی خارجی دیده میشوند. در ردیف جلو یعنی پشت برودخانه نوازندگان جایگزین شده‌اند.

جریان این شرفیابی را که غیر از سفرای کشورهای آسیائی، سفیر پادشاه سوئد کارل یازدهم، سفیر پادشاه لهستان یوهانس سوم، سفیر پادشاه فرانسه لوئی چهاردهم و سفیر کشور روسیه با همراهان خود نیز حضور داشتند کمپفر در کتاب «نفایس خارجی» خود مفصلاً شرح داده است.

(۱) مراجعه شود به‌صفحات ۲۸۰ تا ۲۸۲ سفرنامه آدام اولئاریوس بنام:
Moskowitische und Persisch Reise. Berlin, 1959

(۲) مراجعه شود به یادداشت شماره ۱

(۳) مراجعه شود به‌صفحه ۱۹٦ کتاب:
Am Hofe des persischen Groβkönigs. Leipzig, 1940

(٤) مراجعه شود به‌صفحه ۳۳۵ سفرنامه آدام اولئاریوس بنام:
Moskowitische und Persische Reise. Berlin, 1959.

(۵) مراجعه شود به صفحه ۲۰۰ کتاب والترهینز بنام:
Am Hofe des persichen Groβkönigs. Leipzig, 1940

(٦) انگلبرت کمپفر نوشته است که باغ وحش شاه دارای حیوانات وحشی زیادی است که هنوز رام نشده‌اند که‌بتوان از آنها برای نمایش استفاده کرد.

مراجعه شود به‌صفحه ۲۰۲ کتاب والترهینز

(۷) مراجعه شود به‌صفحه ۲۰۰ کتاب والترهینز

(۸) مراجعه شود به صفحه ۲۰۰ کتاب والترهینز

مراسم

تصاویری که سیاحان از مراسم مختلف از قبیل جشنها ، اعیاد ، سوگواریها و غیره آورده‌اند ، از این حیث بسیار مهم است که سنن و رسوم ملی ما را در دوران گذشته زنده نگهداشته طریقهٔ برگزاری این رسوم را از نظر ما گذرانده است .

یکی از این مراسم ، تاجگذاری شاهنشاهان صفوی بوده که بسیاری از سیاحان اروپائی آنرا مورد بحث و تفصیل قرار داده و بعضی حتی کتابهائی دربارهٔ آن تألیف نموده‌اند .

مثلاً شاردن یک کتاب اختصاص به تاجگذاری شاه سلیمان داده است[۱] .

تصویر مراسم این تاجگذاری که بوسیلهٔ ژوزف گرلو طرح گردیده ۱۱۶
بمنزلهٔ سرلوح کتاب نمایش داده شده است .

این کتاب بعنوان ضمیمهٔ سفرنامهٔ تاورنیه در سال ۱۶۸۱ در ژنو بزبان آلمانی ترجمهٔ و منتشر گردیده است .

در این نسخهٔ آلمانی نیز تصویر مراسم تاجگذاری شاه سلیمان ، البته با تغییراتی توسط حکاك دورانت I. L. Durant ، آورده شده است[۲] .

انگلبرت کمپفر نیز شرح مفصلی از تاجگذاری شاه سلیمان آورده
و ضمناً تصویری از آن مراسم را نیز خود طرح کرده است[۳] . ۱۱۷

در اثر یک مقایسه مابین هردو تصویر ، باین نتیجه خواهیم رسید که هردو از لحاظ اصول تقریباً یکسان ، با این تفاوت که طرح کمپفر مراسم را کامل تر و مشروح تر نشان میدهد .

این تصویر را از لحاظ عمق میتوان بدو قسمت اصلی تقسیم کرد :

قسمت اول زمینهٔ جلوئی و میانی را باهم تشکیل میدهد .

زمینهٔ جلوئی تصویر یک حیاط را نشان میدهد . وسط حیاط را یک حوض مستطیل فرا گرفته که در دو طرف آن فواره های متحدالشکل قرار گرفته است .

زمینهٔ جلوئی از دوطرف بباغچه های مرتب و منظمی که قسمتی از آنها در عکس دیده میشود محدود شده است .

قسمت میانه شامل محوطه ایست که بباغچه ها بصورت صلیب عمود است یعنی در حقیقت ایوان را تشکیل میدهد .

در ایوان علاوه بریک ردیف تفنگدار عده‌ای دیگر منجمله چند تن مشعل دار نیز دیده میشود .

برروی این ایوان سقفی زده شده که برروی شش ستون قرار دارد

بالای این سقف یعنی در حقیقت روی بام وپشت نردهٔ آن منجمین وستاره شناسان دیده میشوند که با دوربینهای بلند خود وظیفه دارند ساعت مناسب را برای مراسم تاجگذاری اعلام نمایند .

از طرف بالا ، پرده های خوش چین و از طرف پائین نردهٔ شمال ایوان مرز مابین دوقسمت اصلی تصویر را تشکیل میدهد .

قسمت دوم شامل زمینهٔ عقبی گراور یعنی در حقیقت سالن بزرگ است که در آن مراسم تاجگذاری انجام میپذیرد و به « تالار طویله (بمعنی تالار بلند) » معروف بوده است.

این تالار در طرح کمپفر شکل بیضی دارد ، در صورتیکه ژوزف گرلو آنرا مستطیل نشان میدهد. در وسط این تالار شاه سلیمان برروی تخت چهار زانو نشسته و درست همان لحظه‌ای را نشان میدهد که مراسم تاجگذاری انجام شده و شاه بادست چپ اشاره به برخاستن شیخ‌الاسلام میکند که در طرف چپ او بخاك افتاده و بعنوان اولین نفر تاجگذاری شاه را تبریک میگوید. طرف راست شاه سلیمان و درحقیقت در مقابل شیخ الاسلام ، صدر هیئت دولت در حالت تبریک گفتن است در طرف راست او پشت حوضچهٔ رئیس تشریفات دربار باعصای بزرگ خود استوار ایستاده و ناظر مراسم است.

پشت شاهنشاه اعضای خانوادهٔ سلطنتی،خواجگان دربار بشکل نیم دایره ایستاده و در دو طرف سالن نمایندگان کشورهای خارجی و اعضای حکومت، فرماندهان کل وخانها و محترمین کشوری و لشکری هریک نسبت به شأن مناصب خود نشسته و ایستاده جایگزین شده‌اند.

این تالار کهٔ اکنون اثری از عمارت آن باقی نیست ، در طرف غربی عالی‌قاپو واقع بوده و شاردن راجع بآن چنین نوشته است.

«این عمارت وسط باغی ساخته شده که خیابان های آنرا درختان چنار پوشانده است . در خیابان وسط که مقابل عمارت است از هرطرف آخور است که روزهای رسمی از قبیل پذیرائی سفرا ، زیباترین اسبهای

اصطبل سلطنتی را با زنجیرهای طلا بمیخ های طلا می‌بندند یراق و زین و برگ اسب‌ها طلا و مرصع بجواهرات است و نیز کلیهٔ لوازم طویله از قبیل میخ و چکش و غیره را از زر ناب ساخته‌اند . سفرا و اشخاص مهمی را که باید شرفیاب شوند از این راه عبور میدهند تا این دستگاه مجلل را به بینند ، تالار طویله یکصد و چهار پا طول و بیست و شش پا عرض و بیست و پنج پا ارتفاع دارد . سقف آن موزائیک و ستونهای چوبی آن نقاشی شده و زراندود است .

این تالار سه قسمت است که ارتفاع قسمت وسط آن ازسطح زمین نه پا و ارتفاع دو قسمت دیگر هریک سه پا است ـ حدفاصل بین این سه قسمت چهارچوب هائی است که از شیشه وآئینه های رنگارنگ ساخته شده‌است .

دورتمام تالار را پرده آویخته‌اند که آستر آن قلمکار بسیار ظریفی است و آنرا در سمتی که آفتاب میتابد ، بفاصلهٔ هشت پا از سطح زمین قرار داده‌اند که مانع دیدن نمیشود ـ در وسط تالار حوض مرمری است که در میان و اطراف فواره‌های متعدی دارد . . . . »[٤] .

۱۱۸ لوازم مربوط به این تاجگذاری را نیز ژوزف گرلو طراحی کرده است .

تختی که شاه سلیمان برروی آن جلوس میکرد بشکل چهار پایه و از طلای ناب ساخته شده و بوسیلهٔ جواهرات فراوان تزئین گردیده است[٥] .

تاج مرصع سلسله صفویان که با دوازده پر تزئین شده ، شمشیر

خمیده با قبضه‌ای بصورت سرباز شکاری در طرف چپ و همچنین قمهٔ کوچک مزین شده‌ای در طرف راست ، قسمت بالای عکس را تشکیل میدهد[۶]. ۱۱۹

کمپفر نیز از این لوازم تاجگذاری طرحی کشیده و جقهٔ شاهی‌را نیز که شاهان صفویه بردولبند می‌بستند بآن اضافه نموده است.

مراسم عید قربان را نیز سیاحان مشاهده نموده و تصاویری از آن تهیه نموده‌اند.

سابق براین بجای گوسفند شتر قربانی میکردند و بهمین جهت سیاحان نام این‌عید را «جشن‌قربانی شتر» نامیده‌اند.

کمپفر که خود در سال ۱۶۸۴ میلادی(۱۰۹۶ هجری) مراسم برگزاری این‌عید را مشاهده کرده بود مینویسد :

«ابتدا تمام ساکنین اصفهان بطور منظم براه افتاده درمحلی که برای انجام مراسم قربانی‌درنظر گرفته شده بود ، یعنی نزدیکی‌باغ هزار صبح (هزار جریب) جمع میگردیدند. حیوانی که برای قربانی انتخاب شده ، یک شتر بزرگ ، فربه ، سالم ، یک کوهانه از بهترین نژادها بود که بایک قالیچه ارغوانی پوشیده و ببهترین وجه آراسته شده بود. این شتر را ده روز تمام باهمین هیئت درتمام کوچه وخیابان‌های شهر گردانده بودند. در روز قربانی آنرا بمحل‌قربانی‌آورده دو پایش‌را بسته بودند . اطراف آن تاوسعت زیادی چندین هزار نفر تماشاچی ایستاده منتظر ورود شاه بودند که با دست مبارک خود جریان امر را شروع نماید.

بالاخره درحدود ظهر اعلیحضرت باملتزمین رکاب خود تشریف فرما شدند »[۷].

۱۲۰ تصویر کمپفر مرحلهٔ ورود شاه را بمحوطهٔ قربانی نشان میدهد ازطرف چپ بالای تصویرستونی از انسان سوار وپیاده بطورخمیده ملاحظه میگردد.

کمی بطرف راست ، رئیس تشریفات دربار وهمراهانش ملاحظه میگردد[۸] . بعداً سه گروهان پیاده که هرگروهانی بیش از دویست نفر بودند[۹].

در فاصلهٔ مابین آنها فرمانده گروهان ها ، دوازده پیشخدمت مخصوص پیاده و بعد از آنها خود شاه سلیمان با وقار بخصوصی اسب میراند . شاه سوار براسب که زمینهٔ وسطی تصویر را از طرف راست میبندد . زمینه جلوئی را قزلباشها و محترمین و رجال کشور فراگرفته و در حال تعظیم میباشند.

زمینه عقبی تصویر طرف راست ، برج کبوتری را نشان میدهد که زاویه‌ای از هزار جریب را فراگرفته است، در پشت آن کمی بطرف چپ عمارت تخت سلیمان و دربالای آن باقی‌ماندهٔ یک قلعهٔ قدیمی در روی کوه صفه میباشد در طرف چپ قبرستان زردشتی ها و بعد از آن برج پستخانه وبالاخره چند امامزاده وغیره که زیاد نزدیک بهم ترسیم‌شده است وخود کمپفر نیز این امر را تصدیق دارد[۱۰].

کمپفر نمایش این عید را چند لحظه قبل از قربانی نشان میدهد ولی تصویری که در سفرنامهٔ پیترودلاوله‌آمده درست هنگامی را نمایش

میدهد که شتر در حال قربانی شدن است (تصویر. ٦ ج ۱) یعنی لحظه‌ای که حیوان بانیزه زخمی شده و برروی زمین افتاده است.

این صحنه را نیز کمپفر اینطور شرح میدهد:

«همانطور که شاه محل عمل قرار گرفت، ازاسب پیاده شد حاکم اصفهان نیزه‌ای را باو داد وشاه نیزه را سه بار بوسیده و دوباره بشهردار پس داد.

شهردارنیز آنرا برسینهٔ حیوان فرو نموده زخمی عمیق ایجاد نمود بطوریکه حیوان فوراً برروی زمین غلطید. سپس محترمین شهر رسیده و حیوان را به دوازده قطعه نمودند که هرقطعهٔ آنرا بیک محله شهر هدیه نماید. سر و احشای آنرا نیز به مطبخ سلطنتی روانه داشتند.

بعد از اینکه این عمل انجام شد شاه سوار براسب شده بهمان نظمی که آمده بود بطرف مقرحکومت مراجعت نمود»(۱۱).

از مراسم ختنه ارامنه دو تصویر در دست است که یکی از آنها در نسخهٔ هلندی سفرنامهٔ پیترودلاواله آورده شده (تصویر ٦۳ ج ۱) و دیگری نیز درنسخهٔ هلندی سفرنامهٔ توماس هربرت است که البته هیچ ۱۲۱
یک از آنها نمیتواند مستند باشد و فقط از روی نوشتجات سفرنامه ها، هنرمندان تصوراتی کرده آنهارا بوجود آورده‌اند. چون نه پیترودلاواله و نه توماس هربرت هیچیک طرحی از این مراسم نکشیده بودند(۱۲).

از مراسم عیدعمر نیز تصویری در مجموعهٔ فاندرآدر دست است ۱۲۲
که آنهم بدون طرح قبلی، از روی نوشتجات آنتونی شرلی تهیه گردیده است. این تصویر مراسم، عید عمر را در شهر قزوین نشان میدهد.

این عید سابقاً بسیار باعظمت گرفته میشده و در نهم ربیع‌الاول اجرا میگردیده است. البته مسائل سیاسی در این موضوع دخالت تام داشته است. ایرانیان میخواستند در مقابل عثمانی‌ها بخصوص این عید را بامراسم هرچه باشکوه‌تر برگزار نمایند تا بدین وسیلهٔ روح ملیت را در مردم بیدار نمایند. اصولاً مذهب شیعه را ایرانیان از لحاظ حفظ ملیت خویش در مقابل اعراب بمنزلهٔ عامل مهمی انتخاب نموده، تحقیقات و خدماتی در آن بعمل آورده آن را در قرن سیزدهم باظهور شیخ صفی‌الدین اردبیلی تقویت کردند(۱۳).

از مراسم سوگواری نیز چندین تصویر در سفرنامه‌های مختلف
۱۲۳ ملاحظه میشود. از آنجمله است مراسم تشیع جنازهٔ یک مرد محترم در اصفهان.

بطوریکه ملاحظه میگردد، مردم با موزیک و رقص بخصوص این مراسم را اجرا میکردند و برای اینکه قاری قرآن صدایش بهمه‌جا برسد او را بر چهار پایه‌ای بلند نشانده برروی دوش حمل میکردند.

۱۲٤ از مراسم کفن و دفن تصویری در دست‌است که کمی‌حیرت‌انگیز است و نمیتوان تفسیری از آن نمود. این مراسم کفن و دفن شورشیان است که همین طور با لباس آن‌ها را در قبر میگذارند، یا شاید اصولاً زنده بگورکردن را نشان میدهد، در هرحال این تصویرمستلزم‌مطالعه عمیق است.

از مراسم سوگواری ارامنه نیز تصویری در سفرنامهٔ برون آورده ۱۲۵
شده است که خانمهای ارمنی را در قبرستان ارامنه و طریق سوگواری
آنها را نشان میدهد. در طرف راست گویا خود برون نقش گردیده‌است
مراسم سوگواری ارامنهٔ جلفا برای سه پادشاه مقدس (سه مغ) در تصویری ۱۲۶
در سفرنامهٔ پیترودلاواله به‌نمایش درآمده است که یگانهٔ سند تصویری
از این نوع بشمار میرود.

---

(۱) مراجعه شود به کتاب ژان شاردن بنام:

Le Couronnement de Soleiman, Troisieme Roy de Perse et ce qui sést passé de plus memorable dans les deux premieres années de son regne. Paris, 1671

این کتاب بزبان انگلیسی ترجمه شده وبه‌ضمیمهٔ ترجمه انگلیسی سفرنامه شاردن (چاپ لندن ۱۶۸۶) به‌طبع رسیده است.

(۲) مراجعه شود به‌ترجمه آلمانی سفرنامه تاورنیه

(۳) مراجعه شود به‌صفحات مابین ۴۰ تا ۴۴ کتاب والترهینز بنام:

Am Hofe des persischen Großünigs

(٤) مراجعه شود به صفحات ٤٦ و ٤٧ «سفرنامه شاردن فرانسوی - قسمت شهر اصفهان»، ترجمهٔ حسین عریضی، تهران ۱۳۳۰.

(٥) مراجعه شود به‌صفحه ٤١ کتاب والترهینز.

(٦) انگلبرت کمپفر خود در اصفهان طرحی از تمام لوازم مربوط به‌تاجگذاری تهیه نموده بود ولی این طرح در اروپا مفقود شده است. لهذا او از یکی از دوستانش خواهش کرد که طرحی از روی تصویر لوازم تاجگذاری

شاردن تهیه نماید و برای او بفرستد دوست او این امر را انجام داد و کمپفر نیز تصویری از لوازم تاجگذاری در کتاب « نفایس خارجی » خود آورد.

(۷) مراجعه شود به صفحات ۱۸۸ و ۱۸۹ کتاب والترهینز.

(۸) مراجعه شود به صفحات ۱۸۸ و ۱۸۹ کتاب والتر هینر

(۹) مراجعه شود به صفحات ۱۸۸ و ۱۸۹ کتاب والتر هینر

(۱۰) مراجعه شود به‌صفحات ۱۸۸ و ۱۸۹ کتاب والترهینز

(۱۱) مراجعه شود به‌صفحه ۱۹۰ کتاب والتر هینز

(۱۲) دربارهٔ اینکه ارامنه را بجبر و زور در زمان صفویه ختنه مینمودند وآنها را وادار میکردند که دین اسلام بیاورند نوشتجات متفاوت زیادی در سفرنامه‌های اروپائیان آمده است.

دراینجا بهتر است که برای تفسیر این قضیه نقل قولی از آدام اولئاریوس که شخص بیطرفی بوده است ، بنمائیم : دو نفر از ارامنه بنام الیاس‌بک و سفراس Seferas در سال ۱٦۳۷ برای اولئاریوس تعریف میکنند که در زمان پدر شاه حالیه یعنی در زمان شاه عباس کبیر بآنها بسیار خوش گذشته‌است . اما گاهی اوقات باآنها شوخی‌های خطرناکی میشده است.

یک روز الیاس بک در حضور شاه بود ، شاه آنروز سرحال بوده باو میگوید اگر تو بگذاری ختنه‌ات بکنند و بدین اسلام درآئی من بیشتر بتو علاقمند خواهم شد . الیاس‌بک جواب میدهد ممکن است چنین چیزی اتفاق بیافتد. گویا الیاس‌بک میخواسته بااین‌جواب شاه را خوشحال و سرحال نگهدارد. بعدها شاه قضایا را جویا میشود بعرض او میرسانند که الیاس‌بک‌هنوز ختنه نشده‌است شاه از اومیخواهد

که بقول خود وفا نماید و این کار را بنماید ولی الیاس‌بک حاضر باین امرنمیشود لهذا شاه دستور میدهد که بجبر او را ختنه‌نمایند.

مراجعه شود به‌صفحه ۳۷۲ سفرنامه آدام اولئاریوس بنام :

Moskowitische und Persische Reise . Berlin, 1959

(۱۳) پیترودلاواله در باره یکی از اعیاد موسوم به « Afciur » سخن‌میراند که شاید همین‌عید عمر باشد.

مجازات وغیره

یکی از موضوع هائی که بخصوص برای اروپائیان شگفت‌انگیز و خیره کننده بود ، تصاویری است که مجازات‌های مختلف را نمایان میساخت با وجود اینکه در آن زمان ، مراجعی برای تنبیه اشخاص از قبیل محاکم شرع و عرف و دیوان عالی که بالاتر از هردوی آنها بود وجود داشت ، باز حکم شاه همیشه‌بالاتر ازهمهٔ اینها وهرچه شاهنشاه دستور میداد می‌بایست فوراً عملی شود . در حقیقت او بود که عدالت را اجرا میکرد .

البته قوانینی‌نیزاز لحاظ شرعی‌و عرفی‌وجود داشت که از حوصلهٔ این بحث خارج است .

اولین نمایش یک صحنهٔ مجازات در سفرنامهٔ پیترودلاواله آمده که مجازات خانهارا در تبریزبوسیلهٔ شاه عباس کبیرنشان میدهد . ۱۲۶

این تصویر دو نفر از مجرمین را نشان میدهد که آنها را وارونه بدرخت بسته و از داخل‌قوزك پایشان طناب گذرانده و شکم یکی از آندو نفر را بازکرده‌اند ، بطوریکه احشاء او برروی سر و گردنش ریخته است .

اولئاریوس تصویری ازجریان مجازات یکنفرقزلباش که به دستور رئیس هیئت نمایندگی‌آلمان اجرا شده آورده است . جریان امربطوریکه خود اولئاریوس مینویسد :

بدین‌طریق بوده است که در نزدیکی دشت مغان هیئت نمایندگی آلمان در موقع مراجعت به‌وطن اطراق (لنگ) کرده بود. یکی از خدمهٔ هیئت میخواسته است که اسب یدکی خود را بزور به‌داخل منزل یک قزلباش ببرد صاحب منزل باو پرخاش نموده چند ضربه برسر و دست او زد که این منزل طویله نیست. وقتی که این صحنه را بروگمن سفیر آلمان مشاهده میکند، با خشونت بسیار بطرف قزلباش آمده باو پرخاش مینماید. قزلباش بیچاره غافل از اینکه این شخص رئیس هیئت نمایندگی آلمان است باتر که ضربهٔ محکمی برروی بازوی او میزند. وقتی که به‌قزلباش فهماندند که او رئیس هیئت نمایندگی آلمان است، او در جواب گفته بود که از این موضوع اطلاع نداشته است. وانگهی این عمل یعنی بزور وارد منزل دیگری شدن شایستهٔ ریاست هیئت نمایندگی یک کشور خارجی نیست. دراین ضمن خدمهٔ بروگمن رسیده، چندان کتک مفصلی به‌قزلباش زدند که او از هوش رفته و دیگر نمیتوانست تکان بخورد. همانندم بروگمن دستور داد که منزل این قزلباش را تاراج کرده هرچه از قبیل اسب و شمشیر و سپر واثاثیهٔ خانه داشته بغارت بردند. فردای آنروز نیز دستور داد که قزلباش را نزد او بیاورند ازآنجائیکه این شخص نیمه مرده بود مجبور بودند آنطوریکه در تصویر مشاهده میشود او را ۱۲۸
درگلیمی پیچیده نزد بروگمن بیاورند. بروگمن سپس به‌مترجم ترك خود دستور داد که این قزلباش را باچوب بزنند. هرچه عده‌ای از محترمین محل (اشخاصی که در وسط تصویر دست‌خودرا بطرف بروگمن که‌سوار اسب در میان همراهان خود دیده میشود، دراز کرده‌اند) خواهش

کردند که این شخص نمیدانسته که شما رئیس هیئت نمایندگی آلمان هستید و علاوه برآن ، او باندازهٔ کافی تنبیه شده است ، حال از سر تقصیرش بگذرید فایده نکرد و بروگمن جواب داد ، تا اینکه دو ضربه چوب به قزلباش زدند و او دم بدم جان سپرد . دراین لحظه بروگمن گفت « این را میگویند حق ! » سپس اولئاریوس ادامه میدهد که اگر مهماندار ایرانی ما جلوی خشم قزلباشان را نگرفته بود آنها در یک چشم بهم زدن همهٔ ما را قطعه قطعه میکردند[۱] .

۱۲۹ اولئاریوس درتصویر دیگری مجازات درمکتب را که بوسیلهٔ چوب و فلک انجام میشده نشان میدهد .

این تصویرتالاری را نشان میدهد که ازلحاظ معماری واقعاً قابل مطالعه است . دور این تالار عده‌ای از محصلین نشسته‌اند و کتب خود را در دست دارند . در زمینهٔ جلوئی تصویر صحنه فلک کردن شاگردی ملاحظه میگردد .

در سفرنامه های مختلف صحنه هائی از سر بریدن ، پوست کندن ،
۱۳۰ کور نمودن ، بینی بریدن و غیره نمایش داده شده که یکی از آنها صحنه‌ایست که در سفرنامهٔ ته‌ونو ، از بریدن بینی مشاهده میشود .

در سفرنامهٔ شاردن تصویری از کارهای ژوزف گرلو آورده شده که
۱۳۱ یک نجیب‌زاده را در بند نشان میدهد .

این دستگاهی که درگردن و دست راست این شخص بسته شده باید پالهنگ باشد که یک موتیف مغلی بوده واز زمان هجوم آنها بایران وارد این آب و خاك شده است . نظیر آن در نقاشی های ایرانی نیزدیده

شده ، بخصوص در یکی از کارهای بهزاد بنام « یک اسیر بلند پایه » که در حدود سال ۱۵۰۰ میلادی (۹۰۶ هجری) کشیده شده است(۲) .

تصاویر دیگری نیز با موضوع های مختلف در سیاحت‌نامه ها آورده شد که بخصوص از لحاظ مطالعهٔ لباس و تغییرات آن بسیار جالب است . از آن‌جمله نمایش لباس اولئاریوس ، دولیه‌ده‌لاند ، سان سن ، کمپفر و بخصوص کار جالب شاردن که یک قزلباش و یک خانم زردشتی را نشان میدهد .

۱۳۲ ، ۱۳۳ ، ۱۳۴
۱۳۵ ، ۱۳۶ ، ۱۳۷
و ۱۳۸

همچنین کارهای فوق‌العاده برون مانند خانم ارمنی ، خانمهای ایرانی ، مردی از جنوب ایران ، کنیز وغلام سیاه .

۱۳۹ ، ۱۴۰ ، ۱۴۱
۱۴۲ ، ۱۴۳

تصاویر دیگری نیزدر دست است که ایرانیان را درحال کشیدن قلیان و یا چپق و نظایر آن نشان میدهد مانند قلیون شاردن و شیخ قلیان کش برون و دراویش گملین .

۱۴۴ ، ۱۴۵
۱۴۶

آخرین تصویری که در این کتاب آورده‌ام ، تصویر دستگاهی است که بوسیله آن‌آب از چاه بیرون میکشیدند این تصویر بوسیله ژوزف گرلو طرح گردیده است .

۱۴۷

---

(۱) مراجعه شود به‌صفحه ۴۷۱ سفرنامه آدام اولئاریوس بنام :

Moskowitische und Persische Reise. Berlin, 1959

(۲) مراجعه شود به‌تصویر شماره ۴۵ کتاب :

Ernst Kühnel, *Miniaturmalerei im islamischen Orient*, Berlin, 1923

قسمت دوم

سفرنامه‌ها و کتبی که درباره ایران اوائل قرون وسطی تا اواخر قرن هیجدهم اطلاعات جامعی دربردارد

Aa, PIETER VAN DER

1- Naaukeurige versameling der Gedenkwaadigste Zee - en Land Reysen na Oost-en West - Indien... begi nnende met het Jahr 1246... 1-22Bde. Leiden 1707

ALBUQERQUE, AFFOSO DE

2- Commentarios de affonso Albuquerque Capiatao Geral, e Governador da India, Colligidos por seu filho Affonso Dalbuquerque das proprias Cartas, que elle escrevia ao muito Poderosa Rey Dom Manuel O primeiro deste nome em cujotempo governou a India. Lissabon 1557.

3- Commentarios de grande Afonso D'Albuquerque... Lissabon 1576.

4- The Commentaries of the great Afonso Dalbuquerque second Viceroy of India. ترجمه v. F. R. S. L. Birch. Hak. Soc. Lonodon, 1875-84

5- Comentarios de grande Afonso D'Albuquerque . .. Coimbra 1922 - 23

ALESSANDRI, VINCENTIO D'

6- Narrative of the most noble Vincentio d'Alesandri ... to the king of persia . . . Republik of Venice. A narrative of italien Travellers in persia the 15 and 16 Centuries by Chrales Gray. Hak. Soc. London 1873

ANDRA, RUY FREYRE DE

7- Commentarios do Grande Capitan Ruy Freyre deAndrada. Em que se relatan suas proczado anno 1619, em que partio desto Reyropor Geraldo mar de ormuz et Costade persia... Lissabon 1647

ANDRESEN, LUDWIG

8- Studien und Quellen zur Geschichte der Verwaltung. und Wirtschaft in Gottorf. 2Bde. Kiel 1928

ANGIOLELLO, GIOVAN MARIA

9- Breve narratione dellavita atfattidel signor Ussun Cassano redi persia. s. l. 1525

ANVILLE, J. B. POURGUIGNON DE

10- Recherches Geographiques surle Golf persique, et sur les Bouches de l'Euphrate etdu Tigre en 1758. Memoires de litterature, tires des Registres de L Academie Royale des Inscriptions et Belles - Lettres. Paris 1764

ARRIANUS, FLAVIUS

11- Arriani (qui alter Xenophon vocatus fuit) de expedit. Alex, Magni, historiarum... Paris 1575

12- Arrians account of the voyage of Nearchus. Hg. W. J. MacCrindle. London 1879

AVRIL, A. D.

13- Le golfe persique, route de l'Ind et de l'Asia. Paris 1901

AVRIL, PHILIPPE

14- Reize door verscheidene Staten van Europa en Asia als

Turkyen, Persien, het zuider - Tartaryen, Muscovien, poolen, pruissen en Moldavien, gedaen zedert den jaare 1684 - 92. Utrecht 1694.

15- Curieuse Reise durch verschiedene Staaten in Europa und Asia. Hamburg 1705.

BALBI, GASPARO

16- Viaggio dell'Indie orientali, 1579—1588... Venezia 1590, چاپ جدید Venezia 1962.

BANISTER, T. و G. DUCKET

The voyages of Thomas Banister and Geoffrey Ducket into Persia. Hak. Soc. London 1600

18- The voyages of Thomas Banister and Geoffrey Ducket into Persia. Hak. Soc. London 1886.

19- The fifthe voiage into persia made by... Master G. Dueket... London 1598

BARBARO, JOSAFA

20- Viaggi fatti in Tana in Persia, in Inida, et in Constantinopoli, con la descrizione particulare di Citta, luoghi, siti, costumi, e della Porta del Gransuo. e della ultima impresa contra Portughesi. In vingia, nell'anno MDXLII Jnella Casa di Aldo. Venezia 1543 u. 1545

21- Travel of Josafa Barbaro to Tana in Persia .: A narrative of italien Travellers in Persia . . . London 1873.

22 - Giosafat Barbaro (1413-94) e i suoi viaggi nella regione russa e nella Persia. Hg. N. Di Lenna. Venezia 1914

23- Di Messer Josafa Barbaro Gentil'huomo venetiano il viaggio della Tana e nell Persia. Venezia 1559

BARBOSA, DUARTE

24- The Book of Duarte Barbosa. An account of the Countries bording on the Indian Ocean, and their Inhabitants, written by duarte Barbosa, and competed about the year A. D. 1518. ترجمه . Longwort Dames Hak. Soc. London 1918–1921.

BARNETT, R. D.

25- Ancient oriental influences on arcaic Greece, in the Aegean and the Near East.: Studies presented to Hetty Goldman 212–238 New York 1956

BAPROS, JEAN DE

26 - Asia. Dos fectos que los Portugesas fizeram no descobrimanto e conquista dos... do oriente. 2 Bde. Lissabon 1777

27 - Terceira decada da Asia. Lissabon 1563.

28- Quarta decada da Asia. Madrid 1615

29- Decadas da Asia· Continued by Diogo do Conto. 24 Bde. Lissabon 1778 - 1788

30- Geschichte der Entdeckungen und Eroberungen der Portugiesen im Orient, vom Jahre 1415 bis 1539. 5 Bde. Bd. 3 Braunschweig 1821.

BARTHOLD, W.

31- Die geographische und historische Erforchung des Orients. E. Ramberg - Figulla ترجمه از روسی بوسیله Leipzig 1913

BAUSANI, ALESSANDRO

32- Die Perser. ترجمه از ایتالیائی Stuttgart 1965

BAZIN, FRERE

33- Memoires sur les dernieres années du regne de Thamas Kouli - Kan, et sur sa mort tragique, contenus dans une lettres du Frère Bazin Paris 1780

BEAUCHAMP, ABBE

34- Relation d'un voyage en Perse, fait en 1787 par M. de Beauchamp, Vicaire - Général de Babylone et Correspon - dant de l'Académie des Sciences. Paris 1790

35- Nachricht von einer Reise in Persien im Jahre 1787 von Herrn Beauchamp. Minerva 3 1792.

BECKMANN, JOHANN

36 - Litteratur der älteren Reisebeschreibungen. Göttingen 1808-1810

BECKWITH, ARTHUR

37 - Majolica and fayence, italian, sicilian, majorcan, hispano - moresque and persian. New York 1877

BEHR, JOHANN VON DER

38- Reise nach Java, Vorderindien, Persien und Ceylon 1641—1650. Den Haag 1930

BELL, JOHN OF ANTERMONY

39- Travels from St. Petersburg in Russia to divers parts of Asia. 2 Bde. Glasgow 1763.

40 - Voyages depuis St. Petersbourg en Russia dans divers contrées de l'Asie... Paris 1766.

BELL, R

41 - The Travels of Richard Bell (and John Compbell) in the East Indias, Persia and Palestine, 1654-70 London s. d.

BELLAN, L. LOUIS

42- Chah'Abbas I: sa vie, son histoire. Paris 1932.

BENISCH, A.

43- Travels of Rabbi Petschia of Ratisbon. London 1856

BENJAMIN VON TUDELA

44 - Beniamini Tudelen sis itinerarium ex versione, Benedicti Asiae Montani. Leipzig 1764.

45- The Itinerary of Rabbi Benjamin of Tudela. A. Asher, ناشر London u. Berlin 1840

46- Der Reiseweg des Rabbi Benjamin von Tudela etc. von P. Borchardt: Jahrb. d. jüd. Gesch. Frankfurt 1924

47-Itinerarium D. Beniaminis, cum versione et notis Constantine L'Empereur Batavia 1633.

BERCHET, GUGLIELMO

48- Ia Republica di Venezia et la Persia. Turin 1865.

BORN, WOLFGANG

49 - Spiral towers in Europe and their oriental prototypes: Gaz d. Beaux-Arts 24 1943, 233-248

BORRMANN, RICHARD

50 - Vom Städtebau im islamischen Osten; städtebauliche Vorträge 7 (2) Berlin 1914

BOULNOIS, LUCE

51 - Histoire de la route de la soie. Paris 1963

52 - Die Geschichte der Seidenstraße. Wien, Berlin, Stuttgart 1964.

BOURGES, J.

53 - Relation du voyage de Monseigneur l'Eveque de Beryte vicaire apostolique du royaume ... la Perse.... Paris 1666 und 1668.

54 - M. de Bourges wahrhafte und eigentliche Erzehlung von der Reise des Bilchots (Beschof) von Beryte aus Frankreich zu Wasser und Land nach China ... verteutscht durch T. R. C.S.C.S. mit zugefügten Kupferstücken geziertet. Leipzig 1671

BOUVAT, L

55 - Essai sur les Rapports de la Perse avec L'Europe de l'Antiquité au Commencement du XIXe siècle.: Revue du Monde Musulman Paris 1921

BRAAKSMA, M.H.

56-Travel and literature, an attempt at a literary appreciation of English Travelbooks about Persia, from the Middle Age to the Present Day. Groningen 1938

BRAUN u. HOGENBERG

57- Beschreibung der vornembsten Städte der Welt. Köln 1572

BROCKELMANN, C.

58 - Gesehichte der arabischen Litteratur. Bd. 1 Leiden 1937.

BRUYN (BRUIN), CORNELIS DE

59 - Cornelis de Bruins reizen over Moscowie door Persie en Indie, verrijkt met 300 Konstplaten, door den autheur zelf hat Leven afgetekint. Amsterdam 1711

60- Cornelis de Bruins reizen over... Amsterdam 1714.

61- Voyage to the Levant and Travels into Moscovy, Persia, and the East Indies. London 1720

62 - Travels into Muscowy, Persia, and part of the East Indies. London 1737

63- A New and more Correct Translation than has been hitherto published of Mr. Cornelis Le Brun's Travels into the Moskowie, Persia. By M. M. Powis. London 1759.

64 - Voyagede Corneills Le Brun par la Moscowie, en Perse, et aux Indes orientales. Amsterdam 1725

65- Voyage de Corneills Le Brun... Amsterdam 1718.

66 - Voyage de Corneille de Bruyn par la Moskowie, en Perse et aux Indes orientals. A. Antoin Bahier. Rouen 1725

67- Voyages de Corneille Le Bruyn. 5 Bde. s. l. 1732

68 - C. De Bruyn از H.: Erich-Gruber-Lexikon Bd. 13

69- C. De Bruyn E. W. Moes: Thieme Becker Bd. 5

BUGNON, DIDIER

70 - Relation exacte concernant les Caravanes ou Cortèges des marchands d'Asie. Par M. Bugnon, Ingenieur en Chef et Geographe Militaire de S. A. R. Nancy 1707.

BUNBURRY, E. H.

71- History of Ancient Geography. London 1883

BURCKHARD, CHRISTIAN

72- Ost-indianische Reisebeschreibung etc... Leipzig و Halle 1693.

BURROUGH, C.

73-The voyage of Christoph Burrough into Persia. Hak. London 1598.

74- The voyage of Christoph Burrough into Persia. Hak. Soc. London 1886.

BUSCHOR, ERNST

75- Das Porträt. Bildniswege und Bildnisstufen im 5. Jahrhundert. München 1960

CAESAR, FREDERICK

76 - Viaggio di M. Cesare de I. Fedrici, nell'India orientalc et oltra l'India. Venezia 1587

77- The voyage and travel of Cesare Federici into the East India Hakluyt: The principal Navigations... London 1598

CAPPER, J.

78 - Observations on the passage to India. London 1785

CARRE

79 - Voyage des Indes orientales. 2 Bde. Paris 1699.

CARRUTHERS, DOUGLAS A. M.

80 - The Desert Route to India. Hakluyt Soc. London 1929

CHARDIN, JEAN

81 - Journal du Chevalier Chardin en Perse, et aux Indes - Orientales, par la Mer - Noire et par la Colchide. London 1686.

82- Voyages en Perse et autres lieux de l'Orient. Paris u. Rouen 1723

83- Travel into Persia and the East - India. London 1691 u. London 1720

84 - Voyage en Perse et autres lieux de l'orient. Nouvelle Edi - tion... 2 Bde. Amsterdam 1735

85 - Voyages du Chevalier Chardin, en Perse et autres lieux de l'orient. Paris 1811

86- Sir John Chardin's Travels in Persia. By M. Penzer. London 1927.

87- Le Couronnement de Soleiman, troisième Roy de Perse et ce qui siest passé de plus memorable dans les deux prem-ieres années de son regne. Paris 1671

88- Voyages en Perse, et autres lieux de l'orient. 4 Bde Amsterdam 1711

89- Reisen nach Persien, nebst einer Besehreibung der wicht-igsten Merkwürdigkeiten dieses Reiches. 2 Bde. Frankfurt /M. 1780-1781

90- A bibliographical note (on Chardin's travels in Persia). از H. Filmer.: Bull. Am. Inst. Pers. Art 4 1935 160-161

91- Beschreibung der Krönung Solimanni des Dritten ... Königs in Persien. : Tavernier's Reisebeschreibung. Genf 1681.

92- Voyage du Chev. Chardin... : Allgemeine Literaturzeitung N. 3 1811 329-332

93- Persian - und Ost - indische Reisebeschreibung. Leipzig, 1687.

94- J. Chardin, von Baur: Erich - Gruber - Lexikon Bd. 15 Leipzig 1882

CHEINIE, RICHARD

95- The second voiage into Persia made By Tho. Alcock, who was slaine there, and by George Wrenne and Ric. Cheinie servants to the worship full Companie of Moscowie mer-

chants in Anno 1563. London 1589

96 - The second Voyage into Persia made by Thomas Alcocke.: Early Voyage and Travels to Russia and Persia. London 1886.

CHEW, SAMUEL CLAGGETT

97 - The Crescent and the Rose. Islam and England during the Renaissance. New York 1937.

CHINON, GABRIEL DE

98- Relations nouvelles du Levant contenant des... des Perses... Lyon 1671.

CHRIST, WILHELM

99 - Geschichte der griechischen Literatur bis auf die Zeit Justinians. München 1905

CLAVIJO, GONZALESZ DE

100 - Historia del Grand Tamorlan... yunbreve discurso ... per Gonzalo A rgote de Molina . . . Sevilla 1582 u. Madrid 1782.

101- Embassy to Tamerlane 1403-1406, von Guy Le Strange. London 1928

CONTARINI, AMBROGIO

102- Il viaggio del Ambrogio Contarini. ambasciadore della illustrissima signoria di Venetia al gran Signore . . . , Re di Persia, nell anno 1473. Venedig 1487 u. 1543

103 - The Travels of the Magnificent M. Ambrosio Contarini Amaassador of the illustrious Signory of Venice to the great Lord Ussun Cassen, King of Persia, in the year 1473. Hac. Soc. London 1873

104 - Voigae de Perse, par Ambroise Contraini . . . La Haye 1735.

105- Il viaggio del Magnifico M. Ambrosio Contarini... Venezia 1559.

CORDIER, H.

109- Les voyages en Asie au XIVe siècle du Bienheureux Frère Odoric de Pordenone. Paris 1891

CORYATE, THOMAS

107 - Thomas Coriate traueller for the English Wits: Greeting. From The Court of the Great Mogul, resident at the towne of Asmere, in easterne India. London, 1616

108 - Coryat's Crudities; reprinted from the edition of 1611 to which are now added his letter from India . . . 3 Bde. London 1776

COVERTE, ROBERT

109-A true and almost incredible report of an Englishman, that being last away... London 1612

110 - Gedenkwaardige Reys van... Robert Coverte... Van 1607, tot... 1611... Engelsch vertaald. jl P. van der Aa. Leiden 1706.

CUBERO, SEBASTIAN PEDRO

111- Breve relacion de la peregrinacion que... P. S. C.... con el viage por tierra desde Espana hasta las Indias orientales. Madrid 1680

112- Description general del Mundo, y que... Neapel 1684

113- Description general del Mund,... etc. Valencia 1697

114- Epitome de los arduos viages que... P. S. C.... Cadiz 1700

CURZON, GEORGE

115- Persia and the Persian question. 2 Bde. London 1892

DAPPER, OLFERT

119- Beschrijving des Koningrycks van Persie, behelsende De Landschappen Fars, Schirwam, Erak, Adirbeitzan, Karabach... Amsterdam 1972

DAULIER-DESLANDES, ANDRE

117- Les beautez de la Perse, ou la description de ce qu'il y a de plus curieux dans ce Royaume, enrichie de la carte du Paris, et de Plusieurs... Paris 1673

118- The beauties of Persia, by André Daulier — Deslandes, vendomois. ترجمه T. A. Wilson. Memoir, Persia Society London 1926

DECKERT, H

119- Zum Begriff des Portraits. Marburg 1929

DE LA MAZE

120- Journal du Père de la Maze, de Chamakie à Ispahan, par la Province du Gilan. Paris 1780

DELLON, C.

121- Voyage aux Indes orientales. 2 Bde. Paris 1685.

122- A voyage to the East Indies... s. l. 1698

123- Nouvelle relation d'un voyage fait aux Indes orientales, contenant la description des... Amsterdam 1699

DIEZ ERNST

124- Isfahan: Zeitschr. f. Bild. Kunst 26 Jg. 50 1915 90-104u. 113-128

DIODORUS, SICULUS

125- Diodor't von Sicilen historische Bibliothek, ترجمه. Julius F. Wurm Stuttgart 1827-1840.

126- Diodors' von Sicilien Geshichtsbibliothek. ترجمه Adolf Wahrmund, Bd. 17 Stuttgart 1866-1869.

DOBSON, W. A. C. H.

127- A select list of books on the civilizations of the orient. Oxford 1955

DON JUAN DA PERSIA

128- Relaciones de Don Juan de Persia. Divididas en tres libros donde se tratan las cosas notables de Persia, la genealogia de sus Reyes, guerras de Persianos, Turcos, y Tartaros, y

las que vido el viaje que lizo a Espana: y su conversion y la de otros dos Cavalleros Persianos. Valladolid 1604

129- Relation de Don Juan de Persia. Dirigidas a la Magestad Catholica de Don Philippe III. Rey las Espanas, y senor Nuestro III libros. Valladolid 1604

DOZY, REIHART (ناشر)

130 - Rijks universiteit, Leiden. Catalogus codicum orientalium Bibliothecae Academiae Lugduno Batavae... Leiden 1851-1877.

DRINGER, DAVID

131- The illuminated book, its history and production. London 1958.

DROYSEN, J. H.

132- Das weltreich Alexanders des Groβen. Olten 1934

DUBLER, C. E.

133 - Las influencias iranicas en la Peninsula Iberica: Sefarad 5 1945

DU MANS, RAPHAEA

134 - L'Estate de la Perse en 1660. از M. Schefer. Paris 1890

DUNLOP, HENDERIK

135 - Perzie. Haarlem 1912.

EBERSOLT, JEAN

136- Orient et occident. Paris, Beüssel 1928-1929

ELTON, JOHN

137- Des Kapitän John Eltons Tagebuch über Seine Reise etc, Hamburg 1790

ELWELL-SUTLON, LAURENCE P.

138- A guide to Iranian area study. Michigan 1952

EMBACHER, FRIEDRICH

139- Lexikon der Reisen und Entdeckungen. Leipzig 1882

ENGELMAN, P. E.

140- Beschreibung einer Reise von der Festung Sewernaja am nördl. Fuβ d. Kaukasus, bis nach Choy in Persien (1785) St. Petersburg 1793

ENNEN, L.

141- Ein Bericht vom Niederrhein aus dem Ende des 14. Jh.: Orient und Occident. Göttingen 1862.

ESPIRITUSANTO, PROSPERO DEL

142- Co piosa relation, que se dio a Nuestro Muy santo Padro Urban VIII y a la catolica... Madrid 1626

143- Breve suma de la historia de los sucessos de la mission de Persia de los Carmelitas Descalzos, desde el ano de 1621 dosta el de 1624. Madrid 1626.

FARMAN, HAFEZ

144- Iran. A selected and annotated bibliography. Washington 1951

FERNBERGER, CHRISTOJJ

145- Peregrinatio Montis Crynai et Terrae Sanctae cum itiner-ibus Babylonico... Persico... descripta 1593 s.l.

FERRIERES- SAUVEBOEUF, L. F. COMTE DE

146- Memoires historiques, politiques et geographiques des voyages faits en Turquie, en Perse et en Arabie depuis 1782 jusqu'en 1789... 2 Bde. Paris 1790

FEYNES, HENRI DE

147-Voyage fait par terre depuis Paris jusqu'à la Chine... Avec son retour par mer. Paris 1630

FIGUEROA, SILVAY GARCIA DE

158- L'ambassade de D. Garcias Silva Figueroa en Perse cont-enant la politique de ce grand Empire... Paris 1667

149- Dc rebus Persarum Epistola, v. Kal. anno MDCXIX Spahani, exarata ad marchionem Bedmari. Antwerpen 1620.

150- Comentarios de D. Garcia de Silvay Figueroa de la Em-bajada que de porte del Rey de Espana don Felipe III hizo al rey Xa Abas de Persia. 2 Bde. Madrid um 1620

151- L'Ambassade de D. Garcias de Silva Figueroa en Perse. Traduite de l'Espagnol par M. de Wicqfort. Paris 1667

152- Embayada al rey Xa - Abas de Persia Madrid 1903 (Establ. tipogr. de la Rev. de Archivos)

153- Grandioso presente y real Embaxada, que el Rey don Felipe III. N. Senor, embio a Xaabay, Rey de Pers'a clarissimo, con don Gareia de Silvay Figueroa su Embara-dor, en el mes de Junico del ano Passado de 1618.

Hernando' Moraga. Sevilla 1619

FORSTER, G.

154 - A Journey from Bengal to England etc. London 1798

FOSTER, WILLIAM

155- A view of Ormus in 1627: Geogr. J. London 1894 159-162

FRANKLIN, WILIAM

156- Observation made on a tour from Bengal to Persia. etc. London 1790

FRIEDLÄNDER, MAX

157-Essay über die Landschaftsmalerei und andere Bildgattungen. Den Haag 1947

FRYE, RICHARD

158- Persien. München 1962

FRYER, JOHN

159- A New Account of East-India and Persia, in eight Letters. Being Nine Years Travels, Begun 1672 and Finished 1681. London 1698, 1909

160- Negenjaarige Reyse door Oost – Indien en Persien.... in agt Brieven beschreven door d'Heer Johan Freyer... S'Gravenhage 1700

161 - Travels into Persia begun in 1672, finished 1681. s. l. 1693

GABRIEL, ALFONS

162- Die Erforschung Persiens. Wien 1952

GASPAR DE SAN BERNARDINO

163 - Itinerario da India por terra ata este reino de Portugal com a descripsam de Hierusalem. Lissabon 1611, 1842

GEISBERG, MAX

164- Die deutsche Buchillustration in der ersten Hälfte des 16. Jahrhunderts. München 1929

GEMELLI-CARERI, G. F.

165- Giro del Mondo. Del Dottor D. Gio-Francesco Gemelli-Careri nella Persia. Venezia 1719

166- Voyage du tour du Monde. 5 Bde. Paris 1719, 1727

167- A Voyage round the World. London 1732

GERLAND, ERNST

168 - Die persischen Feldzüge des Kaiser Herakleios: Byzant. Zeitschr. 3. Diss. Jena 1894

GIBB, H.

169- Islamic Society and the West, Oxford 1957

GIUSEPPE DE SANTA MARIA

170- Prima speditione all'Indie orientale. Rom 1666

GLAFEY, A. F.

171 - Bibliotheca Rinckiana: seu supellex liborum.... quos.... E. G. Rinck. Leipzig 1747

GMELIN, SAMUEL GOTTLIEB

172 - Reise durch Rußland zur Untersuchung der drey Natur-

reiche... Reise durch das nördliche Persien. Zweyte persische Reise. Petersburg 1770 - 1784

173- S. G. Gmelin, von Fr. wilh. Theile: Erich-Erich-Gruber-Lexikon 70 Leipzig 1859

GODREAU, P.

174- Relation de la mort de Shah Soliman, roy de Perse, et du Couronnement du Sultan Ussani, son fils. Paris 1696

175- Relation d'une mission faite nouvellement par M. l'arche - veque d'Ancyre à Ispahan en Perse pour la rèunion des Armeniens à l'église catholique Paris 1702

GOETHE, J. W.

176- West-östlicher Divan. Wiesbaden 1951

GOUVEA, ANTONIO DE

177 - Relacam en que se tratam as Guerras e grandes victorias que allomçou o grande rey da Persia Xa Abbas do Grao, Turco Mahometto e seu filho Amethe... Lissabon 1611

178- Relation des grandes guerres et... le... de Perse... Rouen 1646

179- Relaçao da Persia e do oriente por Antonio de Gouvea. Lissabon 1609

180 - Relaçam, em que se tratam as Guerras rei da Persia. Lissabon 1609

181 - Glorioso Triumfo de tres martires Espanoles... Madrid 1623.

GROSSE, E

182 - Adam Olearius Leben und Schriften. Aschersleben 1867

GROSSE, J. H.

183 - A Voyage to the East Indies. 2 Bde. London 1766, 1772

GUAZZO, M.

184- Histoire di tutte le cose digne di memoria quai del anno 1524 sino a questo presento sono accorse nella Italia. nella Provenza... nella Persia... Venedig 1540

GUNTHER, SIEGMUND

185 - Das Zeitalter der Entdeckungen. Leipzig 1912

HABLITZL, C.

186 - Bemerkungen in der persischen Landschaft Gilan etc. St. Petersburg 1783

HACHICHO, M. A.

187- English Travel Books about the Arab Near East in the eighteenth Century. Diss. (Bonn). Leiden 1965

HALLER, ALBERT VON

188 - Usong. Eine morgenländische Geschichte in vier Büchern. Karlsruhe 1778

HAMMER-PURGSTALL, JOSEPH

189- Topographische Ansichten gesammelt auf einer Reise in die Levante. Wien 1811

HANTZSCH, V.

190- Deutsche Reisende des 16. Jh. In: Leipziger Studien 1 Leipzig 1895.

HANWAY, JONAS

191-Herrn Jonas Hanway Beschreibung seiner Reisen von London durch Ruβland und Persien. 2Bde. Hamburg, Leipzig 1754

192- Revolution of Persia. London 1754.

HARRIS, J.

193- A Compleat Collection of voyages and travels: Consisting of above 400 of the most authentick writers .... 2Bde. London 1705

194- A Complete Collection of voyages and travels. London 1744.

HEATON HERBERT

195- Histoire economique de l'Europe des origines à 1750, trad. de l'Anglais par Roger Grandbois. Paris 1950

HEAWOOD, EDWARD

196- A history of geographical discovery in the seventeenth and eighteenth centuries. London, Cambridge 1912

HEDIN, SVEN

197- Verwehte Spuren Orientfahrten des Reise - Bengt und anderer Reisenden im 17. Jh. Leipzig 1923

HERBERT, SIR TOMAS

198- A discription of the Persian Monarchy now beinge : . . . the Terrotories of the Persian Moarchie . . . London 1634

199 - Some years travels into Divers Parts of Asia and Afrique. London 1638 , 1677

200- Travels in Persia 1627-29. از William Foster. London 1928.

201- Zee-en Lant-Reyse Na verscheyde... Asia... van dem Persiaen... Dordrecht 1658

202- Relation du voyage de Perse et des Indes-Orientales. Paris 1663

203 - Thomas Herbert. از A. G. Hofmann.: Erich J. C. و J. G. Gruben: Allgemeine Encyklopädie der Wissenschaften und Künste. Leipzig 1829

HESELTINE, J. E

204 - The Royaume of perse: The Legacy of Persia. Oxford 1953.

HINZ. W.

205 - Deutschland und Iran im 17. Jahrhundert.: Forschungen und Fortschritte 11, 1935 408 - 409

HOBBS, GILES

206 - Giles Hobbs his travaile from Musco to Spahan, written

in a letter by himself to the East Indian Companie. (Minab) 1620

207- Giles Hobbs his voyage from Moscow to Ispahan (1619). Glasgow 1905-1907

HORMAYR, JOSEPH FRH. ناشر

208- Bruchstücke eins Tagebuches eines Deutschen, der zu Anfang des XVII Jahrhunderts mit diplomatischen Aufträgen sich in Persien aufhielt. In: Archiv f. Geographie. Historie Staats - und Kriegskunst. Wien 1820

HOTZ, A.

209 - Cornelis Cornelisz Roobackers' Scheeps - Journaal etc. Tijdschr. v. h. Kon Nederl... 1907

210- Journaal der reis. van den gezant der O.I. Compagnie Joan Cunaeus naar Perzie in 1651-1652, door Cornelis Speelman Amsterdam 1908

211- Isfahan: Enzykl. d. Islam 2 1927

HULTSCH, PAUL

212- Der Orient in der deutschen Barockliteratur. Diss: Breslau 1938

213 - Vogagien naar het groot en magtige Koningrick an Persia. Amsterdam 1667

ISHAQUE, M

214 - Letter from Queen Elizabeth of England to Tahmasp I.

Shah of Persia. In: Indo - Iranica 21 1947-1948

IVES, EDWARD

215- A Journey from Persia to England. London 1773

JAMES, S.

216 - A narrative of a voyage to Arabia, India... London 1797

JENKINS CLAUDE D.D.

217- Christian Pilgrimages, A. D. 500- 800. In: Arthur percival Newton's «Travel and travellers of the Middleages ». London 1926

JENKINSON, ANTHONY

218 - Early voyages and Travels to Russia and Persia. By Anthony Jenkinson and other Englishmen. With some account of the first intercourse of the English with Russia and Central Asia by way of the Caspian sea Hak. Soc. London 1886.

JOHNSON, R., A. KITCHİN , A EDWARDS

219 - The third voyage into Persia, begun in the Jear 1565 by Richard Johnson, Alexander Kitchin, and Arthur Edwards. Hakluyt. R. Principal 1598, London 1866.

KÄMPFER, ENGELBERT

220- Amoenitatum Exoticarum. Lemgo 1712

221- Travels in Persia, and other Countries of the East. London 1736

222- Seltsames Asien (Amoenitates exotiacae) jl Karl Meier, Detmold 1933

223- Am Hofe des persischen Großkönigs. از W. Hinz Leipzig 1940

224- Engelbert Kämpfer Testament, از Heinrich Schwanld. Mitt. aus d. Lippischen Gesch. u. Landeskunde 5 1907

225- Das Stammbuch Engelbert Kämpfers, از Karl Meier, Mitt. aus d. Lipp... 21 1952

226- Engelbert Kämpfer der erste deutsche Forschungsreisende 1651-1716, از Karl Meier. Stuttgart 1937

227- Engelbert Kämpfer, از Falkmann: Allgemeine Deutsche Bibliographie 15 Leipzig 1882

KEYSER, ERICH

228- Das Bild als Geschichtsquelle. Hamburg 1935

KIÖPING, NILS MATSON

229- Nils Matson Kiöpings Resa Parallelltexter ur andra och tredzie upplagorna, von Ture Johannisson . Stockholm 1961

KÜHNEL, ERNST

230- Miniaturmalerei im islamischen Orient. Berlin 1923

KÜHNEL, ERNST و WALTER BJOERKMAN

231- Kritische Bibliographie. Islamische Kunst 1914-1927. In: Der Islam. 17 1928 132 - 248

LA BOULLAYE-LE-GOUX, FRANZOIS DE

232- Les voyages et observations de Sieur de la Boullaye-le-Gouz Paris 1653, 1657

LADENDORF, HEINZ

233- Historische Bildkunde: Jahresber. f. dt. Gesch. 11, 13 و 14, 1935, 1937 و 1938 148-151, 171-174 و 177-183

234- Zur historischen Bildkunde: Forschungen z. Brandenburg. Preuβ. Gesch. 47 1935 378

LAISTNER, M. A.

235- The Decay of Geographical Knowledge and decline of Exploration, A. D. 300-500. London 1926

LAMBERT, C.

236- Trois relations d'Egypte et relation d'un voyage en Perse fait en 1598. s. l. 1599

LANGNANSS, CHRISTOPH PAULUS DE

237-Neue ost Indische Reise... ingleichen die Stadt Gamaron am Golfo in Persien. Leipzig 1705

LEANDRO DI S. CECILIA

238 - Viaggi in Palestina, Persia, Mesopotamia. Rom 1753.

239- Persia, ovvero secondo viaggio dell'oriente, di Fr. Leandro di Santa Cecilia. Rom 1757

LE BLANC, VINCENT

240 - Les voyages fameux du Sieur V. 1. Blanc. Redigez sur les memoires, par P. Bergeron. Et augmentés par le Sr.Coulon. Paris 1658.

LEVAL, ANDRE

241- Voyages en Levant pendant les 16., 17. et 18. siècles, essai de bibliographie. Budapest 1897

LINSCHOTEN, J. HUYGEN

242 - The vogage of John Huyghen van Linschoten etc. Bd. 2 Hak. Soc London 1885

243- Itinrraio, voyage ofte schipvaer naer Oost ofte Portugaels Indien. Amsterdam 1596.

LOCKHART, LAURENCE

244- Persia as seen by west: The Legacy of Persia. Oxford 1953.

LÜBKER, FRIEDRICH

245 - Reallexikon des classischen Altertums. Leipzig 1882

LUCAS, PAUL

246- Voyage du sieur Paul Lucas au Levant par Ordre de Louis XIV. paris 1714

247- Baudelot de Dairval, Q. C. C. Voyage du Sr. Paul Lucas au Levant par ordre de Louis XIV 1-2 La Haye 1705

248 - Voyage du Sieur Paul Lucas au Levant. Bd. 1... Bd. 2: Contenant la description de la Perse. Paris 1731

LUETZ, G. DE

249- Voyage de Gabriel de Luetz. Seigneur d'Aramon 1546, en Perse, en Egypte... Paris 1759

LYHAKIS, STYLIANOS

250 - Die griechische Landschaft in der europäischen Malerei. Diss Köln 1963

MACHAULT, JACQUES DE

251- Relation de la mission des pères de la Compagnie de Jesus Establie dans la Royaume de Perse par le R. P. Alexandre de Rhodes. Dressée et mise au cour par un Père la mesme Compagnie. Paris 1659 و Lille 1884

MAHER, MOUSTAFA

252- Das Motiv der orientalischen Landschaft in der deutschen Dichtung von Klopstocks Messias bis zu Goethes Diwan. Köln 1962

MANDELSLO, JOHANN ALBRECHT VON

253- Des... Johann Albrechts von Mandelslo Morgenländische Reyse - Beschreibung. Schleswig 1658, Hamburg 1696

254 - Beschrijvingh van de Gedenkwaerdige Zee - en Landt.... Amsterdam 1658

255- The voyage and travels of J. Albert ge Mandelsloh... into the East Indies, from 1638-40 ... s.l. 1662

MANRIQUE, F. S

256- Itinerario de las missiones que hize el Padre F. Sebastian Manrique... Rom 1653

MANUZIO, ANTONIO

257- Viaggi fatti da Venetia alla Tana, in Persia, in India et in

Constantinopli. Venetia 1543, 1545

MARIA DI S. CATERINA, VINCENZO

258- Il viaggio all Indie Orientali del Padre F. Vincenzo Maria di S. Caterina da Siena. Procurator Gener. de'Carm scalzi ... Rom 1672

MATZNER, URSULA

259- WesteuroPäirche Bildzeugnisse zu Rußland und Polen bis 1700. Ein Beitrag zur historischen Bildkunst. Diss. Köln 1965

McCRINDLE, JOHN WATSON

260- Periplus Maris Erythraei. London 1879

MELTON, EDWARD

261- Zeldsame em gedenkuerdige Zee-en Land - Reyzen door Egypten, West-Indien, Percien... in den Jare 1600. Amsterdam 1681

MEYENDORFF, A

262- Trade and Communication in Eastern Europe A. D. 800-1200. In: Arthur Pereival Neweton's « Travel and travellers of the Midleages». London 1926

MICHAUX, A.

263- Voyage d'André Michaux en Syrie et en Perse (1782-85) d'aprés son... parle Dr. E. T. Hamy. Genf 1911

MILDENHALL, JOHN

264- Oost-Indie voyagien van J. Mildenhall en J. Cartwright...

in de jareen 1599 en 1606 te water en te Lande, gedaan na de landen van Persien en den Grooten Mogol. London 1620

265- Naakeurige versameling der... Zee - en Land - Reysen na Oost-en west - Indien ... از P. an der Aa. Bd. 4 Leiden 1707

MINORSKY, V.

266 - Geographical Factors in Persian Art.: Boulletin of the School of Oriental and African 9 1937-1939, 622-652

MOGINIE, DANIEL

267 - L'illustre paisan ou memoires et aventures de Daniel Moginie... à Agra en 1749... ou se trouvent... de la Perse et de... Lausanne 1754

268 - Selbst-eigene Beschreibung seiner Reise und seltsamen Begebenheiten in Persien und Indostan, herausgegeben von Richard Tomlinson. Bern 1763

MOSEMANN, HERMANN-FABRON

269 - Geographia Historica: Newe sumarische Welt Historia: oder Beschreibung aller Keyserthumb. Königreiche ... und Völker heitiges Tages auff Erden. Schmalkalden 1625

MÜLLER, KARL

270- Die Karawanserai im Vorderen Orient. Berlin 1920

MURRAY, HUGH

271- Historical account of discoveries and Travels in Asia etc. London 1820

MUTHER, RICHARD

272 - Die deutsche Bücherillustration der Gothik und Frührenaissance (1460 - 1530). München 1884

NEWBERIE, JOHN

273- Two voyages, one into the Holy Land, the other to Bassora Ormus, Persia... London 1625

274- Twee Reysen va John Newberie, De eene na hat Heylig Land; en de anderé na Balsara, Ormus, Persien, en weder, na huys door Turkyen. Ao. 1579...: Naaukeurige Versamelig... Pieter van der Aa. Leiden I707

NICOLAY, NICOLAS DE

275 - Les navigations, peregrinations et voyages, facits en la Turquie par Nicolas de Nicolay. Anvers 1576

NIEBUHR, CARSTEN

276 - Reisbeschreibung nach Arabien und anderen umliegenden Ländern... Kopenhagen 1778

277- Travels through Arabia and other Countries in the East... Edinburgh 1792

278 - Reise nach Arabien, از Thorkild Hansen. Hamburg 1965

279 - Carsten Niebuhr, از P. Lauridsen : Dansk Biografisk

Lexsikon. 16 Koqenhagen 1939

280- Carsten Niebuhr, از carstens.: Allgemeine Deutsche Bib - liographie. 23 1886

281- Carsten Niebuhrs Leben, از B. G. Niebuhr.: Kieler Blätter 3 1816 1-86

OLEARIUS, ADAM

282- Muskowitische oft begehrte Beschreibung der neuen orientalischen Reisen an den König von Persien: Item, ein Schreiben des J. A. Mandelslo' worin eine ostindianische Reise über Oceanum enthalten. Schleswig 1647

283- Muskowitische oft begehrte Beschreibung... Schleswig 1656

284- Muskowitische oft begehrte Beschreibung ..... Hamburg 1696

285- Die erste deutsche Expedition nach Persien (1635 —39), از Hermann von Staden. Leipzig 1927

286- Persianischer Rosenthal . . . vor 400 Jahren von Scheich Saadi in Persischer Sprache beschrieben. Jetzo... übersetzt ... mit Kupferstichen gezieret... Schleswig 1660 , 1654

287- Relation du voyage en Moscovia, Tartarie et Perse de Adam Olearius... Paris 1656

288- Beschryvingh van de nieuwe Parsiaensche, ofte orientael - sche reize door gelegentheyt van een... Amsterdam 1651

289- Relation du voyage de Moscowie, Tartarie, et de Perse... Paris 1664-1666.

290 - The voyages and travels of the ambassadors... Persia . . . Rendered into English by John Davies of Kidwelly. London, 1662

291- The voyages and travels. . . London 1669

292- Voyages trés curieux.., Moscowie... et Perse... Leiden 1719

293- Voyages trés curieux... Moscowie... et Perse . . . Amster - dam 1727

294 - Ausführliche Beschreibung der Reise nach Muscowie und Persien. Schleswig 1663

295- Adam Olearius, از E. Rödiger; Erich u. Gruber Lexikon. Leipzig 1829

296 - Moskowitische und persische Reise, از E. Meiβner. Berlin 1959

OLIVIER, GUILLAUME ANTOINE

297- Reise durch Persien und Klein-Asien... aus dem Französi - schen übersetzt از K. L. M. Müller. Leipzig 1808

298- Voyage dans l'empire othoman, l'Egypte et la Perse. Paris 1801-1807

OTTER, JEAN M.

299- Voyages en Turquie et en Perse avec une Relation des expeditions de Tahmas Kouli-Khan. Paris 1748

PACIFIQUE DE PROVINS

300- Relation du voyage de Perse facit par le R. P. Pacifique

de Provins, predicateur Capucin. Paris 1631

PARTHEY, DANIEL

301- Ostindianische und Persianische neujaehrige Kriegsdienste und Reisen; und Beschreibung was sich von 1677 bis 1685 zugetragen. Nürnberg 1698

302- Index Islamicus. Orientalische Bibliographie zwischen 1906 und 1955. London 1958

PETIS DE LA CORIX, F

303- Extraits des voyages, in : Dourry, Effendi. Relation de Dourry Effendy etc. Paris 1810

PHILIPPI, A. S. TRINITATE

304- Trinitate/Itinerarium/Orientale in quo... oriente eventus describuntur. Lyon 1649

305- Das wohl Ehrwürdigen Phillipp von der H. Dreyfaltigkeit ... orientalische Reisbeschreibung... Frankfurt 1673

PLAISTED, B.

306- A Journal from Calcutta in Benogal by sea, to Busserah: from thence across the Graeat Desert to Aleppo... in the year 1750. London 1758

PLÜNNECKE, WILHELM

307- Grundformen der Illusration. Leipzig 1940

POLO, MARCO

308- Die Reisen des Venezianers Marco Polo im dreizehnten

Jahrhundert. ناشر August Bürck. Leipzig 1845

309- Iran zur Zeit Marco Polos. از B. Spuler. In: Zeki Velidi Togana. Armagan 1950—1955

310- The Book of Marco Polo, از H. Yule. London 1921

311- Delle merauiglie del mondo per lui. Venezia 1627

312- Die Reisen des Venezianers Marco Polo. ترجمه از H.E. Rübesamen. München 1963

313- Das ist der edel Ritter. Marco Polo von Wenedig der grost Landtfarer. der uns beschreibt die grossen Wunder dor Welt die er selber gesehen hat. von dem auffgang bis zu dem nydergang der sunne. der gleyche von nicht mecr gehort seyn. Nürnberg 1477.

314- Marco Polo in Persien. از A. Gabriel. Wien 1963

POPE, ARTHUR UPHAM

315- A survey of Persian art from Prehistoric times to the pre - nset. 1—12 Tokio 1966

316- Der beeden König (Erbfürstenthümer... Herren Heinrich von Poser... Lebens und Todesgeschichte... Jena 1675

POULLET

317- Nouvelles Relations du Levant:... avec... une dissertation sur le commerce des Anglois et des Hollandois. Paris 1668

PRATT, A., RICHARD GOTT-LEIL

318- New York. Public library. List of works in the New York public library relating to persia. New York 1915

PRESSER, HELMUT

319 - Tausend Jahre Buchillustration, Main 1950

PYRARD, FRANCOIS

320 - Descours du voyage des François aux Indes crientales, ensemble des divers... Paris 1611

RAMUSIO, C. B.

321 - Primo volume et Terza editione delle navigutioni et viaggi raccolto gia da M. Gio. Battsista Ramusio... Venezia 1563

322 - Della navigationi et viaggi raccolte da M. Gio. Battista Ramusio, in trevdum divise. Venezia 1606 - 1633

RAUWOLFN, LEONHARD

323 - Beschreibung der Reys... in die Morgenländer führnemlich Syrien, Judeam Arabien, Mesopotamien, Babylonian. Assyrian, Armenian. Frankfurt 1582

REMY, ARTHUR

324- The influence of India persia on the Poetry of Germany. New York 1901

ROSS, SIR EDWARD DENISON

325- The Journal of Robert Stodart. Ross. London 1935

RUBRUCK, WILLIAM OF

326 - The Journey of William of Rubruck to the Eastern Parts of the world, 1253-55. Hg. Hak. Soc. London 1900

327- Journal of frier W. de Ruburquis... un to the East parts of the worlde. Hak. Soc. London 1598

SALBANCKE, J.

328 - Voyages to India... through Persia . . (1609). Glasgow 1905-1907

SALMON, H., H. GOCH

329- Heutige Historie oder der gegenwartige Staat von Persién, nach dem Englischen und Holländischen. Flensburg و Altona 1739

SANSON

330- Voyage au Relation de l'Etat Présent du Royaume de Perse Avec une dissertation curieuse sur les Moeurs, Religion et Gouvernement de cet Etat. Paris 1695

331- The present State of Persia; with a faithful Account . . . . Von John Savage. London 1965

332- Der jβigeu Staat des Königsreiehs Persien. از ترجمه A. Olearius. Hamburg 1696

SARRE. FRIEDRICH

333 - Die Lacktruhe Schah Abbas I. in der islamischen Abtei - lung der Staatlichen Museen.: Jb. d. Peruβ Kunstsamml. 58 1937-47-58

SCHILLINGER, F. C., W. WEBER, W. MAYR

334- Persianische und ost-indianische Reis etc. 1699-1702. Nürnberg 1709

SCHİLTBERGER, HANS

335- Reisen des Joh. Schi. aus München in Europa, Asia und Afrika von 1394 bis 1427. ناشر Karl Friedrich Reumann. München 1859

336- Hans Schiltbergers Reisebuch nach der Nürenberger Handschrift ناشر Valentin Langmatel. Tübingen 1885

337- Schiltberger erster deutscher Augenzeugenbericht über Persien im MIA. از Fr. J. Kochwasser. s. 1. 1960

SCHRAMM, ALBERT

338- Der Bilderschmuck der Frühdrucke. Leipzig 1934-35

SCHWARZ, PAUL

339- Iran im Mittelalter. Leipzig 1929

SHERLEY, ANTONY

340- A New and large Discourse of the travels of Sir Anthony Sherley... to the Persian Empire written by William Parry. London 1601

341- Oqmerkebyke Reystogten van den heer Anthony Sherley, gedaan in den Jahre 1599, na Persian. از P. van der Aa. Leiden 1706

342- Sir Anthony Sherley persische Botschaftsreise(1599—1601),

از Franz Babinger. Berlin 1932

343- The three Brothers; or the Travels and adventures of Sir Antony Sir Robert Sir Thomas Sherley in Persia. London 1825.

344- Sir Anthony Sherley and his Persian Adventure. از Denison Ross. London 1933

SOUTHERN, RICHARD WILLIAM

345- Western views of islam in the Middle Ages London 1962

SPULER, BERTHOLD

346- Quellenkritik zur Mongolengeschichte Irans. In ZDMG 92 1938 219-243

STAPF, O., J. E. POLAK

347- Der Landschaftscharacter der persischen Steppen und Wüsten. 1. 2. Österr. Ung. Rev. 1888

STRUYS, JAN JANSZOON

348- Drei anmerkelijke en seer rampspoedige door Italien, Griekenlandt . . . Moscowie, Tartarijen, Meden, Persien, Indien, Japan... Amsterdam 1676

349- Strauszens sehr schwere, widerwerdige, und denkwurdige reysen durch Italien... Persien, Turkey... Amsterdam 1678

SYKES, SIR PERCY

350- A History of Persia. London 1958

TANI, ANTONIO

351- Brevis narratio eorum que gestas sunt in Persia, a R. P.

Antonio Toni Dominicano. Rom 1670

TAVERNIER, JEAN BAPTISTE

352- Les six voyages de Jean Tavernier en Turquie, en persie... avec les figures, les poids, et la valeur des monnies. Enrichis des cartes, plan et figures. Paris 1676

353- Beschreibung der sechs Reisen; welehe Johan Baptiste Tavernier... in Turkey, Persien und Indien innerhalb 40 Jahren . . . versichtet. از Johann Herman Widerhold. Genf 1681

354- The six voyages of John Baptiste Tavernier ... through Turkey into Persia . . . finished in the year 1670. London 1678

355- Les six voyages... qu'il a fait en Turquie, en Perse et aux Indes... Paris 1679–1682

356- De viaggi nella Turchia, nella Persia, e nell'Indie... Rom 1682

357- Les six voyages de Jean Bapt. Tavernier en Turquie, en Perse. Paris 1712

358- Voyages de M. J. B. Tavernier en Turquie, en Perse et aux Indes. Rouen 1724

359- Voyages en Perse et description de ce royaume par Jean Baptiste Taxernier'.. از Pascal Pia. Paris 1930

360- J. B. Tavernier. In: Zelder grosses vollständiges universal

Lexikon. Bd. 42 Leipzig, Halle 1744

361- J. Tavernier: Allgemeines Gelehrten-Lexikon... از Christian Gottlieb Töcher. Leipzig 1751

TECTANDER, VON GABLE GEORGIO

362- Iter Persicum. Kurtze doch ausführliche und warhafftige beschreibung der Persianischen Reiβ: welche von den Edlen... Stephano Kakasch von Zalokomemy angefangen... Meiβen 1610

TEIXEIRA, PEDRO

363- Relationes de pedro Teixeira del origen, desendencia succession de los reyes de Persia y de Hormuz, y de un viage hecho por el misme autor, dende la India oriental, hasta italia por tierra. Antweppen 1610

TERNAUX-COMPANS, HENRI

364- Bibliotheque asiatique et africaine, ou catalogue des ouvrages relatifs à l'Asie... Paris 1841

TEUFEL, (TAIFEL) CHRISTOPH

365 - Die Reise des Hans Christoph Freiherrn von Teufel etc. از G. E. Friess. In: 32. Programm des K. K. ober — Gymnasiums Seitenstetten. Linz 1898

THEVENOT, JEAN

366- Voyages de M. Thevenot. Contenant la relation de L'Ind-

ostan des nouveaux Mogols et des autres peuples et Pays des Indies. Paris 1684

367- The travels of Monsieur de Thevenot into the Levant. London 1687

368 - Relation d'un voyage Fait Au Levant dans Lanvelle il est.... par M. De Thevenot. Paris 1665

369- Suite du voyage du Levant dans laquelle, après plusieurs remarques très... la Perse... Paris 1689

370- Suite du voyage du Levant dans laquelle . . . Amsterdam 1705, 1727-1729

371- J. Thevenot: Zelder grosses vollständiges universal Lexikon 43 Leipzig, Halle 1744

TOMASCHEK, WILHELM

372- Zur Historischen Topographie von Persien. In: Sb. d. Phil Hist Classe d. Kais. Akad. d. Wiss. zu Wien 102 2 Bde. Wien 1883—1885

TOURNEFORT, J. PITTON DE

373- Relation d'un voyage du Levant... 1-2 Paris 1718

VALLE, PIETRO DELLA

374 - The third part of the Valles Viaggi . .. Turchia, la Persia el India. از ترجمه George Havers. London 1665

375- Viaggi di Pietro della Valle il Pellegrino con minuto ragguaglio di tutte le cosi notabili ossueruate in essi, des-

critto da lui medesimo in 54 léttere familiari da diversi luoghi della intrapresa peregrinatione, mandate in Napoli all'Mario Schipano, diuisi in tre parti'ciore la Turchia, la Persia e l'India. Rom 1650-1658

376- Viaggi di Pietro Della Valle il Pellegrino Descritti da lui medesimo in lettere familiari All'erudito suo Amico Mario Schipano la Persia Parte Secondo. Rom 1658

377- Delle Conditioni de Abbas re de Persia. Vonezia 1628

378- The Travels of Signor Pietro della Valle... London 1664

379- Die Reise des Herrn Pietro della Valle... Genf 1674

380- Viaggi... il Pelegrino, Descritte da lui medesimo in Lettere familiari... Venezia 1667

381- Fameux Voyages de P. d. V., Gentilhomme Romain, Rom 1664

382- De volkome Beschryving der voortreffelyke Reizen van de deurluchtige... Jaar 1615... Persien Amsterdam 1665

383- The Travels of Signor Pietro della Valle. از Edward Grey London 1892

384- Pietro Della Valle viaggio in Levante. از Luigi Bianconi. Florenz 1942

385- Pietro Della Valle (1586-1652) Studien zur Geschichte der Orientkenntnis und des orientbildes im Abendland. از Peter G. Bietenholz. Basel , Stuttgart 1962

386- Per una conoscenza piu completa della figura e dell'opera di Pietro Della Valle, Rendiconti, از R. Almagia: Acc. Naz. dei Linei. ser 8 6 1951 375-381

387- Della vita e della opere di Pietro Della Valle il Pellegrino. از I. Ciampi. Rom 1880

VANDAL, ALBERT

388- Une Ambassade française en orient sous Louis XV: La Mission du Marquis de Villeneuve 1728-1741

VAN DER LINDEN, HERMAN, CHARLES DE LANNOY

389- Histoire de l'expansion coloniale des peuples Européens. Brüssel 1907

VAN MARLE, R

390- Iconographie de l'Art Profan La Haye 1931

VARTHEMA, LUDOVICO

391- Itinerario de Ludovico di Varthema nello Egypto, nella Suria, nella Arabia Deserta et Felice, nella Persia, nella India et nella Ethiopia... Rom 1510

392- Die ritterliche und lobwürdige... herren Ludowico Vartomans vo Bolonia sagent voden Landen / Egypto /Syria vobayden Arabia Persia, India... Augsburg 1515

VILOTTE

393- Voyage d'un missionare de la Compagne de Jesus en Turquie, en Perse... Paris 1730

WAETZOLDT, WILHELM

394- Die Kunst des Portraits. Leipzig 1908

WASMUTH, GUNTHER

395-Wasmuth Lexikon der Baukunst. Berlin 1931

WILBER, DONALD

396- Iran Past and Present. Princeton 1955

WILHELM, EUGENE, KHAN BAHADUR BOMONJI BYRANI PATEL

397- Catalogue of books on Iranian literature published in Europe and India. Bombay 1901

WILSON, SIR ARNOLD TALBOT

398- A biliography of Persia. London 1930

399- Some early travellers in Persia and the Persian Gulf. J. Cent. Asian Soc. 12 1925 68-82

400- Early spanish and Portugues travellers in Persia. Asiatic Rev. 22-23 1926-641-656, 129-144

401- The Persian Gulf. Oxford 1928

WORM, J. GOTTLIEB

402- Ost-Indien-und Persianische Reisen etc. Dresden, Leipzig 1737

WORRINGER, WILHELM

403- Die Altdeutsche Buchillustration. München 1921

XENOPHON

404 - Anabasis. The expedition of Cyrus into Persia, and the Retreat of the ten thousand Greeks. از . E. Spelman. London 1776

ZENO, CATERINO

405- Dei Commentari del viaggio in Persia et delle guerre fatte nell'Imperio persiano dal... Venezia 1558

GLÜCK, HEINRICH, ERNST DIEZ

406- Die Kunst des Islam. Berlin 1925

OTTO DORN, KATHRINA

407- Kunst des Islam. Baden-Baden 1964

408 - Thiem-Becker Lexikon

409 - Der große Brockhaus

410 - Lorichs, Melchior Des Kunstreichen und weitberuhm ten Melchior Lorichs wolgerissene und geschnittene Figuren zu Roß und Fuß... Hamburg, 1626

شرح تصاویر

۱- هرمز
حکاکی روی مس از هوگن برگ
۱۵۷۲ میلادی
۱۴۰ × ۱۵۵ م م
ع-ا-م
م-ش-به-ف-شما ۵۷ ج ۱ ص ۵۵

۲- هرمز
طرح دیویددیویس ۱۶۲۷
ع-ا-م
م-ش-به-ف-شما ۱۵۵ ص ۱۶۰

۳- بندرعباس
حکاکی روی مس از براندسها گن
۱۷۱۲
از روی طرح انگلبرت کمپفر
۱۶۸۵
۱۷۰ × ۲۸۰ مم
ع-ا-م
م-ش-به-ف-شما ۲۲۰ ص ۷۵۹

۴- بندرعباس
حکاکی روی مس از سزار ماکره
۱۸۱۰
از روی طرح ژوزف گرلو ۱۶۶۷
۲۱۲ × ۷۵۰ مم
ع-ا-م
م-ش-به-ف-شما ۸۱ تصویر ۷۸

۵- بندرعباس
حکاکی روی مس ۱۷۱۱
از روی طرح برون ۱۷۰۴
۱۱۵ × ۳۷۶ مم
ع-ا-م
م-ش- به- ف- شما ۵۹ تصویر ۱۸۷

۶- اصفهان
گراور ۱۶۵۶
از روی طرح اولئاریوس ۱۶۳۷
۲۵۰ × ۳۳۰ مم
ع-ا-م
م-ش- به-ف- شما ۲۹۴ ص ۵۵۲

۷- شیراز
م-ش-به شره - تصویر ۱۷۶

۱۳۵ × ۱۹۵ مم

۸-شیراز

م-ش- به- ش ه - تصویر ۱۷۷

۹-شیراز

م-ش- به- ش ه

۲۳۰ × ۶۳۰ مم تصویر ۱۷٤

۱۰-شیراز

۲۱۲ × ۷۳۵ مم - تصویر ۷٦

م-ش-به-ش ٤

۱۱-شیراز

حکاکی روی مس از پترهاس ۱۷۷۸

از روی طرح کارستن نیبور ۱۷٦۵

۱۸۷ × ۲۸۹ مم

ع-ا-م

م-ش-به- شما ۲۷٦ تصویر ۳٦

۱۲-لار

م - ش - به - ش ه

۱۱۸ × ۱۷۳ مم ص ۳٤٤

۱۳-جهرم

م - ش - به - شر ه

۱۲۵ × ۱۷۸ مم ص ۳٤۱

۱٤- شهرضا (قمشه)

م-ش - به شر ٤

۱۹۵ × ۳۷۷ مم تصویر ۵۰

۱۵- شهرضا

م - ش - به - شر ه

۱٤۳ × ۱۸۵ مم ص ۳۳٤

۱٦-قم

م - ش - به - شر ٦

۱۲۵ × ۳۳۰ مم ص ٤۹۲

۱۷- قم

م-ش-به-شر ٤

۱۹۰ × ۳۷۰ مم تصویر ۱۳

۱۸- قم

م - ش - به - شر ه

۱۱۵ × ۳۳٦ مم تصویر ٦۵

۱۹- خرابه های شهر سویر

م - ش- به - شر ه

۱٤۵ × ۱۸۳ مم تصویر ٦٤

۲۰-سلطانیه

م - ش - به - شر ٦

۱۰۰ × ۱٤۰ مم ص ٤۷٦

۲۱- سلطانیه

م-ش - به شر ٤

۱۸۳ × ۲۹۰ مم تصویر ۱۲

۲۲- سلطانیه

م-ش-به-شر ٥

۱۱٥ × ۱۸۳مم تصویر ٥٦

۲۳- یزدخواست

م - ش - به - شر ٤

۱۹٥ × ۳۸٥مم تصویر ٥۱

۲٤- یزدخواست

م- ش- به - شر ٥

۱٤۰ × ۱۸٦مم تصویر ۱۱۳

۲٥- یزدخواست

م - ش - به شر ٥

۱٤۰ × ۱۸٦مم تصویر ۱۱٤

۲٦- کاشان

م- ش- به - شر ٦

۱۲۲ × ۳۳۰ مم ص ٤۹۲

۲۷- کاشان

م- ش - به - شر ٤

۱۸٥ × ۳٥۷ مم تصویر ۱۷

۲۸- کاشان

م - ش - به - شر ٥

۱۱٥ × ۳۳٦مم تصویر ۱۱٤

۲۹- قصرهزار پنجره

م - ش - به - شر ٦

۱۰٥ × ۱٤۰مم ص ٤۹٤

۳۰- ساوه

م - ش - به - شر ٦

۱۰٥ × ۱٤۰ مم ص ٤۹۰

۳۱- ساوه

م - ش - به - شر ٥

۱۲۷ × ۱۸۰مم تصویر ٤۲۸

۳۲- اردبیل

م - ش - به شر ٥

۱۳۸ × ۳٦٦ مم تصویر ٤۸

۳۳- اعدام ساعت ساز سویسی رودولف استادلر

م - ش - به - شر ٦

۱۰۰ × ۱٤۰ مم ص ٥۲۲

۳٤- مدخل بازار بزرگ

م - ش - به شر ٤

۱۳۷ × ۲۸٦ مم تصویر ۳۷

۳٥- مسجد شیخ لطف‌الله

م - ش - به شر ٤

۲۰۰ × ۹۸۰ مم تصویر ۳٥

۳٦- عالی‌قاپو

م - ش - به - شر ٤

۲۰۰ × ۹۸۰ مم تصویر ۳٤

۳۷- مسجد شاه

م - ش - به - شر ٤

۱٥٦ × ۲۸۳مم تصویر ۳٦

۳۸- مقبره شیخ صفی‌الدین

م - ش - به - شر ٥

۱۳۳ × ۱۸۳مم تصویر ۵۰

۳۹- مقبره حضرت معصومه

م - ش- به-شر ٤

۱۳۸ × ۱۸۳مم تصویر ۱٤

٤۰- مقبره شاه عباس دوم

م - ش - به - شر ٤

۱٤۰ × ۱۸۵مم تصویر ۱۵

٤۱- مقبره شاه صفی اول

م - ش - به - شر ٤

۱٤۱ × ۱۹۰ تصویر ۱٦

٤۲- مقبره عبدالله

م - ش - به - شره

۱۲۵ × ۱٦۵مم تصویر ۷۱

٤۳- مقبره حافظ

حکاکی روی مس از براندسها گن

۱۷۱۲

از روی طرح کمپفر ۱٦۸۵

۸٦ × ۱٤۷مم

ع -ا- م

م - ش - به - ف - شما. ۲۲ ص

۳٦۹

٤٤- مقبره حافظ

حکاکی روی مس ۱۷۹۷

از روی طرح کمپفر

م- ش- به- مجموعه سفرنامه های

لوئی لانگله ۱۸۰۵-۱۷۹۷

٤۵- تالار آینه

م - ش - به - شر ٦

۱۱۰ × ۱٤۰ مم ص ۵۳۱

٤٦- عالی‌قاپو

م - ش - به - شر ٤

۲۸۲ × ۳۸۷ مم تصویر ۳۹

٤۷- پارک هزار جریب

م - ش - به شر ٤

۱۸۸ × ۲۸۵ مم تصویر ٤۲

٤۸- نچف‌آباد شیراز

م - ش - به - شر ۵

۱٤۰ × ۱۸٤مم ص ۱۹۷

٤۹ - مقر کمپانی شرقی هلندی در شیراز

م - ش - به شر ۵

۱٤٤ × ۱۸۳ تصویر ۱۰۸

۵۰- سعادت‌آباد اصفهان

م - ش - به - شر ٤

از روی طرح یک ایرانی

۱۷٦ × ۳۹۲ مم تصویر ٤۹

۵۱- عمارت آینه خانه

م - ش - به - شر ۵

۱٤۰ × ۳۲۰ مم تصویر ۸۳

۵۲ - عمارت هفت دستگاه

م - ش - به - شر ۵

۱٤۰ × ۳۲۰ مم تصویر ۸٤

۵۳ - تخت سلیمان

م - ش - به - شر ۳
۱۵۰ × ۱۸۵مم ص۱۹۶
۵۴- تخت سلیمان
م - ش - به شر ۵
۱۲۸ × ۱۷۵ ص۱۴۵
۵۵- عمارت هشت بهشت
م - ش-به شر ۴
۲۷۴ × ۳۸۰ مم تصویر ۴۵
۵۶- میخانه
م-ش - به - شر ۴
۲۷۸ × ۳۸۳ مم تصویر ۳۸
۵۷- کاروانسر
حکاکی روی مس از مارشال ۱۶۳۴
از روی طرح توماس هربرت ۱۶۲۸
۱۰۵ × ۱۳۰مم
ع- ا- م
م - ش - به - ف - شما ۱۹۹
ص۱۹۴
۵۸- کاروانسرا
م - ش - به - شر ۴
۱۴۴ × ۱۸۲ مم تصویر ۶
۵۹- کاروانسرای جارون
م - ش - به - شر ۴
۱۳۷ × ۳۳۴ مم تصویر ۷۷
۶۰- کاروانسرای سارداهان(Sardahan)
م-ش- به - شره
۱۳۶ × ۱۷۲مم تصویر ۶۸
۶۱- کاروانسرای «گورمونت»
م - ش - به - شر ۵
۱۳۵ × ۱۷۵مم تصویر ۲۳۵
۶۲- کاروانسرای ماژار
م - ش - به - شر ۵
۱۳۵ × ۱۸۴مم ص۴۱۴
۶۳- کاروانسرای ماژار
م - ش - به - شر ۵
۱۴۷ × ۱۸۵ مم تصویر ۱۱۲
۶۴- کاروانسرائی نزدیک شیراز
م - ش به - شر ۵
۱۴۰ × ۱۸۰مم ص۱۹۸
۶۵- کاروانسرای شاهی کاشان
م - ش - به - شر ۴
۱۸۲ × ۲۵۷ مم تصویر ۱۸
۶۶- پلی برروی سفید رود
م - ش - به - شر ۶
۱۰۵ × ۱۴۰مم ص ۶۹۷
۶۷- پل شهرستان در اصفهان
م - ش - به شر ۵
۱۳۵ × ۱۷۷مم ص۱۵۴
۶۸- پل الله وردیخان در اصفهان
م - ش - به شر ۴

۱۸۷ × ۳۷۵ مم تصویر ۴۷

۶۹- پل‌الله‌وردیخان

م - ش - به شر ه

۱۴۰ × ۱۹۵ مم تصویر ۷۸

۷۰- پل الله‌وردیخان

م - ش - به شر ه

۲۱۰ × ۶۱۵مم تصویر ۷۷

۷۱- پل‌الله‌وردیخان

م - ش - به ش ٤

۱۶۲ × ۱۷۸ مم تصویر ۴۳

۷۲- پل‌الله‌وردیخان

حکاکی روی مس باامضایAP

۱۶۷۳ میلادی

۱۴۵ × ۲۸۲ مم

ع - ا-م

م - ش - به - ف - شما ۱۱۷

ص۴۷

۷۳- پلهای سارنان ، الله‌وردیخان و

و خواجو

م - ش - به ش ۳

۱۷۳ × ۲۸۹ مم ص۱۶۶

۷٤- پل‌خواجو در اصفهان

م - ش - به شر ٤

۱۹۰ × ۳۳۰ مم تصویر ۴۸

۷۵- پل‌خواجو

م - ش - به شر ه

۱۹۵ × ۳۷۰ مم تصویر ۸۲

۷۶- پل‌خواجو

م - ش - به شر ٤

۱۶۱ × ۱۷۹ مم‌تصویر ٤٤

۷۷- پلی‌در نزدیکی‌شهر اردبیل

م - ش - به شره

۱۳۳ × ۱۸۳مم تصویر ۴۹

۷۸- پل خان در حوالی شیراز

م - ش - به شر ه

۱۳۱ × ۱۷۱مم تصویر ۱۷۳

۷۹- بادگیر

م - ش - به شر ٤

۱۹۲ × ۲۲۱ مم تصویر٤۶

۸۰- برجهای کبوترخان

م - ش - به شر ٤

۱۸۲ × ۱۹۰ مم تصویر ۲۰

۸۱- قنات

م - ش - به شر ه

۱۳۵ × ۱۷۵مم تصویر ۲۳۶

۸۲- خرکوبی

م - ش - به شر ۳

۱۶۰ × ۱۹۵مم ص۵٤۸

۸۳- حمام و انواع

م - ش - به شر۳

۱۴۳ × ۱۷۶ مم ص ۴۲۰

۸۴- قلم منار

م - ش - به شر ٤

۱۸۲ × ۳۲٦ مم تصویر ٤۱

۸۵- ده «چارگبرند» درحوالی‌سفید رود

م - ش - به شر ٥

۱۰۸ × ۱۸۳ مم تصویر ٥۳

۸٦- ده «سامگائل» در حوالی سلطانیه

م - ش - به شر ٥

۱۸۳ × ۱۱٥ تصویر ٥٤

۸۷- ده «گی‌هارا» در حوالی‌سطانیه

م - ش - به شر ٥

۱۳٤ × ۱۸۳ مم تصویر ٥۸

۸۸- دهی‌نزدیک «گی‌هارا»

۱۳٤ × ۱۸۳ تصویر ٥۸

۸۹- ده «قر»یا «کر» درحوالی کاشان

م - ش - به شر ٥

۱۳٦ × ۱۷۲ مم تصویر ٦۷

۹۰- حسن‌آباد درجنوب اصفهان

م - ش - به شر ٥

۱۲۰ × ۱۸۲ مم ص۱۵۳

۹۱- تنگه‌الله‌اکبر درسر راه شیراز به‌لار

م - ش - به شر ٥

۱٤۸ × ۱۸٥ مم ص۳۲٥

۹۲- ساحل هرمز

م - ش - به شر ٥

۱۰٥ × ۱۸۰ ص٤۰٤

۹۳- جزایرهرمز، لارك و قشم

م - ش - به شر ٥

۹٤ × ۳۷٦ مم تصویر ۱۸۸

۹٤- جزیره قشم

م - ش - به شر ٥

۷۰ × ۱۷۹ مم تصویر ۲۳۲

۹٥-چشم‌اندازی‌درنزدیکی«ساما گائل»

م - ش - به شر ٥

۱۱٥ × ۱۸۳ مم تصویر ٥٥

۹٦- تخت رستم

م - ش - به شر ٥

۱۲۲ × ۱۷۰ مم تصویر ۱۹٥

۹۷- ده «ساکساوا»

م - ش - به شر ٥

۱٤٥ × ۱۸۳ مم تصویر ٦۱

۹۸- منظره غریب یک کوه

م - ش - به شر ٥

۱٤٥ × ۱۸۳ مم تصویر ٦۲

۹۹- چشم‌اندازی از خلیج‌فارس

م - ش - به شر ٥

٦۲ × ۱٤۸ مم ص۱۱۰

۱۰۰ - اسمعیل سفیر ایران در دربار عثمانی

کنده کاری ۱۶۲۶
از روی طرح لوریش ۵۶-۱۰۵۵
۲۴۰ × ۳۶۰ مم
م - ش - به - ف - شما. ۴۱

۱۰۱- شاه صفی اول
گراور
م - ش - به - ف شما ۲۸۵

۱۰۲- شاه صفی اول
گراور ۱۶۵۶
م - ش - به - ف - شما ۲۸۴

۱۰۳- شاه صفی اول
گراور ۱۷۱۹
م - ش - به - ف - شما ۲۹۲

۱۰۴- شیخ صفی‌الدین اردبیلی
حکاکی روی مس ۱۷۱۲
م - ش - به - ف - شما. ۲۲

۱۰۵- شاه سلیمان
حکاکی روی مس ۱۷۱۲
از روی طرح کمپفر ۱۶۸۵
م - ش - به- ف - شما. ۲۲

۱۰۶- شاه سلطان حسین
م - ش - به‌شره
۱۸۰ × ۲۵۵ مم تصویر ۸۵

۱۰۷- یوزباشی دربار شاه سلطان‌حسین
م - ش - به شره
۱۷۵ × ۲۸۷مم تصویر ۸۸

۱۰۸- پستچی
م - ش- به - شره

۱۰۹- نادرشاه افشار
حکاکی‌روی مس‌در حدود۱۸۰۸
۷۵ × ۱۹۵ مم
ع - ا - م
م - ش - به - ف - شما۲۹۷

۱۱۰- کریم‌خان زند
م - ش - به شر ۱۰۹
۶۵ × ۲۰۲ مم

۱۱۱- محمد شاه قاجار
م - ش - به شر ۱۰۹
۹۴ × ۱۹۷ مم

۱۱۲- ورود هیئت نمایندگی هلند به اصفهان
حکاکی روی مس ۱۷۳۷
۱۴۵ × ۱۹۰ مم
م - ش - به - ف - شما ۴۰۲

۱۱۳- شرفیابی هیئت‌نمایندگی‌انگلیس به حضور شاه عباس کبیر
حکاکی روی مس ۱۶۵۸
۱۳۲ × ۱۸۱ مم
م - ش - به - ف - شما ۲۰۱

۱۱۴ - شرفیابی هیئت نمایندگی هلند بحضور شاه سلیمان
م - ش به شر ٤
۱٦۸ × ۲۲۱ مم تصویر ۳۲

۱۱۵- سلام در دربار شاه سلیمان
م - ش - به شر ۳
۱۷۵ × ۲۹۰ مم ص ۲۱۷

۱۱٦- تاجگذاری شاه سلیمان
م - ش - به شر ٤
۱۵۲ × ۲۰۲ مم تصویر ۸۰

۱۱۷-تاجگذاری شاه سلیمان از روی طرح کمپفر
م - ش - به شر ٤ تصویر ۸۰Bis

۱۱۸- ادوات مربوط به تاجگذاری در زمان شاهان صفویه
م - ش - به شر ٤
۱۳۲ × ۱۸۰ مم تصویر ۷۹

۱۱۹- جقه شاهی (سمت چپ پائین)
م - ش - به شر۳ ص۳٦

۱۲۰- مراسم عید قربان
حکاکی روی مس از دونوپDonop
م - ش - به شر ۳
۱۹٤ × ۳۱۰ مم

۱۲۱- مراسم ختنه سوران
حکاکی روی مس ۱٦۵۸
ع - ا - م
۹٤ × ۱۲۱ مم
م - ش - به - ف - شما ۲۰۱ ص۱۲۸

۱۲۲- مراسم عید عمر
حکاکی روی مس۱۷۰٦
ع - ا - م
۱۰۵ × ۱٤۰مم.
م - ش - به - ف - شما ۱ ج ۱ ص ۲٤

۱۲۳- تشییع جنازه یک مرد محترم
حکاکی روی‌مس ۱٦۹٦
ع - ا - م
۱۰۵ × ۱٤۵مم
م - ش - به - ف - شما ۲۸٤

۱۲٤- مراسم دفن
م - ش- به شر ٦
۱۰۲ × ۱۳۵مم ص ۵٦۳

۱۲۵- مراسم سوگواری ارامنه
م - ش - به شر ۵
۲۱۵ × ۳۰٦ مم تصویر ۱۰۲

۱۲٦- مراسم سوگواری ارامنه
حکاکی روی مس۱٦٦۵
ع - ا - م
۱۳۸ × ۱۷۸ مم

م ـ ش ـ به ـ ف ـ شما ۳۸۲ قسمت ٤ ص ۱۰

۱۲۷ـ مجازات خانها در تبریز

م ـ ش ـ به شر ۱۲٦ قسمت ۳ ص ۱۰۷

۱۲۸ـ کشته شدن یک قزلباش بفرمان یک سفیر خارجی

م ـ ش ـ به شر ٦

۱۰۵ × ۱۳۸ مم ص ۷۰۸

۱۲۹ـ چوب وفلک در مکتب

م ـ ش ـ به شر ٦

۱۰۲ × ۱۳۵ مم ص ٦۱۳

۱۳۰ـ بریدن بینی

حکاکی روی مس ۱٦۸۹

ع ـ ا ـ م

م ـ ش ـ به ـ ف ـ شما ۳٦۹

۱۳۱ـ نجیب‌زاده‌ای دربند

م ـ ش ـ به شر ٤

۱۹۷ × ۱٤۳ مم تصویر ۳۳

۱۳۲ـ نمایش لباس

م ـ ش ـ به شر ٦

۱۰۲ × ۱۳۵ مم تصویر ۵۸۵

۱۳۳ـ نمایش لباس

م ـ ش ـ به شر ۷۲

۷۵ × ۱۳۱ مم ص ۷

۱۳٤ـ نمایش لباس

حکاکی روی مس ۱٦۹۵

۷۸ × ۱۲٤ مم

م ـ ش ـ به ـ ف ـ شما ۳۳۰ ص ٦٦

۱۳۵ـ نمایش لباس

م ـ ش ـ به شر ۱۳٤ ص ۹۰

۱۳٦ـ نمایش لباس

م ـ ش به شر ۳

۱۷۸ × ۳۰۵ مم ص ۱۷۵

۱۳۷ـ یک قزلباش

م ـ ش ـ به شر ٤

۹۷ × ۱٤۳ مم تصویر ۲۹

۱۳۸ـ یک خانم زردشتی

م ـ ش ـ به شر ٤

۹۷ × ۱٤۳ مم تصویر ۷۵

۱۳۹ـ یک خانم ارمنی

م ـ ش ـ به شر ۵

۱۷۰ × ۲۸۵ مم تصویر ۱۰۱

۱٤۰ـ یک خانم ایرانی

م ـ ش ـ شر ۵

۱۷۵ × ۲۸۷ مم تصویر ۸۷

۱٤۱ـ یک خانم ایرانی

م ـ ش ـ به شر ۵

۱۳۷ × ۱۷۷ مم ص ۱٦۷

۱۴۲- یک کنیز

م - ش - به‌شر ه

۱۸۷ × ۳۰۸ مم تصویر ۹۰

۱۴۳- یک غلام سیاه

م - ش - به شر ه

۱۸۷ × ۳۰۸ مم تصویر ۸۹

۱۴۴- قلیان کش

م - ش - به شر ٤

۱۸۷ × ۱۸۹ مم تصویر ۱۹

۱۴۵- قلیان کش

م - ش - به شر ه

۱۴۲ × ۱۸۵ تصویر ۱۱۱

۱۴۶- دراویش

حکاکی روی مس ۱۷۷۰

ع - ا - م

م - ش - به - ف - شما ۱۷۲

۱۴۷- دستگاه آب کش

م - ش - به ش ٤

۱۴۸ × ۱۹۲ مم تصویر ۲٤

فهرست اسامی در متن

الف

ابن بطوطه ۱۷-۲۴-۳۰-۶۰

ابوالخیر ۱۱۱

ابوالنصر ۱۱۱

ابوریحان ۱۱۱

ابوسهل ۱۱۱

ابوعلی‌سینا ۱۱۱-۱۱۲

ابونصر ۱۱۱

اتودورن، کاترینا ۵۸

استادلر، رودتولف ۳۵

اسمعیل ۱۰۰

اشتریوس ۱۲-۱۵

اشتف ۹۶-۹۷

الله‌وردیخان ۱۷

الیاس‌بک ۱۳۴

اوزنک (اوزن حسن) ۹۱

اولئاریوس، آدام ۱۳-۱۴-۱۹-۲۱-۲۳-۲۴-۲۶-۳۵-۶۵-۷۲-۱۰۳-۱۱۶-۱۱۸-۱۳۴-۱۳۶-۱۳۹

اولیویه ۱۰۷

ب

برخورداربیک ۲۷

بروگمن ۱۳۷

برون، کرنلیس ۸-۱۳-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۲۱-۲۳-۲۴-۳۵-۵۲-۵۴-۶۳-۸۵-۹۲-۱۰۵-۱۳۳

بروی، یورگ ۷

بطلمیوس ۳۱

بلان، لوئی ۱۱۰

بلینی، جنتیل ۱۰۰

بورگمایر ۴

بورمن ۷۰

بهزاد ۱۳۹

پ

پوپ ۷۱-۷۶-۸۱

پولاک ۹۷

ت

تاورنیهٔ ۶۱-۶۸-۷۹-۱۲۵

تنی‌ریروانتونیو ۱۷
ته‌ونو ۳۵-۱۳۸
تیمور ۳۲-۷۰-۱۰۴

چ

چنگیزخان ۳۲

ح

حافظ ۴۹

خ

خان طالب ۱۱۷
خان کربلائی‌علی ۱۱۷
خواجه حسین بن‌علی میکال ۱۱۱
خواجه شمس‌الدین ۲۷
خوارزمشاه ، ابوالعباس مأمون ۱۱۱

د

دامپر ۳۰
دیتز ۵۸-۵۹
دودمرکوتون ۱۲۰
دورانت ۱۲۵
دورر ، آلبرشت ۳۳
دولیه‌ده‌لاندآندرز ۱۵-۱۶-۳۵ - ۶۸ - ۱۳۹
دیویس‌دیوید ۱۱

ر

رافائل ۶
رحیم‌زاده صفوی ۱۱۰
رستم‌خان ۲۰
رکن‌الدوله ، حسن ۳۱

ز

زند ، کریم‌خان ۱۰۸

س

سان سن ۵۰-۷۴-۸۲-۱۳۹
سفراس ۱۳۴
سلطان ابواسحق ۲۴
سلطان اولجاتیو ۲۱
سلطان سلیمان‌خان ۱۰۰
سلطان محمدخدابنده ۲۰-۲۱ - ۲۲ - ۲۳
سلطان محمود غزنوی ۳۱-۱۱۱
سلمون ۱۶
سید اسحاق ۲۷

ش

شاردن ۹-۱۵-۱۶- ۱۸-۲۱-۲۳-۲۴- ۲۷-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۴۶ - ۵۰ - ۶۰-۷۹- ۸۵- ۱۲۱-۱۳۹
شاه اسمعیل ۷۴

شاهپور دوم ۸۱
شاه سلطان حسین ۱۰۵-۱۱۰
شاه سلیمان ۳۲-۵٤-۵۸-۱۰٤-۱۲۱-۱۲۵
شاه صفی اول ۱۹-٤۳-٤٦-۷۲-۱۰۳
شاه طهماسب اول ۷٤-۱۰۳
شاه عباس دوم ۱۹-۳۲-٤۲-٤٤-٤٦-٤۷-٤۸-۵۳-۷۰
شاه عباس کبیر ۱۹-۳۲-۳۷-۳۸-۵۰-۱۰۳-۱۲۰
شرلی، آنتونی ۱۳۱
شیخ الاسلام ۱۲۷
شیخ صفی الدین اردبیلی ٤۲-۱۰٤-۱۳۲

ظ

ظل السلطان ۳۳

ع

عباسی، محمد ۳۰-۷۷-۸۰
عبدالله ٤۹
عریضی، حسین ۷۸
عمر ۳۱
عیسی مسیح ۲۷

ف

فابریتیوس لودویک ۱۲۱
فاطمه علیهاالسلام ٤۵
فان درآ، پیتر ۱۵-۳۰-۱۳۱
فان درنر، آرت ۹٤
فرانکلین ۱٦
فریر ۵٦
فلسفی، نصرالله
فیگوئروا ۱۷

ق

قاجار، محمد شاه ۱۰۹

ك

کارل یازدهم ۱۲۳
کرزن ٦۸
کرناخ ٤
یوهان کسلر ۱۱۹
انگلبرت کمپفر ۱۲-۱۵-۴۹-۵٤-۵٦-٦۸-۷٤-۱۰٤-۱۱۸-۱۲۱-۱۲۵-۱۲۹-۱۳۹

گ

گابریل آلفونس ۲۹
گوتنبرگ ۳

گرلو ، ژوزف ۱۳-۱۹-۲۵-۴۰-۵۱ -
۵۹-۶۳-۱۲۵
گلوك ۵۸-۵۹
گملین ۱۳۹

ل

لانگله ۴۹
لوریش، سلشار ۱۰۰-۱۰۳
لوکاس، پل ۳۵-۷۷
لوئی‌چهاردهم ۱۲۳

م

مارکوپولو ۲۶
محمود ۲۴
محمود ، یمین‌الدوله ۱۱۲
مستوفی ۱۷
مسیح عیسی ۲۷
معصومه علیهاالسلام ۱۹-۴۲
ملك ۲۵
ملکشاه سلجوقی ۳۱
مندلسلو ۱۱
موحد محمد علی ۳۰
موسی کاظم علیه‌السلام ۲۷
میلتون ۱۲

ن

ناصر خسرو ۷۶
نورصادقی ، حسین ۷۷
نوری ، ابوتراب(نظم‌الدوله) ۸۰
نیبور، کارستن ۱۶

و

واله ، پیترودلاواله ۷۴-۱۲۰-۱۳۰ -
۱۳۵-۱۳۶
ورم ۱۱۹
وشمگیر ، قابوس ۱۱۲

ه

هالر ۹۱
هراکلیوس ۸۱
هربرت ۹-۱۲-۳۵-۶۳-۷۴-۹۶-۱۰۳-
۱۲۰
هوگن برگ ۱۱-۱۶-۱۸
هینز ، والتر ۱۱۴-۱۲۴-۱۳۳

ی

یوزباشی ۱۰۷
یوهانس سوم ۱۲۳

توضیحات

۱ـ خواهشمند است باختصارات زیر توجه نمائید :

ع ـ ا ـ م ـ عکس از مؤلف

م ـ ش ـ به ـ ف ـ شما ـ مراجعه شود به فصل ، سفرنامه‌ها و کتبی که درباره ایران اوائل قرون وسطی تا اواخر قرن هیجدهم اطلاعات جامعی دربردارد ، شماره

م ـ ش ـ به ـ شر ـ مراجعه شود به شرح تصاویر

ج ـ جلد

ص ـ صفحه

م م ـ میلیمتر

شما ـ شماره

س ـ سطر

۲ ـ اعدادی که در حاشیه بعضی از صفحات آمده شماره تصاویری است که درانتهای کتاب بچاپ رسیده است .

۳ـ متون خارجی قدیم درهرزبانی که باشد بهمان شکل قدیمی خود آورده شده تا سندیت آن محفوظ بماند .

٤ـ تصاویری که آثار تاریخی ایران را شامل میشود و در کتابخانه‌ها و موزه‌های متعدد اروپائی وجود دارد نیز بوسیله مؤلف جمع‌آوری گردیده است .

تجزیه و تحلیل این تصاویر و مطابقت آنها با آثار تاریخی ایران خود ماده اولیه کتاب دیگری است که تحت عنوان « تحقیق تاریخی آثار باستانی ایران بوسیله اروپائیان » بزبان های فارسی و آلمانی بزودی زیر چاپ خواهد رفت.

۵ـ خواهشمند است اشتباهات چاپی زیر را تصحیح فرمائید

ص	س	
۳	۹	اساس صحیح است
۳	۱۰	بسیار « «
۷	۲	بسیار قوی نیز صحیح است
۸	۱۷	(۷) زائد است
۹	۱۵	قرون صحیح است
۱۲	۱۰	اشتریوس « «
۱۶	۶	دلربای « «
۲۲	۱	خاص « «
۲۳	۱۴	تپه « «
۲۸	۱۸	Vornembstcn صحیح است
۳۱	۷	ایران بعد صحیح است
۳۷	۲	(۱۳) زائد است
۳۸	٤	طبقه صحیح است
۳۹	۷	بوده « «
٤۰	۹	یادگاری « «
٤۰	۱۳	یعنی « «
٤۱	۱۸	جنوب‌غربی «
٤۳	۱	میزند» « «
٤۳	۸	مستطیل « «
٤۳	۸	درچهارگوشه «

ص	س	
٤٨	٥	قطعات « «
٤٨	١٥	روبرو « «
٤٩	١٦	بنی‌حمد « «
٥٢	١٣	پارك « «
٥٨	١٧	سال « «
٦١	١٩	پنج « «
٦٨	١٥	بسیار « «
٦٩	٢	خواجو به‌نمایش صحیح است
٧٠		تصویر شماره ٧٦ صحیح است
٧٢		تصویر شماره ٨٠ « «
٧٣		درکنار سطر ١٥ شماره ٨١ باید اضافه شود
٧٣	١٧	تصویری است از صحیح است
٧٤	١٤	روبی‌ها صحیح است
٧٤	١٥	است زائد است
٧٤	١٦	گردیده زائد است
٧٦	١٤	art صحیح است
٨٦	١٦	استادی، « «
٨٧	٦	در زائد است
٨٧	٦	اشغال صحیح است
٨٩		در تیتر « طبیعی» زائد است
٨٩	٣	میکنند صحیح است
٨٩	٢٠	در بعضی صحیح است
٩٢	٧	قرون صحیح است
٩٢	٢	هراسناك « «
٩٣	١٨	این تصور « «

ص	س	
۹٤	۱۰	کافی « «
۹٥	۱۲	چون « «
۹٦	۱۱	که توماس هربرت آنرا درسال ۱٦۲۸ میلادی(۱۰۳۸ هجری) گرفته است صحیح است
۹۷	۳	متأسفانه صحیح است
۹۷	۱۹	Landschaftschracter صحیح است
۹۸	۷	Bildgattungen صحیح است
۹۹	۱۷	تصاویر صحیح است
۱۰۲	۱۱	درست « «
۱۰۳	۸	خاك زائد است
۱۰۷	۱٥	پرتره دیگر که تمام قد گرفته شده یک پستچی زمان صفویه را نشان میدهد
۱۱٤	۳	یکی از آن پرتره‌ها صحیح است
۱۱٤	٤	دست نیست صحیح است
۱۲۲	٥	بود ابتدای سطر زائد است
۱۲٦	۸	حوض صحیح است
۱۲۸	۱٥	متعددی صحیح است
۱۲۹	شماره ۱۱۹ در مقابل سطر ٤ باید قرار گیرد	
۱۳۰	۱۱	شاه و مرکبش صحیح است
۱۳۱	٤	شاه در محل صحیح است
۱۳۲	۸	(۱۳) زائد است
۱۳۲	۱۰	ملاحظه شود(۱۳) . صحیح است

ص	س	
۱۳۳	۱۵	Groβkönigs صحیح است
۱۳۵		پاورقی(۱۳) باین ترتیب تصحیح میگردد در سفرنامه پیترودلاواله از مراسم عزاداری تاسوعا و عاشوراتصویری دیده میشود این تصویر اشتباهاً در جلد اول این کتاب تحت عنوان «عید انسیور» (تصویر ۶۱) آمده است
۱۳۶	۱۱	در اردبیل صحیح است
۱۳۶		تصویر شماره ۱۲۷ صحیح است
۱۳۸	۵	میگویند صحیح است
۱۳۹	۷	کارهای صحیح است
۱۳۹	۱۰	مردی از جنوب ایران زائد است
۱۵۵	۱۰	شماره 106 صحیح است
۱۵۶	۱۲	شماره 116 صحیح است
۱۵۶	۱۴	1672 » »
۱۵۸	۱۸	RAPHAEL صحیح است
۱۵۸	۲۳	Brüssel » »
۱۶۰	۹	شماره ۱۴۸ » »
۱۶۳	۳	Erich زائد است
۱۶۴	۸	Venezia صحیح است
۱۷۲	۱	LYDAKIS صحیح است
۱۷۳	۷	Westeuropäische صحیح است
۱۷۳	۱۴	Persien صحیح است

ص	س		
۱۷۳	۱۸	Percival »	»
۱۷٤	٥	P. Van »	»
۱۷۸	۱۸	Great »	»
۱۷۹	۱٥-۱٦	Present »	»
۱۸۱	٤	Rubruqis	»
۱۸۱	۱۹	Königsreichs	صحیح است
۱۸٥	۱۳	Antwerpcn »	»
۱۸۷	۸	Venezia »	»

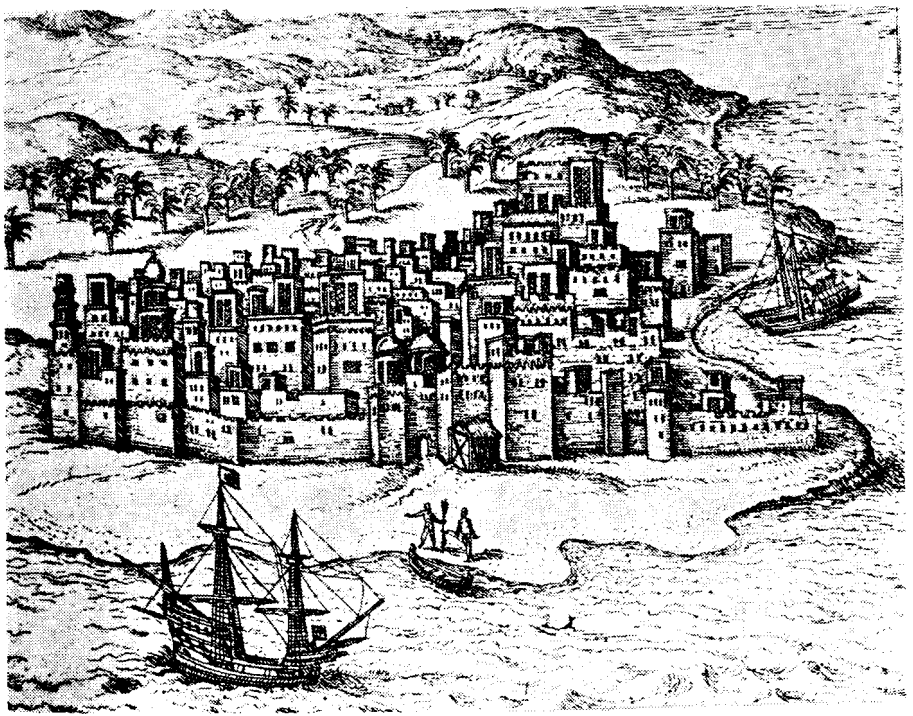

۱- هرمز

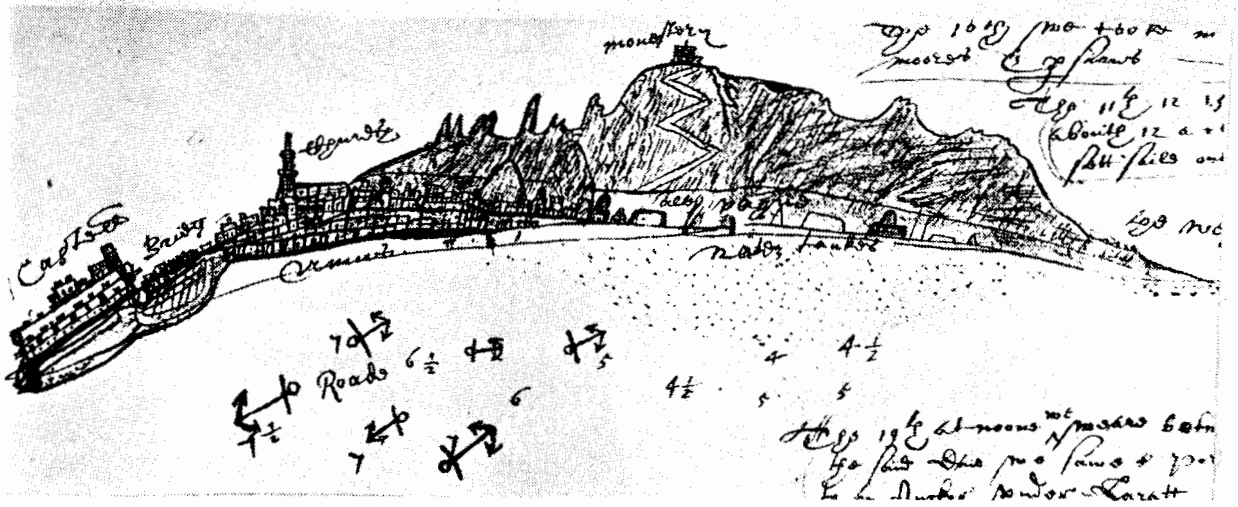

٢- هرمز

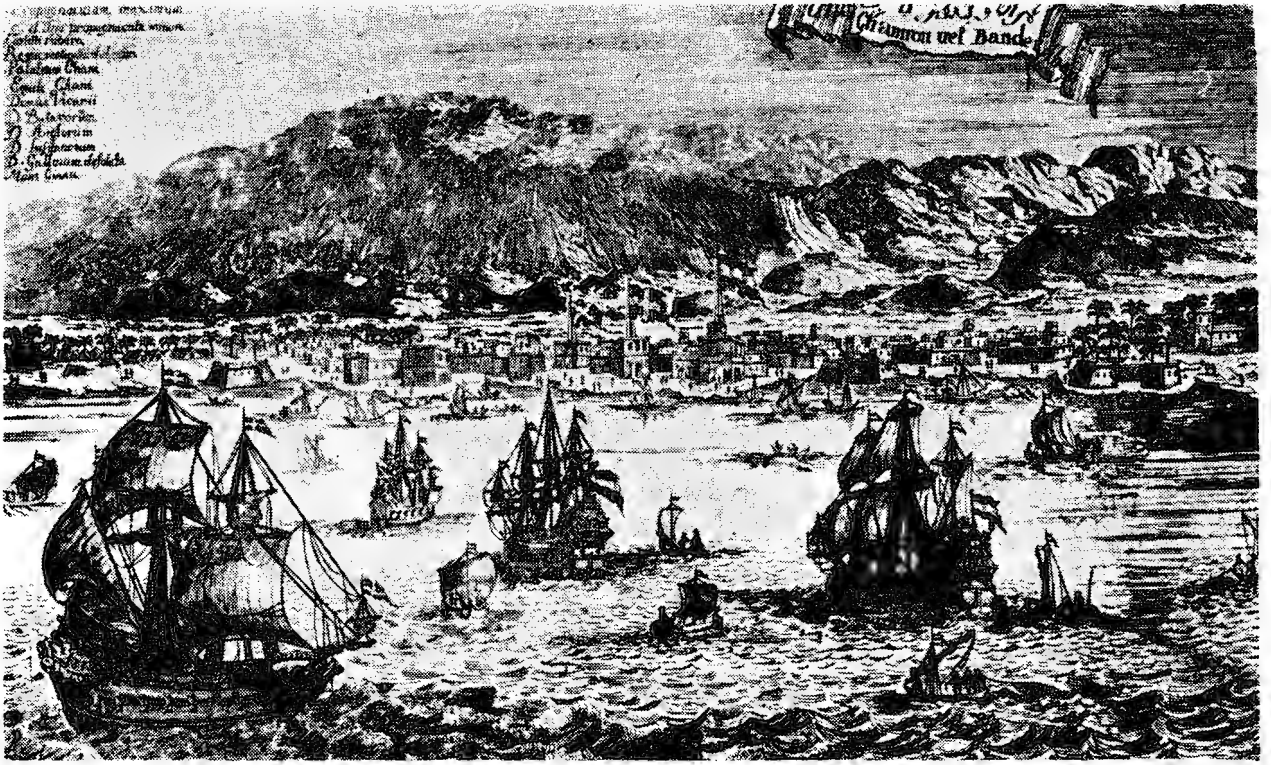

۳- بندرعباس

٤- بندرعباس

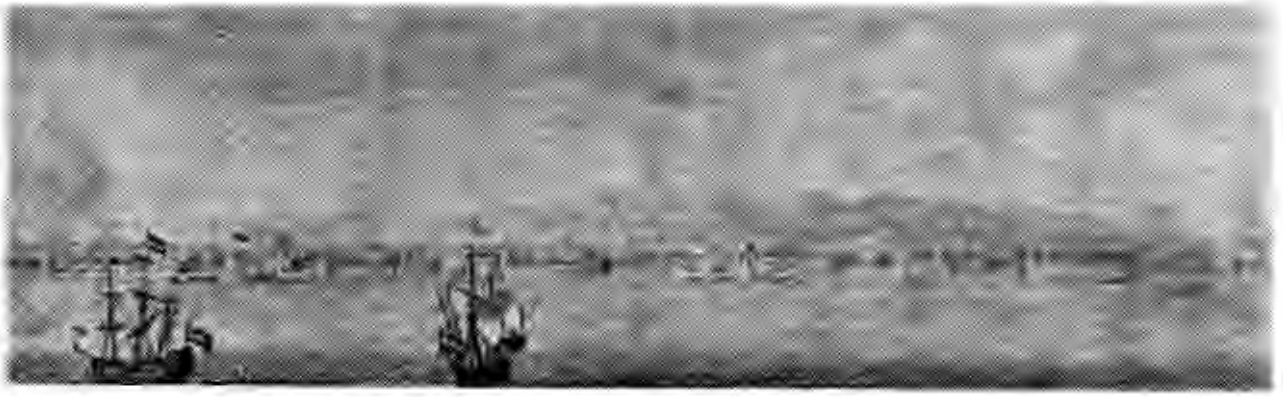

٥- بندرعباس

٦- اصفهان

۷ـ شیراز

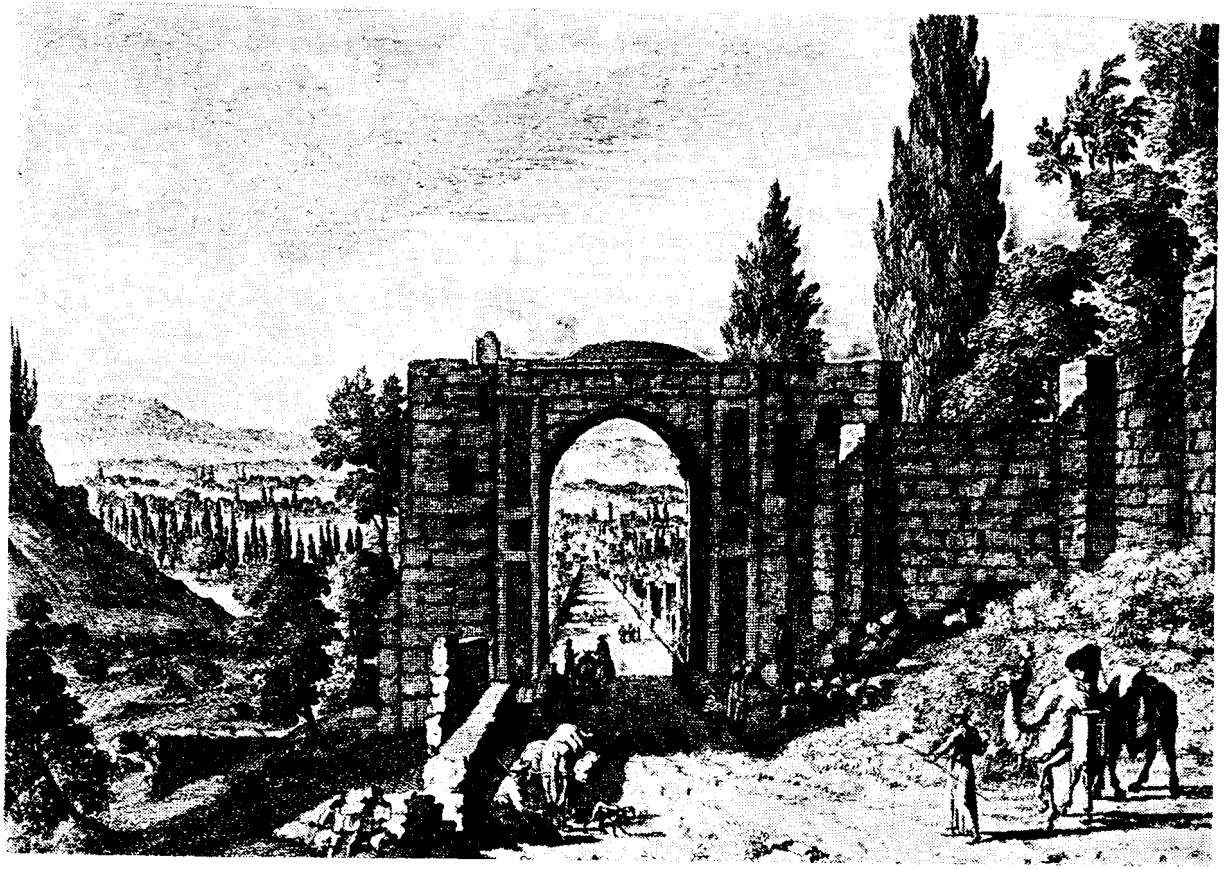

۸- شیراز

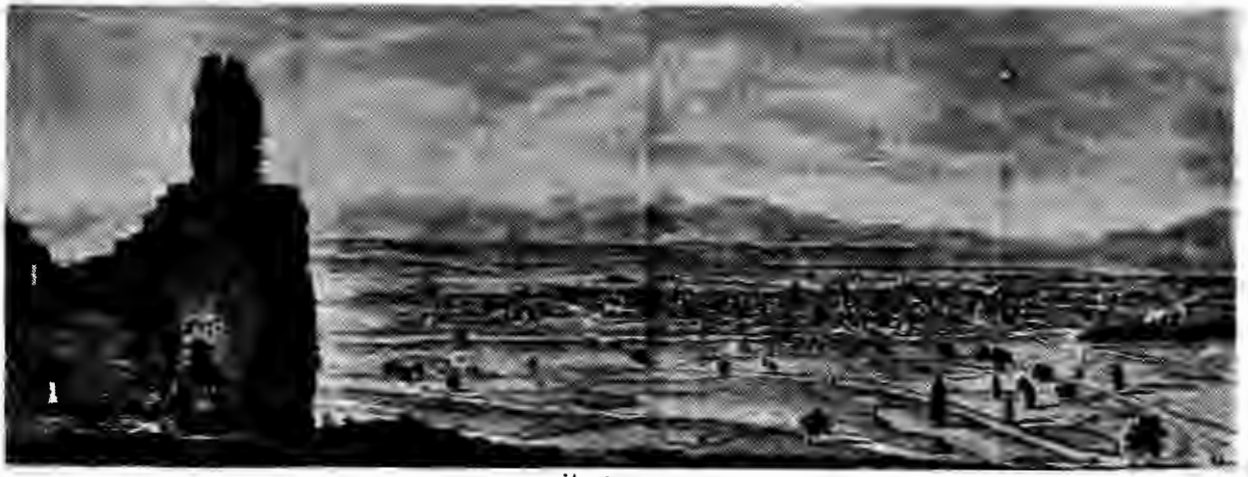

۹- شیراز

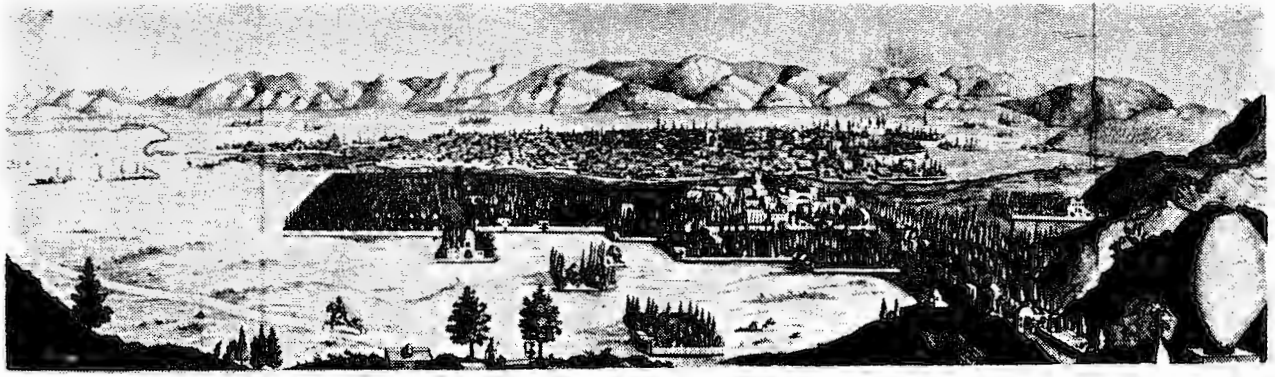

۱۰ - شیراز

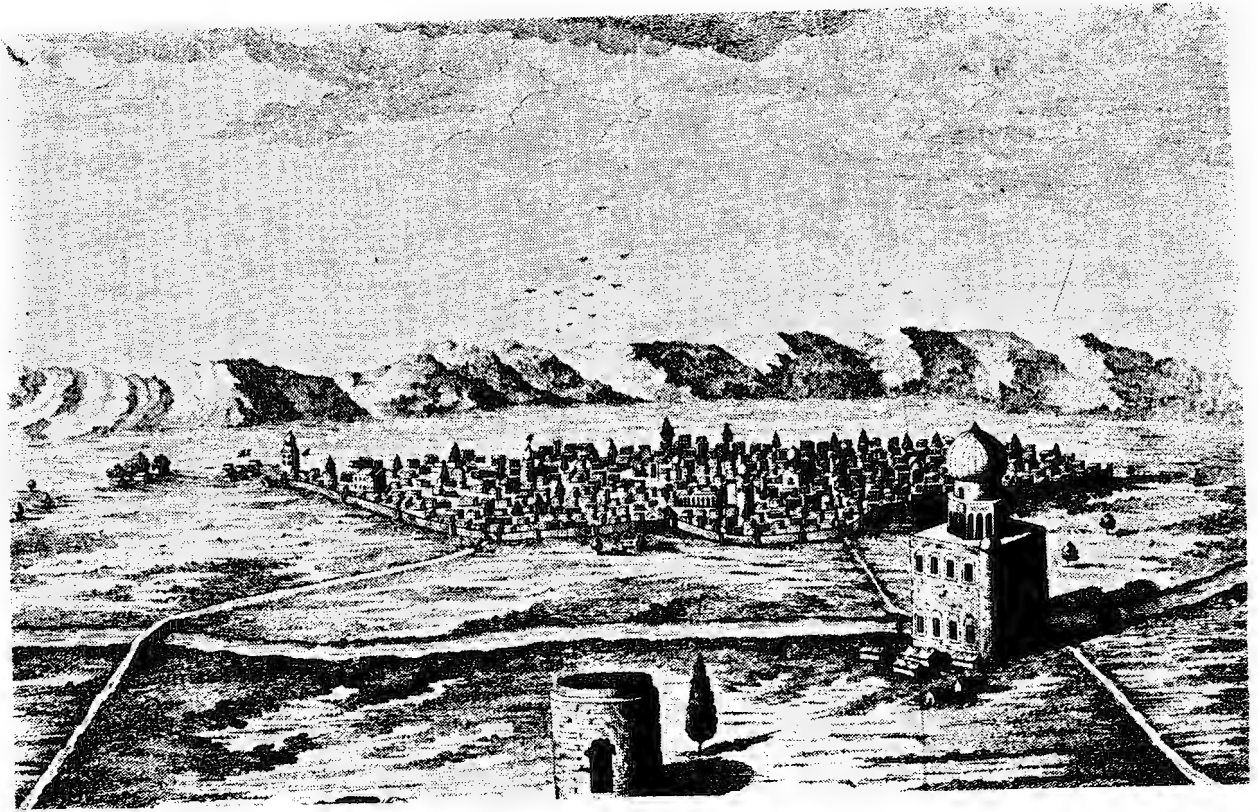

۱۱– شیراز

شکل ۱۲-۱

۱۳- جهرم

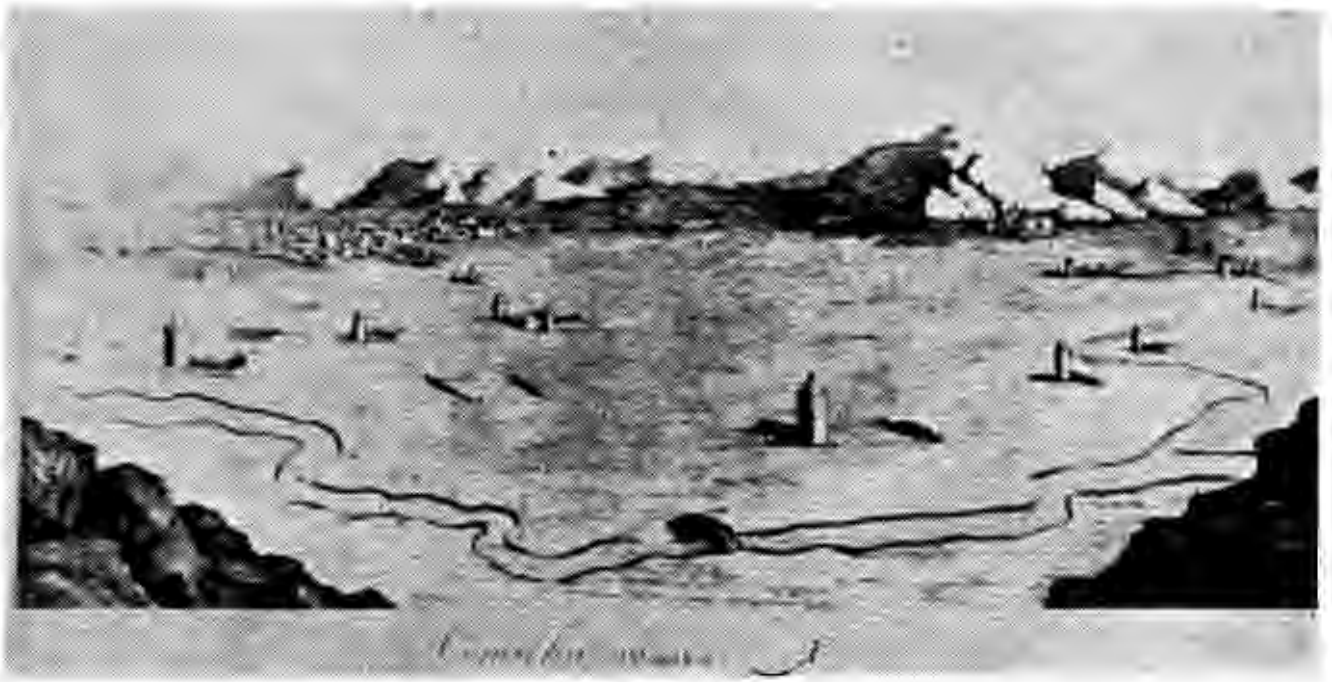

١٤ - شهرضا (قمشه)

۱۵- شهرضا

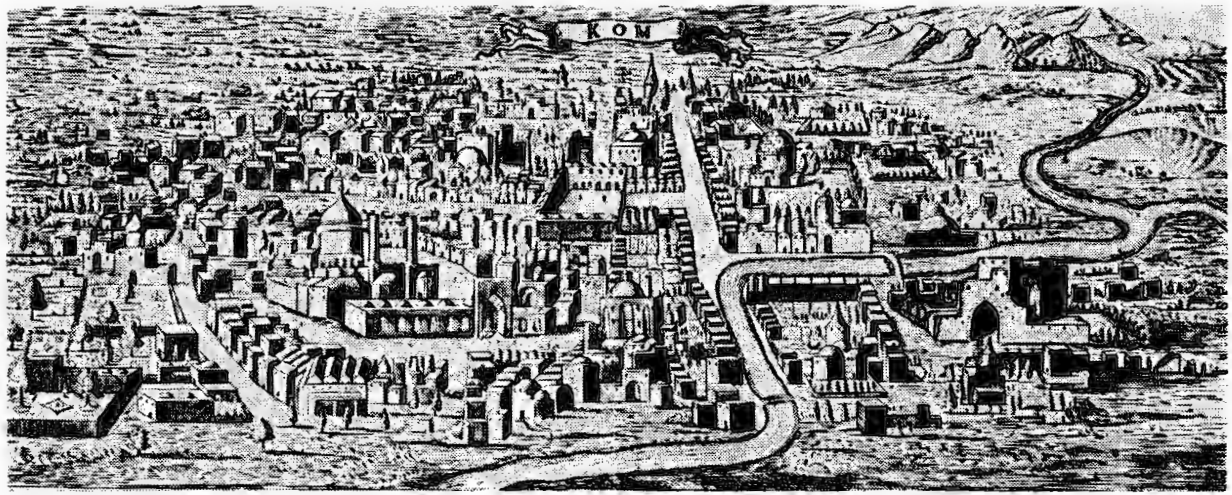

١٦ - قم

١٧- قم

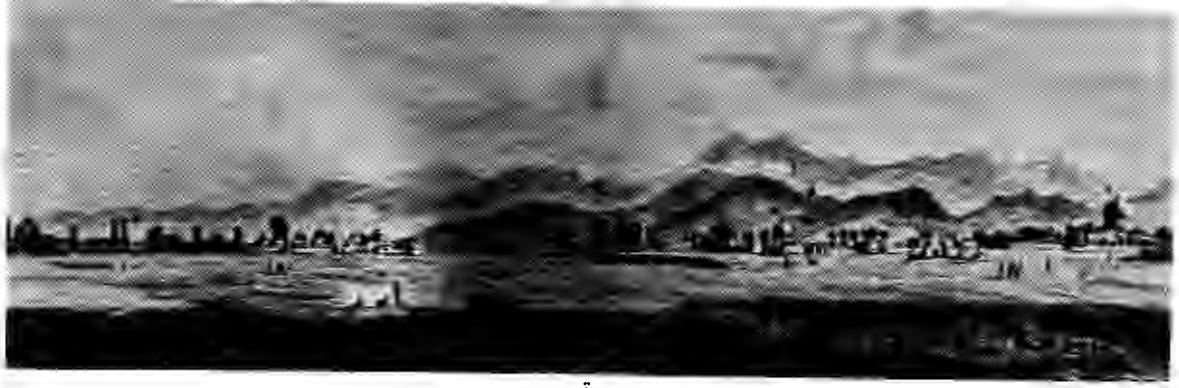

١٨ - قم

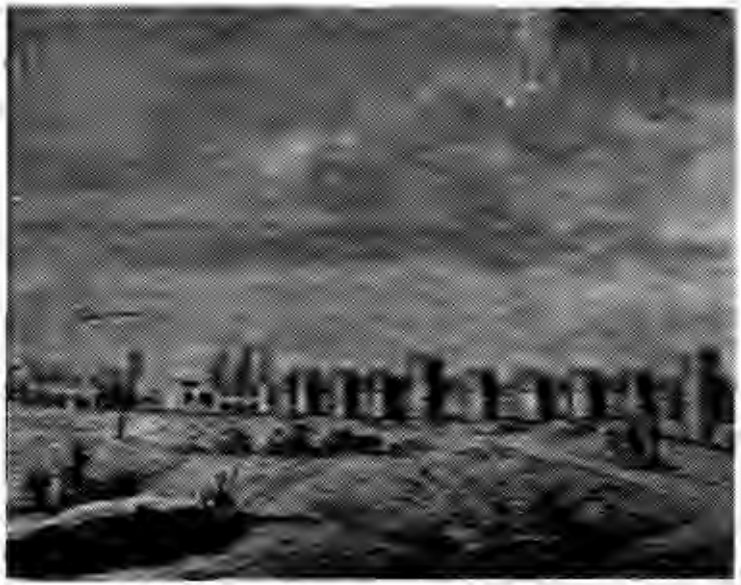

١٩ - موير

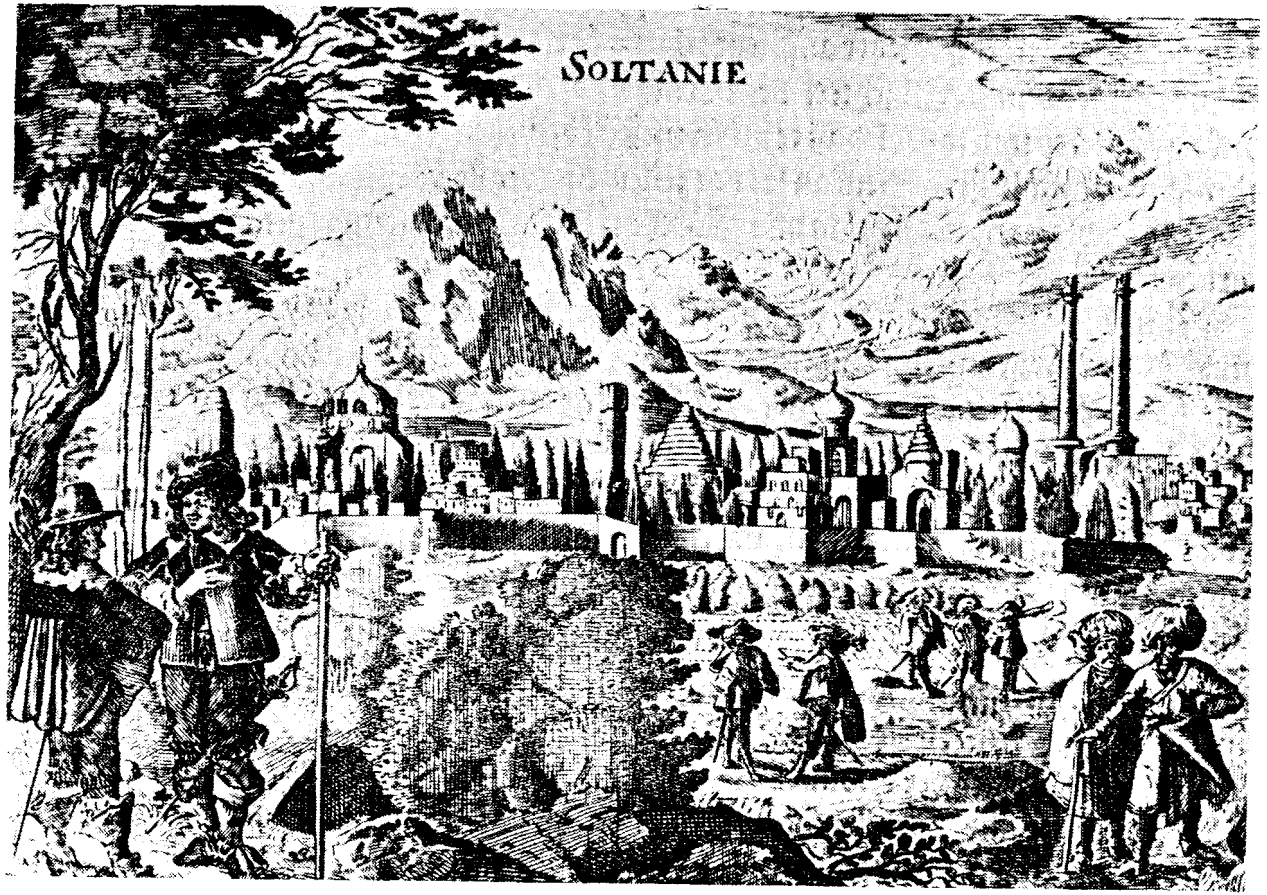

۲۰ سلطانیه

۲۱ – سلطانیه

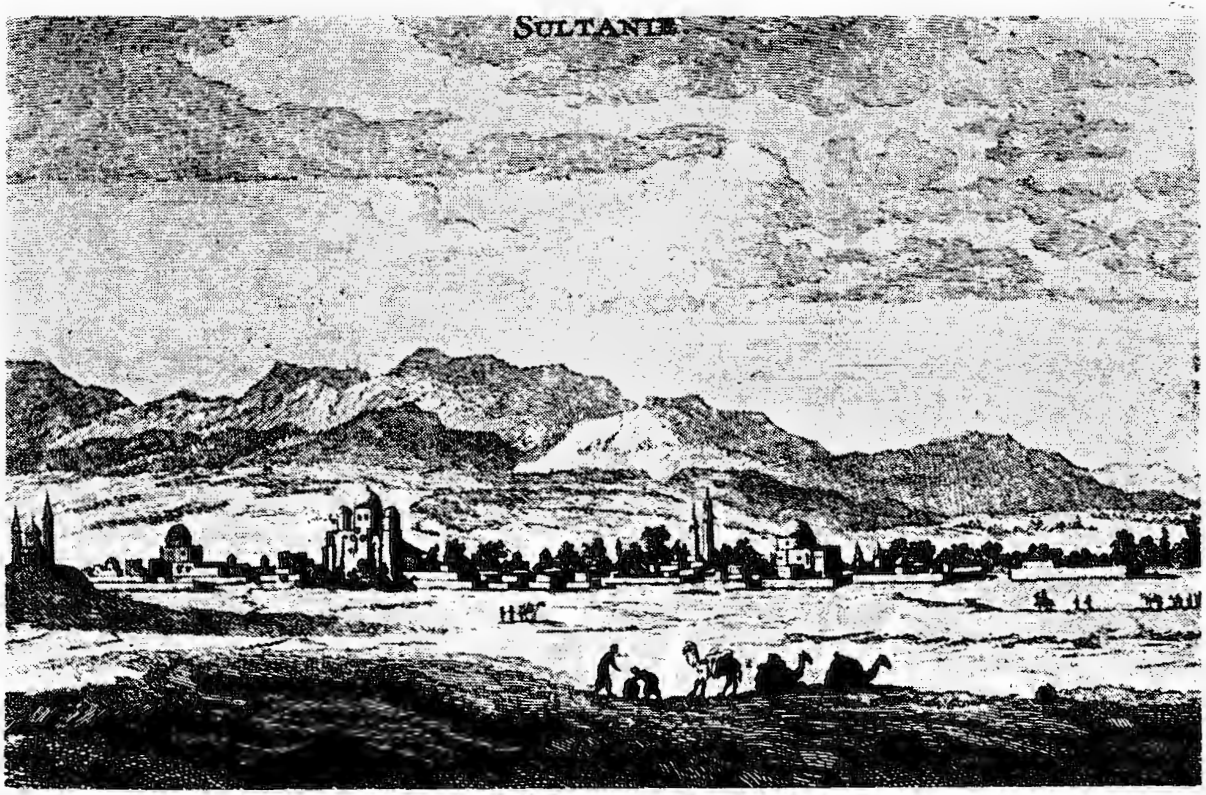

۲۲- سلطانیه

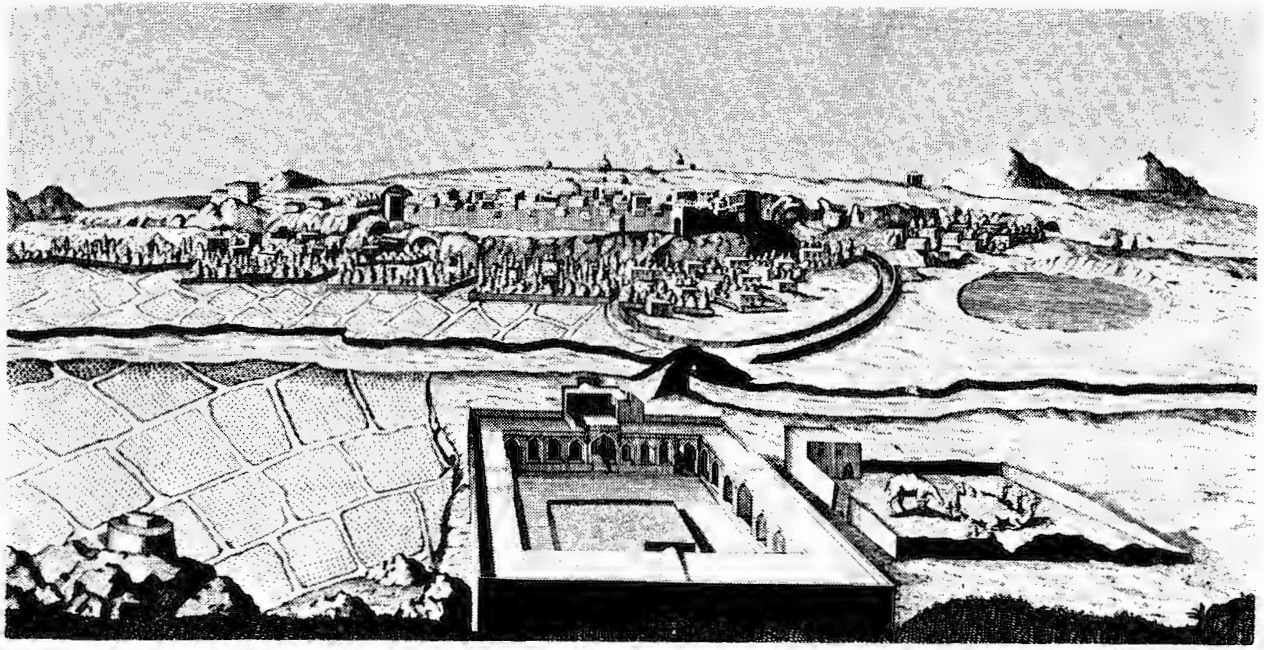

۲۳- یزد خواست

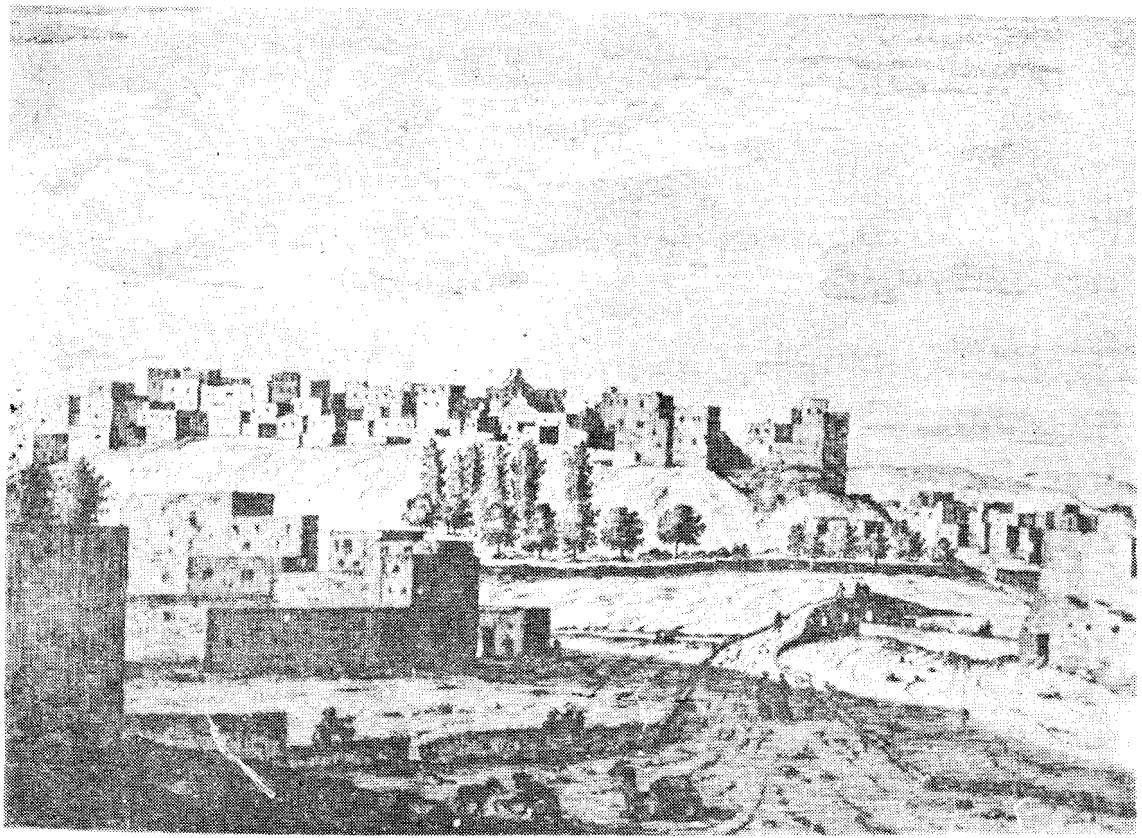

۲۴- یزدخواست

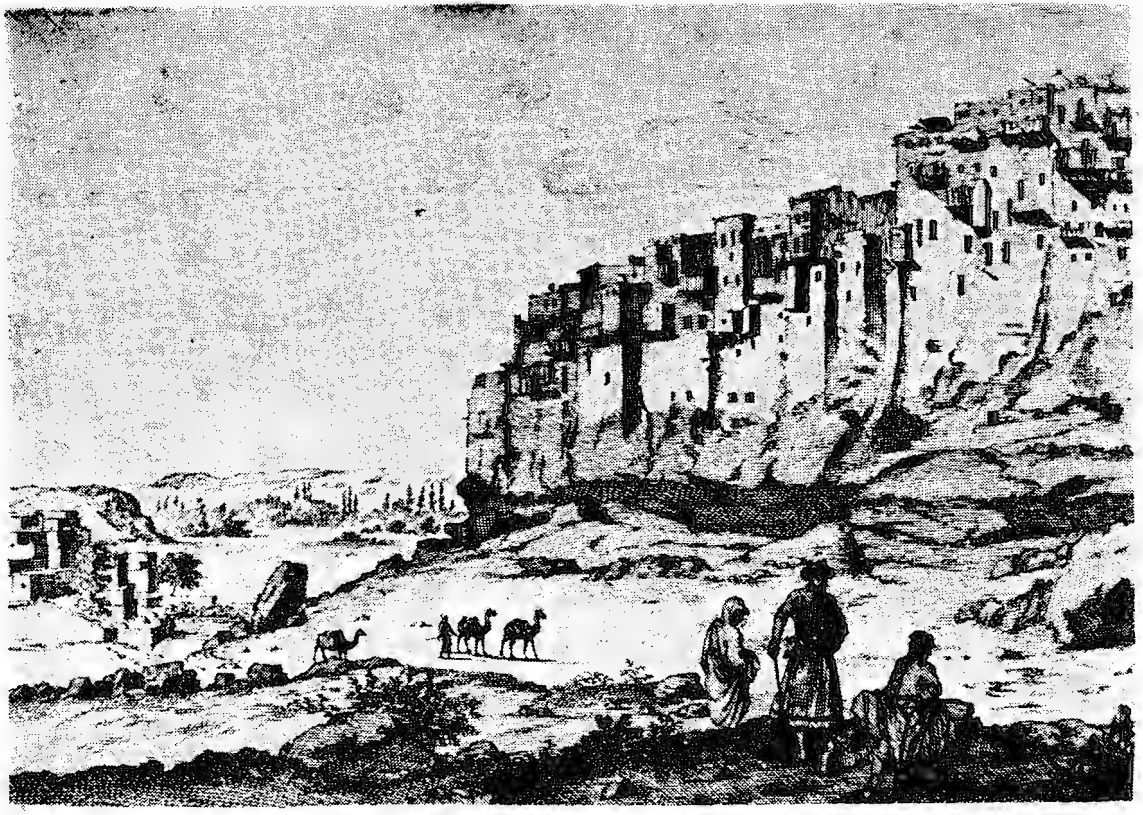

۲۵- یزدخواست

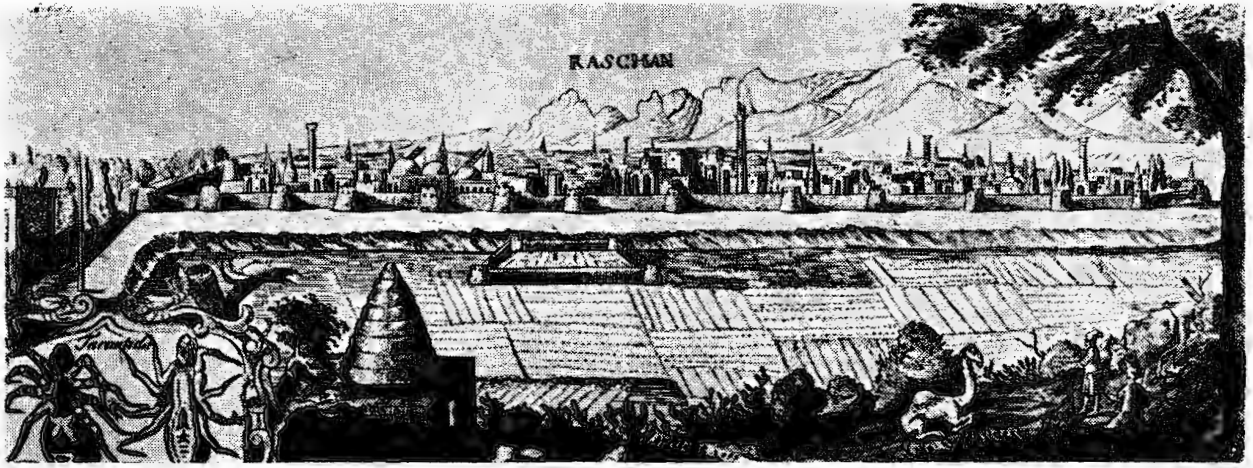

۲۶- کاشان

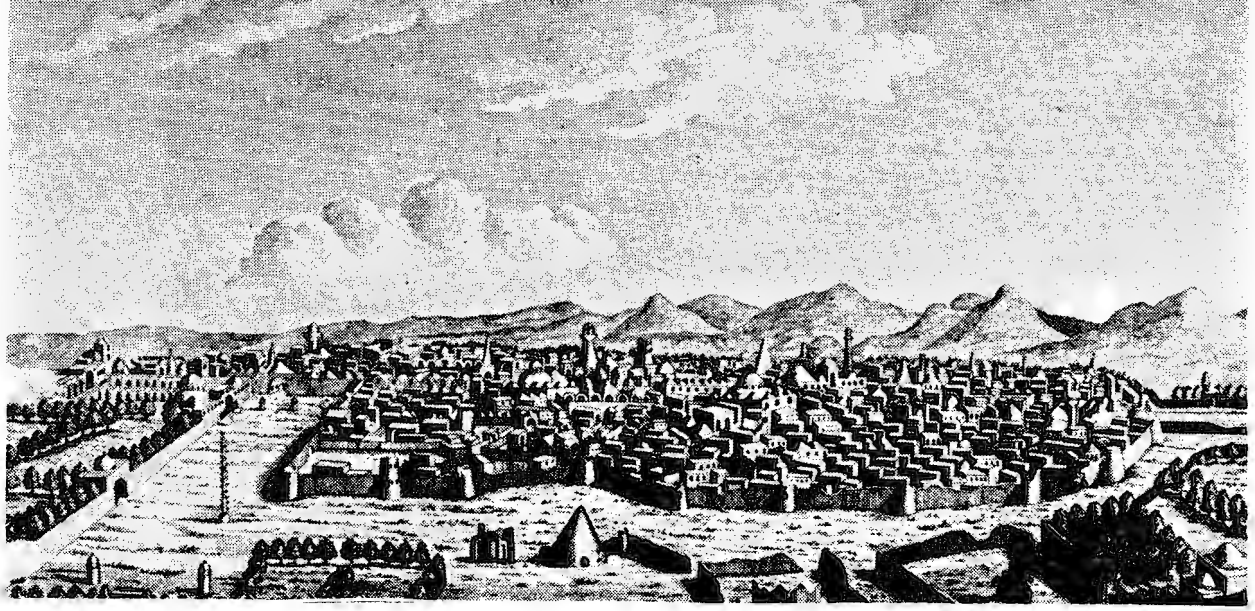

۲۷- کاشان

۲۸- کاشان

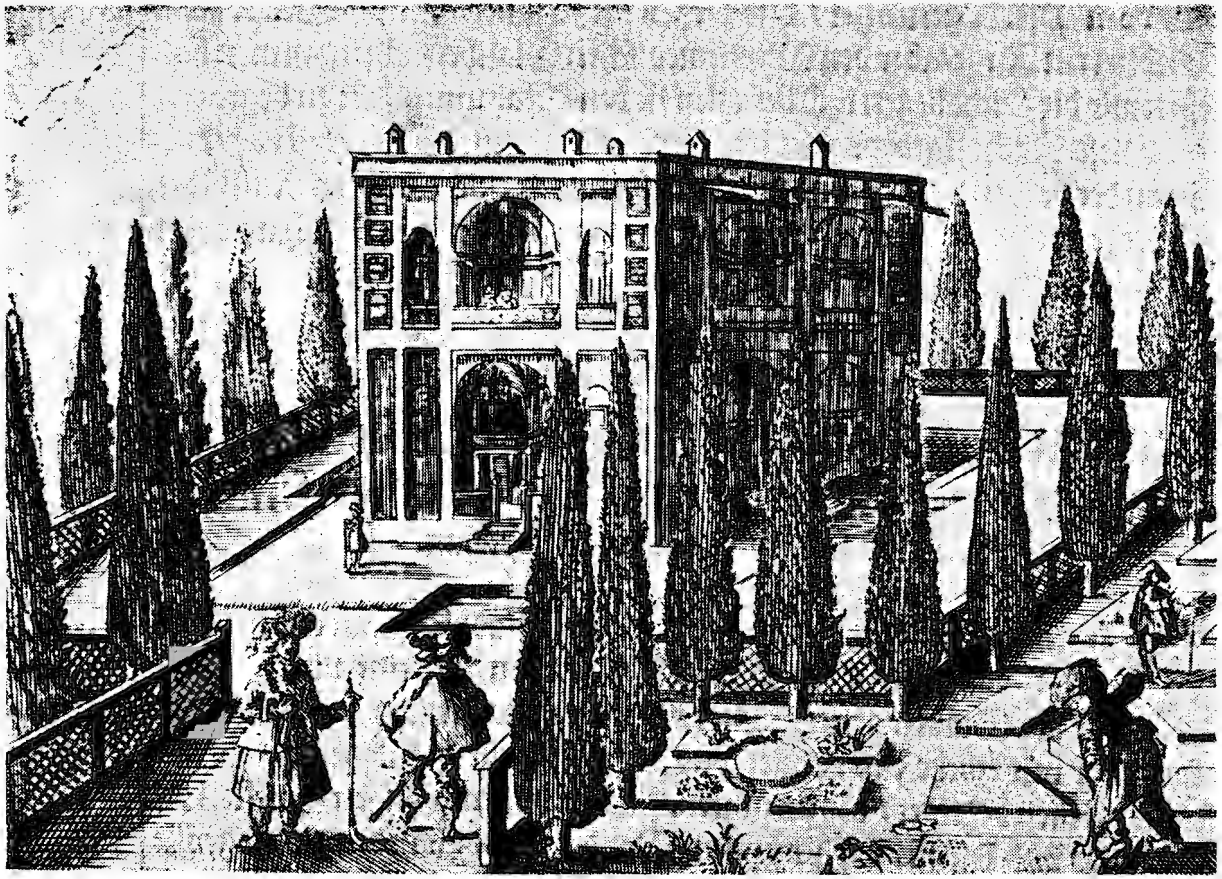

۲۹- عمارت هزار پنجره در کاشان

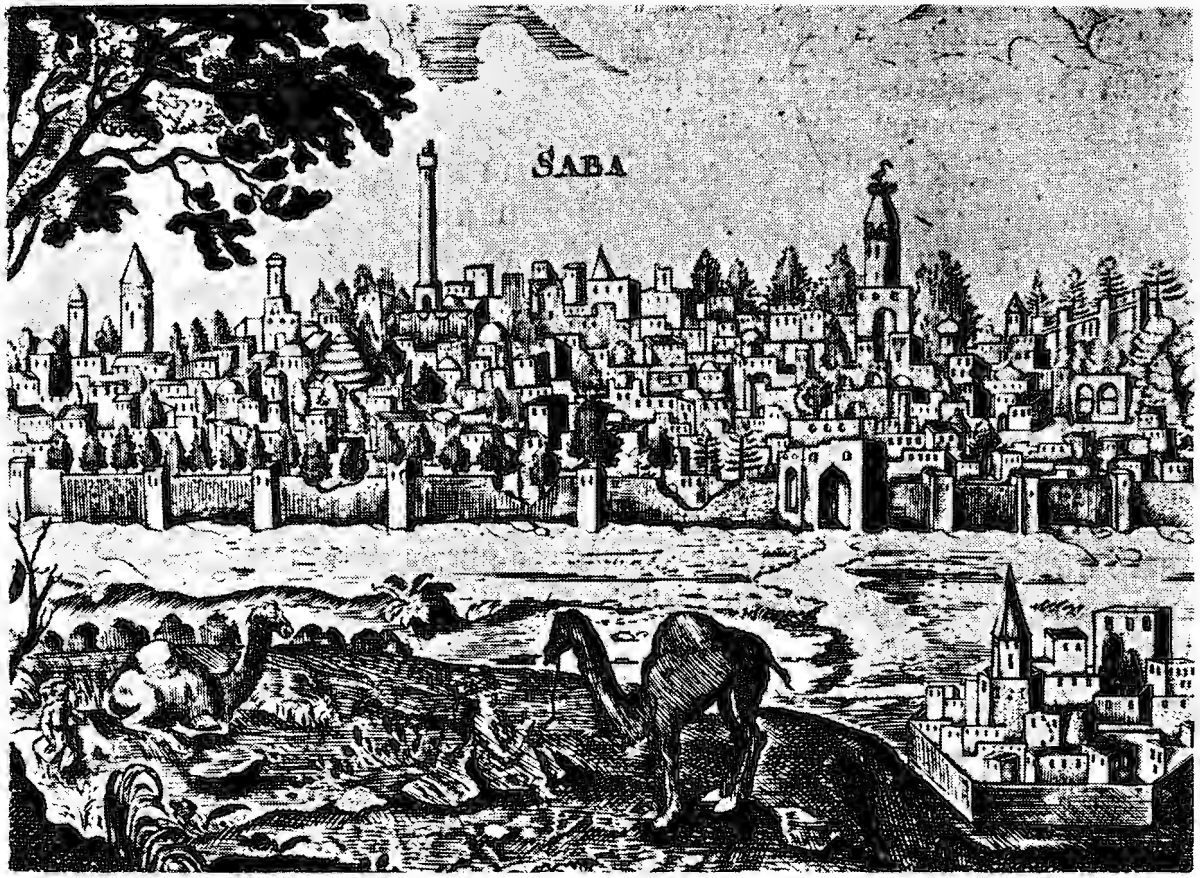

۳۰ـ ساوه

۳۱ـ ساوه

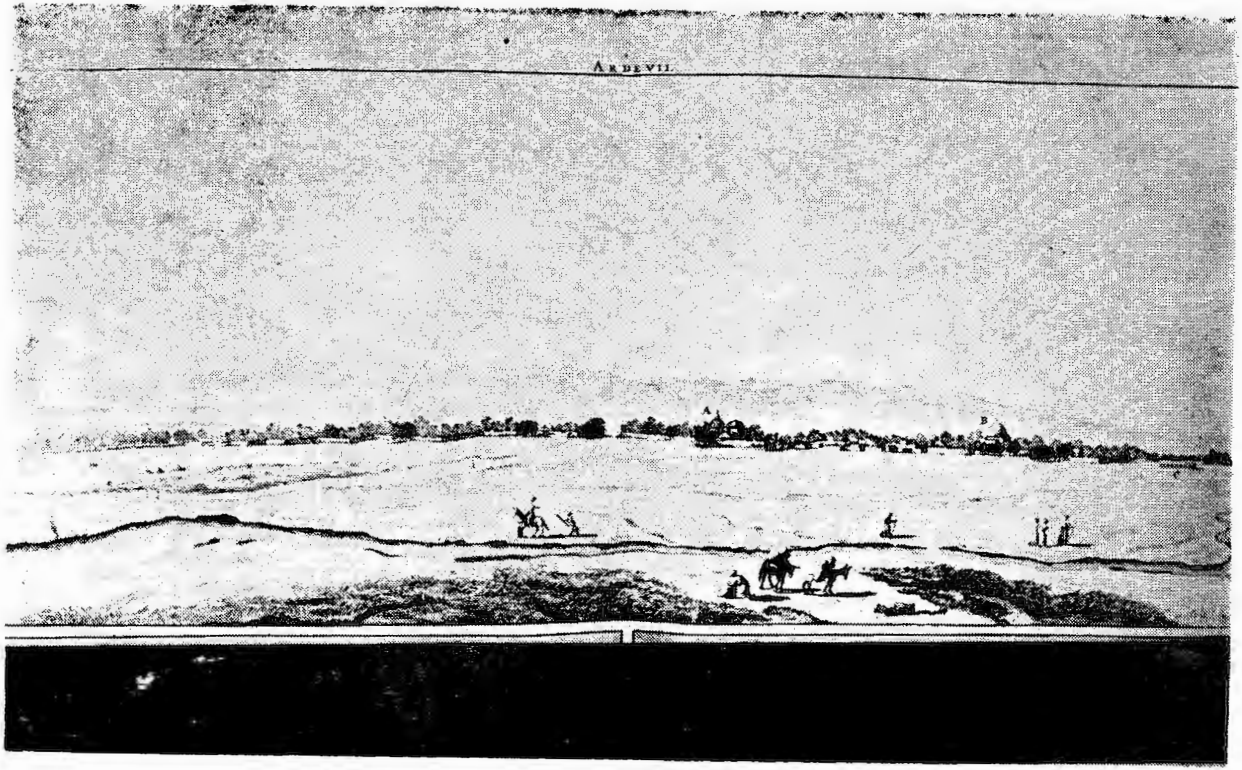

۳۲- اردبیل

۳۳- اعدام ساعت ساز سویسی رودولف استادلر

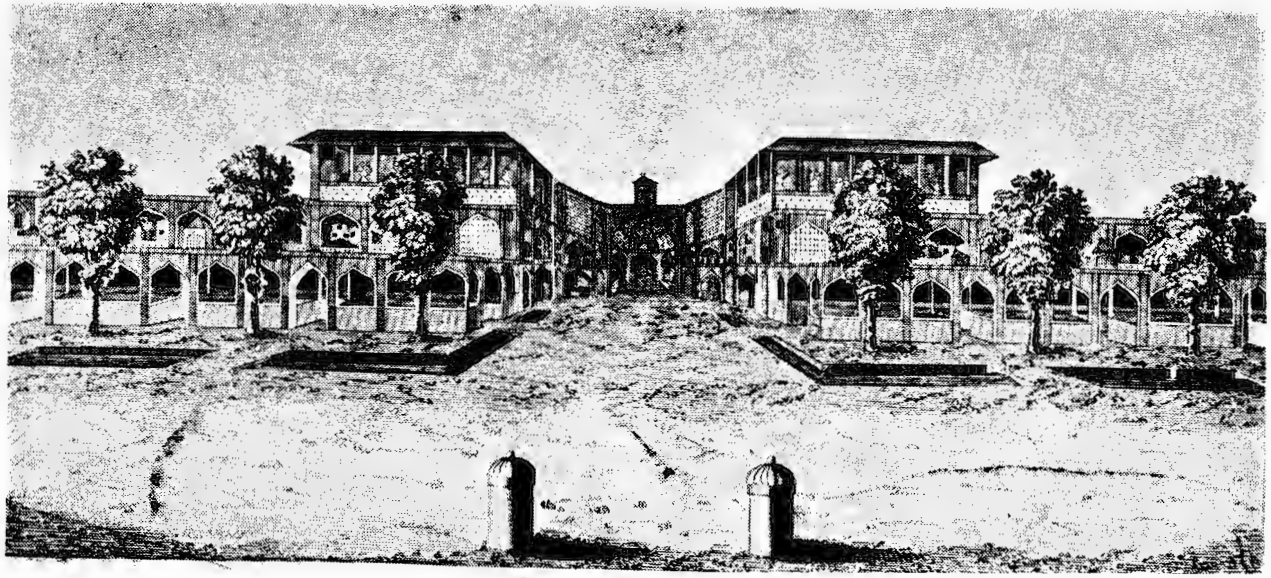

۳٤ ـ مدخل بازار بزرگ

۳۵- مسجد شیخ لطف‌الله

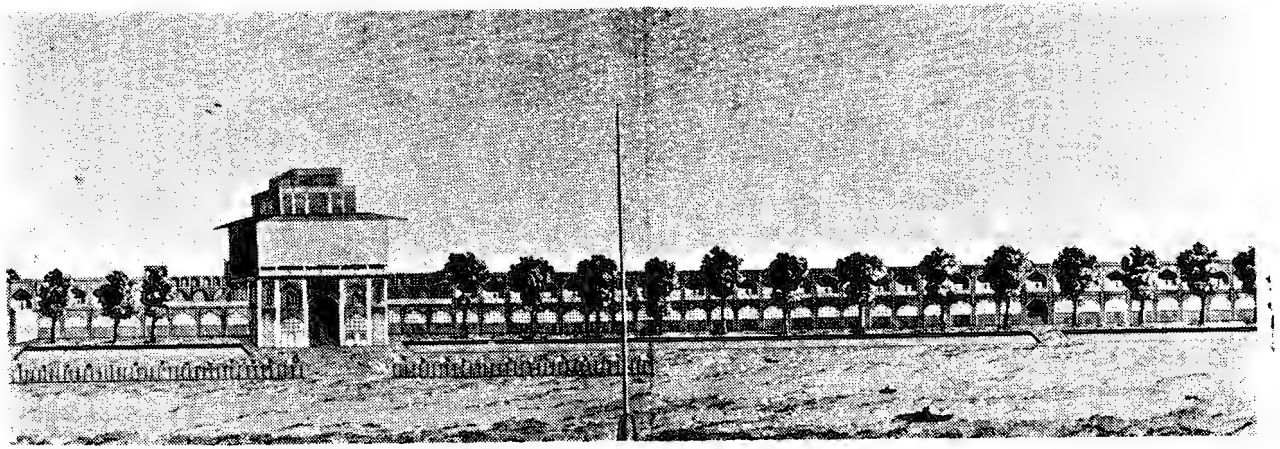

۳۶- عالی‌قاپو

۳۷ـ مسجد شاه

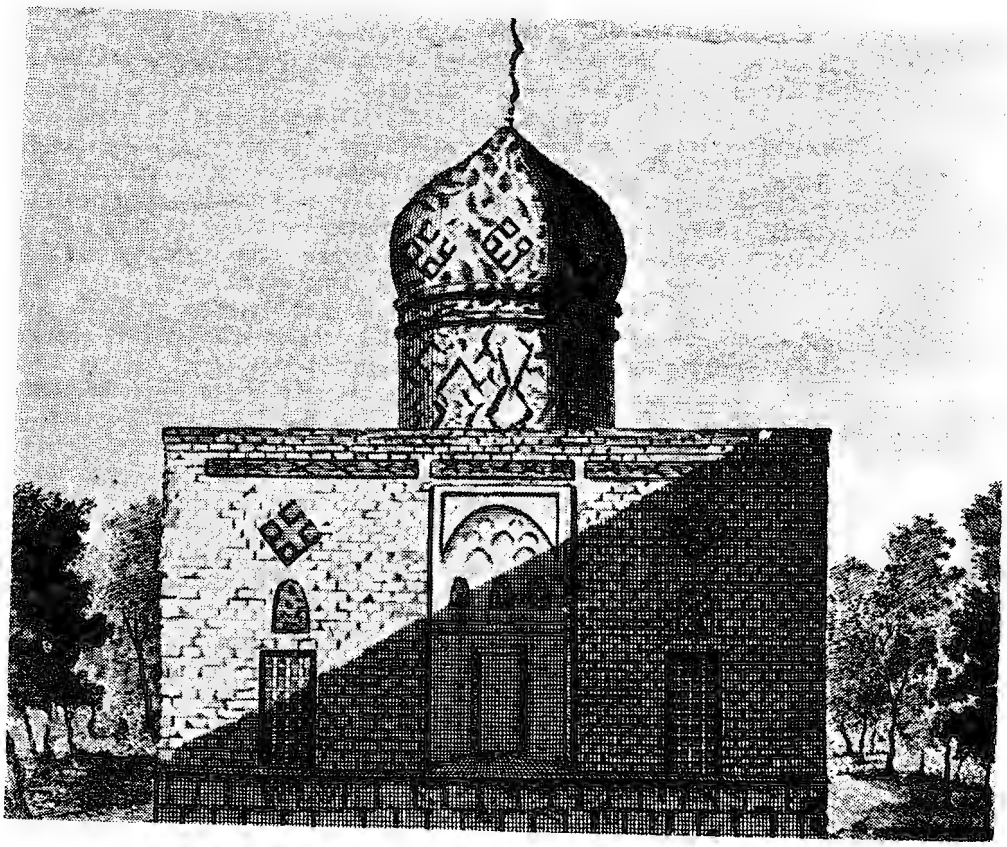

۳۸ - مقبره شیخ صفی‌الدین

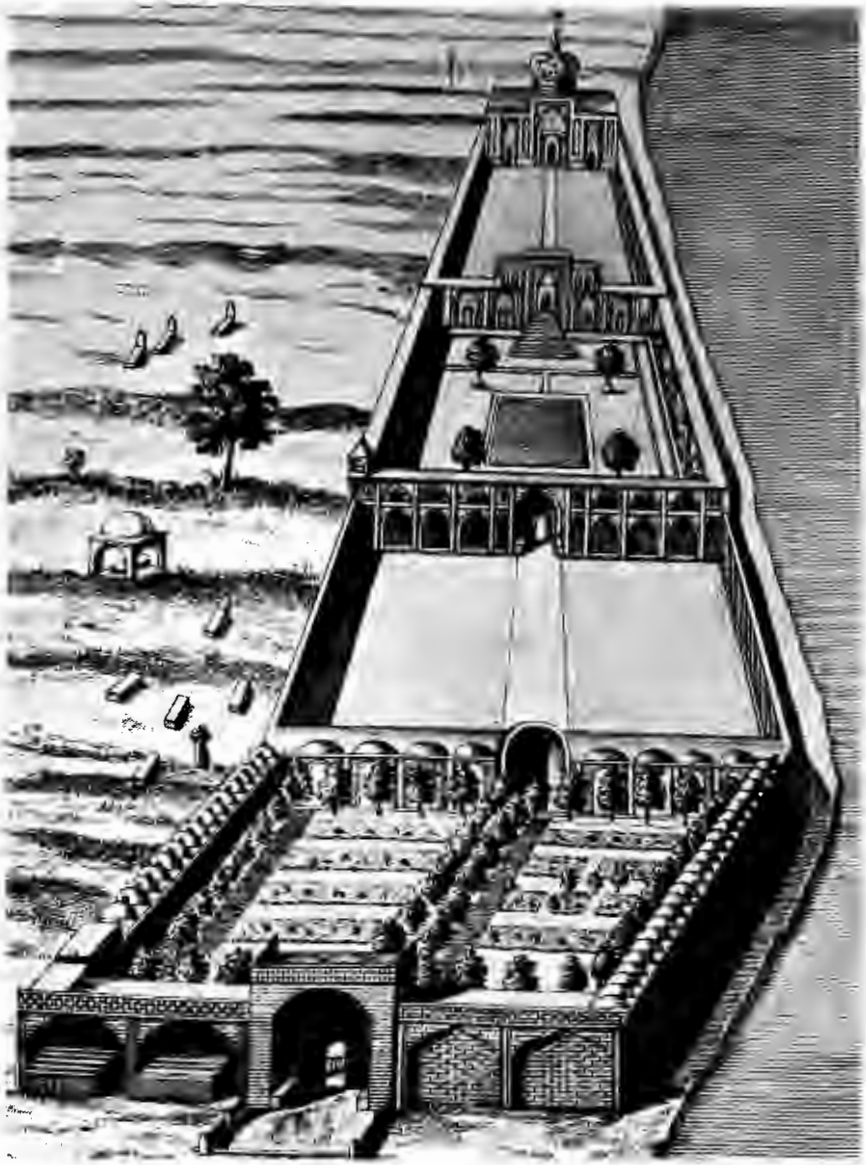

۳۹ - مقبره حضرت معصومه

۴۰ـ مقبره شاه عباس دوم

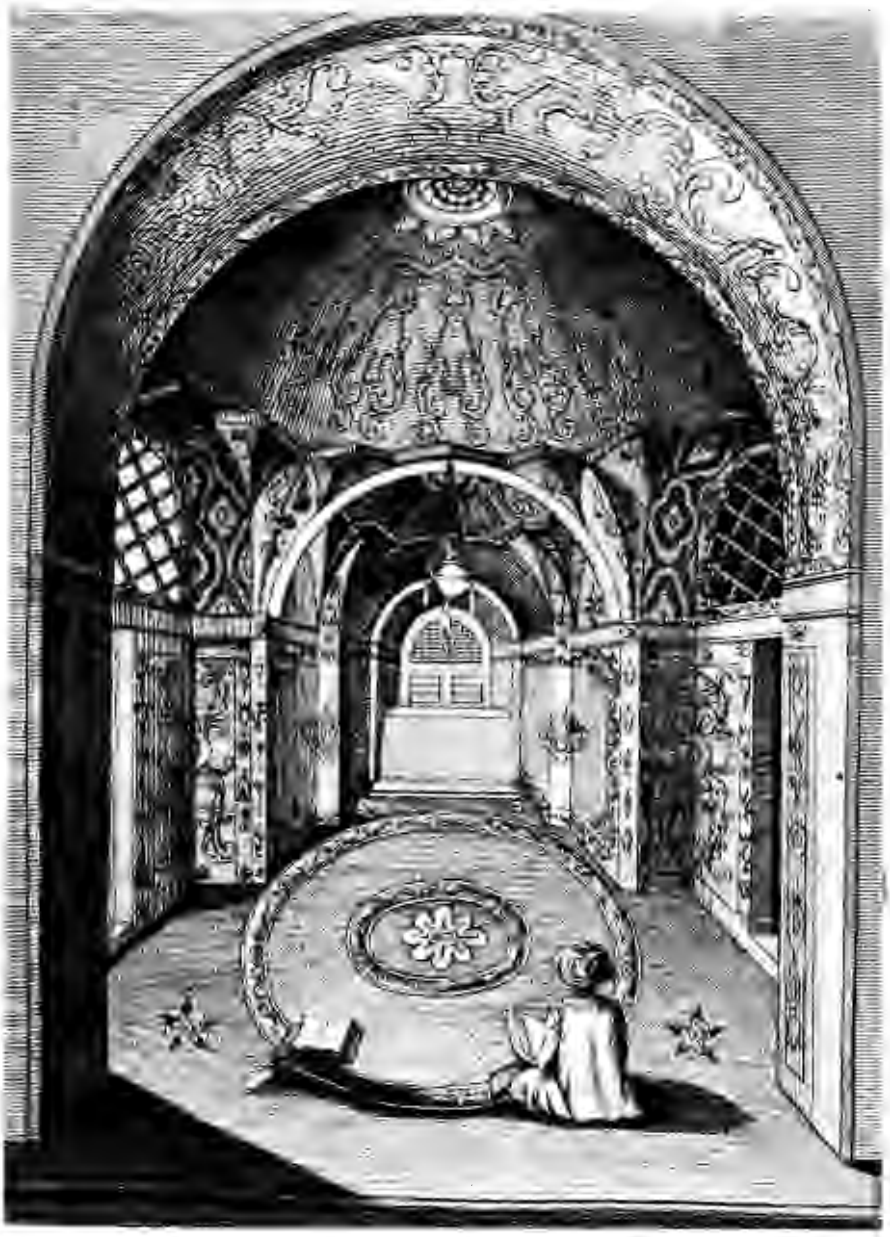

۴۱ـ مقبره شاه صفی اول

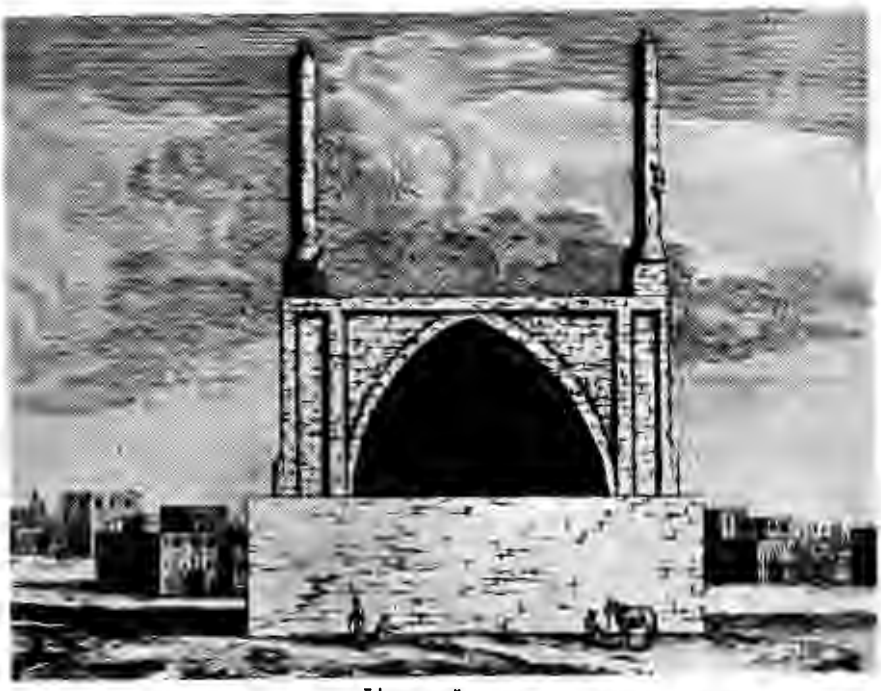

۴۲- مقبره عبدالله

۴۳ـ مقبره حافظ

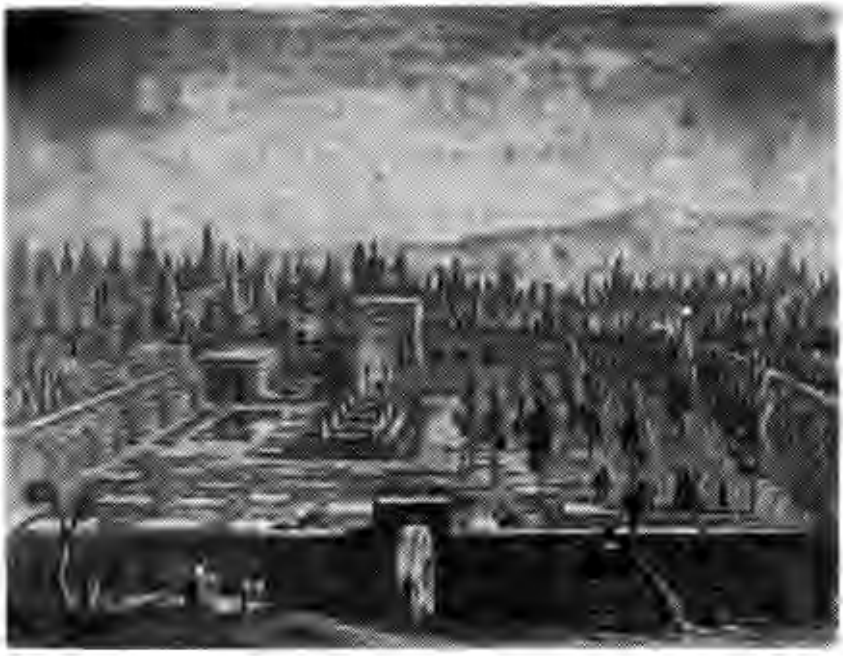

٤٤- مقبره حافظ

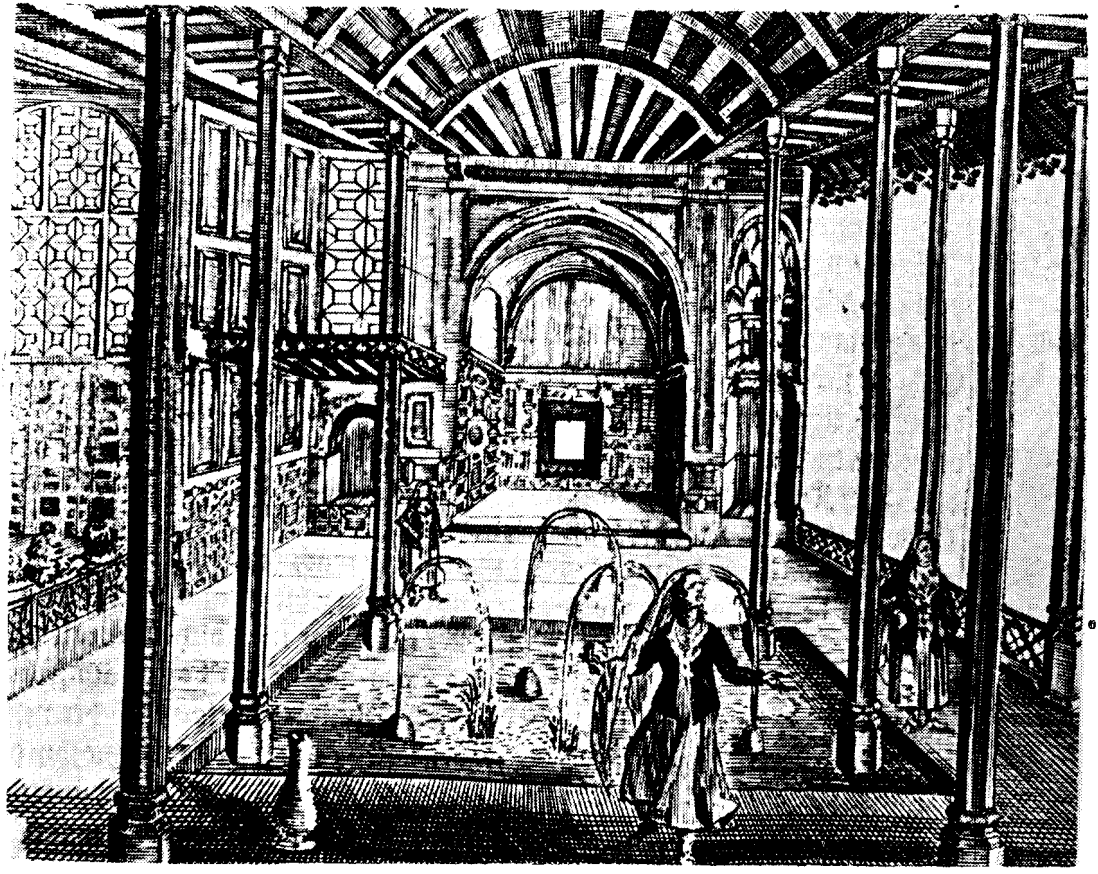

٤٥ ـ تالار آینه

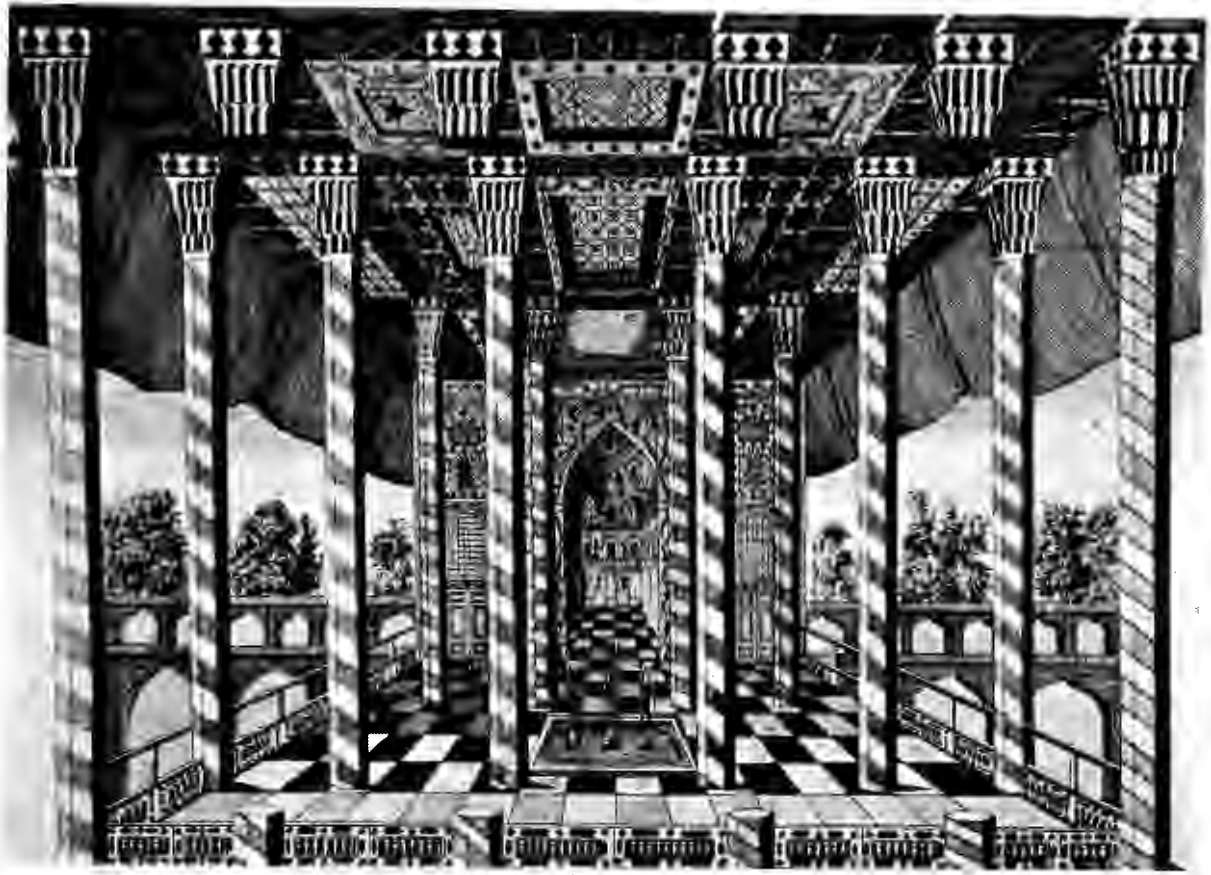

٤٦- عالی‌قاپو

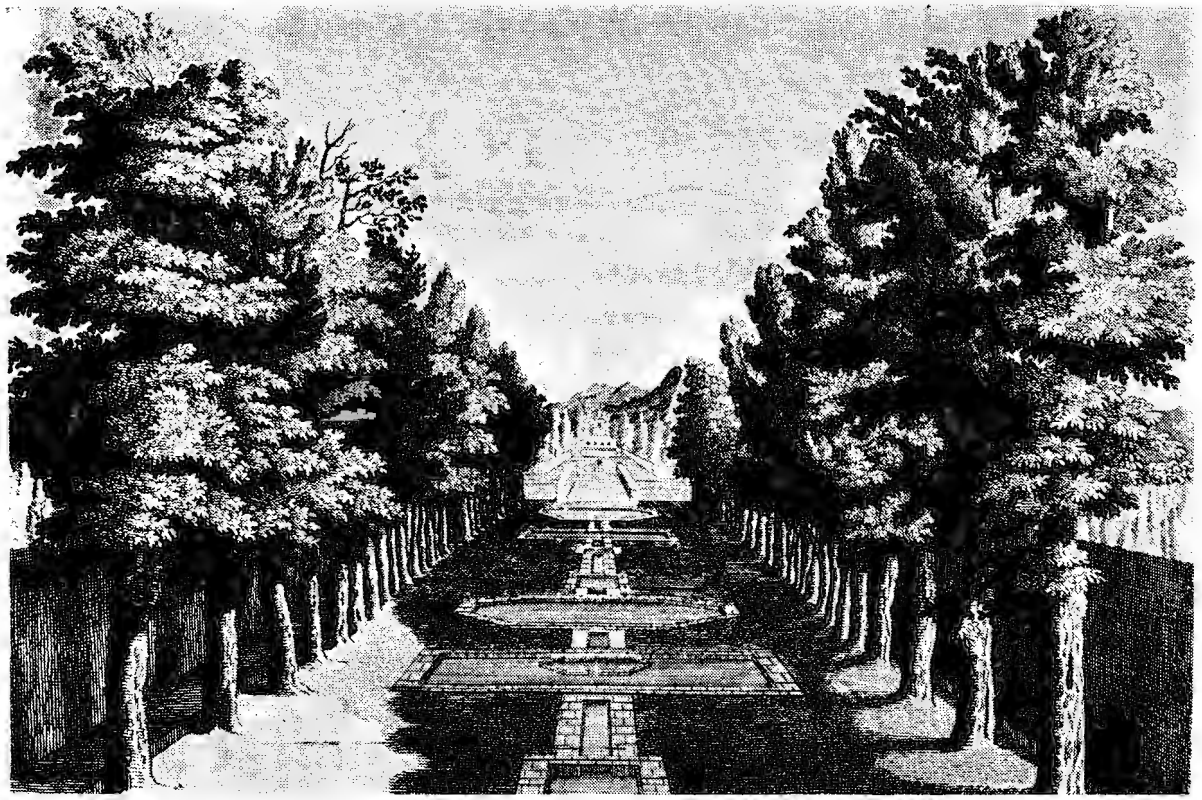

۴۷- پارک هزار جریب

۴۸ - نجف‌آباد شیراز

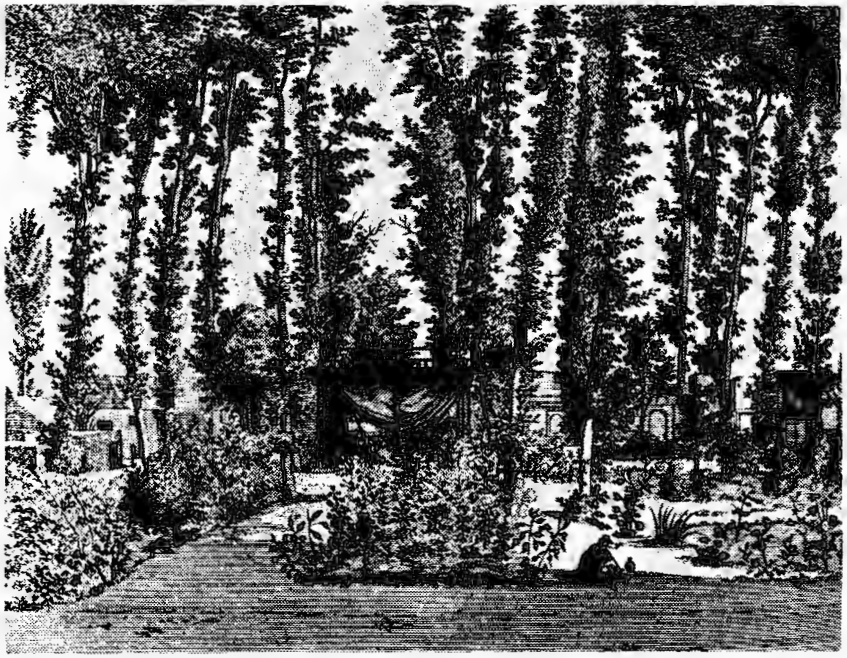

۴۹- مقر کمپانی هلندی شرقی در شیراز

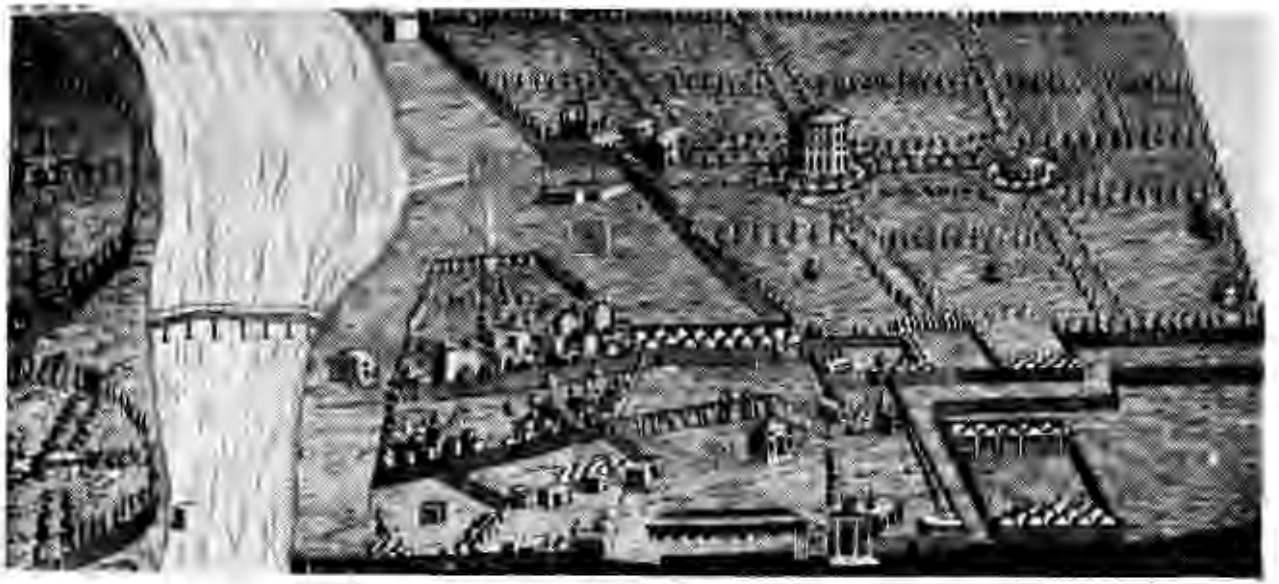

۵۰ ـ سعادت‌آباد اصفهان

۵۱ ـ عمارت آینه‌خانه

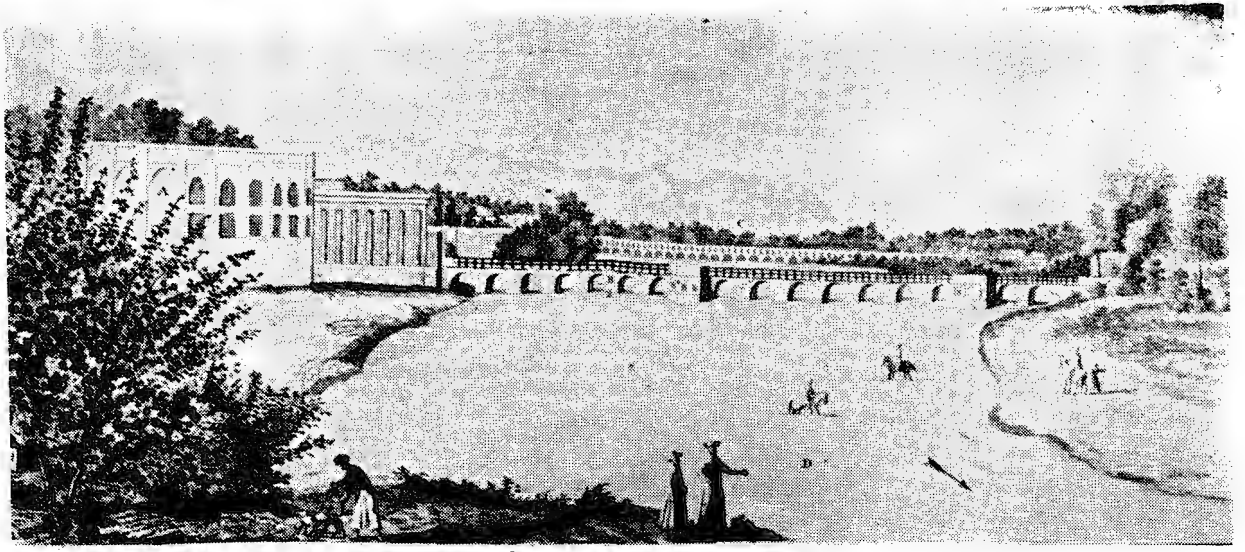

۵۲ـ عمارت هفت دستگاه

۵۳ـ تخت سلیمان

۵۴ـ تخت سلیمان

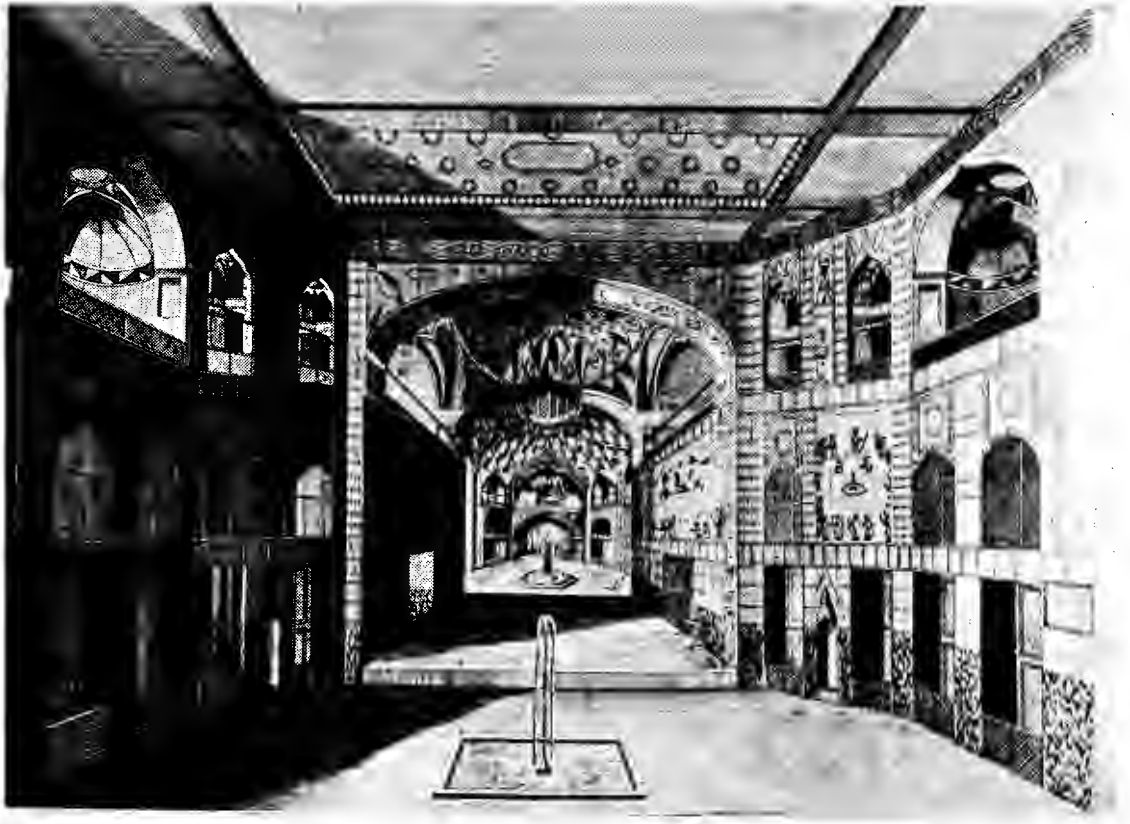

۵۵ـ عمارت هشت بهشت

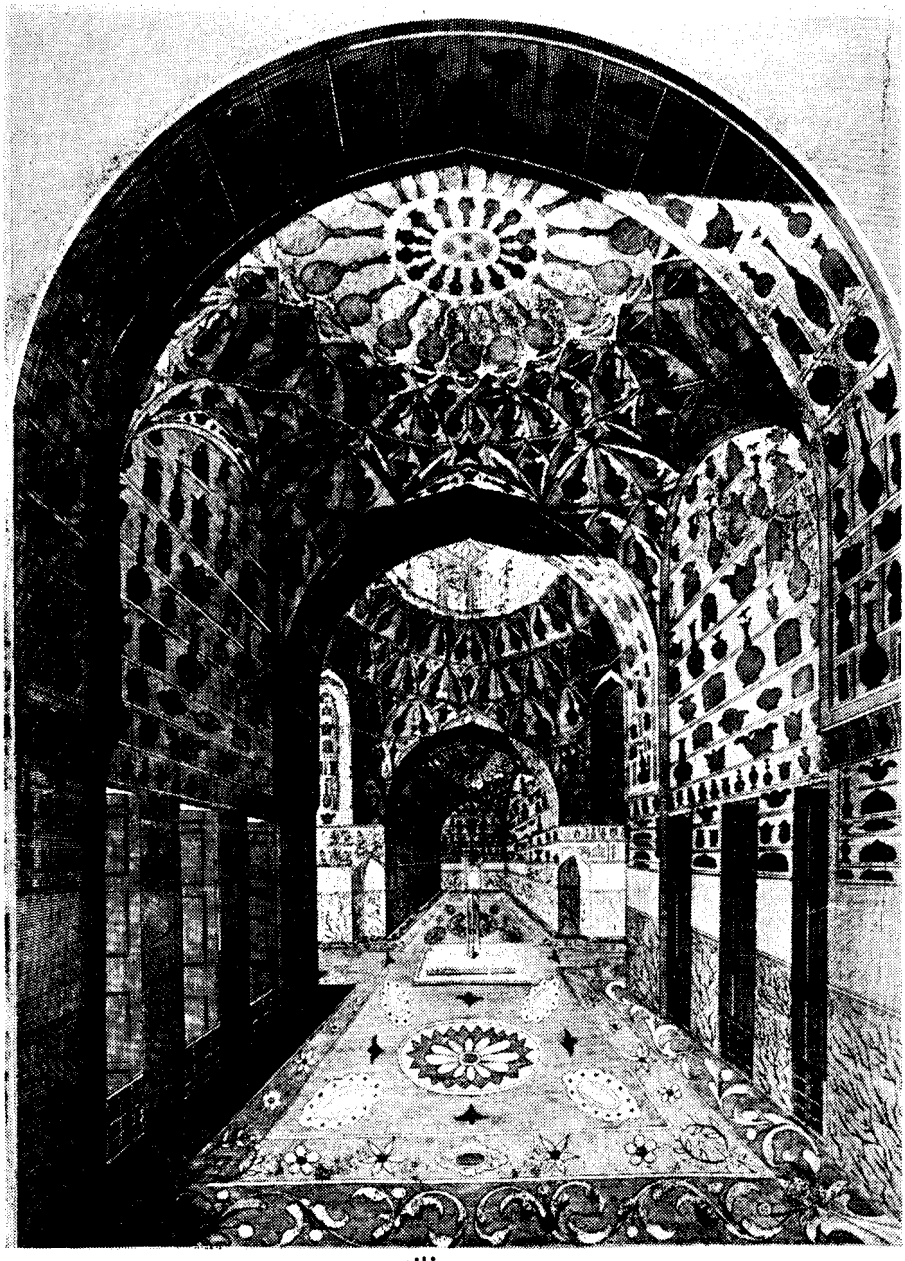

٥٦ ـ سیخانه

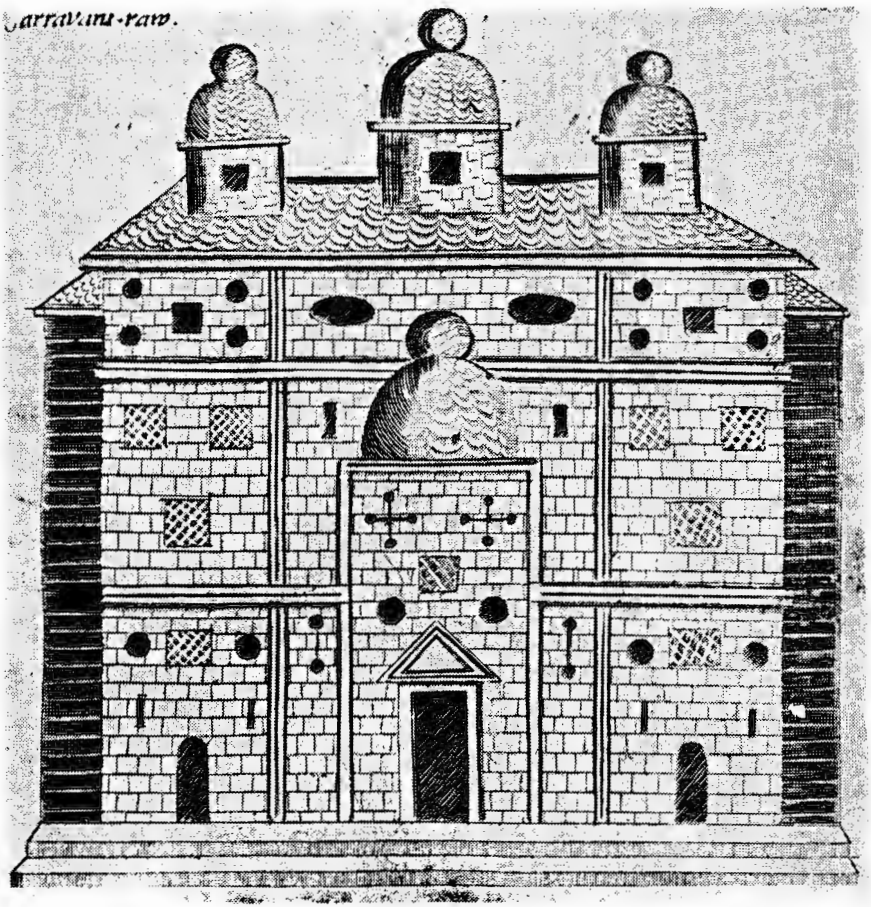

۵۲ ـ کاروانسرا

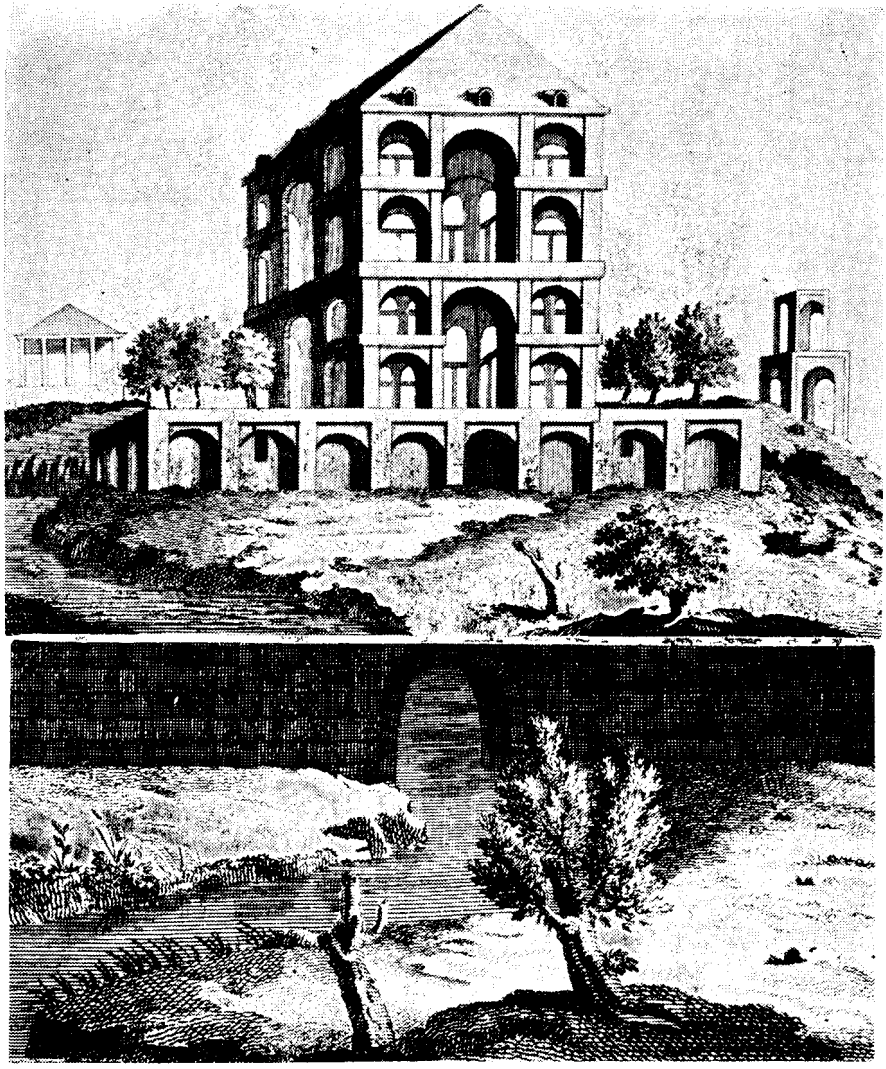

۵۸ـ کاروانسرا

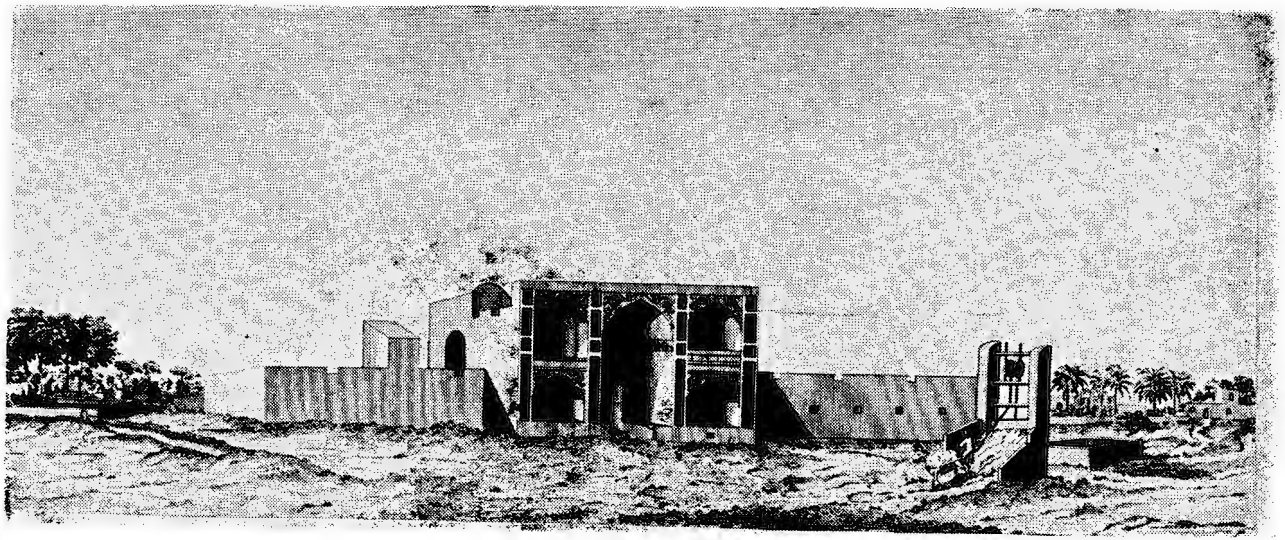

۵۹ - کاروانسرای جارون

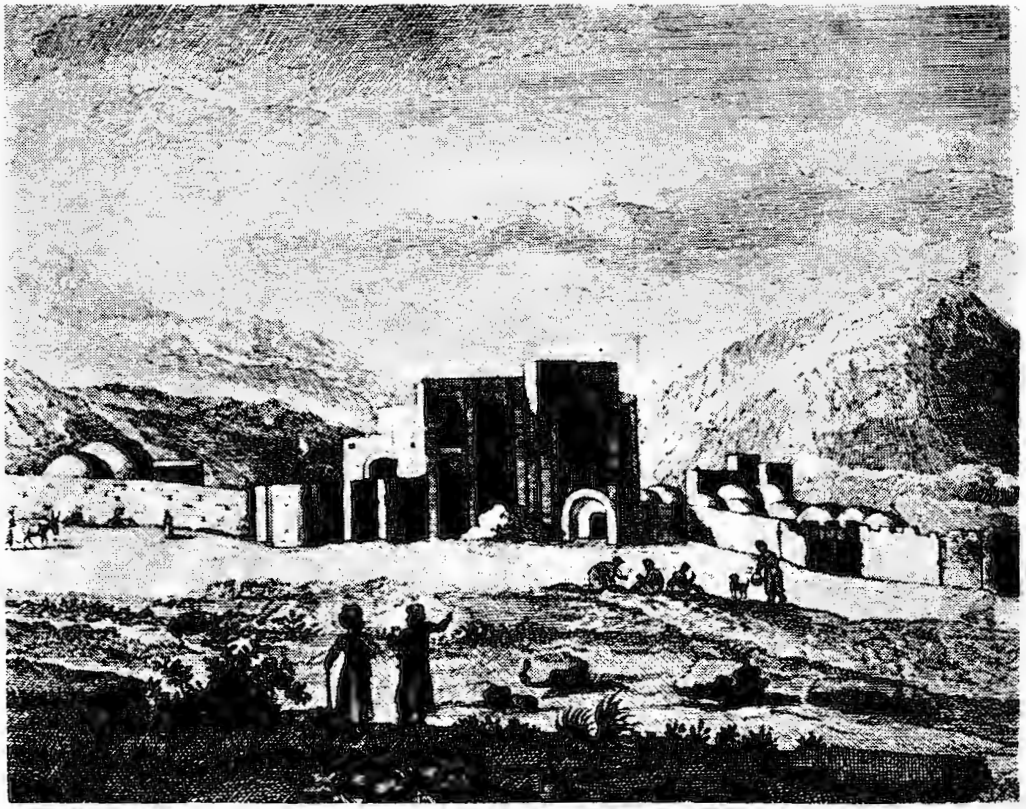

۶۰ـ کاروانسرای ساردا هان

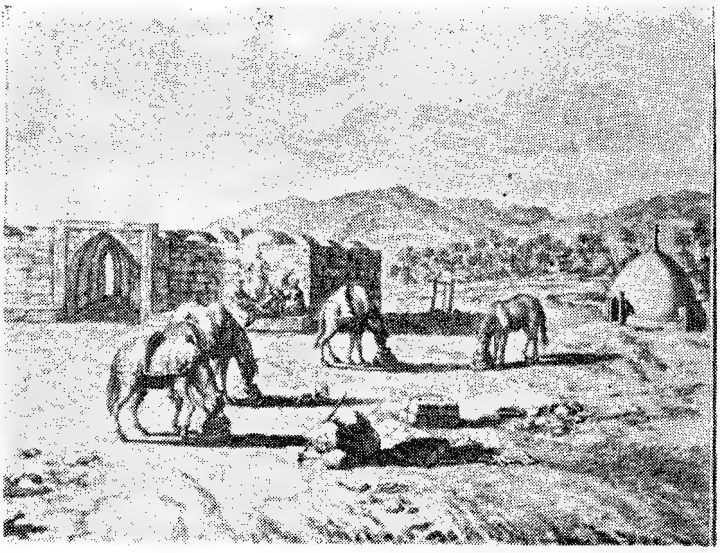

۶۱- کاروانسرای «گورموئت»

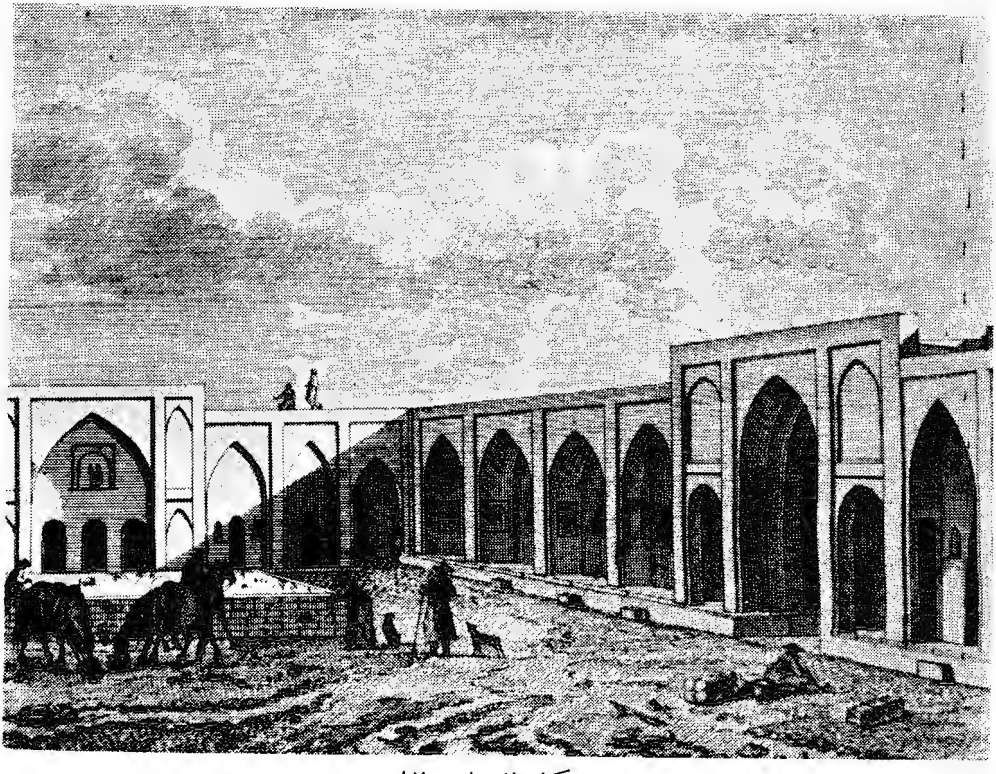

۶۲- کاروانسرای ماژار

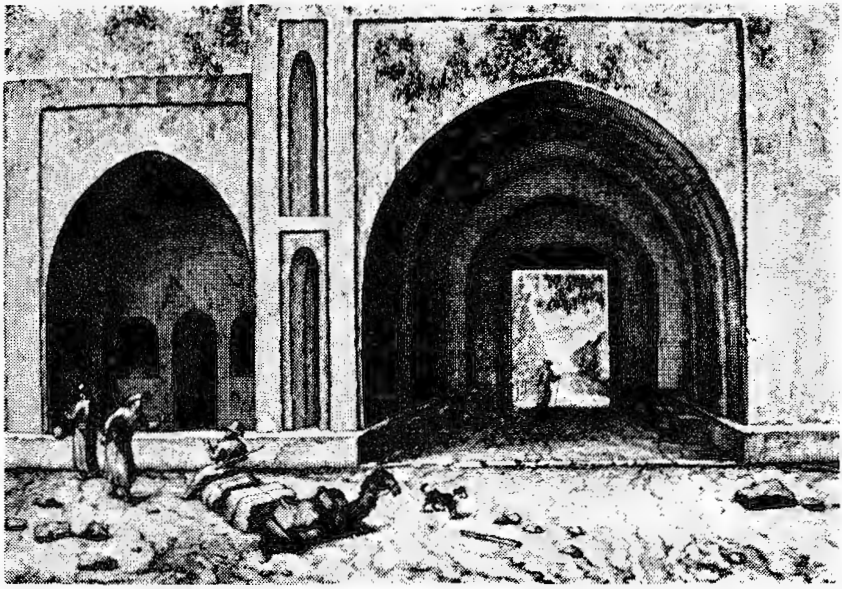

۶۲- کاروانسرای ماژار

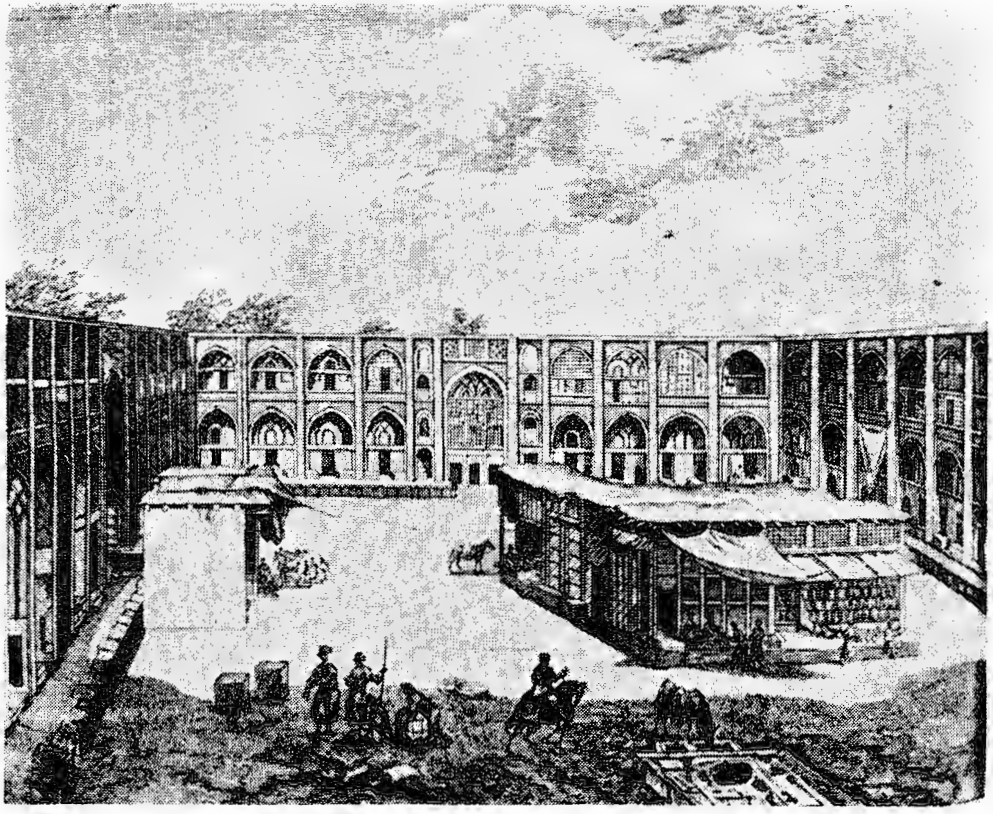

۶۴ - کاروانسرائی نزدیک شیراز

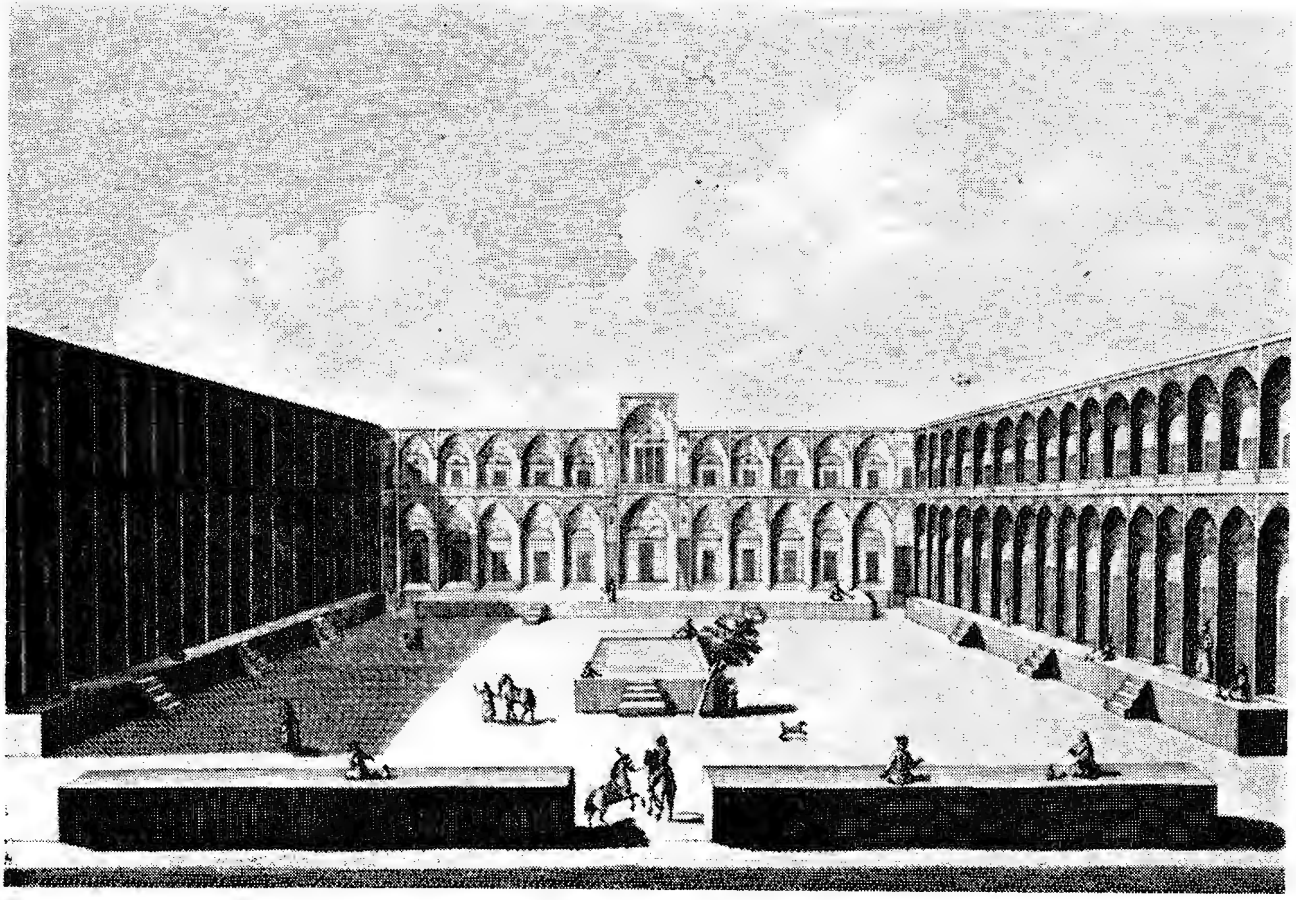

۶۵ ـ کاروانسرای شاهی کاشان

۶۶- پلی برروی سفید رود

۶۷- پل‌شهرستان در اصفهان

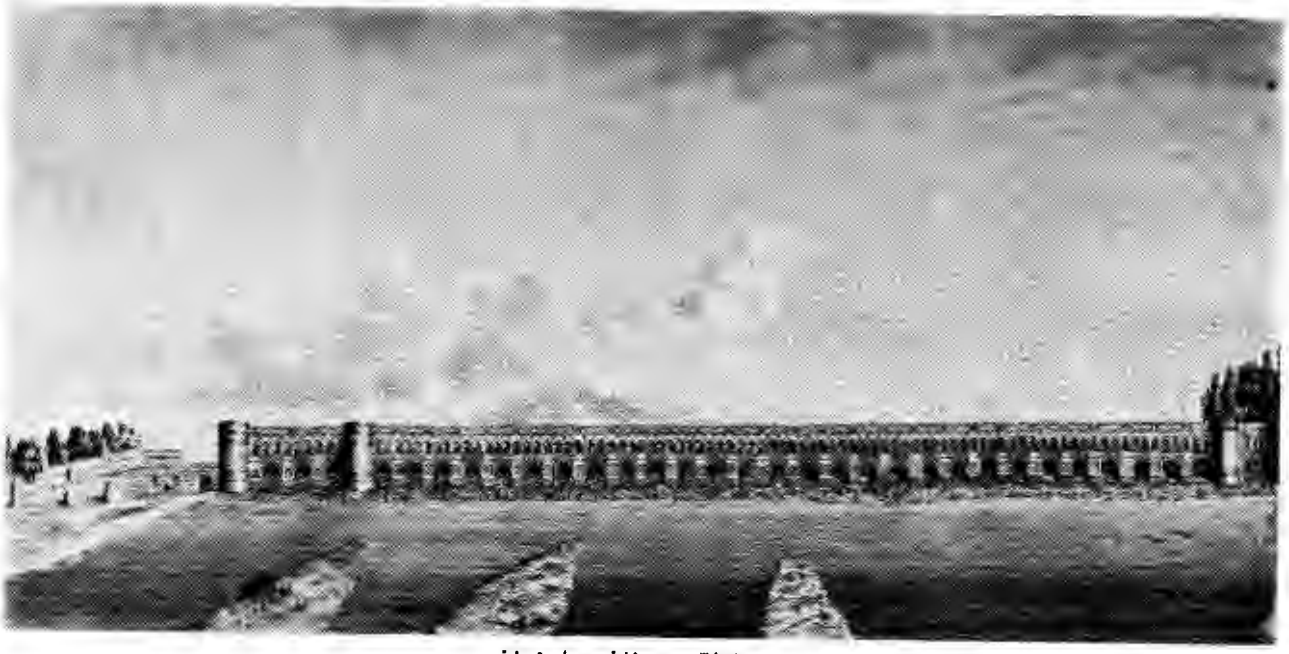

۶۸- پل الله‌وردیخان در اصفهان

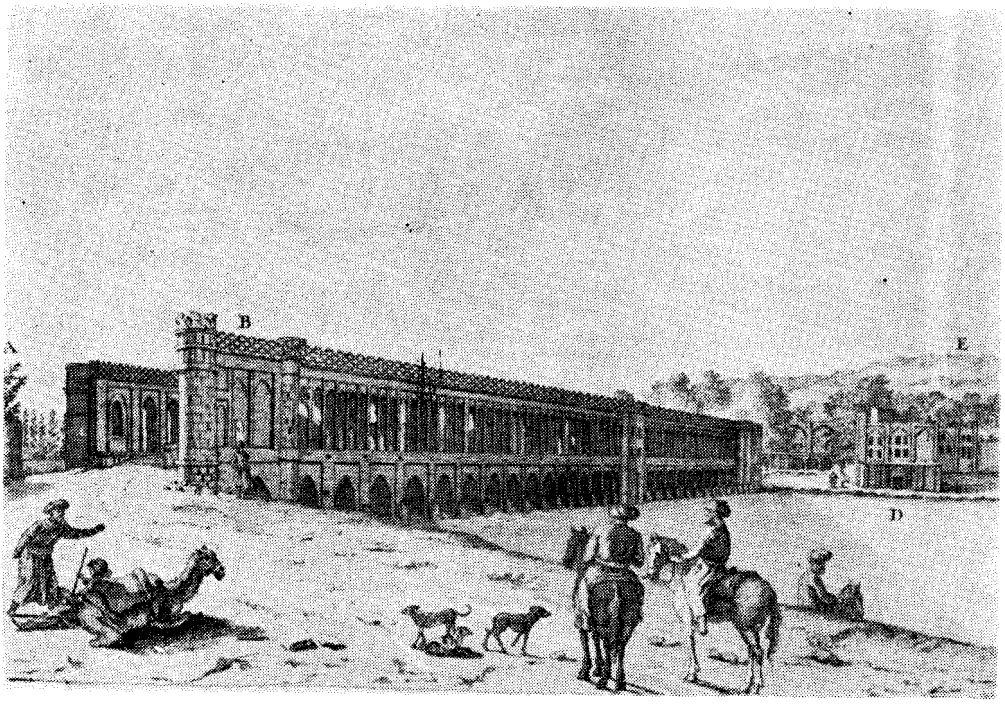

۶۹- پل‌الله‌وردیخان در اصفهان

۷۰- پل الله وردیخان در اصفهان

۷۱ - پل الله‌وردیخان در اصفهان

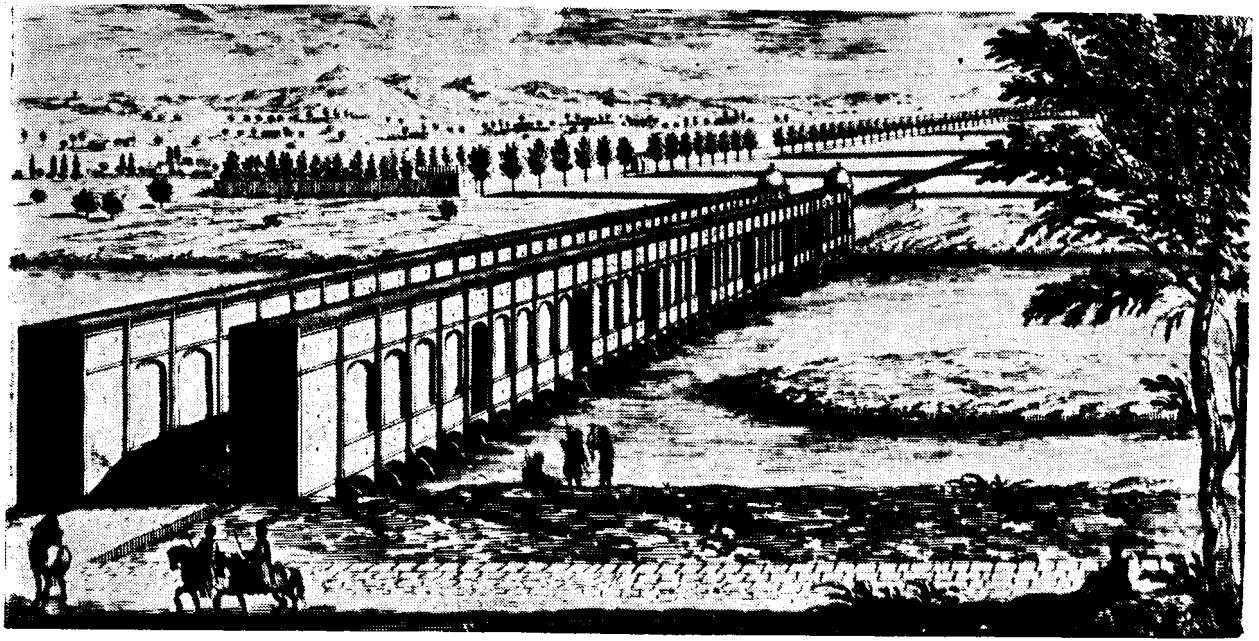

۷۲ - پل‌الله‌وردیخان در اصفهان

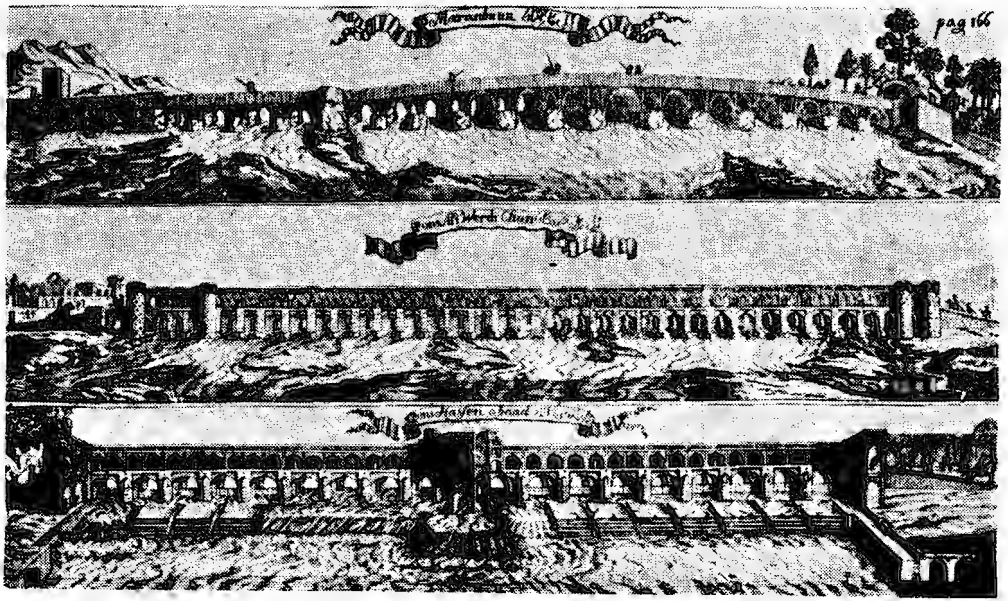

۷۳ - پلهای سارنان ، اللهوردیخان و خواجو

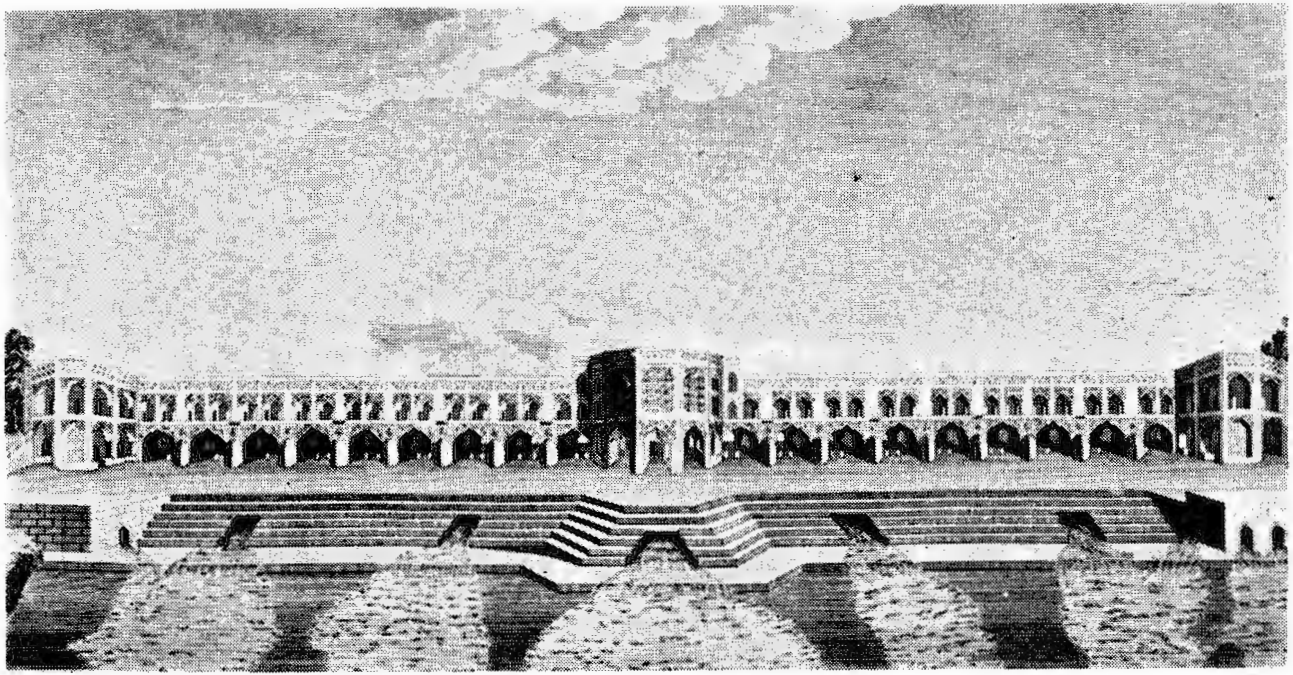

۷۴ - پل خواجو در اصفهان

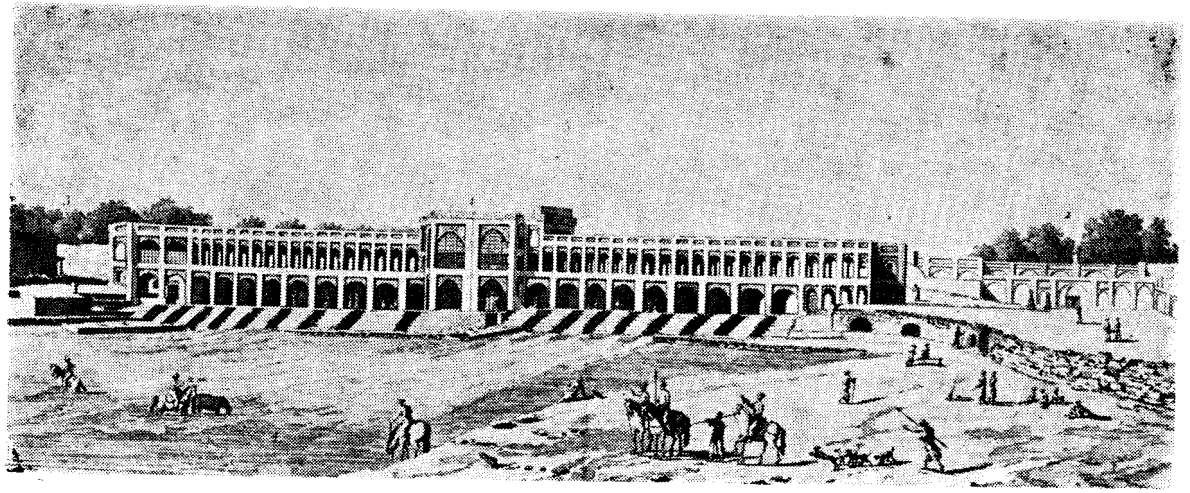

۷۵- پل خواجو در اصفهان

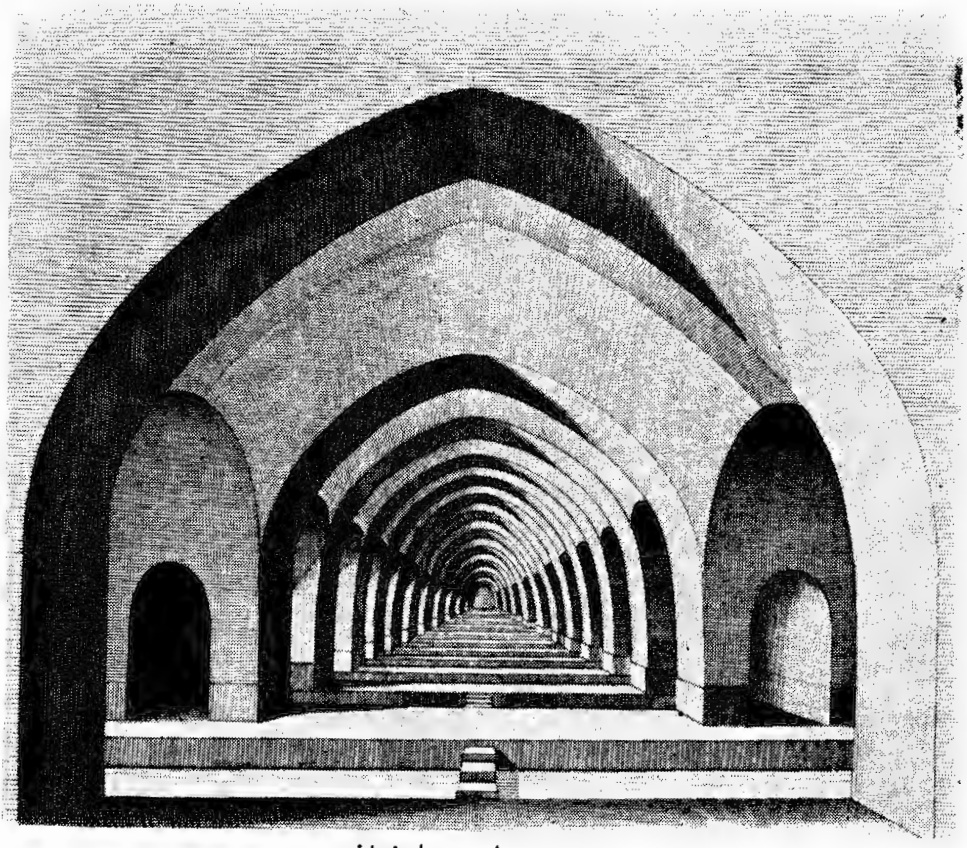

۷۶- پل خواجو در اصفهان

۷۷- پلی در نزدیکی شهر اردبیل

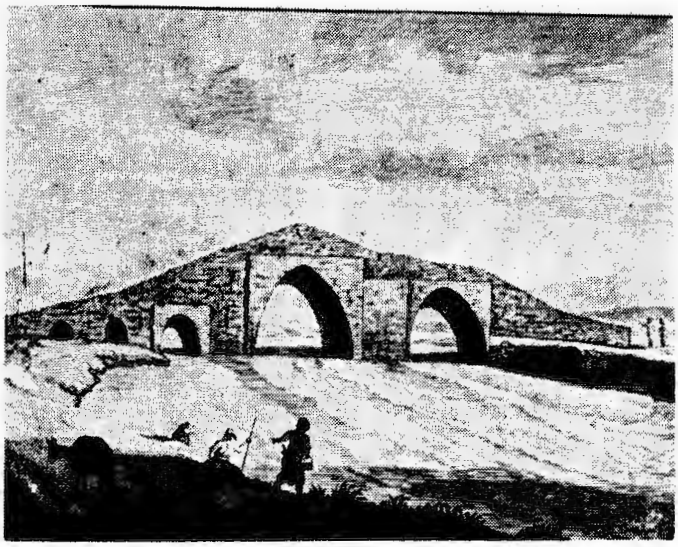

۷۸- پل خان در حوالی شیراز

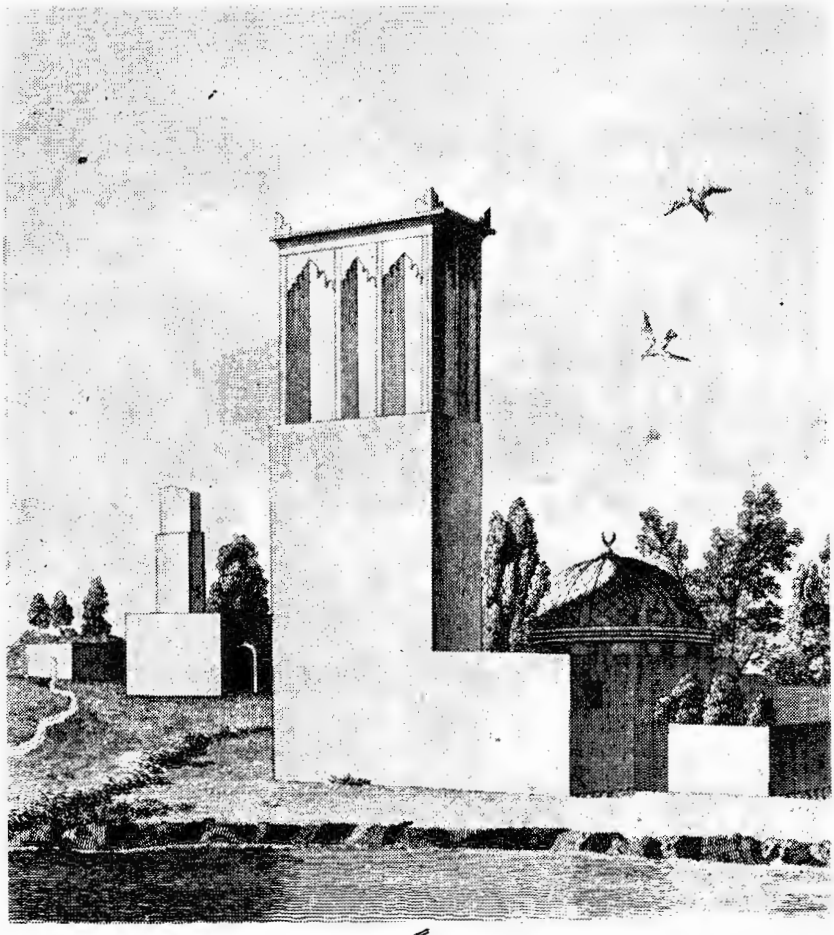

۷۹- باد گیر

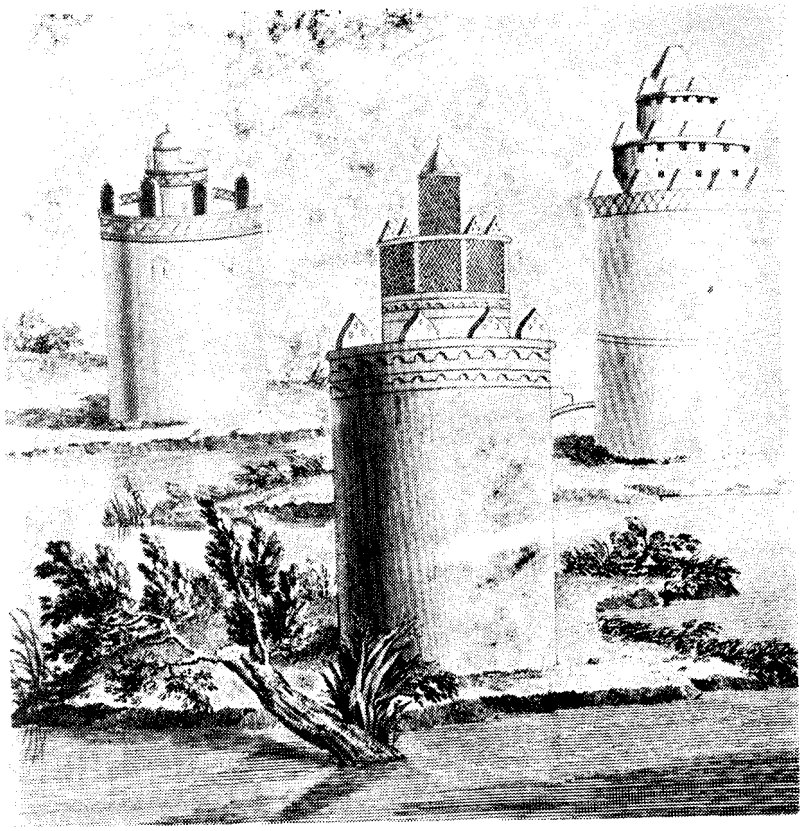

۸۰- برجهای کبوترخان

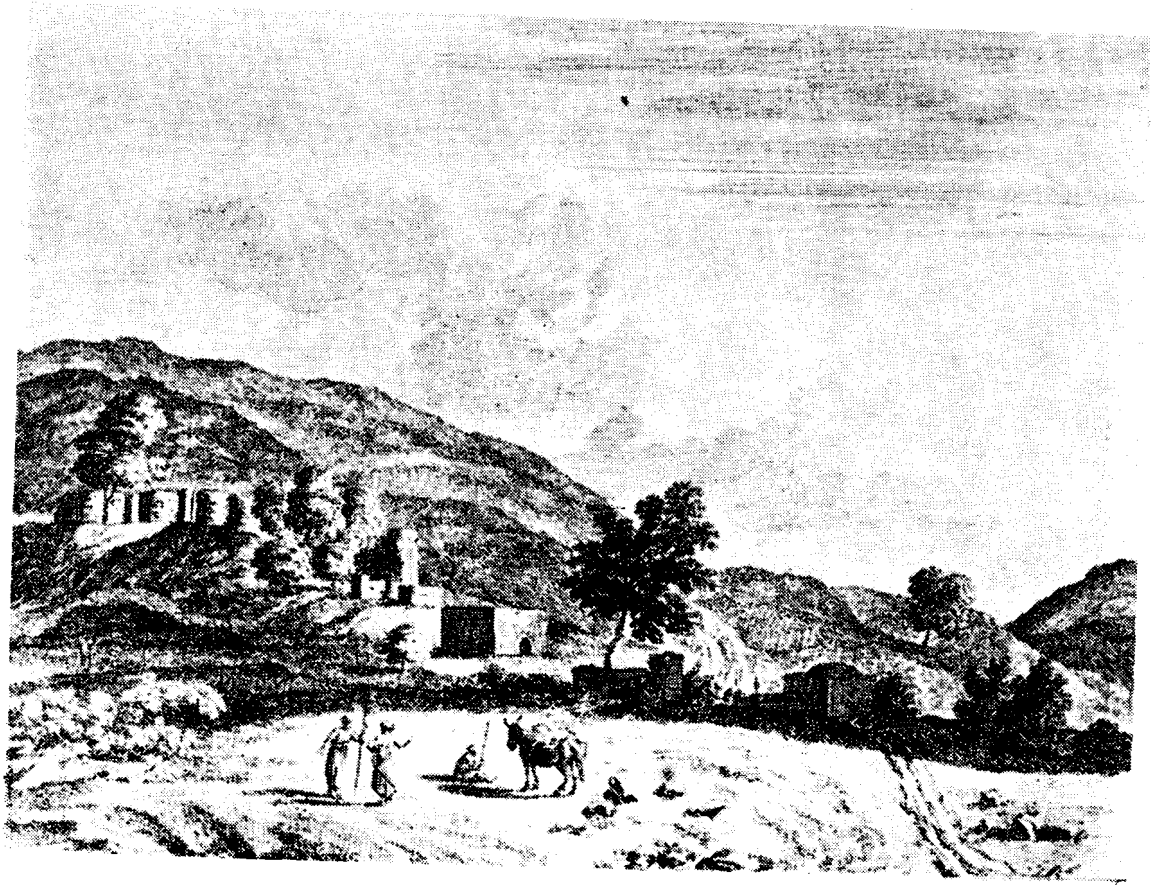

٨١ـ قنات

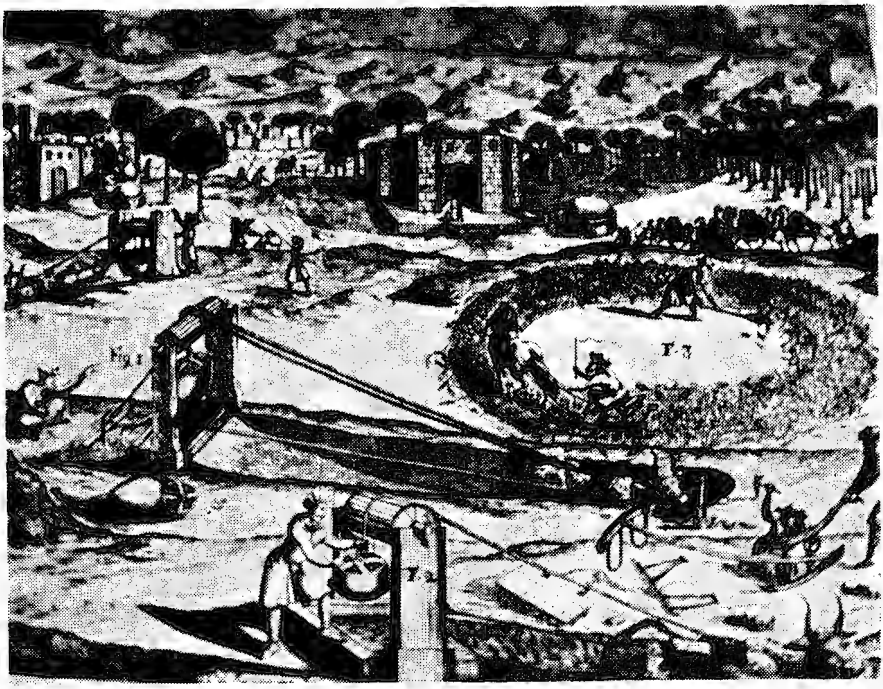

۸۲ ـ خرمن کوبی

۸۳ـ حمام و انواع آن

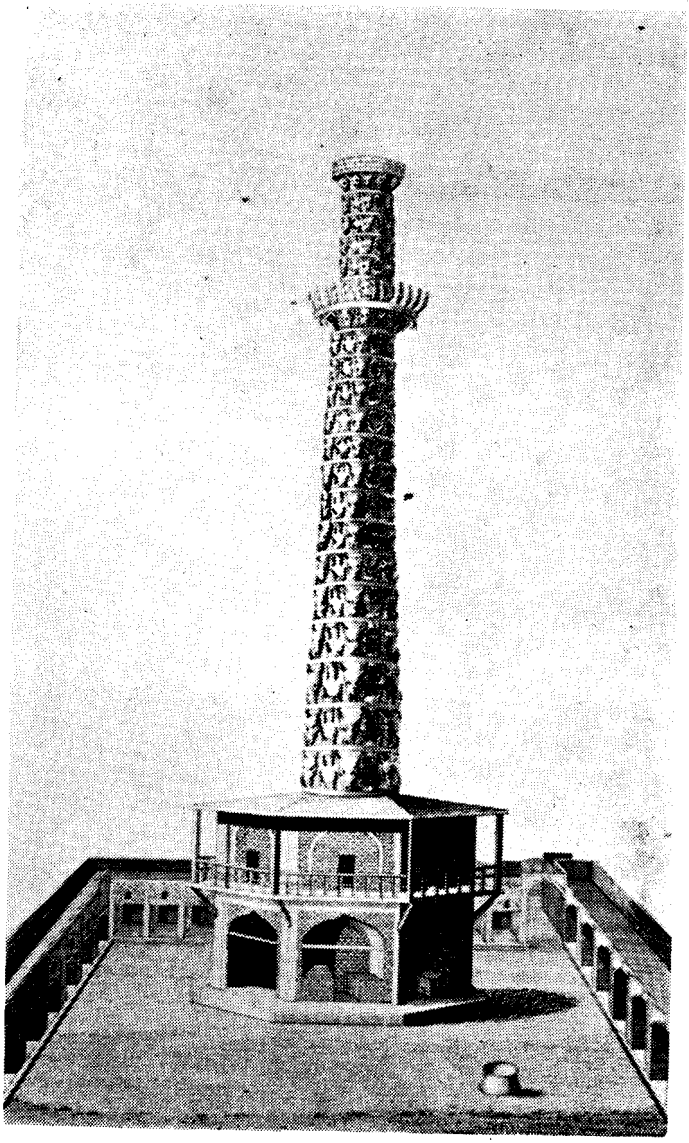

٨٤ - قلم منار

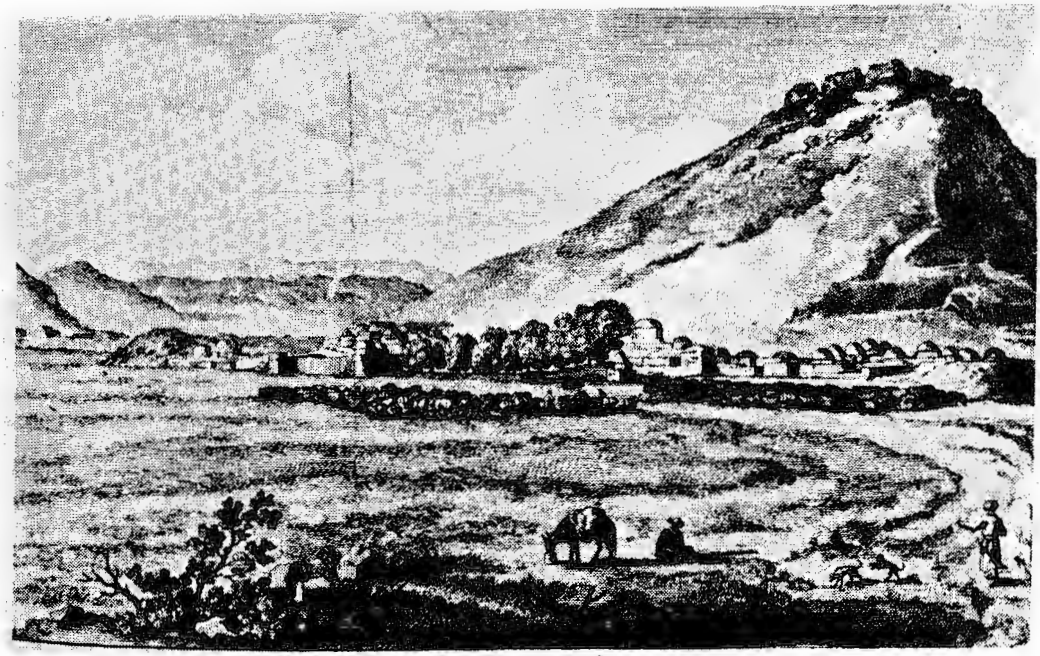

۸۵ - ده «چارگبرند» در حوالی سفید رود

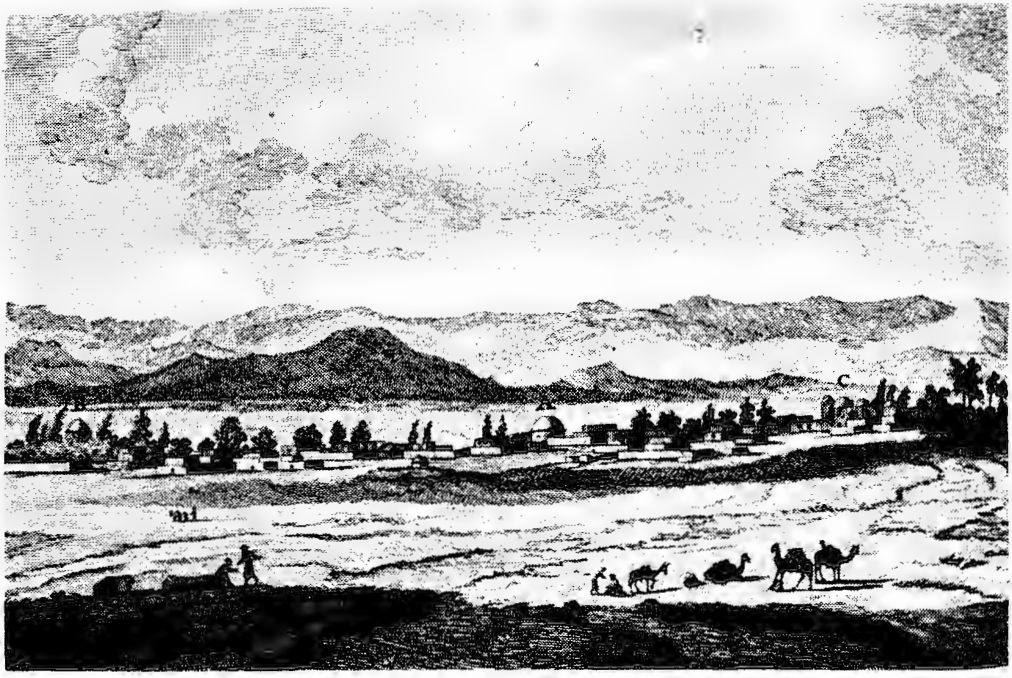

۸۶ - ده « سامگائل» در حوالی سلطانیه

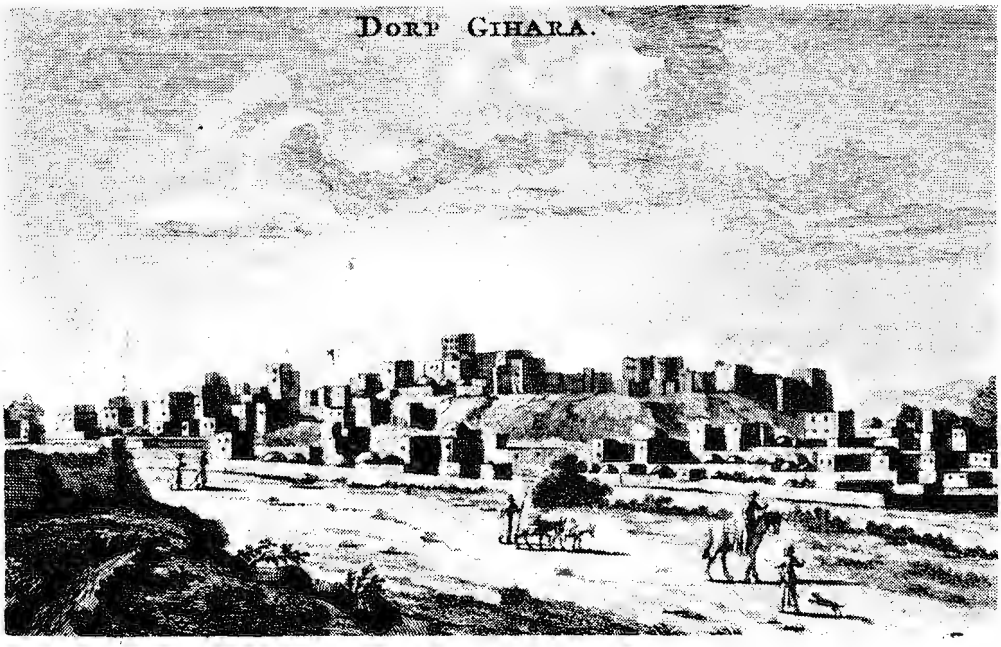

۸۷ - ده «گی‌هارا» در حوالی سلطانیه

۸۸ - دهی نزدیک «گی‌هارا»

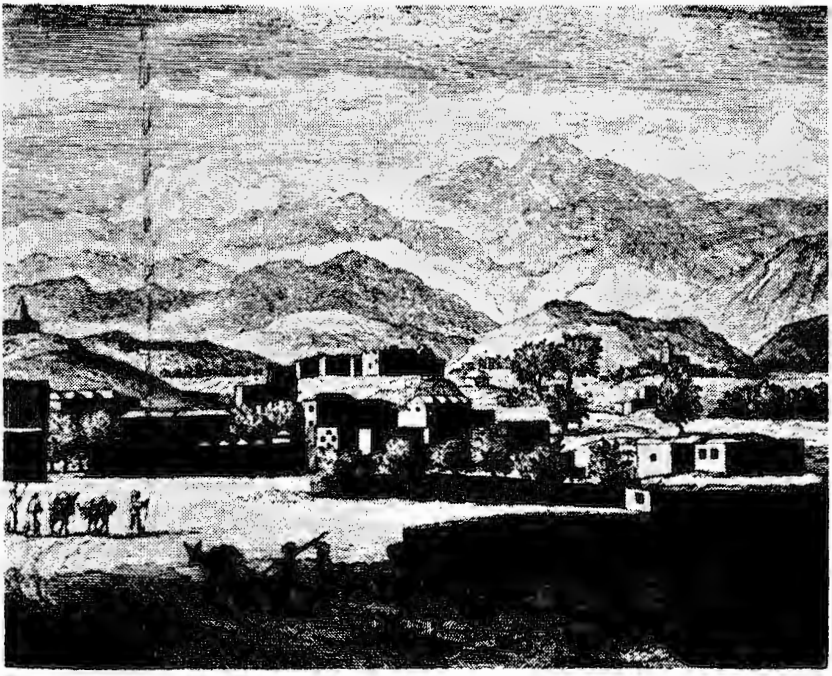

۸۹ـ ده « قر » یا « کر » در حوالی کاشان

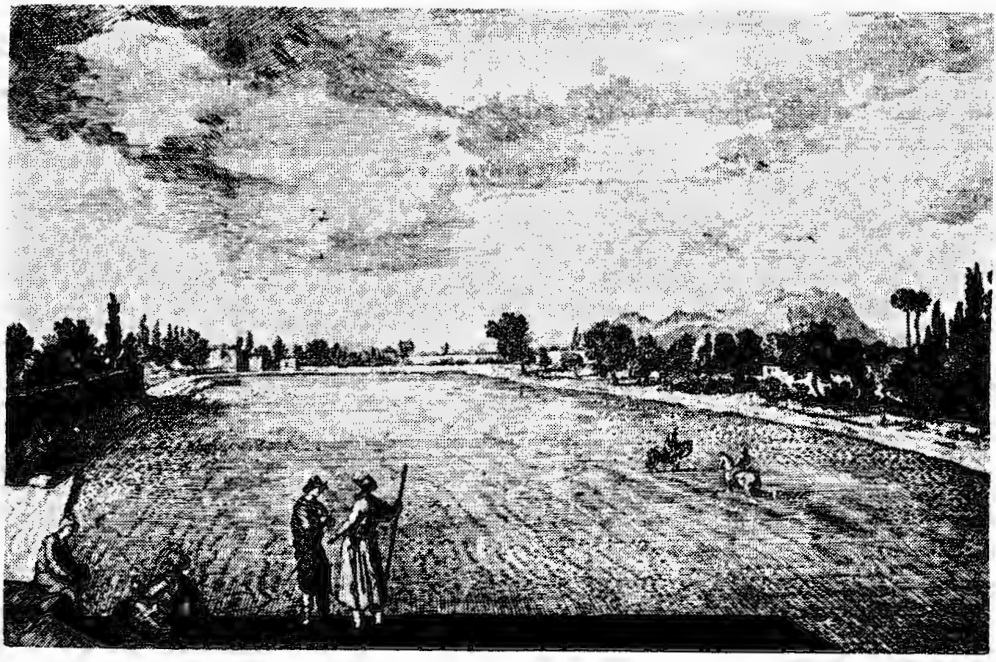

۹۰ـ حسن آباد درجنوب اصفهان

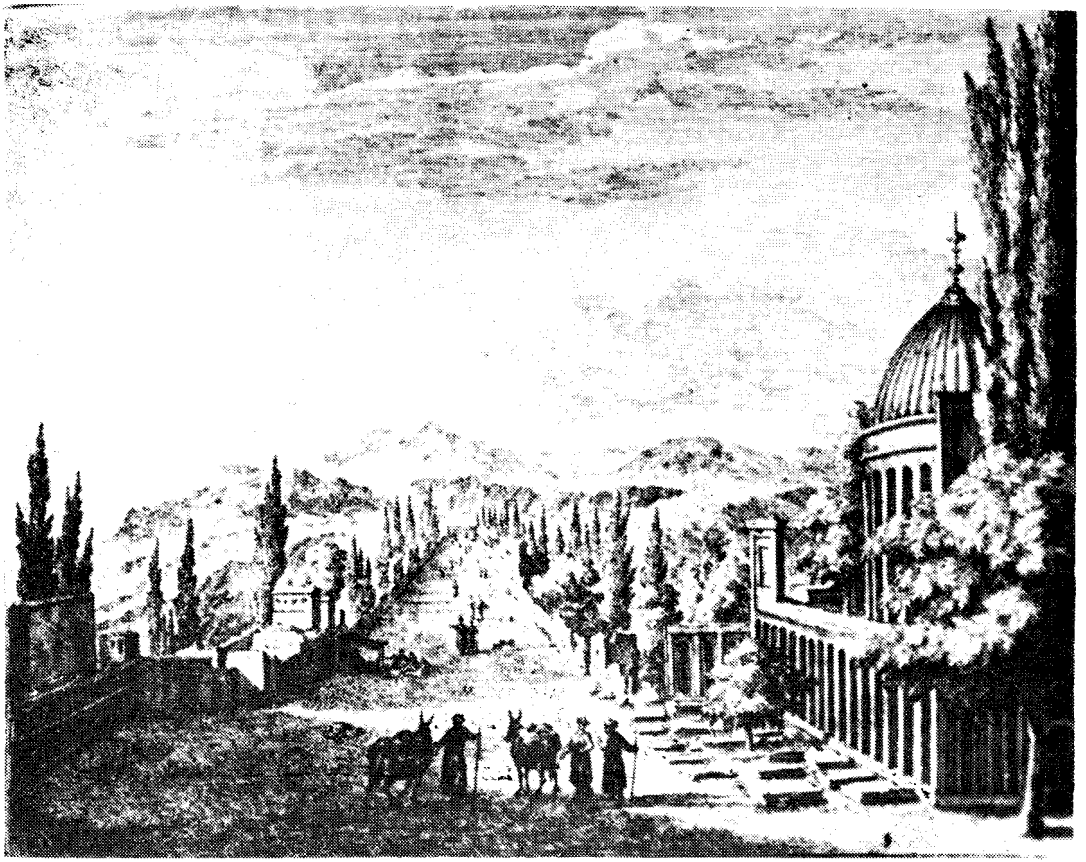

۹۱- تنگه الله‌اکبرد رسرراه شیراز به لار

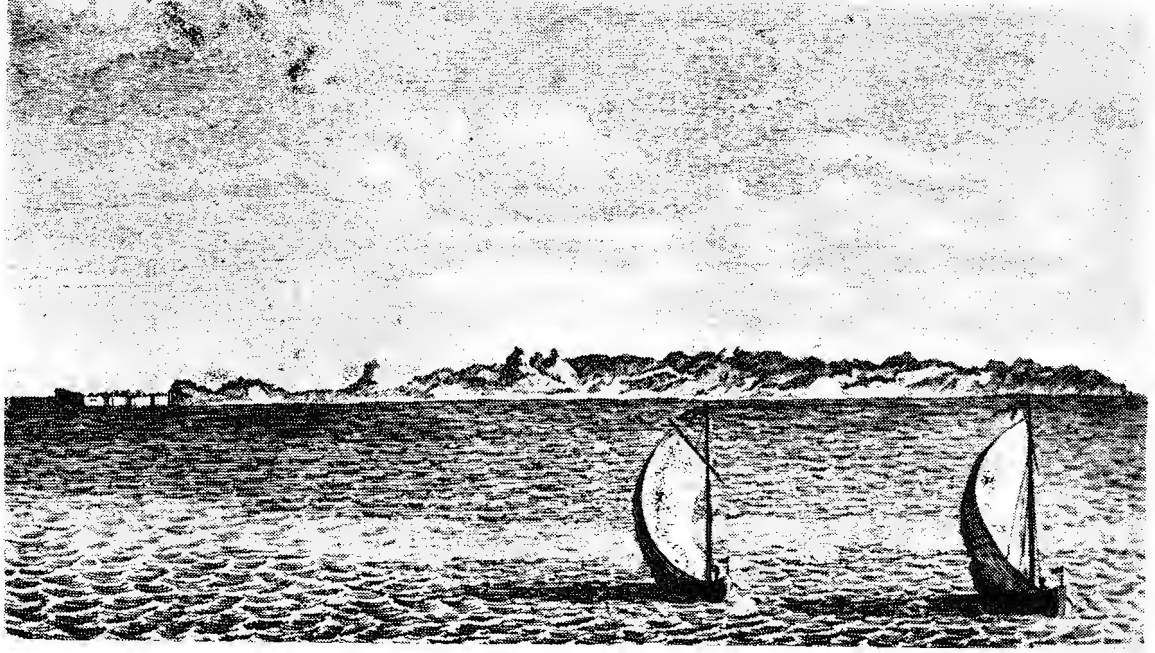

۹۲ - ساحل هرمز

۹۳- جزایرهرمز، لارك و قشم

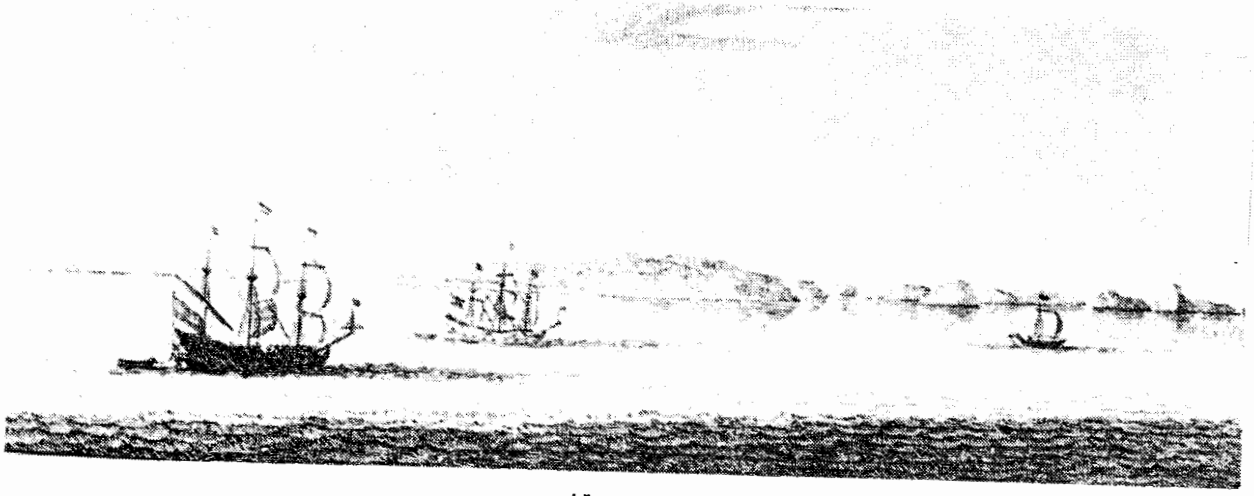

٩٤- جزيره قشم

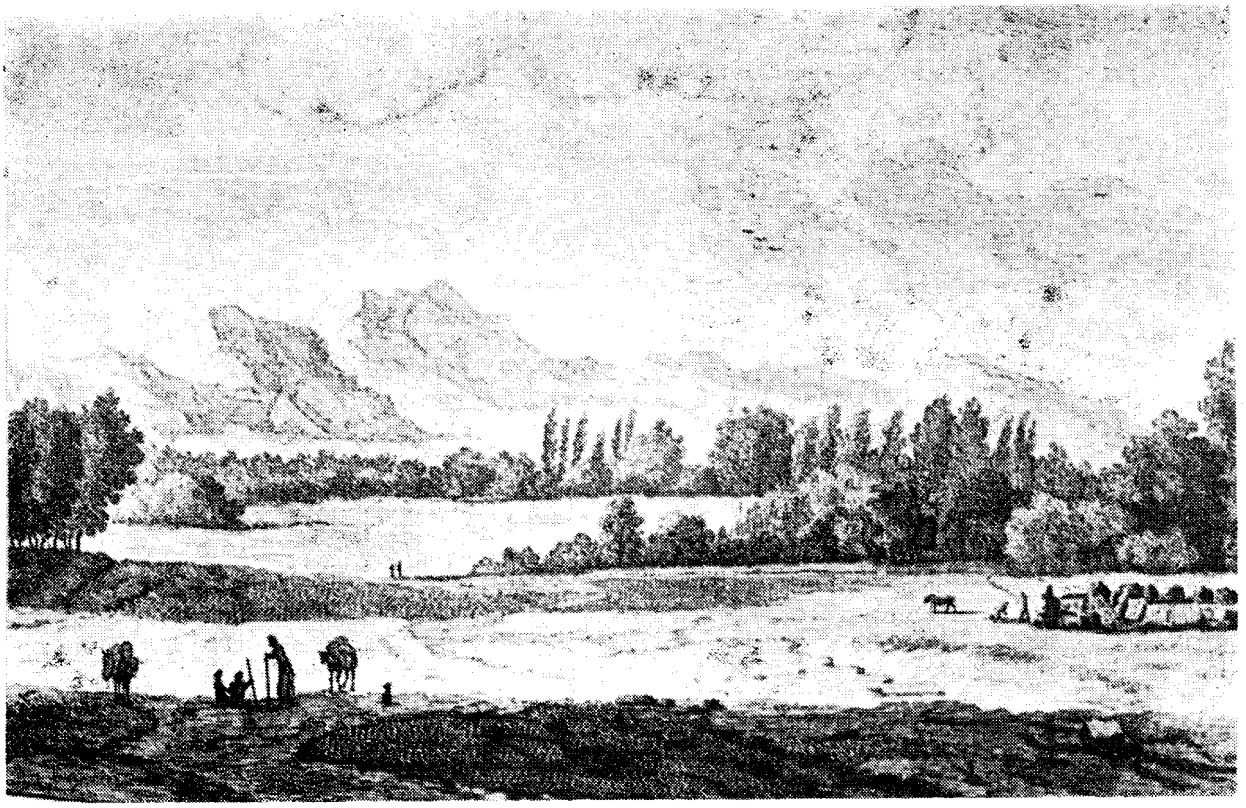

۹۵- چشم‌اندازی درنزدیکی «ساسا گائل»

۹۶ - تخت رستم

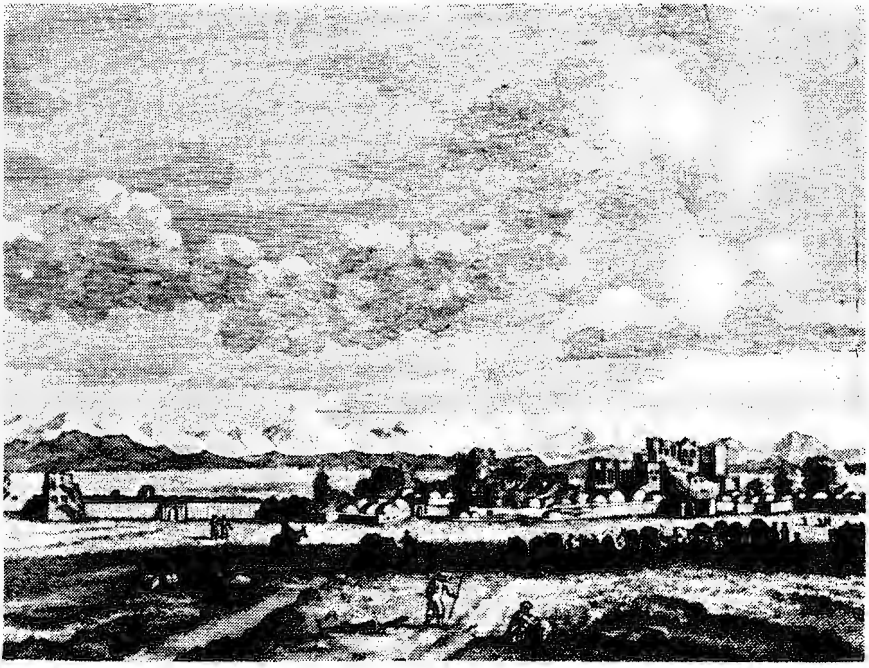

۹۷ - ده « ساکساوا »

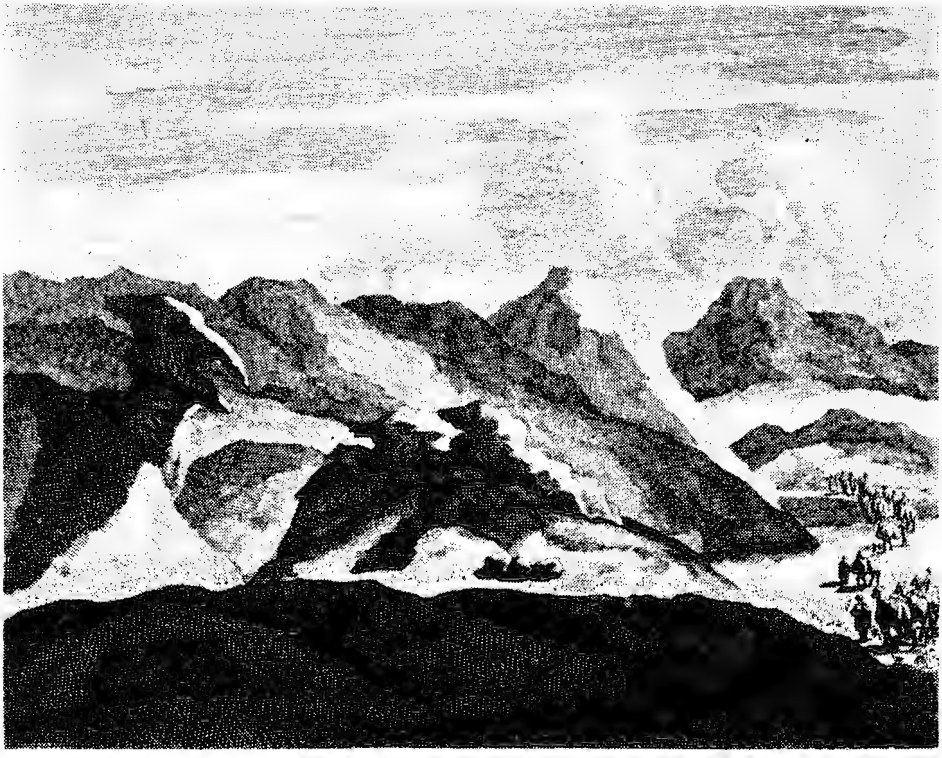

۹۸- منظره غریب یک کوه

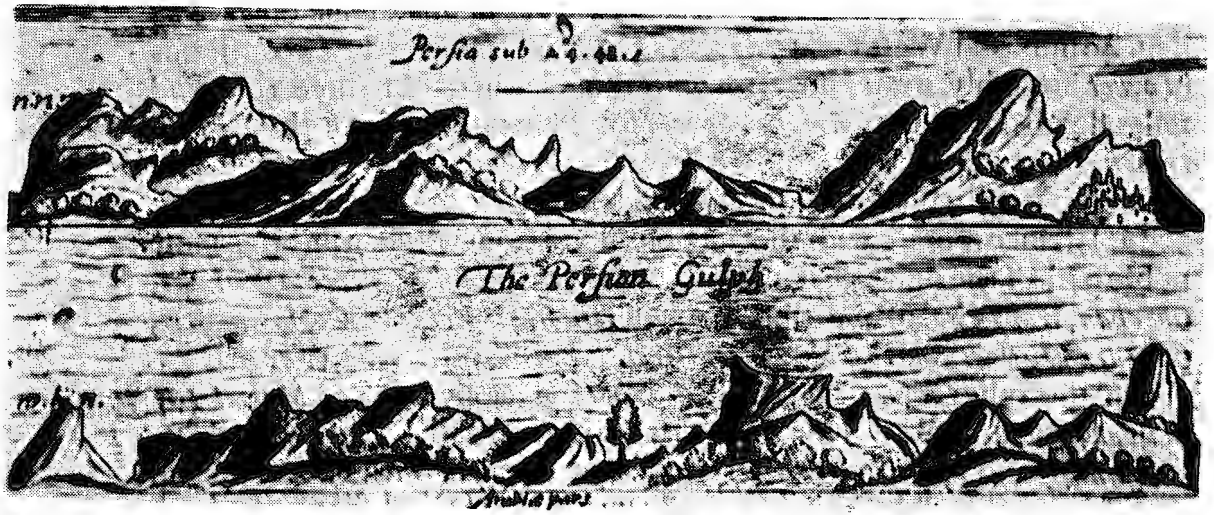

۹۹- چشم‌اندازی از خلیج فارس

۱۰۰- اسماعیل‌سفیر ایران در دربار عثمانی

۱۰۱- شاه صفی اول

۱۰۲ـ شاه صفی اول

۱۰۳ـ شاه صفی اول

۱۰۴ - شیخ صفی‌الدین اردبیلی

۱۰۵ ـ شاه سلیمان

١٠٦ - شاه سلطان حسين

۱۰۷- یوزباشي دربار شاه سلطان حسین

۱۰۸- پستچی

۱۰۹ - نادرشاه افشار

۱۱۰- کریم خان زند

۱۱۱- محمد شاه قاجار

۱۱۲ - ورود هیئت نمایندگی هلند به اصفهان

۱۱۳ - شرفیابی هیئت نمایندگی انگلیس به حضور شاه عباس کبیر

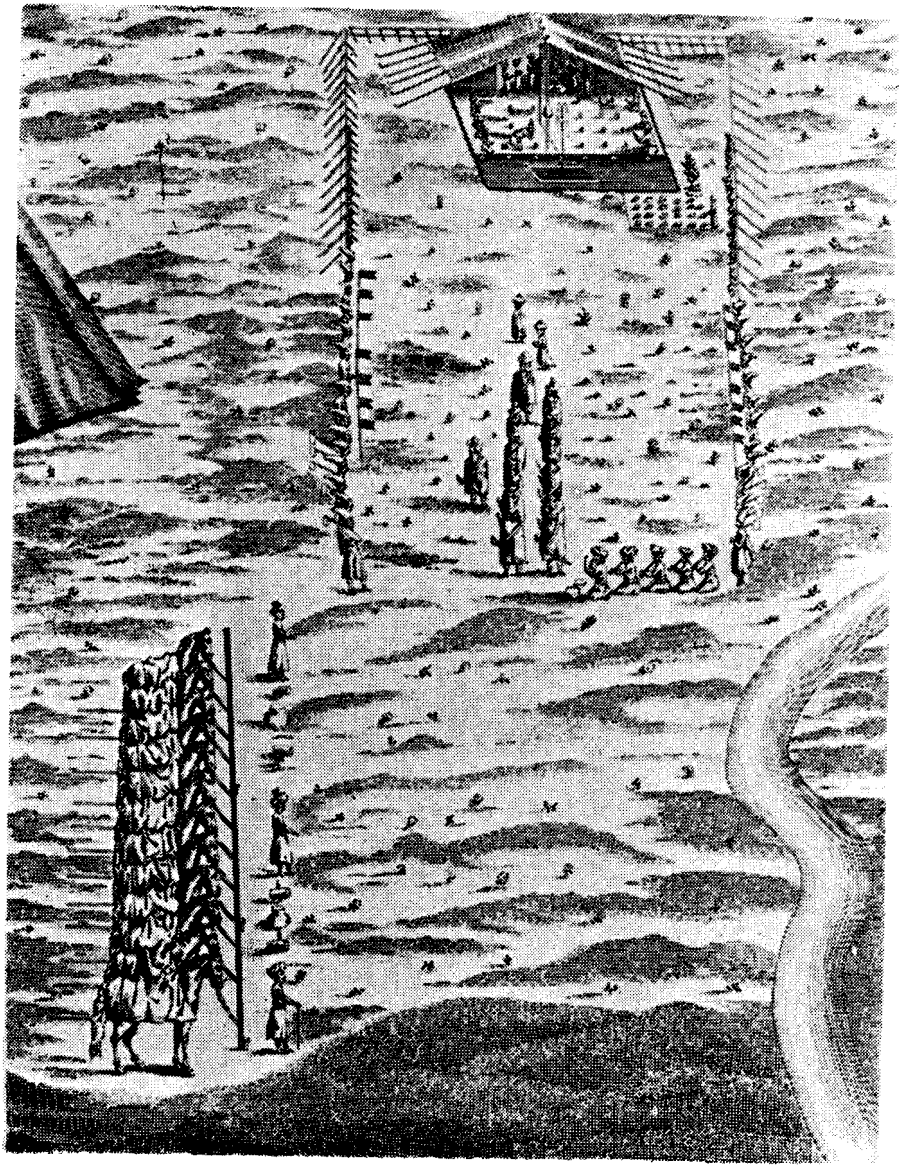

۱۱۴- شرفیابی هیئت نمایندگی هلند بحضور شاه سلیمان

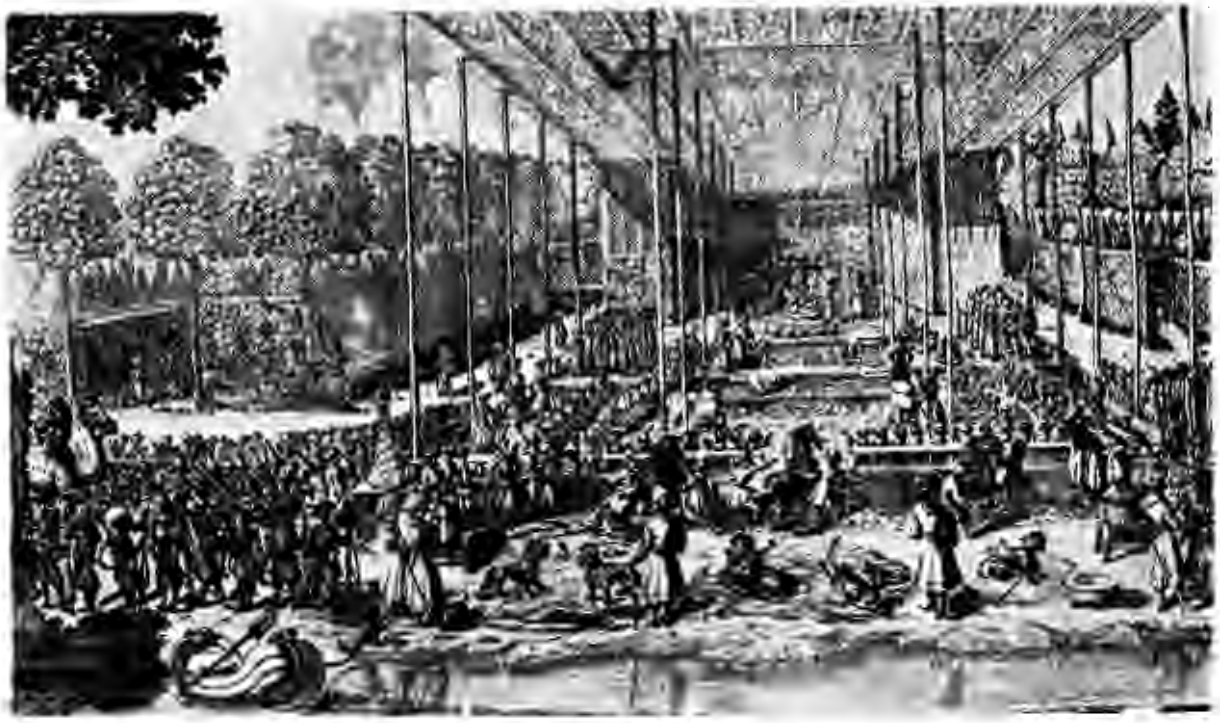

۱۱۵ـ سلام در دربار شاه سلیمان

۱۱۶- تاجگذاری شاه سلیمان

۱۱۷- تاجگذاری شاه سلیمان

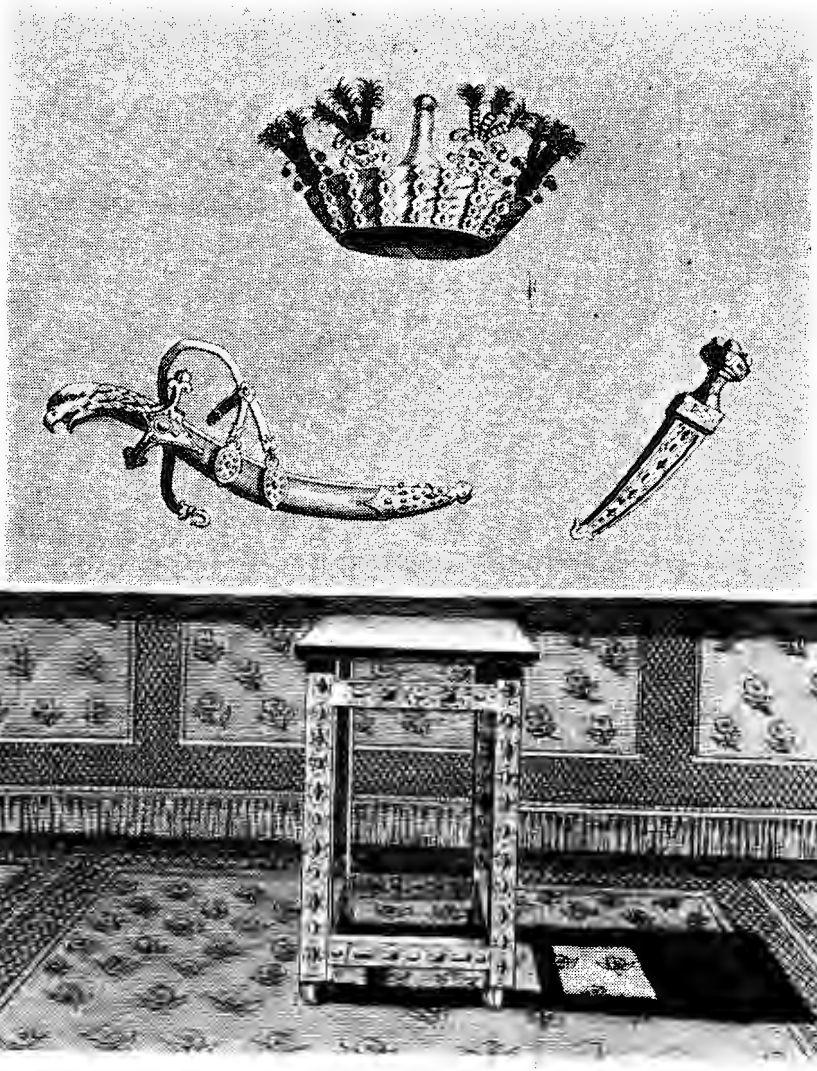

۱۱۸ـ ادوات مربوط به تاجگذاری در زمان شاهان صفویه

۱۱۹- جقه شاهي‌سمت چپ، پائين

۱۲۰- مراسم عید قربان

۱۲۱- مراسم ختنه

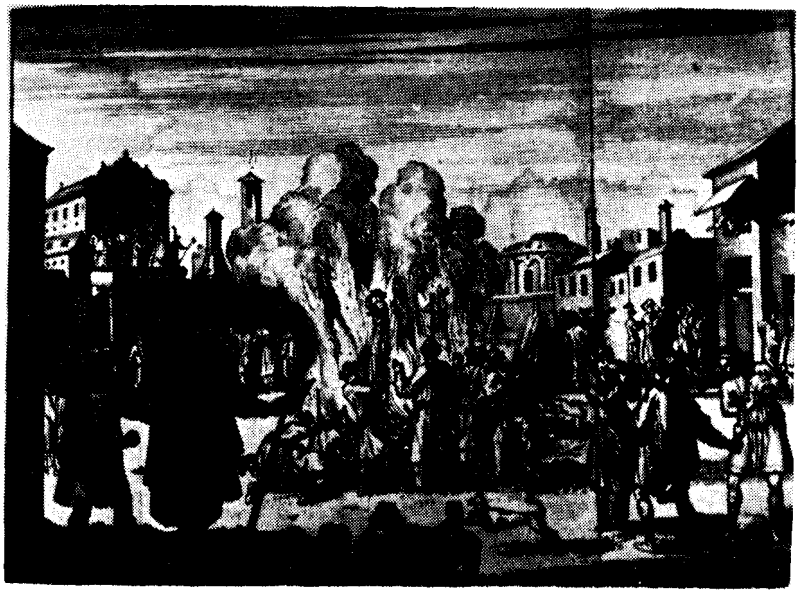

١٢٢- مراسم عيد عمر

۱۲۳- تشیع جنازه یک مرد محترم

۱۲٤- مراسم دفن

۱۲۵ـ مراسم سوگواری ارامنه

۱۲۶- مراسم سوگواری ارامنه

۱۲۷ ـ مجازات وزیر فریدون‌خان حاکم استرآباد

۱۲۸ـ کشته شدن یک قزلباش بفرمان یک سفیر خارجی

۱۲۹- چوب و فلک در مکتب

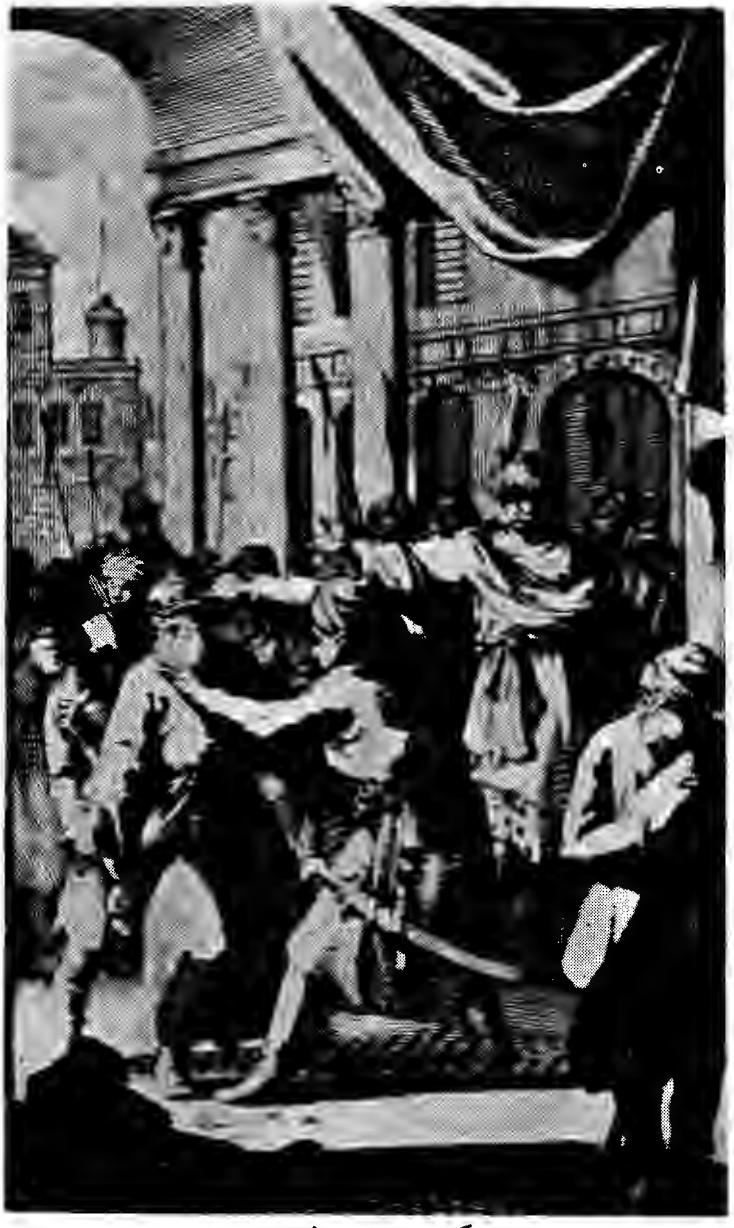

شکل ۱۳۰- بریدن بینی

۱۳۱- نجیب‌زاده‌ای دربند

۱۳۲- نمایش لباس

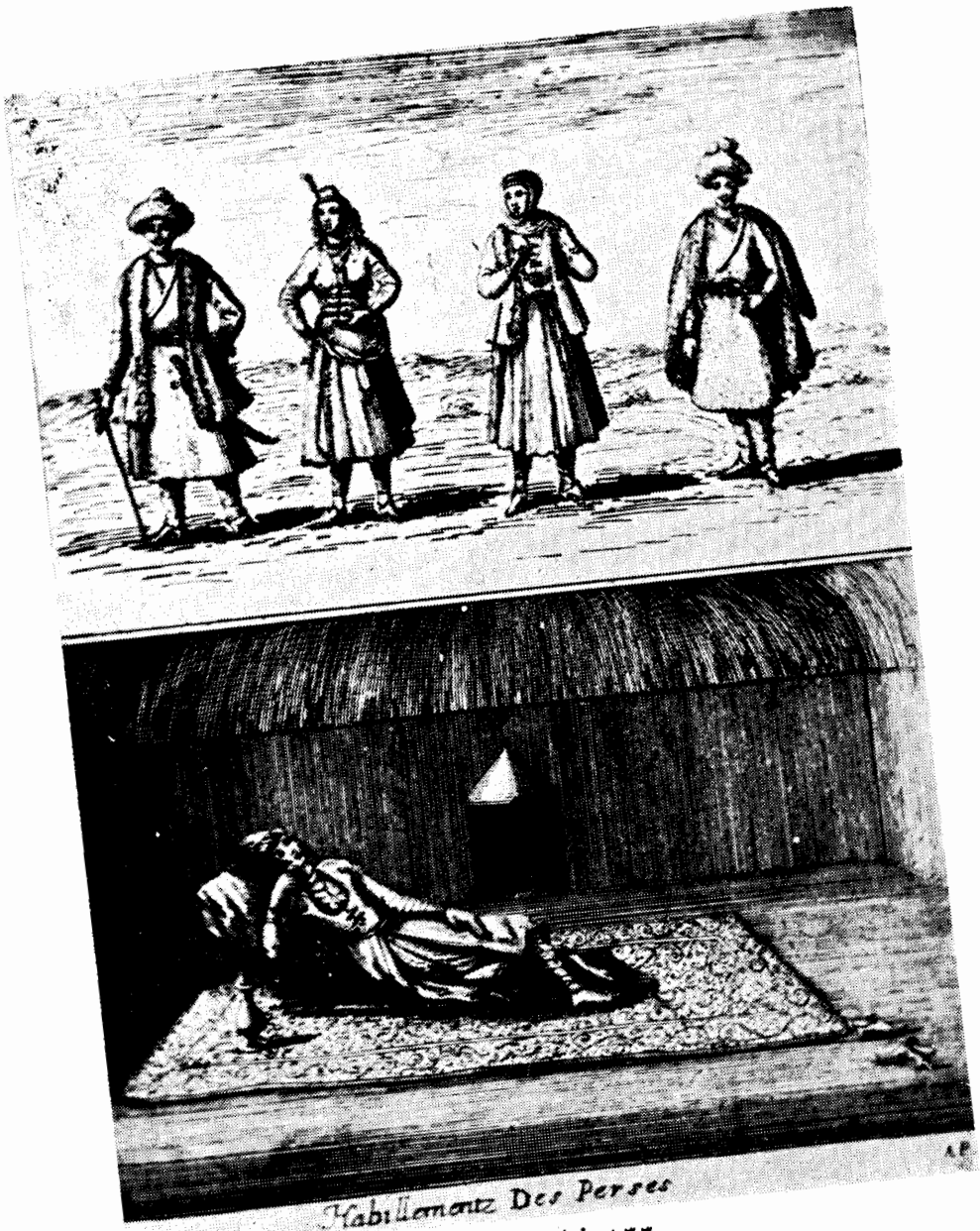

۱۳۳- نمایش لباس

۱۳٤- نمایش لباس

شکل ۱۲۵- نمایش لباس

۱۳۶- نمایش لباس

۱۳۷- یک قزلباش

۱۳۸- یک خانم زردشتی

۱۳۹- یک خانم ارمنی

۱٤۰- یک خانم ایرانی

۱٤۱- یک خانم ایرانی

۱۴۲- یک کنیز

کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران

۱۴۳ـ یک غلام سیاه

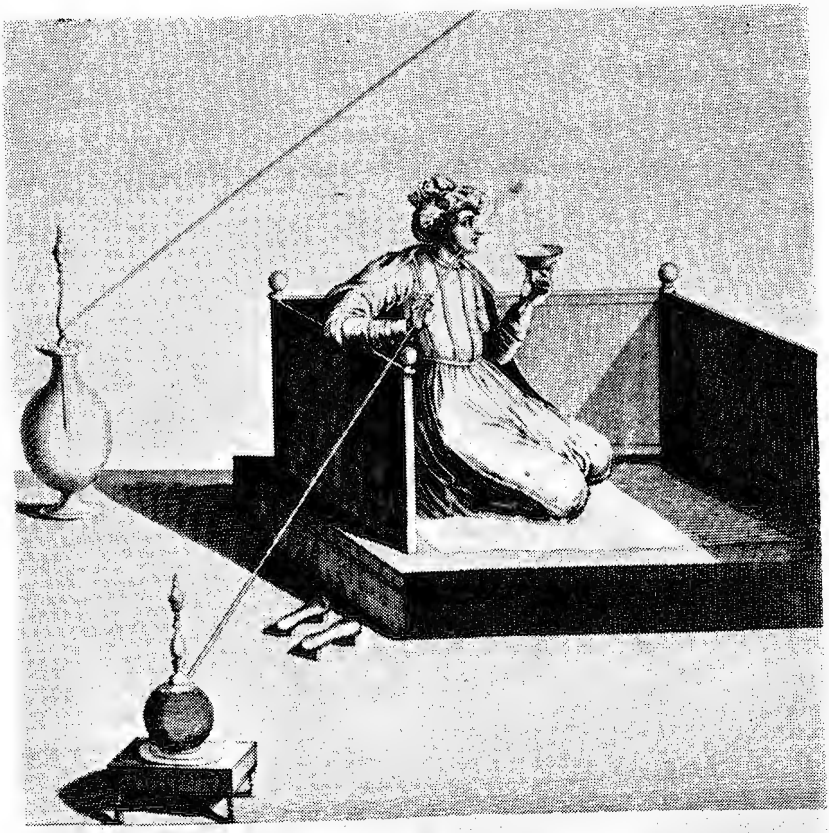

Persan fumant le Calyoun قلیون

۱٤٤- قلیان کش

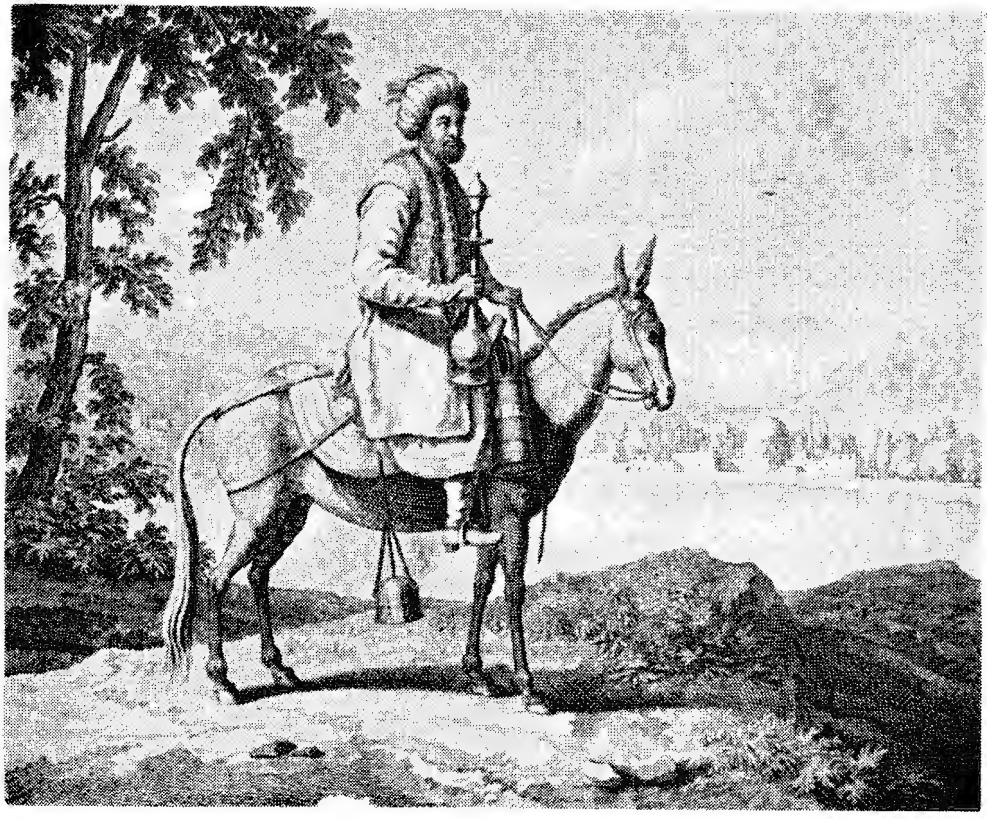

۱۴۵- قلیان کش

۱٤٦- دراویش

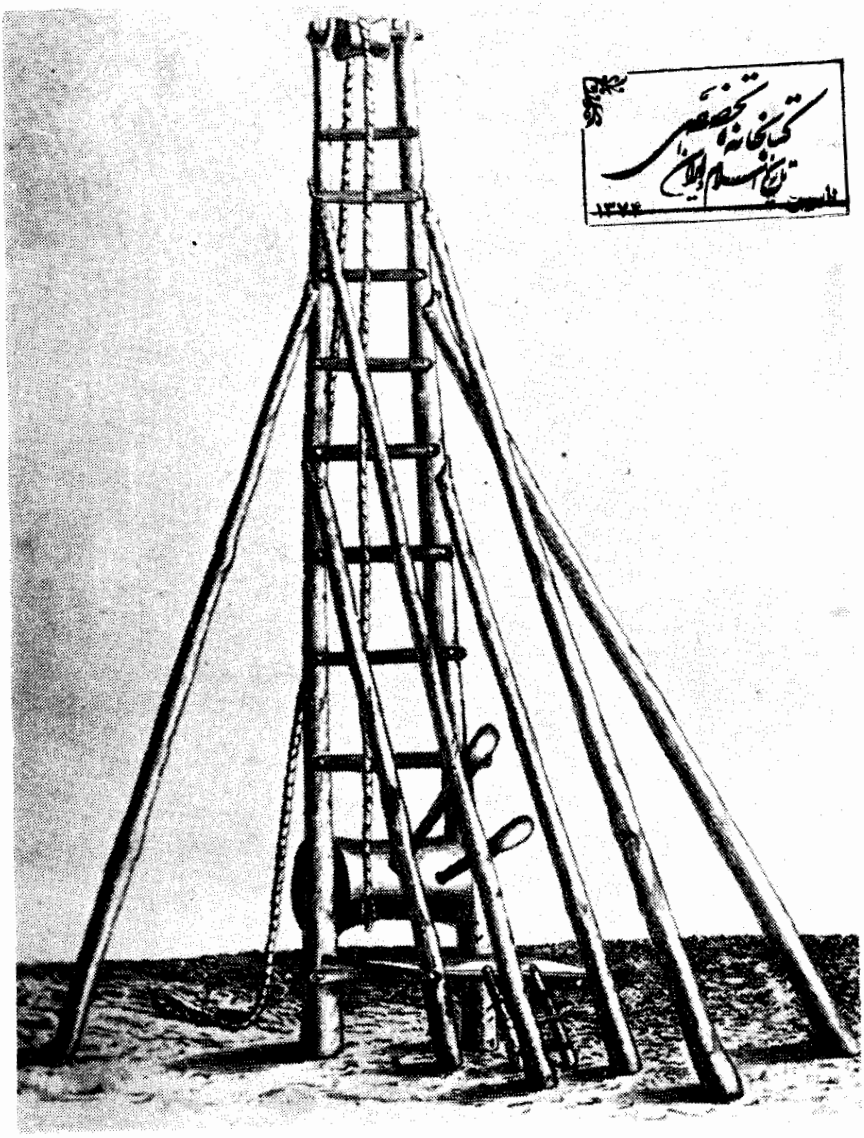

کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران
۱۳۷۶

۱۴۷۰- دستگاه آب کش

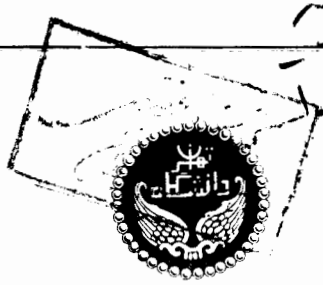

Publikation der
Universität zu Tehran
Nr. 1222/2

IRAN

in europäischen Bildzeugnissen

vom Ausgang des Mittelalters bis ins achtzehnte Jahrhundert

Band II

Dr. Phil. G. A. Homayoun

Ass. Prof. an der Fakultät für die Schönen Künste
Universität zu Tehran

Tehran, 1970